

درگوشی با زوج های جوان

ترجمه ی کتاب همسة فی اذن الزوجین

مؤلف : دکتر حسان شمسی پاشا

مترجم : میلاد لهونی فرد

فهرست مطالب

مقدمه

تفکری در آیات قرآنی ۱

تفکری در آیات قرآنی ۲

عشق در خانه پیامبر ۱

عشق در خانه پیامبر ۲

عشق در خانه پیامبر ۳

عشق در خانه پیامبر ۴

عشق در خانه های صحابه

کدام از شما نیت کرده است؟

چرا پاک کن ای پدر؟

سخن نیکو صدقه است

محترمانه رفتار کنید

به همسرت احترام بگذار

خودت را برای شوهرت آراسته کن

همراه او باش نه فقط در کنارش

لحظاتی گرم

مردها چه چیزی دوست دارند؟

خیرخواه دیگران باش

مرد مانند زن نیست ۱

مرد مانند زن نیست ۲

چگونه با شوهرت رفتار می کنی؟

واژه ها و واژه ها !

چگونه همسرت تو را دوست بدارد؟

زندگی گوارای زناشویی؟

قدر همسرت را بدان

الاغت را طلاق بده و بسوی من بازگرد!

چشمانش را بخوان

رازهای خانه ات را پنهان مدار

رازهایی که کشف نشده اند!

نبایدهایی برای همسر

نبایدهایی برای شوهر

بهترین همسر باش

خانه ات مکانی برای آسایش است

آیا می خواهی بر قلب شوهرت تسلط یابی؟

دختر باش

نزدیک ترین راه به قلب شوهر

عشق مایه ی حیات

روزی در زندگی همسر !

پنج نکته درمیان زن و شوهر ۱

پنج نکته درمیان زن و شوهر ۲

نفرت انگیزها

توصیه ای ناب

همسر ۱

همسر ۲

همسر ۳

همسر نماز صبح نمی خواند !

بله برای نوسازی مودت و محبت

چرا به خودش نمی رسد؟!

از سرزنش دست بردار

پیرمردی همسرش را دوست دارد

کمی صبر

احساسات همسرت

همسرت را همانگونه که است دوست بدار

چشم ها را از عیب ها بیوشان

تا عشق نمیرد

کی برای همسرت هدیه خریدی

مانند زنبور عسل باش

بخیل بودن در ابراز احساسات

با تمام وجودت با او رفتار کن

او من و فرزندانمان را آزار می دهد

بین مادر و همسرت

خانواده همسرم از من بدشان می آید

قلب مادر شوهرت را صاحب شو ۱

قلب مادر شوهرت را صاحب شو ۲

از هر دست بدهی از همان دست پس می گیری !

چگونه با خانواده همسرت رفتار می کنی ؟

نامه ای برای حامیان

خواهرت عزیزت است

همسرت را به سوی پیروزی یاری بده ۱

همسرت را به سوی پیروزی یاری بده ۲

به روش مستقیم در زندگی ام حکیم

همسرت مسافر است

همسرت کافیهست

همسرم در بازار یا در دید و بازدید

داد می زنند و می بخشند
هنوز از کار بزرگان بی خبری!
نامه های حاضری
شش نوع از زنان
چگونه با زنی که دوستش نداری رفتار می کنی؟
از وفاداری های کم یاب
اینگونه از همسر استقبال می شود!
چه کسی فرمانده است؟
زوج هایی که احساس خستگی می کنند
خودتان را دست کم نگیرید
بازگشت به مودت
مهربانی با زنان
زندگیتان را مثل هم نکنید
تو ملکه ی خانه ات هستی
چه کسی در را باز خواهد کرد؟
چشمش را به سوی من بلند نمی کند
گل خودت را با ایمان آب بده
محدوده های شرعی
همه زندگیم برای الله است
آیا کافیسست که همسر شخصی ملتزم باشد؟

هشدار به کاهش محبت در میان زن و شوهر

حرف زیبایی با من نزده است

همسری با هوش و دیگری نادان

چگونه عشق از بین می رود؟

دوری از خشک شدن رابطه زناشویی

چه کسی بیشتر سکوت می کند زن یا مرد؟

چگونه با شوهری که دوستت ندارد برخورد می کنی؟

چگونه قلب شوهرت را از دست می دهی!

مرد از چه چیز زن بدش می آید؟

زن از چه چیز مرد بدش می آید؟

هنگامی که مرد ناسازگاری می کند

اینگونه اشتباهات فراموش می شوند

در عذر خواهی کردن تردید نکنید

فن عذر خواهی میان زن و شوهر

عذر خواهی روشی دارد

چرا مرد عذر خواهی نمی کند؟! ۱

چرا مرد عذر خواهی نمی کند؟! ۲

بعضی از شوهران سنگ دلی می کنند

شوهرم به من تکیه می کند

یک مرد می خواهم

اول شوهر دوم شوهر !

همسر م خودش را به مریضی زده و بسیار شکایت می کند

شوهرم عوض نمی شود

شوهرم در خانه نمی نشیند

منابع

محتوای کتاب :

الله متعال می فرماید:

« ومن آیاته ان خلق لكم من انفسكم ازواجاً » " از نشانه های خداوند متعال این است که برای شما از جنس خودتان زوج هایی آفریده است " روم ۲۱

پیامبر عزیز می فرماید:

« ان ابليس يضع عرشه على الماء يبعث سراياه، فادناهم منه منزلة اعظم فتنة

يجيء ادهم فيقول: فعلت كذا كذا

فيقول: ما صنعت شيئاً

قال: ثم يجيء ادهم فيقول: ما تركته حتى فرقت بينه و بين امراته

قال: فيدنيه منه و يقول: نعم انت «.

" ابليس تخت فرمانروایی خویش را بر آب نهاد و سپس سربازانش را حاضر نمود تا در میان آنها از فتنه انگیزترینشان قدر دانی کند

یکی از آنها آمد و گفت من فلان کار را انجام دادم

ابلیس گفت: کار خاصی نکردی

سپس یکی از آنها آمد و گفت او را رها نساختم تا اینکه بین او و همسرش جدایی افکندم

ابلیس از او قدر دانی نمود و گفت چه کار خوبی انجام داده ای " رواه مسلم

چرا این کتاب؟

وقتی میزان مشکلاتی را که بسیاری از خانه های مسلمانان به آن گرفتارند بررسی می شود و در مورد اختلافات دامنگیر صعب العلاج صحبت می گردد، وقتی که بدانی چندین زوج روزها و شب ها را با دشمنی کردن سپری می کنند، هنگامی که بدانی به سبب این اختلافات چند خانه ویران گشته و چه خانواده هایی که از هم پاشیده شدند، هنگامی که بدانی درصد طلاق به بالاترین حد رسیده و در برخی از کشور های عربی ۵۰٪ از دواج ها به طلاق می انجامند، وقتی که بدانی طلاق چه آثار بلند مدتی را بر دختران و پسران در امروز و فردا برجای می گذارد، سرانجام اهمیت این نوع کتاب ها را درمی یابی!

داستان های گوناگونی را در طول زندگی می شنویم و می خوانیم که بعضی از آنها گل لبخند را بر لب هایمان می کارد و برخی دیگر اشک را در چشم هایمان جمع می کند برخی از آنها به محض اتمام گوش فرا دادن به آنها از یادمان می روند و بعضی دیگر به یاد ماندنی اند و در هر موقعیتی براساس معنا، آن را تغییر می دهیم. موضوعاتی که در ما سوالاتی را برمی انگیزانند و دیگری علت وقایع درون این خانه ها و جوامع را به ما ارائه می کند. خوشبختی زندگی زناشویی رویایی صعب الوصول یا چیزی قابل وصف و قابل مقایسه و جرعه ای درمان که نیست که با نوشیدن آن خوشبختی برایت محقق گردد.

خوشبختی زندگی زناشویی فنی است که هر زوجی باید آن را فراگیرند و این امر تنها توسط یکی از آن دو نفر انجام نمی گیرد بلکه حاصل همکاری مشترک زوجین در تمام مراحل زندگی می باشد. کارشناسان اتفاق نظر دارند بر اینکه سهم بیشتر را در خوشبختی زندگی زناشویی زن برعهده دارد حتما می گویی چرا من؟ و چرا او نه؟ چرا همه چیز برعهده زن است؟ زن در ایجاد خوشبختی بر جو خانواده همان جانب قدرتمندتر است چون دارای احساسات نرم و لطیف است و قدرت تحمل و مسولیت پذیری بالایی دارد و می تواند به آسانی قلب شوهرش را مالک شود هنگامی که بداند چگونه با وی رفتار کند و آنچیزی را که دوست دارد انجام دهد و از آنچیزی که بدش می آید دوری کند چون زن فرمانبردار و مهربان می تواند مرد را خوشبخت کند و با عشق و محبت خانواده را تشکیل دهد و این چیزی است که زنی پاک می تواند آن را به راحتی انجام دهد و به همین سبب کلید خوشبختی زندگی زناشویی در دستان شماست سرکار خانم!

زنی که بتواند در وجود شوهرش آرزوهایش را جستجو کند و بسیاری از مسولیت های خانوادگی و مشکلات فرزندان را از دوش او بردارد و در غم هایش با او همراه و سعی در کسب رضایتش داشته باشد

این همان زنی است که در فن خوشبختی زندگی زناشویی مهارت یافته است. به یاد داشته باش که فرمانبرداری تو از شوهرت فرمانبرداری از الله متعال است و سعی بر رضایت او راضی کردن الله جل جلاله می باشد و این همان چیزی است که باعث می شود تو از اشتباهات او درگذری و منتظر پاداش خداوند در آخرت باشی قبل از این که در دنیا به آن دست یابی و بدی را با نیکی پاسخ دهی همانگونه که خداوند متعال می فرماید: «ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم» «بدی و زشتی دیگران را با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده، نتیجه این کار آن خواهد شد کسی که میان تو میان او دشمنی بوده است به ناگاه همچون دوستی صمیمی گردد» فصلت ۳۴ / پس اگر این حال میان تو و کسی است که در میانتان دشمنی است پس اکنون حال میان تو و کسی که در بینتان محبت و مودت و رحمت است چگونه باشد؟! و اکنون ای مرد اگر خواستی با خوشبختی مداوم ازدواجت را رقم بزنی بایستی با همسرت رفتار نیکویی داشته باشی و در کارهایت با او مشورت کنی و او را در تصمیمات خود شریک سازی، با او بنشین که چیزهای مورد اهمیت خود را برایش مشخص کنی و به دغدغه های وی گوش جان سپاری و به نرمی با او شوخی و احساس کن که دوستت است به او احترام بگذار و او را نترسان، اگر واقعا اشتباهی کردی از او عذر خواهی کن و نظراتش را محترم شمار و همانگونه که به تو محبت می کند به او محبت کن.

خانه خوشبخت خانه ای نیست که خالی از اختلافات باشد بلکه آن جایی است که زن و شوهر بدانند چگونه بدون اینکه به محبت همدیگر آسیبی بزنند با هم اختلاف نظر داشته باشند. رابطه زناشویی در بهترین معنی خود رابطه ای همراه با آرامش و مودت و محبت می باشد! و چه زیباست قلبی وجود داشته باشد که تو صاحب آن باشی. پس صحبتی گرم و صمیمی برای گرم کردن دل های زن و شوهر برای سه زمستان متوالی کافیهست! زوج هایی که عاشق یکدیگرند هزاران اندیشه را بدون صحبت کردن با هم مبادله می کنند. بعضی ها گمان می کنند که عشق در زندگی زناشویی مانند تکنولوژی و علوم جدید یکی از مارک های جهانی است که از غرب وارد می کنیم. پیامبر عزیز طوری با همسرش عایشه رفتار می کرد که گویی دوستش است همانگونه که امام مسلم روایت می کند: «پیامبر همسایه ای ایرانی داشت که ثروتمند بود و غذایی برای پیامبر خدا پخت و سپس ایشان را به خانه اش دعوت نمود پیامبر فرمود عایشه چه؟ عرض کرد خیر پیامبر هم فرمود خیر! پس بار دیگر ایشان را دعوت کرد و پیامبر باز هم فرمود عایشه چه؟ عرض کرد خیر پیامبر هم فرمود خیر! بار دیگر ایشان را دعوت کرد و پیامبر باز هم فرمود عایشه چه؟ عرض کرد بله و ایشان برخواستند و به اتفاق به خانه اش رفتند». مسلم ۲۰۳۷

هنگامی که آن مرد ایرانی پیامبر عزیز را دعوت نمود رسول الله شرط قبول دعوتش را همراهی همسرش قرار داد. ببین چگونه میزان محبت در میانشان به حدی رسیده که خود را از همدیگر بی نیاز نمی دانند اگرچه دعوت فقط مختص به مرد باشد اما شرط آمدنش این است که همسرش نیز باوی بیاید! و راضی کردن فرد دعوت کننده بدون همسرش برای وی اهمیتی ندارد بلکه همراهی همسرش برای او مهم است این یعنی نهایت ارزش قایل شدن برای جانبی دیگر و زندگی زناشویی تنها حقوق و تکالیف نیست بلکه آن چیزی است که خداوند متعال بیان می کند: «ولا تنسوا الفضل بینکم» «گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید» بقره ۲۳۷ / پس آن زندگی که تنها بر پایه حقوق و تکالیف باشد زندگی خشک و بی روح و بدون لذتی است و غالباً تفاوت میان ازدواج های موفق و نا موفق در این است که بعضی چیزها را با چشم پوشی و گذشت از قلب هایتان بیرون بریزید و بایستی یکی از دو طرف از الآن به بعد پای بر نفس خود بنهد و از بیماری گرفته تا قرض یا فقر یا مشکلات کاری و شغلی بایستی در کنار هم باشند و از هم پشتیبانی و دلداری کنند، دردهای یکدیگر را کاهش داده و ظرفیت هم را بالا ببرند. این عروس و داماد جوان از اولین روزهای ازدواجشان اختلافات کوچکی به علت اختلاف سلیقه در میانشان صورت می گیرد و چون با هم عهد بستند که تا بهشت در کنار هم باشند مرد می خواهد با همسر خویش که بسیار دوستش دارد آشتی کند پس گل زیبا و خوشبو و عط آگینی به او تقدیم کرده و همسرش نیز احساس شادمانی می کند و گل را از او می گرد و بارها آن را می بوید در حالی که از شوهرش راضی است و شوهرش به او می گوید: می بینم که بسیار آن را می بویی؟! همسرش نیز می گوید: بله چون این با ارزش ترین هدیه زندگی بوده است شوهرش هم می گوید: پس زود باش آن را در دهانت بگذار و بخور! همسرش نیز تعجب می کند و می گوید: چگونه آن را در دهانم بگذارم مزه اش بسیار تلخ است؟! پس لبخندی به رویش می زند و دستش را می گیرد و در چشمانش نگاه می کند و سپس به او می گوید: عزیزم زندگی ما مانند این گل است پس هنگامی که ما از تمام لحظات آن بدون ناراحتی و نگرانی استفاده کنیم همانند بوییدن این گلی است که تو از بوی خوش آن بهره مند گشته ای اما اگر به دشمنی و ناراحتی راضی شدیم مانند کسی می شویم که این گل را می خورد با اینکه می داند بسیار تلخ است. همسرش هم گفت: بله پس چرا بجای اینگه گل را بخوریم آن را نبوییم!؟

در رفتار و صحبت کردن در خانه ات الگو باش چون رسول الله می فرماید: «همه شما مانند چوپانی هستید که در قبال زیردستانتان مسؤلیت» و از همسرت رفتاری را نخواه که در خودت نباشد و نفس خود را محکم بنا کن قبل از اینکه دیگران آن را برایت راست گردانند. فردی ایستاده بود و جمع زیادی را پند می

داد و می گفت: باید با هم دیگر تسامح داشته باشیم چگونه از خداوند بخواهیم که ما را ببخشد در حالی که ما به هیچ بنی بشری رحم نمی کنیم؟! بعد از اینکه صحبتش تمام شد دست همسرش را گرفت و رفت هنگام بازگشتشان به خانه همسرش به او گفت: همیشه می خواستم چیزی به تو بگویم ولی شک داشتم صحبت های امروزت جراتی به من داد که در این باره با تو سخنی بگویم مرد به او گفت حرفت را بزن عزیزم! همسرش گفت: ساعت طلائی را برداشتم و آن را فروختم که چیزهای مورد نیازم را تهیه کنم! به یکباره اتومبیل را متوقف کرد و به او گفت: چه می گویی؟! همسرش گفت: بله به مقدار زیادی پول نیاز داشتم و تو در دسترسم نبودی و راهی جز انجام این کار نداشتم؛ فوراً سیلی به او زد و گفت این دزدی است آیا به من گفتی و به تو نداده ام؟! با وجود ضربه سیلی که خورده بود لبخندی زد و گفت: خواستم امتحانت کنم همانگونه که چند لحظه قبل مردم را و عظمی کردی با مهربان هستی یا نه! خیالت راحت باشد عزیزم ساعتت هنوز در دستت است.

چیزی را که تو در زندگیت از دست داده ای از دیگران نخواه که انجام دهند « یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون / کبر مقتا عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون » " ای مومنان چرا سخنی می گوید که خودتان برابر آن عمل نمی کنید؟ / اگر سخنی را بگویید و خودتان برابر آن عمل نکنید موجب کینه و خشم عظیم خدا می گردد " صف ۲-۳

از همسرت غافل مشو که او رفیق راه و همدم زندگیت است و در روزهای خوشی و سختی با تو زندگی می کند جوانی و هر آنچه که دارد ارزانی تو داشته پس چگونه همه اینها را فراموش می کنی؟! آیا تاثیر آن را بر او و فرزندانت نمی دانی؟! یکی از پدران از پسرش پرسید چه هدیه ای دوست داری بخری؟ پسر جواب داد پدری دیگر غیر از تو! پدر که از جواب پسر کوچکش در حیرت مانده بود از او علت را جویا شد و پسر جواب داد که تو زنی دیگر غیر از مادرم را خریدی! نتوانست بر سخن فرزندش سکوت کند و در حد عقل و فهمش به او گفت اما پدر که مانند اسباب بازی نیست هرگاه آن را نخواستی عوضش کنی و پدر جدید مثل من تو را دوست ندارد! پسر جوابی داد که درسی در آن نهفته بود و گفت « مادرم نیز اسباب بازی نیست با اینکه آن را داری یکی دیگر را بخری و حتی زن جدید مانند مادرم تو را دوست ندارد! ای پدر به یاد دارم هنگامی که مادرم خواهر کوچکم را به دنیا آورد و شما هم احساس خوشبختی می کردید، مادرم گفت الآن سه تا بچه دارم وقتی از او پرسیدم مادر پس سومی کیست گفت پدرت پسرم! وای پدر عزیزم در مدرسه آموختیم که مادر هرگز از فرزندانش دست نمی کشد اگرچه زندگیش نابود گردد او هرگز تو را ترک نکرده هانگونه که تو با او کردی این مادرم است ای پدر آیا برای تو شایسته است که او

را به دیگری عوض کنی؟! « پدر در حالی که قطره های اشک بر صورتش آشکار بود جواب داد: سپاس خداوندی را که فرزندی مانند تو و همسری مانند مادرت را به من عطا فرموده است.

و در مقابل زوج هایی هستند که زود جوش می آورند و شدت به خرج می دهند و بر همسر خویش طاقت نمی آورند و با کوچکترین دلیلی درخواست جدایی می کنند پس حسابت را بازیابی کن و خوبی های همسرت را به یاد بیاور گمان نمی کنم خوبی نداشته باشد و شایسته نیست که زن از شوهرش بخاطر یک عیب متنفر شود چه مردهایی هستند که از شوهر تو بیشتر ظلم می کنند و بد اخلاق تراند و همسرانشان جز با یادآوری خوبی هایشان نمی توانند آنها را تحمل کنند. پیامبر می فرماید: « خداوند تبارک و تعالی به زنی که از شوهرش قدر دانی نمی کند درحالی که همچنان به او نیازمند است، نمی نگرد » صحیح الترغیب ۱۹۴۴

پس آیا تو از او بی نیاز هستی؟ آیا به راستی دوست داری به سوی خانواده ات بازگردی؟ و آیا حقیقتاً می خواهی جدا شوی؟ و این تجربه هایی که بسیاری از آنان مجانی اند از روابط زناشویی صحبت می کنند و چگونگی رسیدن به خوشبختی زندگی زناشویی و شناخت خطاهای فاحشی که بعضی از زوج ها در آن می افتند و به خیالشان زندگی زناشویی را می سازند درحالی که آن را نابود می کنند و از خود بی خبرند! پس چرا این زوج در خودشان فرهنگ سازی نمی کنند و از این تجربه ها آگاه نمی شوند کتابهایی را که در این مورد صحبت می کنند نمی خوانند؟!

چه بسا در جاهایی بر زنان و در جاهایی بر مردان سخت بگیرم اما از اینها قصدی جز اصلاح خانه های مسلمانان و وارد کردن خوشبختی بیشتر در آنها را ندارم چون اگر خانه اصلاح گردد تمام امت اصلاح می شود. و در پایان دوست دارم اضافه کنم که برای خواننده این کتاب شایسته نیست که در مورد موضوعات آن حکم کلی دهد چون هر خانه ای ویژگی های خاص خودش را دارد و هر رابطه زناشویی با دیگری متمایز است و درست نیست که خواننده به استناد آنچه می بیند که در این کتاب آمده بر جانی دیگر هجوم آورد و خودش را برای شریک زندگیش معلم و توجیه گر بداند. چه زیباست که در رفتارمان با یکدیگر حکمت داشته باشیم!

باذن الله این کتاب همزمان با کتاب (قلوب تهوی العطا) نوشته شده تا با هم ۳۶۵ شب دیگر را کامل کنند و این بعد از به اتمام رسیدن ۳۶۵ شب در کتابهای دیگرم به نام (سهره عائلیه فی ریاض الجنه) و (عندما یحلوالمساء) می باشد و همانگونه که در دو کتاب قبلی آوردیم هر شب به موضوعی مختلف اختصاص

دارد که از دو صفحه تجاوز نمی کند و ان شاء الله اگر عمری باقی بماند مجموعه (الف لیله و لیله لاسرة السعیده) را به پایان می رسانیم.

بار الهی در زندگی تمام زوج ها برکت قرار ده و در میان آنها خیر و نیکی را جمع بفرما و سایه محبت و آرامش و مودت را پی در پی در خانه های این امت مبارک به گونه ای پایدار بگستران که در این روزها بسیار به آن نیازمندیم! پس اگر به درستی بیان نمودیم از فضل و منت الهی و چنانچه مرتکب اشتباهی گشتم از طرف نفس خویش و شیطان بوده است. از خداوند متعال خواستارم که این صفحات را سودمند قرار دهد و نیت ها را پاک گرداند و به درگاه خویش بپذیرد که او شنونده دعاست.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

۱۵ رجب ۱۴۳۵ هجری - جده ۱۴ مایو (ایار) ۲۰۱۴ میلادی

حسان شمسی باشا

تفکری در آیات قرآنی ۱

لتسکنوا الیها:

الله متعال می فرماید: «ومن آیته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون» « و یکی از نشانه های خداوند این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفریده است تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما مهر و محبت انداخت مسلماً در این امور دلایلی است برای کسانی که می اندیشند " روم ۲۱

پس زن در کنار شوهر و او نیز در کنار همسر خویش آرامش می یابد و در مورد این روابط محکم خداوند می فرماید: «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» « آنان لباس شمایند و شما لباس آنانید " بقره ۱۸۷ / زن برای این آفریده شده تا همسری باشد که شوهرش در کنار وی آرامش پیدا کند و در او آسایش و راحتی را بیابد، خدمتکاری نیست که زده شود و به توهین شود در فضایی که سلطه و زور آن را تاریک ساخته باشد. زن به شوهرش احتیاج دارد که از او حمایت کند و مرد به همسری احتیاج دارد تا در کنار او آرامش گیرد و مردم احساسات خویش را در برابر جنس دیگر می دانند و این ارتباط بین دو جنس ذهنشان را مشغول می گرداند اما تعداد کمی از آنان به یاد می آورند که این خداوند است که از جنس خودشان همسرانی برای آنها آفریده و در این رابطه آرامش برای نفس و راحتی برای قلب و سکونی برای زندگی و آسایشی برای مرد و زن به طور مساوی قرار داده است.

وقدموا لانفسکم:

خداوند متعال می فرماید: «نسائکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم و قدموا لانفسکم و اتقوا الله و اعلموا انکم ملقوه و بشر المومنین» « زنان شما محل بذر افشانی شما هستند پس از هر راهی که می خواهید به آن محل در آید و برای خود پیشاپیش توشه هایی بفرستید و از خدا خود را بر حذر دارید و بدانید که شما او را ملاقات خواهید کرد و مژده بده به مومنان " بقره ۲۲۳

شیخ شعراوی می گوید «(وقدموا لانفسکم) یعنی برای خودت چیزی بفرستی که تو را آرام کند و همانگونه عمل کن که رسول الله هنگام فرا رسیدن زمان این نعمت انجام می داد یعنی وقتی با همسرت نزدیکی می کنی باید بگویی «اللهم جنبنی الشیطان و جنب الشیطان مارزقتنی» «مسلمان در این هنگام اگر فرزندی به دنیا آورد شیطان راهی در او نمی یابد چون تو هنگامی که آن را کاشتی نام زارع آن را که الله متعال است یاد کردی و مادامی که نام خالق را بردی تا ابد فرزندت را مصون کردی و عکس این ماجرا

زمانی که پدر فراموش کند نام خدا را به هنگام شکل گرفتن فرزند در همخوابی با همسرش یاد کند فرزندش تحت سلطه شیطان قرار می گیرد.

وقدموا لانفسکم یعنی چیزی برایش آماده سازی که طول زندگی و اعمالتان را در آن بسیار کند چون هنگامی که این موضوع را به قصد ایجاد فرزند انجام دهی و نام الله را ببری و از شیطان پناه ببری آفریدگار فرزندی صالح به تو ارزانی می دارد که برایت دعا می کند و به فرزندانش می آموزد که برایت دعا کنند و فرزندانش برایت دعا می کنند و این موضوع همینگونه ادامه دارد و اعمالت تا روز قیامت قطع نمی گردد.»

افضی بعضکم الی بعض

در تفسیر فرموده خداوند « وکیف تاخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقا غلیظا » "چگونه آن را بازپس بگیرید؟ و حال آنکه با یکدیگر آمیزش داشته اید و زنان پیمان محکمی از شما گرفته اند" نساء ۲۱ / قرآن فعل افضی (همخوابی) را بدون مفعولی مشخص به کار می گیرد و این لفظ به گونه ای مطلق به کار برده می شود که معانی گسترده ای دارد و تنها به موارد بدنی و ظاهری محدود نمی شود بلکه شامل احساسات و عواطف نیز می شود پس هر ابراز محبتی افضاء و هر نگاه محبت آمیزی افضاء و هر لمس بدن افضاء و هر همدردی و هم آرمانی افضاء است.

تفکری در آیات قرآنی ۲

خداوند متعال می فرماید: «ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف» « برای همسران حقوق و واجباتی است که باید شوهران ادا کنند همانگونه که برای شوهران حقوق و واجباتی است که همسران باید آن را به گونه ای شایسته ادا بکنند » بقره ۲۲۸

نصوصی که بر حق شوهر بر زن تاکید دارد بسیارند حتی پیامبر عزیز هم می فرماید: « به کسی دستور نمی دهم که برای احدی سجده کند اگر این دستور را می دادم حتما به زن امر می کردم که به شوهرش سجده کند » سلسله الصحیحه ۳۴۹۰

بلکه پیامبر هدایت زن را دستور داد که اگرچه مورد ظلم قرار گرفت صبر کند و تا شوهرش از او راضی نشده دلش پاک نگشته خواب به چشمانش نیاید. و این لطف از طرف زن نیکوکار برای این نیست که سدی را از بین ببرد بلکه در مقابل رضایت خداوند و داخل شدن به بهشت از هر دری که خواست شامل او می گردد. چون رسول الله می فرماید: « هنگامی که مرد نمازهای پنج گانه و روزه فرضش را به جای آورد و پاکدامن باشد و از شوهرش اطاعت کند به او گفته می شود از هر دری که خواستی وارد بهشت شو » صحیح الجامع ۶۶۰ / و باز هم می فرماید: « آیا شما را به زنانی از شما که اهل بهشتند آگاه نسازم؟ زنانی مهربان و بچه زا و کدبانویی که وقتی مورد ظلم قرار می گیرند می گویند: دستانم در دست توست و تا تو راضی نشوی خواب به چشمانم نمی آید » صحیح الجامع ۲۶۰۴

ام المومنین عایشه صدیقه برای ما روایت می کند و می فرماید: « هنگامی که نوبت شب من که پیامبر نزد من آمد رسید ایشان عبا را در آورد کفش هایش را کند و در کنار پاهایش گذاشت و شلوارش را بر روی زمین پهن نمود و دراز کشید و هنگامی که گمان کرد من خوابم به آرامی عبا و کفش هایش را پوشید و در را باز نمود و بیرون رفت سپس به آرامی در را بست من هم چادرم را بر سرم کردم و خود را پوشاندم و شلوارم را به پوشیدم و سپس به دنبال ایشان به راه افتادم تا این که در بقیع مدت زیادی ایستاد سپس سه بار دستانش را بالا آورد و راهش را کج نمود و من هم راهم کج کردم هرگاه ایشان به سرعت می رفت من هم سرعت می گرفتم و هرگاه می دوید من هم می دویدم پس از ایشان زود تر وارد خانه شدم و وقتی ایشان رسید من دراز کشیده بودم و ایشان فرمود: تو را چه شده ای عائش! بسیار نفس نفس می زنی! گفتم: چیزی نیست فرمود: آگاهم می سازی یا اینکه خداوند لطیف و خبیر آگاهم سازد؟ گفتم: یا رسول الله پدر و مادرم به فدایت آگاهت می سازم فرمود آن سیاه پوشی که جلوی من بو تو بودی؟ گفتم: بله پس

ایشان سینه ام را طوری گرفت که دردم گرفت و سپس فرمود: گمان کردی که الله و رسولش بر تو ظلم می کنند؟ « رواه مسلم

نه ایشان را سرزنش و نه تنبیه کرد بلکه به ایشان فرمود که به او ظلم نکرده و نمی کنند، خیالشان را آسوده و با محبت نام ایشان را (عائش) صدا زدند در کلماتی که پر از نرمی و مودت و مهربانی بود!

عشق در خانه پیامبر ۱

پیامبر با همسران خویش رفتاری محبت آمیز در نهایت محبت و الفت داشت.

به دستان مبارک خویش به ایشان آب و غذا می خوراند:

بله ای شوهر تو از این رفتار پیامبر تعجب می کنی اما حقیقت آنچیزی است که پیامبر برای تو می گوید که هنگامی سعد بن ابی وقاص مریض بود ایشان به عیادت او رفت و به او فرمود: «هر چیزی را در راه خدا انفاق کنی پاداش آن را دریافت می کنی حتی لقمه ای بلند می کنی و در دهان همسرت می گذاری» بخاری

لقمه ای که باعث می شود زن و شوهر به هم نزدیک شده و در کنار هم آرامش بگیرند لقمه ای که نه جلو و نه عقب می اندازد اما احساسی پشت آن لقمه است که حسن رابطه و ظرافت طبع و الفت قلب ها را نشان می دهد.

پیامبر به همسران خویش در یک ظرف می نوشید:

در آنچیزی که همسرش در آن می نوشید؟ بله

از ام المومنین عایشه بشنو که چگونه حال خودش را با همسرش تعریف می کند و می فرماید: «من داشتم آب می نوشیدم درحالی که در عادت ماهیانه بودم سپس به پیامبر نیز نوشاندم و ایشان دهانش را بر جای دهانم بر روی ظرف گذاشت و نوشید و من استخوانی را به دندان می کشیدم درحالی که در عادت ماهیانه بودم سپس به پیامبر نیز خوراندم و ایشان دهانش را بر جای دهان من نهاد» رواه مسلم

دیگر چه مثال زیبایی مانده رسول الله در مورد اظهار محبت و مودشان به همسران خویش برای ما بیا بفرماید؟!

کجا بید ای کسانی که از همسران خویش به محض رسیدن به سن یائسگی دوری می کنید؟! یکی از شوهر ها می گوید: به خدا قسم نمی دانم عادت ماهیانه همسر من کی است، همیشه وقتی سوارش می کنم او را صندلی عقب پشت سرم می نشانم، من در اتاقی می خوابم و او نیز به تنهایی در اتاق خودش است! عایشه می فرماید: «رسول الله سرش را در آغوش من می گذاشت و قرآن می خواند در حالی که من در عادت ماهیانه بودم» ابن ماجه ۵۲۳

باز هم عایشه می فرماید: «من در حالی که در عادت ماهیانه بودم داشتم سر پیامبر را شانه می زدم»
بخاری

ام سلمه می فرماید: «با پیامبر زیر چادری بودیم که من حیضه شدم متوجه گشتم و بیرون شدم و لباس عادت ماهیانه ام را پوشیدم. رسول الله به من فرمود حیضه شدی؟ گفتم بله. من را خواند و با خودش زیر چادر برد. ام سلمه می گوید: پیامبر در حالی که روزه بود من را بوسید و با ایشان در یک تشت غسل جنابت گرفتیم» بخاری

عشق در خانه پیامبر ۲

در حالی که روزه بود همسرش را می بوسید:

پیامبر همسران خویش را در حالی که روزه بود می بوسید. از عایشه روایت است که فرمود: «رسول الله در حالی که هر دو روزه بودیم من را می بوسید» ابی داوود ۲۳۸۴

«زنی از ام سلمه سوالی پرسید: همسرم در حالی که هر دو روزه بودیم من را بوسید. نظر شما چیست؟ فرمود: رسول الله در حالی که هر دو روزه بودیم من را می بوسید» ارواء الغلیل ۴/۸۳ و آلبانی می گوید سندش جيد است

پیامبر شب و روز در خدمت خانواده اش بود:

فکر کن شب و روز در خدمت خانواده اش بود نه فقط وقت اندکی بلکه شب و روز در خدمت خانواده اش بود درحالی که فرمانده امت اسلامی و دارای سر مشغولی های بزرگ و بسیاری بود.

«از عایشه سوال شد که پیامبر در خانه شان به چه چیز مشغول بودند؟ فرمود: ایشان در خدمت خانواده شان بودند تا اینکه وقت نماز می رسید از خانه به قصد نماز بیرون می رفتند» بخاری

«وباز هم از ایشان سوال شد که پیامبر در خانه شان به چه چیز مشغول بودند؟ فرمود: لباس می شستند و کفش می دوختند و کارهایی از این قبیل» بدایة النهایة ۶/۴۶

پس چه چیزی تو را باز می دارد که در بعضی از کارهای خانه همسرت را یاری رسانی؟!.

این چیزی است که محبت میان زن و شوهر را زیاد می کند بخصوص زمانی که کار و بار منزل بر دوش زن سنگینی کند. طبیعتاً این وظیفه تو نیست اما باعث می شود که همسرت احساس کند که برای او و خستگی ها و تلاش هایش اهمیت قائل هستی و قدر دانی می کنی. سعی کن هنگامی که خسته است از او بخواهی که استراحت کند و هیچیک از کارهای خانه را انجام ندهد و تو بجای او آنها را انجام دهی.

او را به همسفری برمی گزید:

«رسول الله هرگاه قصد سفر داشتند بین زنانشان قرعه کشی می کردند پس هرکدام که اسمش بیرون می آمد با وی می رفت و ایشان روز و شب خود را برای هرکدام از زنان تقسیم می نمود» بخاری

به خاطر خوشحالیش تحمل می کرد:

« از عایشه روایت است که: ابوبکر بر ایشان وارد گشت و درحالی که دو خدمتکار برای ایشان در روزهای منا دف می زدند و آواز می خواندند و لباس پیامبر بر روی صورتشان قرار داشت که ابوبکر آن دو خدمتکار را بیرون کرد و پیامبر لباس را بر روی صورتش کنار زد و فرمود: ای ابوبکر این روزها عید است و روزهای منا. و عایشه فرمود: پیامبر را می دیدم که جلوی من ایستاده بود و من به حبشی ها نگاه می کردم که چگونه در مسجد مشغول بازی بودند. عمر به شدت با آنها برخورد نمود و پیامبر فرمود: بنی ارفده را آسوده بگذار که در امان باشند » بخاری

عشق در خانه پیامبر ۳

پیامبر بهترین مثال ها را در مورد دوست داشتن همسر و وفاداری به او برایمان بیان می دارد:

« عایشه فرمود: هاله بنت خویلد خواهر خدیجه از رسول الله اجازه ورود خواست و پیامبر هم تا متوجه گشت خوشحال شد و فرمود: خداوندا! هاله بنت خویلد است. من نیز غیرتی شدم و گفتم: چه شد از پیرزنی از پیرزنان قریش یاد کردی که از دنیا رفته و خداوند بهتر از او را برای شما جایگزین نموده است » بخاری / پیامبر به خاطر وفاداریش به خدیجه بسیار ایشان را گرامی داشت!

« و عایشه می فرماید: رسول الله هرگاه می خواستند گوسفندی را ذبح کنند می فرمودند: برای دوستان خدیجه هم بفرستید. عایشه فرمود: روزی بر ایشان خشمگین گشتم و گفتم: خدیجه؟ رسول الله فرمودند: محبت خدیجه به من روزی داده شده است. » مسلم

درحالی که عایشه در قلب ایشان جایگاهی داشت که هیچ یک از همسران دیگر به آن دست نمی یافتند، مگر ام المومنین خدیجه. روزی بعد از اینکه پیامبر وارد حجره بانو عایشه گردید از ایشان اجازه خواست و فرمود: ای عایشه به من اجازه بده که امشب را برای پروردگار خویش عبادت کنم. ایشان نیز فرمود: به خدا قسم من دوست دارم نزدیک شما باشم و آنچه را نیز که شما را خوشحال کند دوست دارم. فرمود: ایشان بلند شد و وضو گرفت و سپس ایستاد و شروع به خواندن نماز کردند « صحیح الترغیب ۱۴۶۸ حالات و احساسات او را می داند:

« رسول الله به عایشه فرمود: من به درستی می دانم کی از دست من راضی و کی عصبانی هستی؟ فرمود گفتم: از کجا این را تشخیص می دهی؟ فرمود: وقتی از من راضی هستی می گویی (لا و رب محمد) و هنگامی که از من ناراحتی می گویی (لا و رب ابراهیم) فرمود گفتم: به خدا قسم درست است یا رسول الله فقط نام شما را نمی برم » بخاری

« به ام المومنین صفیه خبر داده شد که حفصه در مورد او گفته: دختر یهودی. صفیه گریه گریست و پیامبر درحالی بر ایشان وارد شد که ایشان گریه می کرد و فرمود: چه چیزی باعث شده گریه کنی؟ گفت: حفصه به من گفته که من دختر یهودی هستم. پیامبر به ایشان فرمود: همانا تو دختر پیامبر هستی و عمویت نیز پیامبر بوده و اکنون همسر پیامبر هستی پس به چه حقی بر تو فخر فروشی کرده است؟! سپس فرمود: از خدا بترس ای حفصه » ترمذی ۳۸۹۴

عشق و وفاداریش را به او بیان می کند

در حدیث طولانی ام زرع ، « پیامبر به عایشه می فرماید: ای عایشه من برای تو مانند ابی زرع نسبت به

ام زرع هستم جز اینکه ابی زرع مستبد است و من نیستم » صحیح الجامع ۱۴۱

یعنی اینکه من برای تو در عشق و وفاداری مانند ابی زرع هستم. عایشه هم فرمود: پدر و مادرم فدایت

شما برای من از ابی زرع نسبت به ام زرع بهتر هستید!

عشق در خانه پیامبر ۴

در هر حال خود را برای همسرش خوشبو می کرد:

« عایشه می فرماید: مثل اینکه اکنون سفیدی مسک را بر فرق سر رسول الله مشاهده می کنم » مسلم

با او مسابقه می داد و بازی می کرد:

« از ام المومنین عایشه روایت است که ایشان با رسول الله در سفر بودند درحالی که نوجوانی بود کم سن و سال که چیزی با خود حمل نمی کرد. پیامبر به صحابه فرمود: شما جلو بیافتید. آنها نیز جلو افتادند. سپس به من فرمود: بیا تا با هم مسابقه بدهیم. با ایشان مسابقه دو دادم و از ایشان جلو افتادم و ایشان سکوت فرمود. روزی دیگر با ایشان به سفر رفتم و این بار وسایلی حمل می کردم. ایشان به صحابه فرمود: شما جلو بیافتید. آنها نیز جلو افتادند. سپس به من فرمود: بیا تا با هم مسابقه بدهیم. من هم که با خود گوشت حمل می نمودم و بار قبلی را فراموش کرده بودم گفتم: یا رسول الله با این حال و وضع؟ فرمود: باید مسابقه بدهی! با ایشان مسابقه دادم و ایشان از من سبقت گرفت و خندید و فرمود: این در مقابل بار قبل! » سلسله الصحیحہ ۱/۲۵۴

عشق و حسادتشان را کنترل می کند:

« از ام سلمه روایت است که ایشان غذا را در ظرفی برای رسول الله و یارانش آورد و عایشه هم که عبایی پوشیده بود وارد شد و ظرف را دونیم کرد. پیامبر هم در حالی که هر دو نیم آن را به هم می چسپاند فرمود: بفرمایید بخورید، بفرمایید بخورید! سپس ظرف عایشه را گرفت و به ام سلمه داد و ظرف ام سلمه را به عایشه. » نسائی ۳۹۶۶

« روزی عایشه به پیامبر رو کرد و فرمود: یا رسول الله همه زنانان کنیه ای دارند جز من! رسول الله نیز به ایشان فرمود: کنیه ات را به اسم فرزندت عبدالله بگذار. یعنی فرزند زبیر (خواهرزاده عایشه) تو اینک ام عبدالله هستی. از آن به بعد تا وفاتشان به وی ام عبدالله می گفتند درحالی که هرگز فرزندی به دنیا نیاورد. » سلسله الصحیحہ ۱/۲۵۵

خوشبختی را در خانه اش می گستراند:

« عایشه می فرماید: پیامبر بعد از آن که دو رکعت سنت قبل از نماز صبح را می خواند اگر بیدار بودم با من صحبت می کرد و گرنه دراز می کشید تا اینکه اقامه نماز صبح را بگویند. » متفق علیه

« از عایشه روایت است که فرمود: غذایی را که برای رسول خدا پخته بودم برایشان آوردم. درحالی که پیامبر در میان من و سوده قرار داشت به سوده گفتم: بخور. اما او ابی ورزید. گفتم: یا آن را می خوری یا به صورتت می مالم. باز هم ابی ورزید. من هم دستم را در غذا فرو بردم و به صورتش مالیدم. رسول الله خندید و پاهایش را دراز کشید و به سوده گفت: تو هم به صورتش بمال! او هم به صورت من مالید و پیامبر باز هم خندید و عمر از آنجا عبور کرد و صدا می زد: ای عبدالله! ای عبدالله! پیامبر نیز گمان کرد که ایشان می خواهند داخل شوند و به آن دو فرمود بروید صورتهایتان را بشویید و عایشه می گوید: چون پیامبر برای عمر ابهت و احترام قائل می شد هنوز ابهتش نیز در دل من است.»

سلسلة الصحیحة ۷/۳۶۳

عشق در خانه های صحابه

و این ابوبکر صدیق است در حالی که در بستر مرگ بود وصیت می کند که همسرش اسماء بنت عمیس او را غسل دهد! یکی از مردها علت را جویا شد و ایشان فرمود: او به دلم نزدیک تر است. و بعد از مرگش همسرش او را غسل داد!

ابوبکر صدیق هنگام مرگش متوجه شد که همسرش روزه است دلش برای او سوخت که در روز مرگ شوهرش روزه باشد. و هنگامی که ابوبکر وفات فرمود، همسرش چیز مهمی یادش آمد اینکه شوهرش او را قسم داده بود که افطار کند پس به سرعت رفت تا قسم همسر در گذشته اش را اجرا کند.

اگر ایشان در زمان مرگ شوهرش اینگونه از او حرف شنوی دارد پس در زمان حیاتش چگونه بوده است؟! چه وفاداری و اطاعتی برای شوهر زنده یا مرده! البته مادامی که دستوراتش از حدود شریعت خارج نگردد.

و این عمرین خطاب است که می فرماید: همسرم بر سر من داد و فریاد کرد و سپس نزد من بازگشت و من از این کارش بدم آمد! همسرم گفت: چرا این کارم را ناپسند می شمری به خدا قسم همسران پیامبر به نشانه پشیمانی نزد ایشان بازمی گشتند و پیامبر عصبانی نمی شد.

علی ابن ابی طالب نزد فاطمه زهرا آمد و ایشان را در حال مسواک زدن با سواکی از درخت اراک مشاهده فرمود و دو بیت شعر جالب و زیبا برایشان خواند:

حظیته یا عود الاراک بثغرها اما خفت یا عود الاراک اراک

لو کنت من اهل القتال قتلتک ما فاز منی یا سواک سواک

و سیدنا علی محبتش را نسبت به دختر رسول الله بانو فاطمه اینگونه بیان داشت:

و بنت محمد سکنی و زوجی منوط لحمها بدمی و لحمی

و سبطا احمد ولدای منها فایکم له سهم کسهمی

و عبدالله بن ابی بکر وقتی که همسرش عاتکه را طلاق داد و درحالی که شدت محبتش به او باعث شده بود که از دین و دنیایش باز بماند و دل امام ابوبکر از حال و وضع پسرش و ناتوانی از امورات اساسی وی به درد آمد و او را به طلاق دادن همسرش دستور داد.

و عبدالله ابن ابی بکر بعد از آنکه همسرش را طلاق داد در وصف او فرمود:

اعاتک قلبی کل یوم و لیلۃ لدیک بما تخفی النفوس معلق

لها خلق جزل و رای و منطق وخلق مصون فی حیاء و مصدق

فلم ارا مثلی طلق مثلها ولا مثلها فی غیر شیء تطلق

و قلب صدیق بعد از اینکه این ابیات را از فرزندش شنید نازک گردید و فهمید که عشق لازمه زندگی است نه تباه کننده آن، او را امر فرمود که به همسرش رجوع کند و او هم این کار را انجام داد.

و عاتکه به سوی محبوب خویش بازگشت و از فرط خوشحالی بازگشت به سوی او، خدمتکاری از خدمتکارانش را طلاق داد.

در این مورد داستان های عاشقانه بسیارند مانند داستان نائله بنت الفرافصه همسر امیرالمونین عثمان بن عفان که به هنگام کشته شدن سیدنا عثمان به دست تجاوزگران خود را فدای ایشان ساخت و انگشتانش با شمشیر آنها قطع گردید.

و گفته شده که ایشان گیسووان خویش را برید و برای صحابه جلیل القدر معاویه فرستاد به بیان اینکه این نهایت زیباییش است و به خواستگاری معاویه و ازدواج با وی بعد از شهادت محبوبش رغبتی ندارد.

کدام از شما نیت کرده است ؟

کدام از شما در امر ازدواجش همه این ها را نیت کرده است؟ چون نیت اصل و اساس هر کاری است و اعمال بر اساس آن رده بندی می شوند و از روی آن از عادت به عبادت تبدیل می گردند و خداوند متعال بر اساس آن بندگان را پاداش می دهد. دلہایتان را در ازدواج طبق نیت صالح بنا بنهید بگونه ای که برای یکی از نیت های زیر باشد:

اجابت فرمان پیامبر برای جوانان امتش مبنی بر اقدام به ازدواج همانگونه که می فرماید: «ای جوانان هرکدام از شما که توانایی مالی دارد پس ازدواج کند چون برای پایین انداختن چشم و حفظ شرمگاه بهتر است و هرکس که توانایی ندارد روزه بگیرد چون روزه برای او محافظ است» بخاری

کسب حفظ شرمگاه و کنترل چشم و عفت نفس؛ ازدواج با این نیت ها در پناه یاری و توفیق خداوند خواهد بود که پیامبر می فرماید: «سه نفرند که برخداوند حقی است که یاریشان دهد: خدمتکاری که می خواهد خود را خریداری کند، کسی که برای حفظ عفاف قصد ازدواج دارد و مجاهد فی سبیل الله» نسائی ۳۲۱۸ و چه کسی مانند خداوند متعال به عهد خود وفا می کند؟!

کسب اجر بنا کردن بنیان خانواده مسلمانی که شریعت خداوند را در آن تطبیق کند.

به دنیا آوردن فرزند صالحی که خداوند را به یگانگی بپرستد و اینکه او را اسلامی تربیتی کند شاید خداوند از نسل او کسی را خارج کرد که بار این دین را متحمل گردد و آن را به سوی پیروزی و تمکین سوق دهد یا شاید خداوند بعضی از آنها را توفیق داد که عالمان پر بار و مجاهدانی قهرمان شوند.

کسب پاداش تهیه نفقه همسر و فرزندان، رسول الله می فرماید: «هرگاه مردی به خانواده خودش به نیت کسب اجر آن نفقه ای بدهد برای او صدقه ای بشمار می آید» بخاری

کسب اجر همکاری در امور عبادتی:

مانند همکاری در نماز شب همانگونه که پیامبر هر زوج مسلمانی را ندا می دهد که: «خداوند به آن مرد رحم کند که برای نماز شب بلند می شود و سپس همسرش را بلند می کند و او نیز نماز می گذارد و اگر ابی ورزید به صورتش آب می پاشد و خداوند به آن زن رحم کند که برای نماز شب بلند می شود و سپس شوهرش را بلند می کند و او نیز نماز می گذارد و اگر ابی ورزید به صورتش آب می پاشد»

نسائی ۱۶۰۹

پس گوارای وجود هر زن وشوهری که شبی از شبها برمی خیزند و دستان نیازشان را خاضعانه به سوی خداوند بلند می کنند و خداوند آنها را در زمره زنان و مردانی که بسیار الله را یاد می کنند قرار می دهد چون رسول الله می فرماید: « هنگامی که مردی خانواده اش را شبانه بلند کرد که نماز بگذارند یا با هم دو رکعت نماز بخوانند در زمره زنان و مردانی که بسیار الله را یاد می کنند قرار می گیرند »
ابی داوود ۱۳۰۹

و همچنین همکاری در صدقات؛ از عایشه روایت است که پیامبر فرمود: « هرگاه زنی از خانه اش غذای سالمی را انفاق کرد پاداش آن به او و شوهرش که آن را تهیه کرده و همچنین انبار دار می رسد بدون اینکه از پاداش یکدیگر بکاهند » بخاری

پس هنگامی که زن وشوهر قلب هایشان را بر این نیتها به هم گره زدند هر لحظه از زندگی زناشویی شان عبادتی است که پاداش آن را دریافت می کنند.

پس ای وای از این همه پاداش بزرگ!

چرا پاک کن ای پدر؟

جوانی ازدواج کرد و پدرش برای عرض تبریک به خانه اش آمد. پدر از پسرش خواست که برای وی قلم و کاغذ و پاکنی بیاورد. جوان گفت: از برای چه ای پدر؟ پدر گفت: فقط آن ها را آماده کن!. جوان قلم و کاغذ را آورد اما پاکنی نیافت!. پدرش به او گفت: برو و پاکنی بخر!. جوان به بازار رفت و پاکنی خرید و در کنار پدرش نشست. پدر گفت هرچه می خواهی بنویس. پسر جمله ای نوشت. پدر گفت: الان پاکش کن!. جوان هم آن را پاک کرد. پدر باری دگر گفت: بنویس. جوان گفت: پدر تو را به خدا قسم چه قصدی داری؟. پدر گفت بنویس. جوان نیز نوشت. پدر گفت: پاکش کن. جوان هم آن را پاک کرد. پدر گفت بنویس. جوان گفت: پدر تو را به خدا قسم چه قصدی از همه اینها داری؟. پدر گفت بنویس. جوان نیز نوشت. پدر گفت: پاکش کن. پس آن را پاک نمود و در این هنگام پدر بر شانه پسرش می زد و می گفت: پسرم ازدواج به پاکن نیاز دارد! اگر پاکنی نداشته باشی که با آن بعضی از آن چیزهایی را از طرف همسرت که خوشایندت نیست، پاک کنی و اگر همسرت پاکنی نداشته باشد که با آن بعضی از آن چیزهایی را از تو که او را خوشحال نمی کند، پاک نکند، همانا صفحه ازدواجتان با گذشت چند روزی پر از سیاهی می گردد! پس نباید هرکدام از شما به دنبال گرفتن اشتباهات و خطاهای دیگری باشد بلکه بایستی عفو و گذشت را سرلوحه زندگیتان قرار دهید و در این فرموده پیامبر بیاندهید که می فرماید: «کاملترین مومنان از نظر ایمان کسی است که اخلاقش نیکوتر باشد و بهترینتان کسی است که رفتار نیکوتری با همسرش داشته باشد» صحیح الجامع ۱۲۳۲

سخن نیکو صدقه است

خداوند متعال می فرماید: «و عاشروهن بالمعروف» نساء ۱۹

و از بزرگترین کارهای خیر گفتن سخن شیرینی است در قلب زنی که به شنیدن آن تشنه است. اما بیچاره آن کسی که به خشکی احساسات دچار شده و نه کلام زیبا و نه لبخندی واقعی از وی صادر نمی گردد. و هرگاه که سخن نیکویی به زبان می آوری، کلید گنج بزرگی را صاحب شده ای که دیگران را خوشحال و پروردگار جهانیان را راضی می گرداند. در تمام سخنان بر آن پایداری کن چون اولین کسی که از برکت آن بهره می برد تو هستی.

الله تعالی می فرماید: «الم تر کیف ضرب الله مثلا کلمه طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء / توتی اکلها کل حین باذن ربها و یضرب الله الامثال لعلهم یتذکرون» «بنگر که خدا چگونه مثل می زند: سخن خوب به درت خوبی می ماند که تنه آن استوار و شاخه هایش در فضا باشد / بنا به اراده و خواست خدا هر زمانی میوه خود را بدهد خداوند برای مردم مثل ها می زند تا متذکر شوند» ابراهیم ۲۴-۲۵

پیامبر اسم عایشه را به نرمی و محبت آمیز صدا میزد تا وی را خوشحال کند و به ایشان می فرماید: یا عائش و به کنیه ام عبد الله ایشان را صدا می زد.

و این کارها نیازی به خود را به سختی انداختن و ظاهرسازی ندارند بلکه از اموری آسان و مورد علاقه هر فردی می باشد.

شوهرت را در اولین روزهای زندگیتان بر گفتن سخنان زیبا تشویق کن که این همان چیزی است که زندگی زناشویی تان را تقویت می کند چون «الكلمة الطيبة الصدقة».

و روبه رو شدن با همسرت با روی گشاده و لبخندی به روی او زدن صدقه است چون پیامبر می فرماید: «لبخند زدن به روی برادرت برایت صدقه است» و می فرماید: «هیچ چیزی را از کار نیکو کوچک نشمارید حتی اینکه با روی گشاده با برادرت برخورد کنی»

و سلام کردن نیز حسناتی دارد چون پیامبر می فرماید: «ای مردم سلام کردن را در میان خود رواج دهید و همدیگر را اطعام کنید و نماز شب به پا دارید درحالی که همه خوابند تا اینکه به سلامت وارد بهشت شوید.

و دست دادن باعث ریزش گناهان می گردد چون پیامبر می فرماید: « همانا مسلمان هنگامی که با برادرش مصافحه می کند گناهانش می ریزد همانگونه که برگ از درختان »

پس آیا زن وشوهرها فن زبان چشم ها و زیر و بم کردن صدا و حرکات صورت را می دانند؟!

که چه اثر جادویی بر دلها دارد!

مردی با زنش درگیر شد و زنش خشم خود را پنهان نمود و لباسهایش را در چمدانی گذاشت و خواست که راهی خانه پدری اش شود!

شوهرش به این موضوع پی برد و با لفظی قشنگ و لبخندی زیبا از او پرسید: چه کار داری می کنی؟.

همسرش گفت: دارم لباسهای تابستانی را داخل چمدان می گذارم و لباسهای زمستانی را بیرون می آورم!

به چه زیبایی او را با یک کلمه و یک لبخند راضی نمود!.

محترمانه رفتار کنید

در گذشته می گفتند: زیبایی زن در ادب زبان و شخصیت مرد در روش سخن گفتنش است.

چه زن هایی که زیبایی خود را با زبان تند و روش تنفر انگیز در رفتار با شوهر هایشان از بین بردند!
و چه مردهای خوش اندامی که شخصیت خود را با روش خشن در رفتار با همسرشان نابود ساخته اند!
هرچند روش و عملکردتان زیباتر باشد محبت در میانتان و بهره مندی از زندگی برایتان بیشتر می شود
پس همواره با ادب و کلمات لطیف مانند: اگر اجازه بدهی - ممکن است - لطفا - لطف بفرمایید، یکدیگر
را خطاب کنید.

بعضی از مردها همسرانشان را در خانه اینگونه صدا می زنند: ای زن! ای دختر! بلکه ممکن است نیز
بگویند: خفه شو! قیافت رو نیبیم!

ادب و احترام و حیا کجاست!؟

وقتی که ادب و احترام در میان زن و شوهر از بین رفت، فاتحه دنیایشان خوانده شده و بایستی بر آن نماز
میت برجای آورد!

هنگامی که احترام از میان رفت دیگر کلمات خشن و الفاظ رکیک و تسویه حساب و درگیری تعجبی ندارد
بلکه ممکن است این الفاظ رکیک را در مقابل خانواده و دوستان نیز بکار ببرند.

زمانی که حیا و احترام مرد برای همسرش از بین رفت یعنی اینکه در خانه ا تخم دشمنی کاشته است و
همچنین زن هنگامی که حیا و ادبش با شوهر از بین رفت، بدترین همسری می شود که زبان درازی و
صدایش را بلند کرده و الفاظ بدی بکار می برد و در این حالت زن و شوهر در بدبختی و شقاوت زندگی
می کنند.

پس ای زن و شوهرها ادب و احترام را رعایت بفرمایید و پرچمی را بالای سرتان بیافراشید که بر آن
نوشته است: به خدا قسم جز خیر و برکت از من صادر نمی گردد.

به بستگان همدیگر احترام بگذارید:

به بستگان همدیگر احترام بگذارید تا همیشه خوشبخت باشید چون بسیاری از مشکلات خانوادگی
خوشبختی زندگی زناشویی را نابود می سازند و دلیل آنها احترام نگذاشتن به خانواده طرف مقابل است.

در ابتدای زندگیشان می بینی که هرکدام با احترام و بزرگواری از خانواده دیگری یاد می کنند سپس مدت زمان کمی می گذرد و نگاهشان عوض می شود و خانواده های یکدیگر را ناسزا می گویند و از رفتار بد و ناشایست آنها صحبت کرده و به آنها طعنه می زنند! و بعد از این دیگر از آن کینه و دشمنی نپرس که اثر آن سال ها در دل می ماند! و اگر همینطور ادامه یابد به عدم توافق و جدایی منجر می گردد!

پس ای زن و شوهرها خوبی های خانواده هایتان را بیان کنید و احترام را درمیان خویش از یاد نبرید و بدانید که هیچکدام از شما مسوول اشتباهات دیگری نیستید خطاهایشان را برای خودشان بگذارید و عی در اصلاح آن داشته باشید با خوشبختی زندگی کنید و خانه هایتان را با دستان خویش نابود نکنید.

به همسرت احترام بگذار

به او احترام بگذار چون او لا انسانی است که خداوند او را گرامی داشته و دوم اینکه او همسری است که تو در بین زنان روی زمین انتخاب کردی و سوم اینکه مادر بچه هایت است و چهارم اینکه محرم اسرار و ویژگی های توست و پنجم اینکه عهده دار آرامش و سکناى توست.

دکتر انور وردة می گوید: پدرم شیخ عبدالغنی وردة با جمعی از مردان نشسته بود که بعضی از آنها موضوع ازدواج و زنان را در پیش کشیدند و یکی از آنان می گفت: زن مانند کفش است که مرد می تواند انقدر آن را عوض کند که مناسب او پیدا شود! پس همه به پدرم نگاه کردند و از او پرسیدند که نظر تو در مورد این حرف چیست ای ابی انور؟ او نیز گفت: آنچه که این برادر می گوید کاملا درست است؛ از نظر کسی که خودش را از زیر پاهایش می نگرد زن مانند کفش و از نظر کسی که خودش را از بالای سرش می نگرد زن مانند تاج است پس کسی که این حرف را زده سرزنش نکنید بلکه بنگرید که از چه زاویه ای به خودش نگاه می کند!

متأسفانه هنوز کسانی هستند که به زن با نگاه خشونت آمیز جاهلیت می نگرند به حدی که او را مانند کالایی برای خرید و فروش می دانند. زمانی که در جمعی می خواهد نام او را ببرد می گوید: مادر فلانی! مثل اینکه چیز قبیح و دون مایه ای باشد و هنگامی که به او گفته شود با مادر فلانی مشورت کن، گردنش باد کرده و آن را بالا می گیرد و می گوید: مردان با زنان مشورت نمی کنند! انگار باب مشورت نزد او بسته شده اگرچه بداند که او از عاقل ترین زنان است!

عمر فاروق می فرماید: «به خدا قسم ما در زمان جاهلت برای زنان ارزشی قائل نبودیم تا اینکه خداوند در موردشان آیه نازل فرمود و برایشان سهمی مشخص نمود.»

پس از وی مشورت بگیر چون این کار از احترام گذاشتن به انسانیت و عقل او نشئت می گیرد.

همانا محبوب تو محمد هنگامی که از غار حراء بازگشت از همسرش خدیجه مشورت گرفت سپس او نیز ایشان را به سوی ورقة بن نوفل برد؛ و از زینب بنت جحش در مورد حادثه افک مشورت گرفت هنگامی که در مورد عایشه از ایشان پرسید و او نیز جز خوبی عایشه نگفت؛ و از ام سلمه همانگونه که در داستان صلح حدیبیه آمده مشورت گرفت هنگامی که صحابه از اینکه قربانی هایشان را ذبح کنند امتناع ورزیدند به ایشان مشورت داد که خارج شوند و قربانی خود را ذبح نموده و سرش را بتراشد و اینگونه صحابه که مشاهده نمودند آنها نیز بیرون آمدند و ذبح کردند.

حسن بصری می فرماید: در این داستان اگرچه پیامبر از مشورت ام سلمة بی نیاز بود اما دوست داشت به مردم نشان دهد که هیچ مردی مشورت کردن با زنان را عیب و عار نداند.

و عمر بن خطاب نیز از دخترش مشورت گرفت، از ابن عمر روایت است که: «عمر بی بلند شد و صدای زنی را شنید که می گفت: تطاول هذا الیل و اسود جانبه و ارقنی ان لا خلیل الا عبه

پس عمر از دخترش حفصه پرسید که بیشترین زمانی که زن در غیاب شوهرش صبر می کند چقدر است؟ او نیز فرمود: شش ماه یا چهار ماه، عمر نیز فرمود: هیچ سربازی نباید بیش از چهار ماه در ارتش بماند.

بیهقی ۹/۲۹

خودت را برای شوهرت آراسته کن

هنگامی که خداوند متعال نفس را بر دوست داشتن زیبایی‌ها آفرید و فطرت مرد را بر میل به زیبایی زن سرشت او را به بهره جویی از این فطرت رهنمود فرمود و بلکه وی را در شریعت تشویق به ازدواج می‌کند چون رسول الله به عمر بن خطاب فرمود: «آیا تو را آگاه نسازم به بهترین گنجی که نصیب انسان می‌گردد؟ زنی نیکوکار که هرگاه به او می‌نگرد خوشحالش می‌سازد و اگر به او فرمانی دهد اطاعت می‌کند و در غیاب او حافظ اسرارش است». جامع الصغیر ۱۷۷۴ و سیوطی می‌گوید: این حدیث صحیح است و شاید از بزرگترین چیزهایی که نگرستن به آن بعد از انجام اوامر باعث سرمستی است، آرایش کردن زن برای همسرش می‌باشد چون سر عجبی برای به دست آوردن دل شوهران در آن نهفته است اما بسیاری از زنان در آن تنبلی می‌کنند سپس از روی گرداندن و سرد مزاجی شوهران خود و نماندن در خانه نزد زن و فرزندانشان شکایت می‌کنند!

شوهرش از یکنواختی لباس های نخ‌اش خسته شده و احساس می‌کند که وجود و عدم وجودش برای همسرش فرق چندانی ندارد!

یکی از آنان به من گفت: بعضی اوقات وارد خانه می‌شوم و قلبم پر از خشم می‌شود از اینکه با گوشی و صحبت های تلفنی مشغول است اما هنگامی که خودش را اگرچه خفیف آرایش می‌کند و به استقبال می‌آید و کمی عطری خوشبو استعمال می‌کند، در درون خویش احساس خوشبختی و راحتی می‌کنم! در حالی که جز اندکی وقت گذاشتن در مقابل آینه به چیز دیگری احتیاج ندارد اما در مقابل خوشبختی و نشاط و همیشگی بودن الفت را باز می‌گرداند.

چه عجیب است آن زنی که جز مقدار کمی زینت خویش را برای شوهرش نمایان نمی‌کند و از عطر هایش جز مقدار کمی برای او مصرف نمی‌کند! اما هنگامی که به جشن عروسی دعوت می‌شود ساعتها در مقابل آینه می‌ایستد و به حدی آرایش می‌کند که شوهرش غافلگیر شده و به خودش می‌بالد در حالی که کاملاً می‌داند چیزی جز باقی مانده این آرایش نصیبش نمی‌گردد. و در این حال زن باید از خودش بپرسد که اکنون اگر همسر من را با این آرایش ببیند چه می‌گوید در حالی که برای غیر او آرایش کرده ام؟! و چه قدر خوشبخت می‌بودم اگر برای او این کار را انجام می‌دادم؟! بعضی از آن گردن‌آویزهایی که برایت هدیه آورده گردنت کن چون او دوست دارد که اثر آن هدیه‌هایی که برایت آورده بر تو مشاهده کند و همانطور باش که در دید و بازدید دوستان و آشنایانت هستی.

از زنان سلف صالح در مورد زینت آلات و انواع آن پرسش نمودند؛ « روزی بکرة دختر عقبه نزد ام المومنین عایشه آمد و در مورد حناء از ایشان پرسید و ایشان فرمود: درختی مبارک و آبی پاک دارد. و در مورد برداشتن موهای اضافی از ایشان پرسید و ایشان فرمود: اگر شوهر داری و می توانی به بهترین شکل آن را برداری این کار را انجام بده! » اخرجہ ابن سعد فی طبقات الکبری و ذکرہ ابن جوزی فی احکام النساء ص ۹۴

پیامبر اسلام زنان را به استعمال زینت آلات تشویق نموده اند. « روزی زنی در پشت پرده که در دستش کتابی بود نزد پیامبر آمد و ایشان دست خود را جمع نمود و فرمود این دست زن است یا مرد؟! او نیز گفت: زن. ایشان فرمود: اگر زن هستی باید ناخن هایت را تغییر دهی (یعنی با حناء) ». ابی داوود ۴۱۶۶

همراه او باش نه فقط در کنارش

فرقی بسیار است میان زندگی کردن زن نزد شوهرش یا همراه با وی زندگی کردن!

چون زندگی کردن در نزد شوهر فقط همان تامین خوراک و نوشیدنی و نفقه است!

اما همراه با شوهر زندگی کردن یعنی اینکه زن شریک شوهرش باشد و با تمام وجود و حضور ذهنش با او زندگی کند، در خوشحالی و ناراحتی وی شریک باشد و در حل مشکلاتش سهمی داشته باشد و بار زندگی را با او به دوش گیرد. مرد برای خوشبختیش تنها کافیسست که همسرش را در حالی بیابد که الطاف عشق و همکاری را به او اعطا می کند طوری که تمام غم و اندوهش را فراموش سازد.

همیشه همراه شوهرت باش و او را در احساساتش همراهی کن؛ همزمان برای او دوست و همسر و معشوقه اش باش! باهوش باش و هر آنچه که توجه او را به خود جلب می کند بشناس؛ گاهی اوقات مرد احساس می کند که همسرش با عشق و مودت با او زندگی می کند و با نفرت و بیزارى نزد او نیست! یکی از شوهران از فرد عاقلی پرسید: چگونه بفهمم که همسرم همراه با من زندگی می کند نه در کنار من؟

آن شخص جواب داد:

اگر این ۱۰ ویژگی در او بود بدان که همراه با تو زندگی می کند نه در کنارت :

اگر کاری انجام دهد که تو را خوشحال سازد نه اینکه تو را خشمگین کند

اگر در چیزی خلاف او نظر دادی خشمگین نشود

اگر از او دور باشی نگران و چنانچه به سویی بازگردی خوشحال شود

اگر نگران شوی تحت تاثیر قرار گیرد و اگر خشمگین شدی نگران شود

از هدیه تو هر چند که ساده و کم باشد به وجد آید

با نداری تو بسازد و شغلت هر چه باشد با عث خجالت او نشود

در افکار و مهمات زندگی ات شریک شود و موفقیت تو در کارت او را خوشحال سازد

زمانی که خواستی پیرامون موضوعی تصمیم بگیری به تو مشورت دهد

اگر چیزی برای گفتن نداشت موضوعی به میان آورد که با تو صحبت کند

و همیشه آنچه که تو را خوشحال می کند انجام دهد

پس الآن از خودت بپرس که آیا تو در نزد شوهرت زندگی می کنی یا همراه با او؟

اینها صفات زنانی اند که موفق شدند همراه با شوهرانشان با خوشبختی زندگی کنند و زن و شوهری که در کنار هم زندگی می کنند اینطور نیست که هرکدام در دنیایی جداگانه به سر ببرند؛ مطمئن باش اگر فنون شوهرداری را خوب بلد باشی، ان شاء الله به کامیابی دنیا و آخرت خواهی رسید.

یکی از زنان می گفت: زمانی که یقین یافتم خوشبختی شوهرم که پیروزی این دنیا از آن سرچشمه می گیرد، در چراغ روشن من است کمی صبر کردم و به دنبال آن گشتم و در نهایت آن را در درک طرف مقابل با صبر و گذشت در عطاء و واگذاری یافتم.

لحظاتی صمیمانه

زنی به شوهرش گفت: آیا کسی زیباتر از من وجود دارد؟ سکوت کرد و سپس گفت: نمیدانم. گفت: بهتر از من؟! باز هم جواب داد: نمی دانم. گفت: یا زنی پرازنده تر از من؟! گفت: به تو گفتم نمی دانم! گفت: چگونه نمی دانی؟! گفت: بله نمی دانم؛ چگونه به زنان دیگر بنگرم وقتی که تو با من هستی؟! چگونه بدانم چه کسی از تو زیباتر است وقتی تو زیباترین زنی هستی که چشمانم دیده اند؟ چگونه بدانم که چه کسی از تو بهتر است وقتی که تو بهترین انسان در دل من هستی؟ چگونه بدانم که چه کسی از تو شایسته تر است وقتی که تو تمام احساسات من را به سرقت برده ای؟ همسر عزیزم چگونه به غیر تو بنگرم وقتی که عشق تو من را نابینا ساخته است؟!.

نقل شده که مردی بسیار از زیبایی های همسرش تعریف می کرد و همسرش به او گفت تو در وصف نمودن من زیاده روی می کنی زیرا زنان همسایه ام من را زنی عادی می بینند! او نیز جواب داد: چون آنها با چشمی غیر از چشمان من که عاشقت هستند به تو می نگرند!.

از این به بعد مردی دارای جملات شگفت انگیز باش و آنهایی را که بدانی همسرت دوست دارد برایش آماده کن! بازدید یکی از نزدیکانش را که دوست دارد به او پیشنهاد بده یا با او در سفر به جایی که دوست دارد همراه شو! عشق همیشگی خود را به او ابراز کن و اینکه هرگز نمی توانی بدون او زندگی کنی! وقتی وارد منزل می شوی با روی گشاده با او سلام کن سپس شروع کن به گفتن کلماتی که اشتیاق تو را برای او بیان کند! همیشه با لبی خندان با او مقابل شو و اندکی در قلب همسرت بنگر! هرگاه شوهرت به تو گفت نه!، به او بگو: چشم و اضافه کن که: حتی گفتن نه از دهان تو برایم لذت بخش است عزیزم. به زودی تسلیم خواهد شد چون تو به گونه ای ناشایست به او جواب ندادی.

مانند رسول الله برای همسرانش باش! دارای صورتی نورانی، بشاش و گشاده و به چشمان همسرت بنگر تا بدانی چه می خواهد و به کارش به پرداز! و رسول الله اینگونه کردند هنگامی که آن حبشی ها در مسجد مشغول شمشیر بازی بودند.

« عایشه می فرماید: ... روز عید بود که حبشی ها با شمشیر و نیزه در مسجد بازی می کردند که پیامبر به من فرمود: دوست داری نگاه کنی؟! گفتم: بله. پس من را بر پشت خویش سوار نمود به گونه ای که گونه ام بر گونه ایشان بود و فرمود: آرام تر ای بنی ارفده. تا اینکه خسته شدم و فرمود: کافیست؟! گفتم: بله. فرمود: پس برویم. « متفق علیه

مردها چه چیزی دوست دارند؟

مهمترین چیزی که مرد در درون زن به آن عشق می ورزد پاکي دل اوست پس نفس خودت را طوري رهنمون شو که با صفا و پاک باشی.

مرد زنی را دوست دارد که در کارها و تفکراتش ساده و آسانگیر باشد و در حرف زدن و کاروبارش به خود سخت نگیرد و ظاهر سازی نکند و اینکه احساس کند زندگیش با او نامه ای سرگشاده است که با شفاف سازی وضوح با او رفتار کند.

زنی را دوست دارد که مشوق باشد نه دلسرد کننده مثلا همسرش به او بگوید: رفتار نیکوی تو با مردم باذن الله تو را به مراتب عالی می رساند.

زنی مسولیت پذیر را دوست دارد که به او بگوید: آیا امروز کاری است که بتوانم به خاطر تو انجام دهم؟ زنی را دوست دارد که در واقعیت زندگیش رشد کند و در هر لحظه از مراحل زندگی در غم ها و شادی هایش، در تفکرات و تصمیماتش با او شریک شود و همسرش زنی نباشد که هر لحظه منتظر اتفاقی جدید در زندگیش به سر ببرد بلکه در نبض زندگی شوهرش و تمام لحظاتی می گذراند زندگی کند زنی که به دلیل بودن در تمام خاطراتش او را از یاد نبرد.

زنی را دوست دارد که از درون پایدار و محکم باشد اگرچه خود را در مضیقت و تنگی نشان دهد.

زنی را دوست دارد که به او افتخار کند و همیشه به او بگوید: من به تو می بالم چون تو شوهر من هستی. هر مردی دوست دارد که همسرش از وی تعریف کند تا خودش را کسی فرض کند که شایسته ستایش همسرش است.

زنی فرمانبردار را دوست دارد که سعی کند به نیازهای وی لبیک گوید و با رضایت درونی خویش او را مراعات کند چون این مراعات کردن از دیات مودت و پیام آور محبت است در حالی که به این حدیث عمل نموده است که: «هرگاه زنی بمیرد درحالی که شوهرش از او راضی باشد، وارد بهشت می گردد».

زنی بشاش و دارای رویی گشاده را دوست دارد؛ چه گرفتاری هایی که شوهر در سر کارش با آن ها مواجه می شود سپس هنگامی که به خانه باز می گردد منتظر رویی گشاده و خندان و مهربان است ولی اگر رویی تلخ و عبوس در انتظارش باشد چه؟!.

زنی آرام و دارای صوتی آرامبخش را دوست دارد چون اگر زن بارها در خانه با صدای بلند صحبت کند بچه ها نیز وقتی بزرگ شدند این رفتار را می آموزند.

زنی را که بسیار به بازار برود و ولخرج باشد دوست ندارد بطوری که ارتباطش با بیرون از خانه بیشتر از داخل آن باشد طوری که اگر هر روز به بازار نرود خیالش راحت نشود، محیط خانه را زندان می داند و سعی می کند تا توان دارد از آن خارج شود.

و زنی را که بسیار از او درخواست کند دوست ندارد و هنگامی که خسته به خانه باز می گردد از او بخواهد که به بازار برود و نیازمندی های خانه را تهیه نماید سپس چیز دیگری بیاید و بارها و بارها شوهرش را به بازار بفرستد.

زنی را که تا نزدیکی های ظهر می خوابد، دوست ندارد طوری که شوهرش برای صرف غذا به خانه باز گردد ولی چیزی برای خوردن نیابد. شوهری که عادت کرده به مادرش که سر صبح اول نفری بود که از خواب بیدار می شد و سپس بقیه اعضای خانواده را بیدار می کرد و برایشان صبحانه آماده می کرد و بچه ها را در پوشیدن لباس یاری می کرد، هرگز قبول نمی کند از زنی که به خوابیدن تا لنگه ظهر عادت کرده باشد!

زنی را دوست ندارد که به هنگام ورود شوهرش به خانه شروع به نظافت خانه استفاده از مواد شوینده و پاشیدن حشره کش کند.

خیرخواه دیگران باش

یکی از آنها به همراه همسر خویش به مرکز خریدی برای خریدن هدیه ای رفت و به او گفت: می خواهم برای مادرم هدیه ای خوب انتخاب کنی که تو را شگفت زده کند. در درون خود احساس غیرتی کرد و هدیه ای با کم ترین قیمت برای او انتخاب کرد! او نیز قیمتش را پرداخت نمود و از صاحب مغازه خواست که آن را کادو کند. بعد از ظهر نزد همسرش آمد و هدیه ای را خدش خریده بود به او تقدیم کرد و به وی گفت: خواستم خودت هدیه ات را انتخاب کنی تا همانگونه ای باشد که خودت آن را دوست داری. زن تو اوص کارش را پس داد چون اگر آنچه را که برای خویش دوست دارد برای دیگران نیز می پسندید اکنون هدیه اش زیباترین هدیه می بود.

از ناسپاسی کردن در نعمت ها بر حذر باشید:

مرد یک بار در طول عمرش کوتاهی نمود و همسرش به او گفت: از وقتی که تو را شناختم تا به حال خوبی از تو ندیدم! پیامبر می فرماید: «از ناسپاسی کردن در نعمت ها بر حذر باشید» گفتم یا رسول الله ناسپاسی در نعمت چیست؟ فرمود: گاهی یکی از شما مدتی طولانی در کنار پدر و مادرش به سر می برد سپس خداوند شوهری نصیبش می گرداند که از آن شوهر فرزندان به دنیا می آورد و روزی عصبانی می شود و می گوید: هرگز هیچ خوبی از تو ندیدم». سلسله الصحیحة ۸۲۳

و می فرماید: «آتش جهنم را تا به حال اینگونه ندیده بودم و همچنین دیدم که بیشتر ساکنانش زنان اند» گفتند چرا ای پیامبر خدا؟ فرمود: «چون خداوند را ناسپاسی می کنند» گفته شد: خداوند را ناسپاسی می کنند؟ فرمود: «شوهران و نیکی آن ها را ناسپاسی می کند طوری که اگر یک عمر به آنها خوبی کنی سپس چیزی از تو ببیند می گوید: هرگز خیری از تو ندیدم». رواه بخاری

از منت گذاشتن بر حذر باشید!:

یکی از زنان همیشه به شوهر و خانواده او خدمت می کند و هر آنه در توان دارد دریغ نمی کند سپس بعد از آن بر شوهرش منت می گذارد و او را به خدمتگذاری ها و لطف های خویش یاد آور می شود و با این کار آزارش می دهد. در حالی که خداوند از منت نهادن نهی فرموده: «یا ایها الذین آمنوا لا تبطلوا صدقاتکم بالمن و الاذی» " ای کسانی که ایمان آورده اید بدل و بخشش های خود را با منت و آزار پوچ و تباه نسازید " بقره / ۲۶۴ و در حدیثی از پیامبر آمده که: «سه شخص در روز قیامت خداوند با آنها سخن نمی گوید: منت گذاری که چیزی را جز با منت نهادن نمی بخشد، کسی که کالایش را با قسم دروغ می فروشد

و کسی که به نشانه تکبر لباسش را به دنبال خود می کشد». رواه مسلم و ابن عباس می فرماید: «ثواب کار خیر کامل نمی گردد مگر با سه عمل: تعجیل در انجام آن، کوچک دانستن آن و پوشاندن آن؛ وقتی که زود آن را انجام می دهد گوارایش می گردد، وقتی که آن را کوچک بشمرد بزرگش کرده و هنگامی که آن را می پوشاند کاملش کرده است».

تنها در دو حالت منت گذاشتن شایسته است: سرزنش کردن و عذرآوردن. ابن حزم می فرماید: «دو حالت وجود دارند که در غیر آنها منت گذاشتن ناپسند است و آن دو: سرزنش کردن و عذرآوردن هستند که یادآوری خدمتگذاری ها و خوبی ها در آن نیکوست و در غیر این دو حالت ناپسند می باشد و بر اساس این برای زن شایسته است که در سرزنش شوهر یا عذرآوردن برای وی بعضی از خدمت هایش را به او یادآوری کند نه برای منت نهادن و خوار کردن او بلکه به این منظور که شوهرش متوجه منزلت و جایگاه خویش در دل همسرش شود.

مرد مانند زن نیست ۱

هنگامی که زن شکایت می کند:

هنگامی که زن در تنگنا است به صحبت کردن نیاز دارد و می خواهد یقین یابد که طرف مقابلش به خوبی به او گوش دهد. سرشت زن اینگونه است که دوست دارد مشکلاتش را بازگو کند چون این راهی برای آسایش یافتن او است. و هنگامی که مرد به بازگو کردن مشکلات زن گوش فرا می دهد گمان می کند که حل این مشکلات را از او می خواهد ولی در حقیقت همه آن چیزی که زن از شوهرش می خواهد تنها گوش دادن و درک کردن و همدردی کردن با اوست.

اما مرد هرگز از مشکلاتش صحبت نمی کند مگر اینکه به کمک احتیاج داشته باشد و این یکی از آن دلایلی است هنگامی که زن مشکلاتش را با او درمیان می گذارد، او نیز به ارائه راه حل و نصیحت کردنش می پردازد و زن هم از این که مرد به سخنانش گوش نمی دهد شکایت دارد. و مرد گمان می کند می تواند به هنگام بودن زن احساساتش را تغییر دهد به این وسیله دانای کل می شود و راه حل پیشنهاد می دهد.

و هنگامی که زن با راه حل های مرد مقابله می کند، مرد احساس می کند که زن لیاقت آن را ندارد و از تلاش دست می کشد و رغبتش برای گوش فرا دادن به او کم می گردد. اما هنگامی که متوجه شود جهت گیری او همان چیزی است باعث می شود که زن در مقابل آن مقاومت کند، از این به بعد به گونه ای بهتر از قبل رفتار می کند و کار را با حساسیت شخصی درهم نمی آمیزد.

پس گام اولی که مرد شایسته است آن را بردارد این است که روش خویش را با عدم ارائه راه حل و نصیحت کردن تغییر دهد.

و گام دوم این است که با دقت به او گوش فرا دهد.

و گام سوم این است که زمان مناسب را برای بیان حل آن مشکلات تشخیص دهد.

چون اولین شکایتی که زن از مرد در روابطش با او دارد این است که: من احساس می کنم که به من توجه نمی شود. و زمانی که مرد به زن گوش فرا می دهد او باید شوهر خویش را از این میزان آگاه سازد چون زن ها میزان توجه به خویش را درک می کنند ولی مردها آن را تشخیص نمی دهند!

هنگامی که مرد شکایت می کند:

هنگامی که زنی شوهرش را دوست دارد معتقد است که در قبال او مسوول است و تلاش می کند که با بهسازی روش عملکرد مرد در برابر چیزهای مختلف به او کمک کند در نتیجه مرد شکایت می کند به اینکه زن می خواهد او را عوض کند و زن گمان می کند که این تغییر دادن روش مرد است هنگامی که مرتکب اشتباهی می شود به این دلیل که او مسوول رفتار شوهرش است و او را بدون اینکه از او خواسته شده باشد نصیحت می کند درحالی که نمی داند چقدر برای مرد انتقاد گرایانه و خشن است و مرد از آن اشتباه برداشت می کند به همین جهت زن احساس می کند که او قدرش را نمی داند و در نتیجه از نصیحت دست میکشد.

پس سعی کن که تا وقتی که از تو نخواستند هیچ نصیحت یا نقدی نکنی چون اینگونه مرد نتنها بی اعتنائی نمی کند بلکه توجه و دقتش به او بیشتر می گردد.

مردی که زیر بار مشکلات است بر یک مشکل تمرکز می کند و دیگری را فراموش می سازد اما زن وسیع نگر است و در مشکلات غرق می شود.

زن از مشکلات خویش به گونه ای مفصل و با جزییات زبان می گشاید اما مرد از زبان تنها به عنوان وسیله ای برای نقل حقایق و دانستنی ها استفاده می کند.

مرد مانند زن نیست ۲

زبان های مختلف:

مردان و زنان زبان های جداگانه ای دارند؛ اختلاف در کلمات نیست بلکه در معانی آنهاست. هنگامی که زن می گوید: ما هیچوقت بیرون نمی رویم یعنی اینکه می خواهم با تو بیرون بروم چون من هنگامی که بعضی اوقات را با تو سپری می کنم احساس خوشبختی می کنم، اما مرد آن را تحت اللفظی ترجمه می کند که: تو در قبال من بی مسوولیت هستی یا تو همیشه مقصر هستی یا به تو امیدی ندارم و یا تو غیر عاشقانه رفتار می کنی. و هنگامی که زن شکایت می کند لزوماً به این معنی نیست که مرد را سرزنش می کند.

مرد در غارش است:

وقتی که مرد با مشکلات و گرفتاری ها مواجه می شود از مشکلاتش سخنی نمی گوید و به غار خود می رود و هنگامی که صحبت نمی کند همسرش فکر می کند نسبت به او بی توجه و بی اهمیت است چون مرد تمرکز می کند و زن قضایا را به هم ربط می دهد و زن نباید هنگامی که شوهرش را به تنهایی در فکر می بیند خشمگین شود چون این مرحله ای از مراحل فکر کردنش است و دیری نمی پاید که به سوی تو باز می گردد و از تو مشورت می گیرد تا اینکه باهم تصمیم نهایی را اتخاذ کنید.

اما زنان با صدای بلند فکر می کنند و به آسانی این سکوت مردها را به گونه ای نامناسب تفسیر می کنند و شروع به خیال پردازی های بدی می کنند و زن می تواند از مردی که در غارش قرار دارد بپرسد: هرگاه خواستی حرف بزنی دوست دارم کمی باهم صحبت کنیم آیا در زمان مناسب به من خبر می دهی؟.

مرد همیشه بعد از آنکه خودش تصمیم بگیرد که به تنهایی کارش را انجام دهد به نصیحت یا همکاری توجه می کند و اگر قبل از این زمان معین به او کمکی بسیار گردد باعث می شود که احساس قدرتش را از دست بدهد و دارای کسالت و ناامنی گردد. یعنی مردی که زیر فشار است جز با سکوت آرامش نمی یابد و می تواند با مهربانی بگوید: الآن وقت مناسبی برای من نیست بگذار بعداً باهم صحبت کنیم. پس همسرش بایستی این را درک کند ولی در این هنگام که مرد آمادگی صحبت کردن را ندارد اگر زن او را مجبور سازد مرد تسلط و تمرکزش را از دست می دهد و گویی همه چیز بر سرش خراب شده است.

و مرد از اینکه کسی به او ترحم کند بدش می آید درحالی که اگر مرد به زن ترحم کند زن احساس می کند که مرد به او اهمیت می دهد و هنگامی که در سختی است از او انتظار دارد که نگران شود. پس مرد ها

دوست دارند که خود را آزاد نشان دهند اما زن ها می خواهند که خود را در سختی و تنگی بنمایانند چون مرد ها در این هنگام خواستار در خود بودن و زن ها به درک شدن نیاز دارند.

تمام مردان و زنان در فهم نیازها و علاقه مندی های طرف مقابل دچار اشتباه می شوند و به همین علت است که با بد بینی و عدم رضایت آن دو به پایان می انجامد. و هنگامی که مردان و زنان بتوانند با احترام و پذیرفتن اختلافات با هم رفتار کنند، در این هنگام است که فرصتی ایجاد می شود تا عشق شکوفا گردد.

هر مرد و زنی رشد می کنند اما فرق اساسی در این است که مرد در حقایق و دانستنی ها و زن در احساسات نمو می یابند.

چگونه با شوهرت رفتار می کنی؟

شرایط رشد او را درک کن چون این کار در روش ها و احساسات و ارتباطش با تو و بقیه مردم تاثیر می گذارد.

شوهرت را با نمونه های خاص ذهنی خود مقایسه نکن زیرا باعث می شود که همیشه از او ناراضی باشی چون وقتی که او را با نمونه های خیالی خود می سنجی، بیشتر متوجه نقص هایی می شوی که در او وجود دارند.

به رغم کمبودهایی که دارد از وی راضی باش چون هیچ مردی کامل نیست و مطمئن باش آن نقص هایی که در شوهرت متوجه تو می گردند خداوند در چیز دیگری در این دنیا و در آخرت جبران خواهد کرد.

او را متوجه احساس مردانگیش کن و او را با صفات مردانگی که در اوست مانند قدرت و شهامت، جوانمردی و شجاعت، راستگویی و امانت، مسوولیت پذیری و پاک دستی و اخلاص و وفاداری ستایش کن.

فرهنگ همگانی خود را حفظ کن چون فرهنگ در زن همان چیزی است که او را متمایز می کند اما زنی که فرهنگ ضعیفی داشته باشد، شوهرش از آن جهت که چیز قابل وصفی در او نمی یابد مجبور به سکوت می شود و با گذشت زمان او را کمتر از آن حدی می بیند که با وی هم صحبت گردد.

زندگیت را بازیچه شک و تردیدهایی که از زنانی که احساس می کنند شوهرانشان در موضوع خاصی نسبت به آنها کوتاهی می کنند قرار نده چون این بازیچه خطرناکی است که تمام احساسات را می سوزاند و باعث نابودی رابطه زناشویی می گردد.

به یاد داشته باش که او چیزهای زیادی را قربانی کرده تا اینکه در کنار تو باشد و تو را خوشبخت کند پس محبت خویش را از او دریغ نکن.

زندگیت را با مردی بساز که شوهر تو شده چون این همان دنیای جدید و همان حال و آینده توست.

هیچگاه به هیچ علت کوچکترین بدی شوهرت را نزد کسی حتی مادر و خواهرت بازگو نکن چون اینگونه چهره او و ازدواجتان را مشوش می گردد. تو آنچه را که گفתי فراموش خواهی کرد اما این تنها تو هستی که آنها را فراموش می کنی.

هیچگاه بدی خانواده ات را نزد شوهرت نگو چون این کار شان تو را نزد او پایین می آورد همانگونه که باعث می شود تا نگاه او به خانواده ات نگاهی منفی شود؛ یکی از همسران می گوید: با شوهرم در مورد رفتار بد مادر سنگدلم با پدرم حرف زدم تا اینکه بعد از گذشت سالها از ازدواجمان روزی من را با این موضوع تحقیر نمود و گفت: سرشت تو نیز مانند مادرت است و راه او را ادامه خواهی داد.

هرگز حکمی صادر نکن که مبنی بر بی احترامی باشد اگرچه شوهرت مرتکب اشتباهی شده باشد و نگو: اگر تو مغرور نمی بودی با این مشکل مواجه نمی شدیم.

رهبر خانواده ات را ستایش کن و از او یک قهرمان بساز که این کار در زندگی بسیار تاثیر می گذارد.

زن باهوش زنی است که به دنبال فرصتی برای تسلط بر شوهرش نمی گردد بلکه ستونی می شود برای شوهرش همانگونه که خداوند متعال بر او فرض نموده تا اینکه احساس کند که با مردی دارای صفات مردانگی ازدواج کرده که او را خوشبخت می کند.

واژه ها و واژه ها !

برای همسرت دعا کن و بخشی از دعاها را به او اختصاص بده مثلاً بعد از نماز هایت بگو: خدایا از او راضی باش که من از او راضی هستم. هرگز طوری که بشنود دعا نکن که: خدایا اخلاق همسرم را اصلاح بفرما یا از این دشمنی که در پیش گرفته رهائش بخش و یا همیشه او را فرمانبردار من قرار بده و یا خدایا بر همسرم صبرم بده که دیگر صبر به پایان رسیده!

هنگامی که همسرت مریض می شود دستت را بر سرش بکش و از خداوند شفای او را طلب کن و هرگز به او نگو: خود را به مریضی زدن کافیت بلند شو تو مشکلی نداری!

و اگر همسرت به تو خبر داد که مادرش مریض است به او بگو: مدتی با مادرت بمان چون به تو نیاز دارد من کاروبار بچه ها را در نبود تو برعهده می گیرم. این کار رابطه تو را با خانواده همسرت محکم می کند و شبهه های دوران قبل را از بین خواهد برد. و هرگز نگو: بگذار خواهرانت نزد او بمانند مگر مادر آنها هم نیست؟!!

وقتی همسرت به تو گفت: فرزندت دوست دارد مانند تو بخواند، به او بگو: الحمدلله فرزندی به ما عطا گردیده که با افزایش علم برای والدینش سودمند خواهد بود و هرگز نگو: الحمدلله به مادرش نرفته که در طول عمر کتابی به دست نرفته است!

اگر همسرت غذایی برای پخت به او بگو: چه غذا لذیذی به راستی نزد من از غذای بهترین آشپز دنیا نیز بهتر است! این سخن باعث می شود که احساس به خوشبختی و شادمانی کند و اینگونه به فرزندانت می آموزی که چگونه در آینده از همسران خویش تمجید کنند و اگر مثلاً غا بی نمک بود هرگز نگو: کی یاد می گیری غذای خوبی بپزی؟!!

اگر همسرت به تو خبر داد که یکی از وسایل برقی به یکباره سوخت، به او نگو: مگر بارها و بارها به تو نگفتم که مواظب آن باش و حواست به فیش برق باشد؟! به او بگو: فدای سرت عمر خودش را کرده بود! با این عبارت سردی و سلامتی بر سر تمام اعضای خانواده می ریزی.

هنگامی که همسرت با این ناراحتی که یکی از دوستانش در مورد او سخن بدی گفته نزدت آمد، به او بگو: ناراحت نباش آنها با غیبت کردن تو بعضی از حسنات خود را به تو هدیه کردند. و هرگز نگو: شما زن ها جز حرف زدن کاری بلد نیستید.

زمانی که به دلایلی اجباری و مشروع مانند درس خواندن یا به پایان رساندن کاری از همسرت غافل شدی به او اطمینان بده که این ساعت ها و روزها را برایش جبران خواهی کرد چون این کار دل تنگی و احساس بی اهمیت بودن او را از بین خواهد برد. و هرگز نگو: مگر نمی بینی الآن کار دارم چونه از من چنان و چنان می خواهی؟! یا بگویی: با وجود سال ها گذشت از ازدوایمان هنوز حال و وضعم را درک نمی کنی.

اگر پسر در امتحانات موفق نشد به او نگو: هیچوقت در زندگی موفق نمی شوی و درست مانند پدرت تنبل هستی.

و اگر همسرت داستانی برایت تعریف کرد حرفش را قطع نکن و نگو: این داستان را قبلا شنیدم. این ها مسایلی ساده هستند اما عملی کردن آنها بسیاری از دردهای طرف مقابل را درمان می کنند.

چگونه همسرت تو را دوست بدارد؟

زیباترین سخن میان زن و شوهر عشق است. اگر عشق سروری کند دیگر مردم به قانون نیازی ندارند. حال چگونه درجه عشق را در قلب همسرت می افزایی؟ و چکار می کنی تا به معنای واقعی کلمه از روی صدق و اخلاص تو را دوست بدارد؟ ابتدا از خداوند متعال درخواست کن که عشق همسرت را به تو عطا بفرماید.

عایشه می فرماید: «بر هیچکدام از زنان پیامبر حسادت نورزیدم جز خدیجه درحالی که هرگز او را ندیدم و رسول الله هرگاه می خواست گوسفندی را قربانی کند می فرمود: برای دوستان خدیجه نیز بفرستید. روزی عصبانی شدم و گفتم: خدیجه؟ رسول الله فرمود: محبت خدیجه به من عطا گردیده است. رواه مسلم چون عشق رزقی است که از آسمان نازل می شود و در میان بندگان تقسیم می گردد و با دعا و تلاش برای آن حاصل می گردد. پس از آفریدگار آسمان و زمین بخواهید که عشق را در میانتان همیشگی کند. به یاد داشته باش که چیزهای کوچکی را که با او انجام می دهی تاثیر بزرگی بر وی می گذارد و لازم نیست برای رسیدن به محبت او به کارهای بزرگی دست بزنی!

از الآن به بعد علامت های دقیقی برایش بفرست و روزش را با کلماتی زیبا سرشار از عشق و شور خودت کن و قبل از این که از خانه خارج شوی او را ببوس حتی اگر روزه باشی چون عایشه می فرماید: «رسول الله در حالی که روزه بود من را می بوسید.

هنگامی که در سر کار هستی با او تماس بگیر و به او خبر بده که چقدر مشتاق او هستی.

از یاد نبر که اگر دیرتر از موعد به خانه برگردی بسیار ناراحت می شود پس اگر روزی تاخیر کردی به او در این مورد خبر بده.

هنگام بازگشتت به خانه سعی کن قبل از هرچیز دیگری او را دریابی و سخنی عاشقانه نثارش کنی چون این کار آرامشی به او می دهد.

به یاد داشته باش که تو همسری عاشق و دلسوز هستی نه قاضی محاسبه گر و فرمانبرداری او از تو حدود مشخص و معقولی دارد.

او را مرکز زندگی قرار بده و ارتباطات و وعده هایت را طوری تنظیم کن که او را در آن ها در نظر داشته باشی.

کاری کن که احساس کند خود را در قبالتش مسوول می دانی و سرپرستیش می کنی. این کار تو را در چشم او به یک مرد واقعی تبدیل می کند چون زن همیشه دوست دارد احساس کند که کسی او را سرپرستی می کند و در قبالتش مسوول است.

احترام متقابل را رعایت کن چون هنگامی که نزد بچه ها با احترام و بزرگداشت با مادرشان برخورد کنی، او احساس به شادمانی بسیاری می کند و همان کسی می شود که تو می خواهی.

از این به بعد به مناسبت خاص یا بدون مناسبت برای او هدیه ای تهیه کن چون هدایا همیشه تصویری زیبا در ذهن برجای می گذارند بخصوص اگر چیزی باشد که بسیار مورد استفاده قرار می گیرد مانند گوشی یا انگشتر یا ساعت و او را به یاد آن عشقی می اندازد که میانتان وجود دارد و روزها و شب های زندگی زناشوییتان را خوشبو می سازد.

زندگی گوارای زناشویی

همواره در واقعیت زندگی کن و به آنچه که در فضای مجازی ارایه می گردد فریب نخور چون هرگز بر اساس واقعیت نیست و چیزی ساختگی است و بیشتر از فن کارگردانی در آن استفاده شده است. همسرت را ببوس و مطمئن باش هرگز زنی نمی یابی که تمام صفات مورد پسند تو را دارا باشد.

زن می خواهد که شریک زندگیش با نگاه رضایت به او بنگرد نه با نگاهی نقادانه و به شخصیت و آرزوهایش احترام بگذارد، قدرش را بداند و دوستش بدارد و احساس کند که او در میان زنان بی نظیر است و سعی نکند که تغییرش دهد یا خصوصیات شخصیش را نابود کند.

و این همان اشتباه اولی است که بیشتر مردها به هنگام ازدواج مرتکب می شوند که فکر می کند حق دارد شریک زندگیش را تغییر دهد و آنگونه که می خواهد او را شکل دهد بدون توجه به انسان بودنش و گویی که با اسباب بازی بازی می کند!

و بسیاری از مردان این رویه را بعد از ازدواج همچنان در پیش می گیرند و شروع به ویران کردن و ساخت و ساز می کنند و نمی داند که همسرش با محبت و احترام و آگاه کردن به دین و واجباتش زنی فرمانبردارش می گردد نه اینکه مانند چیزی او را به دست بگیرد و ویژگی های شخصیتی اش را تغییر بدهد.

رابطه زناشوییتان را بر اساس شریعتی که خداوند متعال در کتابش تبیین نموده بنا نهید مثلا اینکه قوامیت از آن شوهر باشد: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم» " مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر فضیلت داده است و نیز بدان خاطر که از اموال خود خرج می کنند " نساء ۳۴ / بدون هیچگونه زیاده روی یا کوتاهی.

باید هر طرف به حقوق و تکالیف خویش بنگرد نه اینکه بر حقوق خویش تمرکز کرده و تکالیفش را فراموش سازد!

از کانال گفتگو وارد شوید و روش اخذ و عطا را در پیش بگیرید: حکایت شده که دو دوست بودند که یک پرتقال داشتند و هرکدام از آنها پرتقال را برای خودش می خواست؛ این دو دوست چون همدیگر را دوست داشتند هرکدام از آنها نصف پرتقال را برداشت اگرچه به آن راضی نبودند. بعدا مشخص شد که یکی از آنها می خواست از پرتقال مربی درست کند و دیگری فقط عصاره آن را می خواست! و مشکل اینجا بود

که هیچکدام از آنها از قصدشان با این پرتقال چیزی نگفتند و به همین دلیل هیچکدام به آنچه که می خواستند نرسیدند.

سعی کنید مشکلات را قبل از اینکه عمقی شوند حل کنید چون مشکلات میان دو نفر بدون اینکه هر کدام از آنها مقداری کوتاه بیایند حل نمی شود!

به یاد داشته باشید که موفقیت در زندگی زناشویی مقداری تفاهم و تسامح و گذشت و زیرپا نهادن غرور و دشمنی و چشم پوشی از خطاها را می طلبد.

هرگز شوهرت را مستقیماً سرزنش نکن چون احساس می کند که تو عزت به نفس و قدرت تصمیم گیری و کنترل شرایط او را زیر سوال بردی. پس بایستی تجدید نظری کنی و شخصیت او را در نظر بگیری و سعی کنی اینگونه بگویی که: بیچاره یکی از دوستانم! شوهرش یک سال است که چیزی برایش نخریده! از رفتار شوهرت در مقابل بچه هایت ایراد بگیر و الفاظی ناشایست به کار نبر که بچه ها بعداً از آن تقلید کنند.

قدر همسرت را بدان

آگاه باش ای مرد که زن از پهلوی تو ساخته شده که در کنار تو باشد پس با او مهربان باش و او را در آن قلب بگذار که از محبت او مملو گشته است.

زن چه قدر بزرگ است!

در کودکی دری را به سوی بهشت برای پدر و مادرش باز می کند.

در جوانی دین شوهرش را کامل می گرداند.

در هنگام سالخوردگی بهشت زیر پاهایش قرار دارد.

حکایت می شود که گفتگویی میان یک شوهر و روان پزشکی صورت گرفته است:

پزشک: شغل شما چیست؟

شوهر: حسابداری بانک

پزشک: شغل همسرت چیست؟

شوهر: شغلی ندارد، تنها کارهای خانه را انجام می دهد!

پزشک: چه کسی صبح ها برای بچه ها صبحانه درست می کند؟

شوهر: همسرم چون او کار دیگری ندارد

پزشک: همسرت صبح ها کی بیدار می شود؟

شوهر: ساعت پنج صبح چون بایستی قبل از آماده کردن صبحانه ظرف ها را مرتب کند

پزشک: چه کسی بچه ها را به مدرسه می رساند؟

شوهر: همسرم چون کار دیگری ندارد

پزشک: همسرت بعد از اینکه بچه ها را به مدرسه رساند چکار می کند؟

شوهر: به بازار می رود و سپس غذا می پزد و لباس ها را می شویند چون هیچ شغل و کار دیگری ندارد!

پزشک: تو بعد از اینکه بعد از ظهر برگشتی چکار می کنی؟

شوهر: بعد از یک روز سخت کاری استراحتی مفصل می کنم

پزشک: در این هنگام همسرت چکار می کند؟

شوهر: برای من و بچه ها شام درست می کند سپس ظرف ها را می شوید و خانه را تمیز می کند و بچه ها را برای خواب آماده می کند

بعد از همه اینها باز هم می گویی او کار نمی کند و تنها کارهای منزل را انجام می دهد آیا این نهایت بی انصافی نیست؟

اینکه همسرت کارهای منزل را انجام دهد نیازی به مدارک عالی نیست

اما او با این کارش امتی را پرورش می دهد پس قدر آنچه را که همسرت انجام می دهد بدان!

الاغت را طلاق بده و بسوی من بازگرد!

حکایت شده که جوانی در شب زفاف از عروسش مهلتی خواست و همسرش گمان کرد که قصد دارد هدیه ای به او تقدیم کند! هنگامی که بازگشت در دستانش مقداری علف بود! از او پرسید این چیست؟! با لبخندی به او جواب داد: وای یادم افتاد که الاغم غذا نخورده رفتم که به او آب و غذا بدهم! همسرش بیچاره اش سکوت کرد و چیزی نگفت. فردا صبح زود به یکباره همسرش را بیدار نمود و گفت: الاغ ... الاغ ... روز شده و علفش را نخورده بلند شو و به او غذا بده! ماه عسل تمام شد و تمام هم و غم مرد این بود که: آیا الاغ را غذا دادی؟، حال و وضع الاغ چگونه است؟ و آیا می فهمی الاغ چه می گوید؟ دختر بیچاره احساس کرد که با الاغی ازدواج کرده نه با یک مرد! لباس هایش را جمع نمود و به خانه پدرش رفت و درخواست طلاق نمود! اهل خیر وساطت نمودند و به او فهماندند که این تازه عروس است و باید بیشتر از الاغ به او برسی و الاغ را فراموش کنی. مرد قول داد که الاغ را فراموش کند و با همسرش آشتی کند! وعده خلافی کرد و بعد از چند ساعت با تاخیر به خانه پدر زنش رسید. دلیل این تاخیر را از او پرسیدند! در حالی که سرش را به نشانه تاسف پایین انداخته بود جواب داد: قطار تاخیر داشت، بخدا قسم اگر با الاغم می آمدم زودتر از قطار می رسیدم! همسرش فریادی کشید و درحالی که دست هایش را به هم می کوبید گفت: برو با همان قطاری که با آن آمدی برگرد!

الاغ در این داستان تنها نمونه ای بود که ممکن است در زندگی بقیه زوج ها چیزهای دیگری مانند: گوشی تلفن یا رایانه یا ماشین و غیره باشد که اگر زن از بیماری یا درد عضوی شکایت کند برای مرد به اندازه خرس عروسکی گوشیش اهمیت ندارد.

مردی به تجارت پیاز مشغول بود هرگاه با زنی می نشست و هم صحبت می شد از انواع و اقسام پیاز سخن به میان می آورد و زن نیز از دستش فرار می کرد!

بیش از ده بار سعی کرد تا همسری پیدا کند ولی موفق نشد و عاقبت قبل از اینکه همسری یابد که به پیاز علاقه مند باشد از دنیا رفت!.

چشمانش را بخوان

زن ریز بین :

زیباترین چیزی که شوهر دوست دارد این است که زن باهوش و ریزبین باشد، چشمانش را بخواند،
روحش را احساس کند و قصدش را بفهمد با اینکه لبهایش را باز نکرده باشد!

حدیث الروح للارواح یسری فندرکه القلوب بلا عناء

خوشحال باشد یا ناراحت، علاقه مند باشد یا بیزار همه اینها را از صورت و چشمهایش بخواند!
خداوندان عایشه راضی باشد، که دوست داشتنی ترین افراد نزد رسول الله بود و قصد و رغبت ایشان را
درک می کرد اگرچه صحبت هم نمی نمودند.

شاعر می گوید:

ان العیون لتبدی فی نواظرها ما فی القلوب من البغضاء و الاحن

و چقدر برای شوهر دشوار است که علاقه مندی هایش درک نشود و همسری بی دقت داشته باشد که چهره
شوهرش را نخواند و احساساتش را درک نکند و بی خیال باشد و بیهوده بخندد و مسخره کند و درون او
را نخواند و از اعماق وجودش بی خبر باشد!

هرچقدر زن در فهم کردن و اطاعت از شوهر خویش چه در سکوت و چه در سخن گفتنش توانا تر باشد
محبت او بیشتر به دل شوهرش می نشیند.

خودت را با فرهنگ کن:

خودت را با فرهنگ کن تا بر فن زندگی زناشویی تسلط یابی! و کتابهایی درمورد تربیت بخوان تا اینکه
حرفه ی تربیت فرزندان را بیاموزی! و عقلت را با علم و فرهنگ تغذیه کن تا اینکه شخصیت خویش را
رشد بخشی و در مجالس حضور یابی! آیا وقت اضافی نداری؟ چه چیز مانع این می شود که به مرور
زمان بر مهارت هایت بیافزایی؟ به عنوان مثال زبان انگلیسی یاد بگیری و در کار با کامپیوتر و اینترنت
مهارت یابی چون این کارها تنها برای پر کردن وقت نیست بلکه درک و فهمت را گسترش می دهد و تو
را بیشتر به پسران و دختران نزدیک می گرداند.

اما باید آگاه باشی که غرق شدن در این ها باعث کوتاهی تو از وظایف اصلیت نشود زنی باهوش می تواند در تمام زندگی مرد نقش داشته باشد و بر خودش واجب کند که به صورت مستقیم بر زندگی شوهرش تاثیر بگذارد. بعضی اوقات مادری می شود تا واطب کودکیش باشد، گاهی همسری می شود که مردانگی را در او بیدار می سازد، گاهی دوستی می شود که در آرزوها و دل نگرانی هایش شریک می شود و گاهی دختری می شود که احساساتش را بر می انگیزد و هرچقدر نقش هایش بیشتر و متنوع تر باشد شوهرش را بیشتر خوشبخت می کند.

اما اگر عکس این موضوع انجام گرفت و نقش زن فقط در تمیز کردن خانه و پخت و پز محدود گشت خطر این را به دنبال دارد که توجه شوهر به چیز دیگری جلب شود.

رازهای خانه ات را پنهان بدار

نگهداری اسرار زناشویی:

روزی مشاجره ای میان زن و شوهری درگرفت و زن شروع به گریه کرد و در این هنگام در زدند و خانواده دختر به دیدنش آمده بودند و از او پرسیدند چرا گریه می کنی؟ دختر گفت: نشسته بودم و به شما فکر می کردم و گریستم و خیلی دلم می خواست که شما را ببینم. مرد سخن را شنید و به بزرگی او پی برد و بسیار از او تشکر کرد که اسرار زناشویی شان را برملا ننمود.

اسرار شوهرت را حفظ کن و هرآنچه از درگیری و اختلافات در میانتان شکل می گیرد به فراموشی بسپار و هرگز آن را برای نزدیک ترین شخص به خودت بازگو نکن اگرچه مادرت باشد. بعضی از زنان با همسایه یا دوستشان یک ساعت یا بیشتر با تلفن و گوشی صحبت می کنند و از بدی حال و وضع زندگی خویش و راضی نبودن به آن سخن به میان می آورند.

مشکلات خصوصی خانه اش را انتشار می دهد به گونه ای که هرگاه مرد او را می بیند در حالی است که گوشی اش را به دست گرفته و از راه حل ها و پیشنهادات نزدیکان و همسایگان برای آن مشکل استقبال می کند! یکی از شوهرها می گوید: من هر کاری که انجام می دهم همسرم آن را پخش می کند و نزد برادران و خواهران و مادر و دوستان و همسایه هایش از آن صحبت می کند جدای از اینکه این کار در خانه ام یا در سر کارم باشد همه زندگی و رازهای من را می دانند. بارها سعی کردم که او را نصیحت کنم اما فایده ای نداشت و زندگیم با او ناامن و ویران گشته چون حتی اسرار بستر خواب را نیز برای دوستانش تعریف می کند!

چرا اسرار زندگی زناشویی را افشا می کنی؟:

از آنجا که یکی از دو طرف بر مشکلات خانوادگی صبر ندارد و آن را برای یافتن درمان یا کاهش درد پنهان سازی افشا می کند!

بسیار سخن گفتن تا کار به جایی برسد که این اسرار را برملا شوند.

کبر و غروری که انسان را وادار می کند که به آنچه دارد و ندارد افتخار کند و نزد دیگران از آن سخن به میان آورد.

نقل رازهای رابطه زناشویی و اسرار خانه بیرون از محیط زندگی زناشویی یعنی شعله ور کردن آتش کینه و دشمنی در میان زن و شوهر. و زن عاقل کسی است که راز شوهرش را پنهان می کند و سعی می کند مشکل را بدون دخالت هیچکس تنها با شوهرش درمان کند.

مردان زنی را شایسته تر می دانند که سخنی را نقل نکند و رازی را افشا نگرداند.

جریر در مورد عفت و رازنگهداری همسرش در خانه اش این گونه شعری سروده:

كانت اذا حجر الحليل فراشها خزن الحديث و عفت الاسرار

حکیمان کسی را که رازها را افشاء می گرداند به شخصی با سینه تنگ و صبر کم توصیف نمودند؛ شاعر در این باره می گوید:

اذا المرء افشى سره بلسانه ولام علیه غيره فهو احمق

اذا ضاق صدر المرء عن سر نفسه فصدر الذی يستودع السر اضيق

رازهایی که نباید آشکار گردند !

رسول الله زن یا مردی را که اسرار زناشویی را نگه نمی دارد وعده ی شدیدی داده است و می فرماید: «بدرترین مردم در روز قیامت نزد خداوند مردی است که با همسرش نزدیکی می کند و سپس اسرارش را برملا می سازد». رواه مسلم / و می فرماید: «ممکن است گاهی مرد یا زنی از آنچه که بین خودش و همسرش انجام می گیرد صحبت کند، این کار را انجام ندهید، چون مانند این است که شیطانی بر سر راه با شیطان دیگری درآمیزد در حالی که مردم به آنها می نگرند». صحیح الجامع ۴۰۰۸

این غیر از حالتی است که ضرورت ایجاب می کند تا درمورد رابطه زناشویی خود صحبت کنند مانند فتوا خواستن و درمان کردن آنها به اندازه ای معین.

نگه داشتن راز شوهر به طور عموم و اسرار همبستری به طور خصوص دلیلی است بر صالح بودن و کامل بودن عقل زن چون خداوند متعال می فرماید: «فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله» پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار بوده و اسرار را نگه می دارند زیرا که خداوند به حظ آنها امر فرموده است " نساء ۳۴

شیخ محمد رشید رضا می گوید: این فرموده وجوب پنهان داشتن هرآنچه را که درمیان زن و شوهر در خلوت می گذرد، بیان می دارد حتی سخنی زشت حال چه برسد به حفظ آبرو!.

شاید مقصود این آیه بعضی از زنان ما باشند که از افشا کردن اسرار زناشویی لذت می برند و رازی را نگه نمی دارند.

جزئیات رابطه زناشویی:

« از عبدالله بن ابی قیس روایت است که گفت از عایشه پرسیدم رسول الله در همبستری کردن چگونه بود؟ آیا قبل از خواب غسل می نمود یا اینکه ابتدا غسل نموده و بعد می خوابید؟ فرمود: هر دو نوع را انجام می داد؛ گاهی غسل می فرمود و می خوابید و گاهی وضو می گرفت و می خوابید. گفتم: سپای خداوندی را که این کار را آسان گردانیده است». رواه مسلم

ملاحظه بفرمایید سوال و جواب به مقدار نیاز و بیش از این درمورد سوالی پرسیده نشد و مادرمان عایشه در جواب این سوال زیاده روی نکرد. « و از عایشه روایت است که مردی - درحالی که عایشه نشسته بود- از رسول خدا پرسید اگر شخصی با همسرش نزدیکی کند و سپس منصرف گردد آیا غسل بر آنها

واجب می شود؟ رسول الله جواب داد: من و عایشه این کار را انجام می دهیم و سپس غسل می کنیم. «
رواه مسلم

و اگر کسی نخواست خود را آشکار کند می تواند توسط کسی دیگر آن را بپرسد و این کاری بود که علی بن ابی طالب انجام داد وقتی که فرمود: من شخصی مذاء بودم و چون دخترش همسرم بود شرم می کردم که در این مورد از ایشان سوالی بپرسم به همین جهت مقداد بن اسود را امر نمودم که بجای من بپرسد و رسول الله جوابش داد که: شرمگاهش را بشوید و وضو بگیرید.

ادب در هر چیزی چه زیباست !

نبایدهایی برای همسر

متوجه سرشت شوهرت باش و خصوصیات را خوب بفهم تا زندگیتان استقرار یابد و احساس خوشبختی و آرامش کنید.

خودت را با او مقایسه نکن، چون او از با تو متفاوت است.

از گوشه گیری او ناراحت نشو، چون او زمانی که سعی در حل مشکلی دارد گاهی اوقات ترجیح می دهد از دیگران دوری گزیند.

سر به سرش نگذار، چون او طبع شدیدی دارد و عصبی مزاج است و صبرش زود به سر می آید.

از او توقع نداشته باش که هرچه دوست داری در صدد آن برآید، چون او به مانند تو نمی اندیشد.

روش یا فکر خودت را بر او دیکته نکن، زیرا او هرگاه احساس کند که بر او فشار می آوری خشمگین می گردد.

با زیاد حرف زدن عرصه را بر او تنگ نکن چون او زن پرحرف را دوست ندارد.

منتظر نباش که به تو بگوید: متاسفم! چون بعضی از مردها عذرخواهی کردن را دوست ندارند و اگر بخواهند عذرخواهی کنند شیوه ی دیگری را به همین منظور در پیش می گیرند.

نگذار احساس کند که از او بی نیاز هستی چون حمایت و بخشش او را از دست می دهی.

سخنی را که آزارش می دهد بر زبان نیاور!

کارهایی را که بخاطر تو و فرزندانت انجام می دهد دست کم نگیر تا از دستش ندهی!

در مقابل خانواده و دوستانش از او انتقاد نکن، چون احساس می کند که از مردانگیش انتقام می گیری.

هنگام بیرون رفتنش او را سوال پیچ نکن، زیرا او دوست دارد بدون مورد سوال قرار گرفتن کاری را انجام دهد.

به هنگام رابطه زناشویی او را از خود طرد نکن تا در جایی دیگر به دنبال کامجویی نرود.

رازهای زندگیتان را افشا نکن چون پیامبر از این کار نهی فرموده و مرد طبیعتاً پنهانکار است.

بر خواسته هایت نیافزای چون او همسری قانع را دوست دارد و پیامبر می فرماید: "با قناعت پیشه کردن، از شکرگزارترین مردم باش". صحیح الجامع ۴۵۸۰

احساس نکن که از او برتر هستی چون در این صورت محبت و احترامش را از دست خواهی داد.

مهر و محبت خودت را از او دریغ نکن، تا باعث رضایتش شود.

همیشه منتظر نباش که او آغازگر باشد چون بزرگواری شوهر در حرکاتش مشخص می شود.

به فرزندان با حساب اینکه به شوهرت خدمت می کنی مشغول نشو، زیرا او دوست دارد تا زمانی که در خانه است تمام اهتمام و مراعات به او منتهی شود.

صدایت را بر شوهرت بلند نکن! متأسفانه شوهر در خانه صدای بلند همسرش را می شنود در حالی که

صدایش را نزد کسی که جایز نیست نازک می کند درحالی که خداوند متعال می فرماید: «فلا تخضعن

بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض» " صدا را نرم و نازک نکنید که بیمار دلان چشم طمع به شما بدوزند "

احزاب ۳۲.

نبایدهایی برای شوهر

اجبار نکن آنگونه که تو حرکت می کنی او نیز حرکت کند چون او با تو فرق می کند.

عشق و امنیت و عاطفه را به او هدیه بده چون او طبیعتاً به اینها احتیاج دارد.

به شکایت هایش اهانت نکن چون او با این کار تنها به دنبال تایید روحی و عاطفی از طرف توست.

از این به بعد در خریدن هدیه و بیرون رفتن کوتاهی نکن چون او شوهر بخیل را دوست ندارد.

او را از دیدن خانواده اش محروم نکن، چون بیشترین ارتباط زن با خانواده اش است.

از این به بعد از ابراز غیرتت بر او غافل نشو، چون این زنانگی اش را راضی می کند.

عیب هایش را به وضوح بیان نکن، چون او انتقاد را دوست ندارد.

به هیچ وجه ممکن به او خیانت نکن، چون سخت ترین چیز برای زن خیانت زناشویی است جدای از تحریم شدید آن!

او و احساساتش را مسخره نکن، چون او موجود ظریفی است که جراتت را بر نمی تابد.

چیزی را که از تو خواسته فراموش نکن، چون این احساس را تولید می کند که هیچ ارزشی برای تو ندارد.

او را خوار نکن، چون او همیشه به کسی احتیاج دارد که بتواند بر او تکیه و به او اعتماد کند.

در واجبات و تکالیف خانوادگی کوتاهی نکن.

از پیشنهادات او در مورد حل مشکل هایی که برایتان اتفاق می افتد نترس، چون احساس می کند که نسبت به او بی اهمیت هستی.

از او توقع نداشته باش که همیشه مشکلات را به گونه ای عقلانی و منطقی حل کند، چون او بیشتر تمایل به کارگرفتن احساساتش دارد.

در کارهای خانه زیاد دخالت نکن و به او اعتماد به نفس بده، چون باعث می شود احساس کند به اینکه او ملکه ای است که همیشه متوجه کارهای منزل می باشد.

از تعریف و تمجید کردن او در مورد لباس ها و جواهرات و آشپزی و حتی در مرتب کردن خانه اش غافل نشو، زیرا این زنانگی اش را راضی می کند.

فراموش نکن که گاهی زن دچار ناراحتی و سختی هایی مانند عادت ماهیانه و حاملگی و غیره می شود پس در این مدت باید احساساتش را درک کنی.

زیاد آزادی شخصیش را صلب نکن، بخصوص در روابط اجتماعی چون او طبیعتا اجتماعی است و دوست دارد با دوستانش دوستی های بسیاری داشته باشد.

در انجام عبادات همراه با همسرت کوتاهی نکن، چون راه های محبت را تثبیت می کند. حسن بن صالح دختری داشت و او را به ازدواج مردی در آورد و مرد او را به خانه اش برد، نیمه های شب همسرش برخواست و گفت: بلند شو ای مرد! نماز نماز! مرد گفت: آیا فجر طلوع کرده؟ زن گفت: مگر تو جز نماز فرض دیگر نمازی نمی خوانی؟ مرد گفت: بله. زن به سوی پدرش بازگشت و گفت: من را به ازدواج قومی درآوردی که جز نماز فرض نمازی دیگر نمی خوانند؟!

می گویند: همسر نیکوکار گنجی همیشگی و ثروتی تمام نشدنی است.

اما همسر بد اخلاق فقری بی انتها و ترسی همیشگی و بدبختی پایان نیافتنی است.

و امام عمر می فرماید: خداوند بعد از ایمان نعمتی بهتر از همسر نیکوکار به بنده عطا نفرموده است.

پس گوارا باد بر آنکسی که چنین همسری به او داده شده است.

بهترین همسر باش

پس اگر چنین می خواهی، باید مطیع خداوند باشی و بر شوهرت صبر کنی.

راستگو باشی و به هنگام عصبانیت بردبار و به کم قانع باشی.

در غیاب شوهرت خودت و مال او را حفظ کنی و اگر در نزد تو بود زبانت را از او نگه داری.

مطمئن باش سنگین ترین کلمه ای که به گوش شوهر می خورد کلمه ی "زود باش" یا "بهم بده" است! حتما میگویی: او وظیفه دارد که هر آنچه من احتیاج دارم تهیه کند! اما خواسته ات باید در موقع مناسب و به روشی دقیق انجام گیرد.

در اعمال غیرت بر شوهرت کوتاهی نکن، وگرنه زندگیت از هم می پاشد. اگر همه اینها را انجام دهی بهترین همسر می شوی که رقیبی نخواهد داشت.

یکی از همسران می گوید: در ارتباط با شوهرم همواره قاعده ای را در نظر دارم و آن این است که: در دوست داشتن و همینطور در غیرت اضافی بر او زیاده روی نکنم چون زیاده روی در عشق و غیرت بسیاری از اوقات نتیجه عکس می دهد! پس من با محبت خویش شوهرم را به سختی نمی اندازم و حالت احساسی شدیدی را که زنان آن را لازمه زندگی زناشویی می دانند برای وی ایجاد نمی کنم.

بعضی از زنان در عشق ورزیدن به شوهرانشان به حدی مبالغه می کنند که غیرتی بسیار در وجودشان شکل می گیرد و سپس با یک حرکت اشتباه از طرف شوهر دیگر از وی راضی نمی شوند. پس بایستی همواره این حدیث رسول الله را در ذهن داشته باشیم که می فرماید: «شخص محبوبیت را به اندازه ای معین دوست داشته باش چون ممکن است روزی از او بدت آید و با کسی که از او نفرت داری به آرامی دشمنی کن چون ممکن است روزی دوست تو گردد». صحیح الجامع ۱۷۸

زن عاشق برای خدمت به شوهرش می شتابد و نیازهایش را برطرف می کند و بر این مسر است که آنچه شوهرش را شاد می سازد برای او آماده کند و آنچه را که ناراحتش می کند از وی دور سازد.

روایت است که به ام المومنین عایشه گفتند: کدام زن بهتر است؟ ایشان فرمود: کسی که با عیبی شناخته نشده باشد (فاحشه نباشد، لعنت گر نباشد، و با زبانش شوهر و همسایگانش را آزار ندهد) و به حيله مردان راه ندهد (یعنی از هر آنچه مردان از مکر و حيله بکار می گیرند که زنان نامحرم را به سوی خود جذب کنند، به دور باشد).

قلبش را تنها برای شوهرش زینت ببخشد (یعنی چشم و زیور آلات و افکارش را به شوهرش محدود گرداند) و همچنین به خاطر حفظ خانواده اش.

یکی از زنان نقل می کرد که شوهرش با شدت تمام به او گفت: من برای ناهار با دوستانم بیرون می روم، چیزی می خواهی؟! زن به او گفت: باشه ولی دیر نکنی چون برق قطع خواهد شد! مرد با تعجب در موردش فکر کرد و گفت: چه کسی به تو گفته برق قطع می شود؟! جواب داد: چون هرگاه از خانه بیرون می روی همه چیز تاریک می شود و وقتی داخل می شوی همه چیز در آن نورانی می گردد! مرد لبخندی زد و به شوق بازگشت به خانه، رفت.

خانه ات مکانی برای آسایش است

خوب این را بدان که تو گل خوشبوی خانه هستی پس شوهرت بایستی بوی تو را هنگام ورود به خانه استنشام کند!

هنگام رسیدن او به خانه دست از کار بکش و نگذار احساس کند انجام کارهای منزل تو را خسته کرده است.

از این به بعد به یکباره جشنی خانوادگی را تدارک ببین البته با کنترل مناسب وقت.

برحذر باش از اینکه با شکایت و گلایه با شوهرت روبه رو شوی هرچند هم که کار سختی باشد و آن را برای زمانی مناسب که مهربانی و احساسات را در او بیابی به تاخیر بیانداز.

زنانگی خود را به یاد بیاور و سعی کن آن را بدون هیچ تکلف و زیاده روی نشان دهی.

لباس های بسته و گشاد نپوش که مبادا احساس کند که تنها برای مهمانی ها به ظاهر خودت می رسی.

از اهتمام به نظافت شخصیت مانند بوی بدن و غیره غافل نشو که مبادا بوی بدی از طرف تو او را از تو فراری سازد.

به لباس ها و وضعیت ظاهری شوهرت اهمیت بده اگرچه خودش زیاد اهمیت ندهد چون بدون شک این کار تو فراموش نخواهد شد.

همیشه در صدد نو کردن باش تا از روزمرگی خسته کننده ای که زندگی زناشویبتان را با مشکل مواجه کرده رهایی یابی؛ ترتیب چیدن بعضی از وسایل منزل را طوری عوض کن که گویی چیز تازه ای است.

هرگز احساس نکن برای دوست داشتن شوهرت سن و سالت بالا رفته چون هرچند که سن هم بالا رود دل می تواند جوان بماند؛ فرزندان و مشکلاتشان را فراموش کن و برای وقت دیگری بگذار و با شوهرت شوخی کن تا او هم با تو مزاح کند.

به شوهرت ابراز نیاز کن؛ بعضی از زنان چنان می پندارند که ابراز نیاز به شوهر نشانه ضعف شخصیت می باشد و این اشتباه است؛ پس از این به بعد زن بایستی به شوهرش بفهماند که به او نیازمند است.

سعی کن دوستانش را گرامی بداری و از رفت و آمد بسیار و سرزده آنها به خانه ناراحت نشو بلکه به خاطر شوهرت در صدد احترام گذاشتن به آنها باش!

فرزندانت را بر زندگی راحت و با آرامش تربیت کن در زیر سایه پدری که راضی است به آنچه که خداوند به او بخشیده و مادری مهربان برای شوهر و فرزندان.

آنچه که میان خودتان و الله متعال است را رعایت کنید تا در مراعات او تعالی باشید؛ چه بسا به خاطر گناهی خانواده ای خوشبخت از هم پاشیده شده است! و به سبب معصیتی زندگی روبه تاریکی و تلخی رو نهاده است! ابراهیم ابن ادهم می فرماید: هرگاه گناهی مرتکب می شوم در اخلاق همسرم و حتی حیوان هایم اثر آن را می یابم.

و هرچند زوجین به خدا نزدیکتر باشند و به درگاه او زاری و درخواست کنند که زندگی زناشوییشان ادامه یابد و باهمدیگر خوشبخت شوند، خداوند نیز دعایشان را اجابت می فرماید.

زنی مشغول خواندن قرآن است و در آن می اندیشد و متواضعانه آن را به کار می گیرد، مرد به آرامی نزدیکش می شود و با سکوت در کنار او می نشیند، زن متوجه حضور مرد می شود و از قرائت دست می کشد و با لبخند می گوید: بله عزیزم! آیا چیزی می خواهی؟ مرد در حالی که چشمانش از اشک شوق و افتخار پر از اشک شده جواب می دهد: بله عزیزم چیزی می خواهم! می خواهم که در بهشت با هم باشیم؛ به من قول می دهی؟

چه چیزی از عشق حلال زیباتر است؟ در دنیا شروع می شود و در بهشت رب العالمین ادامه می یابد!

آیا می‌خواهی بر قلب شوهرت تسلط یابی؟

ابتدا باید روحیات شوهرت را بشناسی، امیال و آرزو، آنچه دوست دارد و ندارد چون ارتباط همیشگی همه چیز را برای تو روشن نمی‌کند! بلکه باید عقلت را به کار بیاندازی و چشمانت را باز کنی و ذهنت را با مشاهده و تجزیه و تحلیل تربیت کنی؛ در این هنگام همه اینها در قالبی زیبا به نام عشق شکل می‌گیرند.

با همسرت در مورد عشق‌هایی که مانند آب زلالی بودند، صحبت کن و اگر نظری داشتی هرگز نگو: {این نظر من است} بلکه به جای آن از تعبیراتی مناسب‌تر مانند: {من پیشنهاد می‌دهم} یا {چه میشد اگر چنین می‌کردی} استفاده کن چون مرد نمی‌خواهد نظرت را بر او غالب کنی حتی اگر نظرت کاملا صحیح باشد که اگر چنین کنی فوراً خلاف آن را انجام می‌دهد.

در هنگام صحبت با شوهرت باید این را در نظر داشته باشی که او از بعضی از کلماتی که به جروبحت می‌انجامد متنفر است و با صراحت از تو می‌خواهد که دیگر آنها را نگویی پس دیگر زبانت را از گفتن آنها نگه دار تا در قلب و ذهن او به زیباترین شکل به گونه‌ای خاص ثبت شوی.

زیاد از حالش سوال نپرس به خصوص هنگام بیرون رفتنش از خانه، چون این کار مرد را سرگشته می‌کند و او را بین دو چیز قرار می‌دهد: یا اینکه تو بر او غیرت نشان می‌دهی و او احساس می‌کند همیشه از جانب تو تحت نظر است یا اینکه او مانند کودکی است که به پیگیری نیاز دارد و بایستی از هر حرکتش مورد سوال قرار گیرد!

اوقات الفت و پذیرش را بشناس و به هنگام وارد شدنش به منزل از صحبت‌های جدال برانگیز خودداری کن و از شوهرت نخواه که به مانند پلیسی با فرزندانش رفتار کند که متهم را دستگیر و محاکمه و مجازات کند چون مرد هنگامی که وارد خانه می‌شود همواره مقداری اگرچه کم از مشقت‌ها و سختی‌های کار را یا خود به همراه دارد. و برحذر باش از اینکه سریال شکایت‌ها را شروع کنی هنگامی که او به تماشای برنامه‌ای نشسته که منتظرش بوده است چون این حرف‌ها هیچ فایده‌ای برای تو نخواهد داشت و چه بسا تو را با او به بنبستی بکشاند! و همیشه این را بدان که نقاش زمان و حرفه‌ی خاص خود را دارد.

برای به دست آوردن قلب شوهر همیشه سعی کن چیزهایی را که نمی‌دانی از او بپرسی اگرچه در مورد چیزهایی باشد که در حیطه تخصص مردان نیست. همچنین بایستی احساس کند که تو از او یاد می‌گیری اینگونه قلبش را به دست می‌آوری اگرچه طول بکشد!

و زن پاک سرشت روح زندگی زناشویی را برای شوهرش نگه می‌دارد و به او اجازه می‌دهد که از این به بعد با دوستانش به بیرون برود و با آنها در خانه دیدار کند به این ترتیب بعد از مدتی می‌بینی که کم‌کم از آنها دوری می‌کند.

و مرد مادر بودن را در تو دوست دارد، پس برای او مادر باش تا او نیز برای تو پدر و شوهر و پسر گردد! ممکن است او خودش را نزد تو خسته و درمانده نشان دهد و تو هم فکر کنی که او به کمک نیاز ندارد درحالی که اگر در این موقع تظاهر به نگرانی کنی همین اهمیت دادن از طرف تو باعث می‌شود که به مهربانی تو پی ببرد و با تو رفتار نیکویی داشته باشد.

به موارد کوچکش اهمیت بده و برای او سینه‌ای مهربان بگستران که برای او در مقابل تمام دنیا کافی باشد.

دختر باش

دختر باش از صمیم قلبت و با رعایت عفت و حجابت. دختر باش با رعایت ادب و اخلاق و همچنین با حیاء و میانه روی خود. دختر باش با آرامش و پایین آوردن صدایت. دختر باش با خویشتن داریت. دختر باش و عروسک دست هر انسان هرزه ای نباش. و در پایان زن باش تا تمام مردهای عالم از آن تو باشند! و از چیزهایی که هرگز نباید از آن تنازل کنی، رعایت حیاء و عفت با شوهرت است. اما حیاء در صورت و چشمها و حرکات مشخص است. گاهی اوقات مانند اولین باری که او را دیدی به او نگاه کن، مطمئن باش تاثیر بسیاری بر شوهرت می گذارد.

حیاء در کلام و نگاه کردن و راه رفتن و حرکت کردن است. بنگر که خداوند متعال می فرماید: {تمشی علی استحياء} (با نهایت حیاء گام برمی داشت) قصص ۲۵ / چه وصف زیبایی! انگار که آن دختر از شدت حیاء نه بر روی پاهایش بلکه بر روی حیایش راه می رود.

دختر پاک و عقیقه هنگامی که با مردان روبه رو می شود بر حیایش است و خود آرایی و عشوه گری و فریب کاری و فخر فروشی نمی کند. آمده است که دعوت پدرش را به او برساند اما در کوتاه ترین لفظ و استدلال به گونه ای که قرآن حکایت می کند: {ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیتم لنا} (پدرم از تو دعوت می کند تا پاداش اینکه گوسفندان ما را آب داده ای به تو بدهد) قصص ۲۵ / با حیاء و دقت و شفاف سازی نه با لکنت زبان و سخن را در دهان چرخانیدن چون دختر پاک فطرتاً به هنگام روبه رو شدن با مردان و صحبت کردن با آنان شرم می کند اما به خاطر اطمینان به پاکی و استواری خود اضطرابی ندارد بلکه به صورت شفاف و به اندازه نیاز صحبت می کند و نه بیشتر.

بی گمان وجود شرم و حیاء در زنان مانع حق گوئی یا علم اندوزی یا امر به معروف و نهی از منکر نمی شود؛ زیرا حیاء مانع آن نشد که ام سلیم انصاری بگوید: یا رسول الله خداوند از حق شرم ندارد، پس آیا زن هنگامی که محتلم شد باید غسل کند و پیغمبر نیز بدون اینکه حیاء مانع ایشان شود فرمود: بله هنگامی که آبی مشاهده کند. رواه بخاری

و یک با امام عمر سخنرانی می کرد و به مقادیر زیاد مهریه اعتراض می نمود که زنی به او گفت: خداوند آن را به ما عطا می کند و تو از ما منع می کنی ای عمر؟! آیا الله متعال فرموده: {وَأْتِمُّوا حَقَّاتِ الْفِطْرَةِ} فلا تاخذوا منه شیئاً نساء ۲۰؟! (هرچند مال فراوانی هم مهر آنها کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از مال دریافت کنید). و شرم و حیاء مانع این زن نشد که از حق زنان دفاع کند و همچنین مانع این

نشد که عمر عذرخواهی کند و بگوید: همه مردم از تو به فقه واردتر هستند ای عمر همانا این زن درست گفت و عمر اشتباه کرد.

به زیبایی و اموال و اصل و نصب نیکوی خود مغرور نشو چون تو هیچکدام را نساخته ای. پس بهتر است مردم از تو تعریف کنند نه تو از خودت و مردم هم بگویند که تو مغرور و متکبر هستی.

عمر بن خطاب می فرماید: هرکس تکبر و غروری در خود بیابد از خواری و ذلتی است که در نفسش وجود دارد.

نزدیک ترین راه به قلب شوهر

نزدیکترین راه به دل قلب شوهر همان معده است!

اینگونه حکایت می کنند که امامه بنت حارث دخترش را به هنگام ازدواج اینطور نصیحت نمود: به هنگام خواب و غذا خوردن شوهرت را دریاب چون تکرار گرسنگی و خواب آشفتگی او را خشمگین می کند. پس همسر خوب و شایسته کسی است که وقت مناسب را برای غذای مورد علاقه شوهرش بشناسد و حرفه ی آماده کردن انواع غذاهای مختلف را هر مقدار که برایش میسر باشد بیاموزد و برای به دست آوردن محبت و احترام شوهرش همت کند تا او نیز در نزد اقوام و نزدیکان خویش از دست پخت همسرش تعریف کند. و این به معنای آن نیست که زن زمان طولانی را برای آماده کردن غذا ضایع کند و در ایجاد تنوع در آنها اسراف کند بلکه بایستی آنچیزی که شوهرش دوست دارد بپزد بدون این که در وظایف دیگرش کاستی و خللی ایجاد کند. تا وقتی که همسرش از کار باز می گردد و گرسنه است، خوراکی آماده و خانه ای تمیز و بوی مطبوعی را بیابد که در همه جا پخش شده است و همسر و ملکه اش به انتظار او نشسته است تا با هم غذا بخورند. در این حال است که خداوند این خانواده ی بزرگوار را در این فضای ایمانی مبارک می دارد. اما ممکن است یکبار همسرش خسته باشد یا به کودک مریضش مشغول شده باشد و یا ظرف ها کثیف باشند و دیر غذا درست کند! در حالی که اولین مرتبه است که در طول زندگی غذا را نیم ساعت دیرتر از موعدش آماده کرده است در این اثنا شوهرش در مقابل فرزندان جام عصبانیت و غضبش را بر سر وی می ریزد و نزد هرکسی بازگو کرده و رسوایش می کند.

اما شوهر خوب و مهربان ظرف ها را سامان می دهد و برای همسرش عذر می آورد و اگر طعامی آماده نیافت هرگز ناراحت و عصبانی نمی شود بلکه همسرش را درک می کند و از او می خواهد که خودش را مشغول غذا پختن نکند و غذایی آماده سفارش می دهد. سرور گرامی از این گونه رفتار تعجب نکن چون شوهرهایی وجود دارند که به همسرانشان سخت می گیرند و در انجام کارها بر آنها آسانگیری و گذشت ندارند! ارتباط زن با شوهرش تنها این نیست که به خوراکش اهتمام بخشد و از دیگر حقوقش کوتاهی کند بلکه ارتباط سالم فن است و ذوق و ابتکار و نوآوری می خواهد.

زن و مردی به باغ وحش رفتند و در آنجا متوجه شدند که میمونی با جفت خویش بازی می کند. همسرش گفت: وای چه داستان عاشقانه ی زیبایی! و در این هنگام به قفس سیاه رفتند و شیر را ساکت و بی صدا یافتند و جفتش کمی از او دور بود. زن به شوهرش گفت: چه داستان عاشقانه ی غم انگیزی! مرد به او

گفت: این شیشه خالی را به طرف همسر شیر پرتاب کن و ببین چکار خواهد کرد! وقتی که آن را پرتاب کرد شیر برای دفاع از همسرش غرشی کرد! ولی هنگامی که آن را به طرف قفس میمون ها پرتاب نمود میمون نر پا به فرار نهاد و همسرش را تنها گذاشت در حالی که شیشه اصلا به او برخورد نکرد. مرد به همسرش گفت: فریب رفتاری را که مردم در مقابل تو انجام می دهند، نخور! چون کسانی هستند که مردم را با ابراز احساسات ظاهری خویش فریب می دهند و در مقابل کسانی نیز وجود دارند که احساسات خود را درون قلب هایشان با قفلی محکم از عشق پنهان می کنند.

عشق مایه ی حیات

عشق مایه حیات و سر نهان آن است چون زندگی را صاف و بی غش کرده و خطاها را محو می کند. شیخ طنطاوی می گوید: در عشق ایرادی نیست و بر عاشقان نقدی وارد نیست همانا ایراد و نقد بر کسی است که در راه عشق دینش را فراموش می کند یا خلقتش را نابود می گرداند یا مردانگیش را زیر پا می نهد و یا برای به دست آوردن لذتی آنی در این دنیا هزار سال عذاب جهنم را به جان می خرد.

عشق در میان زن و مرد حتی بعد از ازدواج پایدار می ماند مادامی که آنها به یکدیگر اهتمام ورزند و جویای احوال همدیگر باشند و بخاطرهم خود را فدا کنند و اگر چنانچه مرد در حال رضایت و عصبانیت و به هنگام جنگ و صلح و تعامل روزانه با ملاطفت و مهربانی برخورد کند بی گمان در روزهای سخت و نا به سامانش با لبخندی آرامش بخش از طرف همسرش مواجه خواهد شد که او را تشویق خواهد کرد و هنگامی که شبها بر او سخت می شود این سختی ها با قطراتی از مهربانی همسری دلسوز نوب می شود. عایشه از ظرفی که می نوشد پیامبر نیز از جای دهن ایشان در آن ظرف می نوشند، عایشه با ایشان به سفر می رود و پیامبر نیز با او مسابقه می دهد و شوخی می کند و او را می خنداند.

و در مورد رعایت حقوق زنان و ظلم نکردن به آنها می فرماید: در مورد زنان به خیر و نیکی سفارش کنید چون زن از استخوان قفسه سینه آفریده شده و همانا کج ترین استخوان آن بلندترینشان است که اگر بخواهی راستش گردانی آن را می شکنی و اگر به حال خود گذاری کج است، پس در مورد زنان به خیر و نیکی سفارش کنید.

همسرت از تو انتظار دارد که برای او آسمانی باشی که بر او سایه بگسترانی و زمینی باشی که خیر و نیکی عطا کنی. از تو تنها انتظاری دارد و آن اینکه او را دوست داشته باشی اما با اخلاص و راستی! از تو انتظار دارد که احساساتش را درک کنی. و بعد از تمام اینها او همسر و دوست و رفیق راه و شریک زندگی تو خواهد شد و اگر همه دنیا و زیورآلاتش را در یک کفه بنهند و تو را بر کفه ای دیگر، کفه ی تو را برتری خواهد داد و تو را جدا از سایر بنی بشر انتخاب خواهد کرد. آیا به حال خود اندیشیده ای اگر روزی از روزها خدایی نکرده همسرت مریض و روانه بیمارستان شود و تو با فرزندانت تنها در خانه بمانی؟ آیا بر سروصداها و دعواهایشان صبر و تحمل می کنی؟ چگونه ناهار و شام آماده می کنی؟ و چگونه خانه و لباس های بچه ها را تمیز می کنی؟ تو چگونه آنها را می شویی؟ و چگونه بچه شیرخوار را

تر و خشک می کنی؟ چگونه سر صبح لباس های آنها را بر تنشان می پوشانی و برای رفتن به مدرسه آماده شان می کنی؟ مطمئنا در این حالت پر از سختی و شقاوت کسی به تو حسادت نخواهد کرد.

در این هنگام این همه رنج و محنتی که همسرت تحمل کرده را به یاد بیاور و خداوند متعال را به خاطر نعمت صحت و عافیت و نعمت همسر صالحه سپاس گذار باش!

روزی در زندگی همسر!

شوهر از کار برگشت. سه فرزندش را جلوی خانه یافت که با لباسهای خوابشان که از صبح تا الآن عوض نکرده بودند، در خاک بازی می کردند! در جلویی خانه باز بود و ظرفهای غذا در راهرو پخش و پلا بود و کاغذهای مچاله شده بر روی زمین افتاده بود اما داخل خانه وضعیت آشفته تری را یافت که چراغها شکسته بود و صدای تلویزیون بلند بود اسباب بازی ها پخش شده و لباسها به گونه ای نامنظم در هر جای خانه دیده می شد. در آشپزخانه سینک ظرفشویی پر از ظرفهای کثیف بود و غذای افطار هنوز روی همدیگر تل انبار شده و در یخچال تا آخر باز بود. مرد فوراً دست به کار شد و در میان اسباب بازی ها و کمد لباسها به دنبال همسرش می گشت. نگرانی سر تا پایش را گرفته بود که نکند اتفاق بدی برایش افتاده باشد. بر سر راهش یک تشت آب را جلوی حمام دید، نگاهی به داخل حمام انداخت تا وضعیت آشفته آن را ببیند که چگونه وسایل حمام بر زمین انداخته شده اند. مرد به اتاق خواب رفت و همسرش را درازکشیده بر تخت یافت و خودت بقیه قصه را بخوان!

همسرش به او نگاه کرد و با لبخند از او در مورد کار امروزش پرسید. مرد با تعجب به او نگاه کرد و پرسید: امروز چه اتفاقی افتاده است؟ همسر بار دیگر لبخندی زد و گفت: هر بعد از ظهر که از سر کار برمی گشتی از من می پرسیدی که مگر در تمام طول امروز چه کار مهمی انجام داده ای؟ مگر نه عزیزم؟ شوهر گفت: بله. همسر جواب داد: درست است... من تنها امروز کارهایی را که هر روز انجام می دادم را انجام ندادم!

اینطور فکر نکن که تو تنها کسی هستی که کار می کنی و حق هر کسی را به او عطا کن و کارهای دیگران را بی منت ننگر به گونه ای که احساس کنند هیچ کاری انجام نداده اند. فکر کن که چه انسان های از وظایف خودشان تخطی کرده اند تا با شریک زندگیشان برابر شوند! همان بده بستان کاری!

علی بن ابی طالب در مورد کارهایی که همسرش فاطمه دختر رسول خدا در خانه انجام می داد به پاس قدر دانی به زبان شعر می فرمود:

او کسی است که با زحمت لباسها را چنگ می زند تا تمیز شوند

و مشک را پر از آب می کند و بر دوش می گذارد به گونه ای که جای آن بر گردنش می ماند

و به حدی کارهای خانه را با زحمت انجام می دهد که لباسهایش پر از گرد و خاک می شود

و بر زیر دیگ می دمد و لباس هایش خاکی و دودی می شود و به او زیان می رسد

چه مرد قدر شناس و با درک و فهمی!

پنج نکته در میان زن و شوهر ۱

بسیاری از اوقات زن به گونه ای رفتار می کند که مرد از این رفتار او چیزی نمی فهمد و بسیاری از اوقات برخی از موضع گیری های زن باعث تعجب و سردرگمی مرد می شود! اما اگر دلیل آن را می دانست دیگر جای حیرت و سرگشتگی نبود! چون زن بر اساس آن چیزی که بر آن سرشته شده است رفتار می کند که بسیار با طبیعت مردها متفاوت است. بعضی از اوقات انقدر اشتراک نظر دارند که گویا هر دو یک نوع آفریده شده اند و گاهی نیز انقدر اختلاف نظر دارند که تصور می شود که یکی از آنها از سیاره ای دیگر آمده است. در اینجا پنج نکته وجود دارد که می بایست مرد در مورد زن بداند تا اینکه بتواند به درستی با او تعامل کند تا از این به بعد از مشکلات و موانعی که روابطشان را لکه دار می کند، فاصله بگیرند؛

اول اینکه بسیاری از اوقات مرد به هنگام ورودش به منزل با همسرش مواجه می شود که از سختی ها و خستگی های خود در مورد رسیدگی به بچه ها و تمیزیشان و همچنین از از کار افتادن کنتور برق و ته کشیدن کپسول گاز و همه اینها با صدای پر از حسرت و ناامیدی صحبت می کند. و طبعاً شوهر فکر می کند که همسرش او را به کوتاهی کردن در کارها متهم می کند؛ در این حالت مرد به دو راه حل پناه می برد: یا اینکه برای دفاع از خودش شروع به داد و فریاد مب کند و یا اینکه از خانه خارج میشود و تدبیر امور را به او واگذار می کند سپس همسر از این رفتار غیر قابل قبول تعجب می کند و مشکلات و اتهامات شروع می شود. در حقیقت منظور زن در این حالت متهم کردن مرد به کوتاهی کردن نبوده بلکه تنها می خواست که با شوهرش در مورد نگرانی ها و هموم خود درد دل کند. شوهر بایستی کمی برایش سکوت کرده و سپس او را به آغوش کشیده و بگوید: عزیزم می دانم چقدر احساس خستگی می کنی. من قدر کار و تلاش تو را در خانه می دانم و سپاس گذارت هستم. در این هنگام که شوهر در حالت غالب بر همسرش قرار گرفته گویی که با عصایی جادویی بر او زده، همسرش به او می گوید: مهم نیست عزیزم همه اینها به خاطر تو آسان است.

دوم اینکه شوهر ملاحظه می کند که همسر عزیزش در ابتدا با لبخندی جذاب هرآنچه می خواهد و نمی خواهد به او عرضه می کند اما بعد از مدتی مشاهده می کند که همسرش بسیار او را در تهیه مطالباتش رعایت می کند اما اکنون به جای آن لبخند جذاب همیشگی اخم و ناراحتی در چهره دارد و حالت قبلش بسیار تغییر کرده است پس اینک چه رخ داده؟! و به هنگام داد و فریاد کردن نیز دلایلی واهی رو می کند که اصلاً به حساب نمی آیند! حقیقت این که زن در ابتدا بدون توقع لبخندی زیبا بر لب دارد و سپس لبخندی

عادی و سپس اخم این است که فطرت زن بر بخششی ذاتی بنا شده و مانند مرد نیست که تنها به بخشیدن آن چیزهایی که برایش مهم و یا در مقابل آن مسوول است اکتفا کند. اما زن بعد از مدتی احساس می کند که کسی قدر زحمت هایش را نمی داند اما با این وجود همیشه به خدمت کردن خود ادامه می دهد با اینکه درونش پر از نفرت است؛ این است راز عبوس بودنش و هنگامی که مرد این روی گردانی را از او می بیند شروع به داد و فریاد زدن و بیرون رفتن از خانه می کند. درحالی که بایستی به جای این کارها به همسرش کمک کند و بعضی از کارهای خانه را از دوش او بردارد و از وی بخواهد که استراحت کند و بعضی از غم و غصه هایش را از او رفع کند.

پنج نکته در میان زن و شوهر ۲

سوما: بعد از مدتی متوجه می‌شود که همسرش تغییر کرده است و ساکت و در فکر فرو رفته گوشه نشینی را برگزیده است. در بعضی از مواقع اینگونه سکوت های معنی دار کرده یا بر سر شوهرش فریاد می‌زند که: تو من را دوست نداری و مرد نیز به شدت ناراحت می‌شود و خانه را ترک می‌کند.

بدان که این حالت کاملا طبیعی است و این دوره ای عاطفی است که تقریبا به صورت ماهانه بسیاری از زنان آن را می‌گذرانند؛ اینگونه که نسبت به دوست داشتن بدبین شده ترس نامعلومی از عدم پذیرش طرد شدن در آنها شکل می‌گیرد و گاهی این حالت ترس و احساس ناامیدی او را به اعماق چاه پرت می‌کند و باعث انزوا و گوشه گیری وی می‌شود و از اینکه این ترس ها را با شوهرش در میان بگذارد خجالت می‌کشد و به خاطر آنچه که باعث نگرانی شوهر می‌شود سکوت را بر می‌گزیند.

در این مدت شوهر بایستی احساسات همسرش را در نظر بگیرد و انقدر به او محبت کند که به سلامت از این مرحله عبور کند. این دوره در بعضی از زنان دو تا هفت روز طول می‌کشد اما زن نباید عمدا کاری کند که این دوره طولانی تر شود.

چهارم: مرد به هنگام مناقشه کردن با همسرش احساس درد عمیقی می‌کند طوری که گویی زن شوهرش را مورد محاسبه قرار می‌دهد و به او می‌گوید: تو هیچگاه بامن حرف نزدی؟ ما سالهاست که با هم ننشسته ایم؟ تو هرگز قدر من را ندانستی؟

بعضی از مردان نمی‌دانند که مرد به صورت عادی از آن چیزی که می‌بیند سخن به میان می‌آورد در حالی که زن میل دارد به صورت دقیق و موشکافانه آن را بررسی کند و منظورش هم آنچیزی نیست که بیان می‌کند اما به صورت خلاصه و مرزبندی شده به امور می‌نگرد.

همینطور بسیاری از زنان در آنچیزی که در مورد آن صحبت می‌کنند نمی‌اندیشند مگر به هنگام بیان کردن آن برخلاف مرد که قبل از سخن گفتن بسیار سکوت می‌کند. روش صحبت کردنش را بپذیر چون اگر از زاویه ای بسیار دقیق به آن بنگری متوجه خواهی شد که منظورش آن نبوده است.

پنجم: زن به توجه و اهتمام نیاز دارد او را از این توجه ات به وی با خبر ساز اگرچه با سوال ساده ای مانند: آیا صبحانه خورده ای؟ یا قرص هایت را خوردی؟ یا امروز بهتر شدی؟ باشد و هنگامی که متوجه این اهتمام و توجه شود بیشتر و بیشتر به تو عطا خواهد کرد. علایق همسرت را به سخره نگیر چون هر

انسانی روشی برای آرامش بخشیدن خود و پر کردن اوقات فراغتش دارد؛ کسی کتاب خواندن را دوست دارد و فردی هم چیز دیگری را می پسندد.

و این کاملاً طبیعی است که زن و شوهر هرکدام مشغول علایق خود مانند مطالعه، ورزش، نقاشی یا گوش دادن به نوارهای مفید شوند. مادامی که سرگرمی های حلالی باشند هرکدام از آنها بایستی دیگری را به حال خود بگذارد چون علاقه مندی های هرکس متفاوت از دیگران می باشد.

اما اگر سرگرمی های هر دو مشترک و شرعی بودند بایستی هرکدام بدون اینکه به حق دیگری تجاوز کنند، مشغول کار خود شوند.

نفرت انگیزها

بیشترین چیزی که مرد را از همسرش متنفر می سازد غیرت و تعصب و رفتار مشکوکانه اوست و هنگامی که اینگونه رفتارهایی از همسرش می بیند به کینه و دشمنی پناه می برد و عمداً به کارهایی دست می زند که همسرش را ناراحت می کند و به بیرون رفتن با دوستان و گذراندن پاسی از شب با آنها پناه می آورد تا از مشکلات و تعصبات همسرش به دور باشد.

بعضی ها با وجود کوچکترین شکی در طرف مقابل با فرستادن پیامک به گوشی یا صدا عوض کردن پشت تلفن و تدابیری دیگر به تجسس و امتحان کردن او می پردازند که همه اینها به نص صریح قرآن (ولا تجسسوا) {حجرات ۱۲} حرام می باشد چه خانه هایی با این سوء ظن ها از هم پاشیده و چه دلهایی شکسته شده است!

خانه را به تمام معنا جایی برای آرامش شوهرت قرار بده.

به عشق و محبت با او به صحبت بنشین و از شک و سوء ظن بپرهیز که زندگی زناشویی را نابود می سازد.

او را مجبور نکن که به کسی غیر از تو روی آورد چون آنچیزی که نزد دیگری است نزد تو نیز وجود دارد اما به هوش و ذکاوت تو بستگی دارد.

مادامی که با جذاب ترین کلمات عشق و مهربانی با او صحبت کنی، می توانی هر چیزی را در مورد شوهرت بدانی.

او را از ترس خودت نسبت به او آگاه ساز هنگامی که برای مدتی زیاد از خانه بیرون می رود و هنگامی که خارج می شود چشم هایت را مشتاقانه به راهش بدوز که دلت آرام گیرد نه اینکه شک داشته باشی که با کسی غیر از تو همراه می شود.

هرزگاهی به فاصله زیاد به او زنگ بزن تا بداند که تو مشتاق او بوده و بی صبرانه منتظر بازگشت او به خانه هستی نه اینکه به او بگویی که بچه ها اعصابم را خورد کردند و زود برگرد تا آرام شوند.

هنگام بیرون رفتن تا دم در او را بدرقه کن و همانند مشاوری با لبخند و آرامش به او اطمینان قلبی ببخش تا تو را فراموش نکند و با شادی و نشاط به سوی تو بازگردد.

فرزندانت را زود بخوابان و جلسه ای برای او تدارک ببین همچون بهشت که هر لحظه از خانه دور شود
انتظار بازگشت به آن را بکشد.

و هنگامی که با گرمی از او استقبال کنی و با لطف و مهربانی با او رفتار کنی و تمام لوازم راحتی اعم از
خوردنی و نوشیدنی ها را برای او آماده کنی و ظاهری آراسته و لبخندی زیبا، هرآنچه را که آرزو کنی و
دوست داشته باشی به آن دست می یابی.

توصیه ای ناب

هنگامی که ام ایاس را به عقد حارث بن عمرو پادشاه درآوردند مادرش با او خلوت کرد و او را وصیت هایی کرد که بنیان زندگی سعادت‌مندان زناشویی و حقوق طرفین در آن نهفته است. اینها توصیه هایی بزرگ و جامع اند که حکمت و دوراندیشی و تجربه و مهارت این زن را می‌رساند. او در وصیت خویش می‌گوید:

ای دخترکم! اگر دختری به خاطر ثروت پدر و مادرش و وابستگی به آنها از شوهر بی‌نیاز بوده باشد تو بی‌نیازترین مردم بوده ای اما این را بدان که زن برای مرد و مرد برای زن آفریده شده است.

ای دخترکم! تو خانه ای را که در آن به دنیا آمده ای ترک می‌کنی و به جای آن وارد زندگی جدیدی خواهی شد و به سوی کسی می‌روی که شناختی کامل از او نداری و با وی الفتی نگرفتی و با داراییش بر تو پادشاهی خواهد کرد.

برای او کنیزی شو تا او نیز برای تو برده ای گردد و ده خصلت را در درون خود برای او نهادینه کن:

اولی و دومی: همنشینی با قناعت و تعامل و رفتار مبنی بر فرمانبرداری می‌باشد.

سومی و چهارمی: اینکه در قبال حس بینایی و حس بویایی او خود را مسئول بدان.

پنجمی و ششمی: سرموقع بودن غذا و رعایت آرامش به هنگام خواب اوست چون حرارت گرسنگی سوزان و آشفته‌گی خواب باعث عصبانیت او می‌شود.

هفتم و هشتم: محافظت از اموال او و رعایت حال اهل و عیال و خدم و حشم وی؛ و ملاک کار در اولی درست بهره بردن و در دومی درست رفتار کردن است.

نهم و دهم: هم اینکه هیچ یک از رازهای او را فاش نکن و هرگز از فرمائش سرپیچی نکن چون اگر سری از او را فاش کنی از خیانتش در امان نخواهی بود و اگر او را نافرمانی کنی سینه‌ی او را دریده‌ای و هرچقدر بیشتر احترام او را حفظ کنی بیشتر تو را گرامی خواهد داشت.

و این را بدان که به آن چیزی که دوست داری نمی‌رسی مگر اینکه رضایت او را بر رضایت خودت ترجیح دهی. و در آن چیزی که دوست داری و دوست نداری خواسته‌های او را بر خواسته‌های خودت مقدم مدار. خداوند برایت خیر بسازد و تو را به الله متعال میسپارم.

این مادری است که چون می خواهد غربت خانه جدید را از دخترش دور کند و در میان او و همسرش الفت و دوستی ایجاد کند، به او دستور می دهد که خود را به این صفات مزین نماید و این توصیه ها را آویزه ی گوش قرار دهد.

این مادر به همسر دخترش جایگاهی پادشاهانه بخشید و دختر هم تمام تلاشش را به کار گرفت تا رضایت خداوند متعال را قبل از رضایت شوهرش به دست آورد و به همین خاطر تصویر کنیزی برای شوهرش از خودش ارائه داد در حالی که کنیز نبود بلکه ملکه ای بزرگوار و گرامی بود و پیرویش از شوهر پیروی عزت مندانه ای بود نه با ذلت و خواری و در مقابل شوهرش نیز در نهایت شفقت و مهربانی با او برخورد می کرد و در نرمی و آرامش از خودش تصویری از برده برای همسرش نمایان می نمود.

همسر م ۱

یکی از دوستان بنده که به جمود فکری و عبادتی معمولی و غیرقابل تجدید و تغییر معروف بود، به من گفت: آیا در مورد همسرت می نویسی و می گویی که: او از بهترین و عاقلترین زنان دنیاست؟! آیا شنیدی کسی در مورد همسرش چیزی بنویسد؟! قوم عرب هیچگاه به صراحت از همسرشان نام نمی بردند و حیاء آنها مانع این می شد که مستقیماً از همسرانشان قدردانی کنند و آشکارا به زیارت قبرشان بروند. همینطور آبا و اجداد و بزرگان ما هیچگاه نگفتند: همسر م بلکه می گفتند: اهل بیت، مادر فرزندان، خانواده، جماعت و امثال این عبارات کنایه ای. آیا از همه اینها روی می گردانی و چیزی برای مردم ارائه می دهی که آن را قبول ندارند؟! گفتم: بله.

در مورد همسر م نویسم مگر اشکال این کار کجاست؟ چرا کسی در مورد معشوقه ی نا مشروع خود می نویسد در حالی که حرام است اما کسی برای همسر و معشوقه ی شرعی خود ننویسد در حالی که حلال می باشد؟ و چرا حق این مطلب را ادا نکنم تا مردم را نسبت به ازدواج ترغیب کنم در حالی که فلان عاشق زیبایی های معشوقه اش را توصیف می کند و مردم را به گناه می کشد؟ مردم هر روز مقالات و فصل های متعددی در مورد بدی های ازدواج می خوانند پس چرا یک مقاله در مورد خیر و برکت های ازدواج نخوانند؟!.

از هیچ زوجی نشنیدم که بگویند: ما آسوده خاطر و خوشبختیم در حالی که حقیقتاً خوشبخت و آسوده خاطراند چون انسان ناسپاس آفریده شده است و حقیقت نعمت ها را درک نمی کند مگر وقتی که از بین می روند و چون بر اسب طمع سوار شده است هرگاه نعمتی به او داده می شود بیشتر از آن را تمنا می کند، نه به آن قناعت می کند و نه از آن لذت می برد و به همین خاطر مردها همواره از زنانشان شکایت دارند و کسی از همسرش تشکر نمی کند تا این که می میرد و دست امیدش از او قطع می گردد و در این هنگام خوبی ها و فضایلش را به یاد می آورد اما من این را هم اکنون می گویم، از نعمت و فضل الله متعال صحبت می کنم؛ من در ازدواج خوشبخت و آسوده خاطرم.

چیزهایی در این خوشبختی من را یاری داده اند که هرآنکس که قصد ازدواج داشته و خواستار آن باشد می تواند به آنها دست یابد و هرکس که این تجارب را کسب ننموده می تواند از تجربه های بنده بهره ببرد و هرکسی هم که این راه طولانی را طی نکرده می تواند توصیف آن را بشنود.

اول اینکه: بنده به خواستگاری کسانی نرفتم که آنها را نشناسم و هیچ صله رحمی بین من و آنها وجود نداشته باشد تا با ارتباط بیشتر آن موقع متوجه شوم که عکس آنچیزی بوده اند که شنیده ام یا اینکه زیبایی ظاهرشان من را از بدی های درونی آنها منحرف کند بلکه با نزدیکی و صلت نمودم که آن ها را می شناختم و آنها نیز از من شناخت داشتند و از زندگی خصوصی و خانگی همدیگر آشنایی داشتیم؛ چه بسا مردم در مورد شخصی چنان اظهار نظر کنند که گویی بهترین مردم و زینت مجالس و باعث افتخار جامعه می باشد اما در خانه اش بد رفتارترین افراد است! نرمی او در میان خانواده اش لجبازی و تک دنده ای و بخشش او در میان خانواده اش بخیلی باشد و مردم به شیرینی افتخار می کنند که به تلخی و سختی از گلو پایین می رود.

دختری را برای ازدواج انتخاب نمودم که پدرش پسر عموی مادرم است و او استاد صلاح الدین شیخ القضاة سوریه و مادرش دختر محدث بزرگ عالم منطقه شام به اجماع، شیخ بدرالدین حسنی می باشد.

همسر م ۲

دوم اینکه: من او را از طبقه ای اجتماعی همانند خودم انتخاب نمودم چون پدرش با پدرم در دادگاه قاضی بوده اند و روش زندگی ما به همدیگر نزدیک بود و این رکنی اساسی در ایجاد زندگی سعادت‌مندانه زناشویی می باشد و به همین خاطر فقهای حنفی هم کف بودن را از شروط میان زوجین دانستند.

سوم اینکه: من هنگامی که او را انتخاب نمودم معلمی ساده بود و این چیزی است که به وی این امکان را می دهد که به گونه ای متمایز از بقیه مردم بخواند و بنویسد و اکنون بعد از سیزده سال زندگی با من توانسته به مرتبه ای از درک و فهم و لذت خواندن کتب و مجلات برسد که بقیه معلم ها به آن دست نیافتند.

چهارم اینکه: من به دنبال زیبایی نبودم بلکه همانگونه که اساتید ریاضی می گویند آن را شرط لازم کافی برای خودم قرار دادم چون به نظر من زیبایی سایه ای از بین رفتنی است. جمال زیبایی واقعی را با خود نمی آورد بلکه احساس و توجه تو را با خود می برد و به همین علت است که افرادی را می بینیم که زنان نیکو سرشت را می گذارند و به سوی زنانی می روند که چه بسا بویی از زیبایی واقعی و درونی نبرده اند.

پنجم اینکه: رابطه من با خانواده ی همسر م از روابطی رسمی مانند محبت و احترام متقابل و آمد و رفت خانوادگی تجاوز نکرد و برخلاف آنچه از زوجین از دخالت های خانواده ها شکایت دارند بنده تا به حال ندیدم که ایشان بر من نظری را تحمیل کنند؛ ما در طول زندگی شیرینی ها و تلخی های زیادی داشتیم ولی هیچگاه هیچکس در این امور خصوصی ما دخالتی نکرد. بنده بیش از بیست هزار قضیه زناشویی را بررسی کردم و می توانم با قاطعیت بگویم که اگر در میان زن و شوهر اختلافی شکل بگیرد و هیچیک از خانواده ها و وابستگان دخالت نزدیک در آن دخالت نکنند سه چهارم این قضایا به خوبی و خوشی تمام می شود.

ششم اینکه: ما همانند اکثر زوج ها ابتدای زندگیمان را با عسل شروع نکردیم و سپس ما باقی عمرمان را در تلخی و ناکامی بگذرانیم بلکه اولین روزهای زندگی مشترک از بدترین روزهای زندگی من بود تا اینکه کم کم مشکلات را پذیرفتیم و به امید پاداش بر آنها صبر نمودیم و دریافتم که راه حل آنها در خوش اخلاقی است. از آن هنگام به بعد هرچقدر زندگیمان پیش می رفت بسیار بیشتر خوشبختی به سراغمان می آمد.

هفتم اینکه: قرار گذاشتیم که او جهاز را تهیه نکند چون می دانستم که جهاز یکی از آن موضوعاتی است که بسیار در میان زن و شوهر مشکل ساز می شود چون زن هر لحظه از این هراس دارد که مرد از آن استفاده کند و ایرادی از آن بگیرد یا اینکه آن را بردارد و مخفی کند.

هشتم اینکه: در شؤون داخلی منزل و تربیت فرزندان آنچه که مربوط به او بود به خودش واگذار نمودم و او نیز آنچه که از نظارت و مدیریت امور بود به خودم واگذار کرد.

نهم اینکه: ما چیزی را از یکدیگر پنهان نکردیم و هرگز به هم دروغ نگفتیم وضعیت مالی خود را صادقانه به او می گویم و هر جا که می روم یا او را نیز با خود می برم یا به او خبر می دهم و او نیز هر کجا که می رود من را در جریان می گذارد و فرزندانمان را به صدق و راستی و تنفر و دوری از دروغگویی توصیه می کند.

به خدا قسم کسی را ندیده ام که بیشتر از او عقل و تدبیر و اخلاص داشته باشد؛ او از آن دسته زنان شرقی است که برای خانواده، مرد، فرزندان زندگی می کند نه برای خودش! گرسنگی می کشد تا ما بخوریم، بیدار می ماند تا ما راحت بخوابیم، خسته می شود تا ما استراحت کنیم و خود را فدا می کند تا ما باقی بمانیم. او اول عضو خانواده است که بیدار می شود و آخر نفری هم است که می خوابد؛ همیشه در حال نظافت و دوخت و دوز و تلاش و اندیشه است و هم و غمش راحتی و خوشبختی ماست؛ اگر در حال نوشتن یا خوابیده باشم بچه ها را ساکت و فضای خانه را آرام می کند و هر چیزی که باعث رنجش خاطر می شود از من دور می کند.

هر آنچه که من دوست داشته باشم دوست دارد و به هر چه که عادت کرده باشم عادت می کند. اگر بقیه زنان برای به دست آوردن رضایت مردم می کوشند او برای راضی کردن من تلاش می کند و اگر زنان دیگر آرزویشان جواهرات و لباس باشد بزرگترین آرزوی او این است برای خود خانه ای داشته باشیم تا از خانه های کرایه ای رهایی یابیم.

خانواده من را دوست دارد و همیشه از خوبی های آنها برای من صحبت می کند اگر در نیکی کردن به یکی از آنها کوتاهی کرده باشم به من تذکر می دهد و اگر چیزی را فراموش کرده باشم به یاد می اندازد تا این حد که روزی احساس کردم مانند همه خانواده ها در میان او و خواهرم اختلافی افتاده است وقتی که او را دلداری می دادم جز محبت و دلسوزی و اخلاص و وفاداری از دو طرف چیزی دیگر نیافتم.

او نمونه کامل یک زن شرقی است کسی که در این دنیا جز خانه و شوهرش کسی را نمی شناسد و کسی که بعضی از جوانان از او دوری می کنند و برای کسب علم به اروپا و آمریکا می روند و تنها با کاغذی در دست و زنی تحت تکلفشان بازمی گردند زنی که بخاطرش نصف، یک سوم، یا یک چهارم زمین را طی کرده اند و سپس نه در زیبایی و نه در اصل و نصب و شرافت و نه در اخلاص چیزی ندارد که شایسته خدمتگذاری زن شرقی شود لیکن فساد نفسانی و از بین رفتن عقل و خود کوچک بینی و تقلید

ضعیف از قوی با عث می شود که یکی از آنها چنان فکر کند که اگر با زنی غربی ازدواج کند سببی می شود برای ورودش به شبکه های سینمایی و مشهور شدنش.

زنان ما بهترین، باوفا ترین، مهربان ترین نسبت به فرزندان، شریف ترین، پاکترین زنان سرزمین هستند و مطیع ترین زنانی اند که هر نصیحت سودمند و هر توجیه قاطعی را می پذیرند. و بنده به این خاطر بعضی از خوبی های همسر را بیان نمودم که مثالی باشد از خودم برای دست یافتن به خوشبختی توسط ازدواج با زنی مسلمان تا اینکه شاید خداوند متعال همانگونه که من را به این امر هدایت نمود یکی از افراد امت را نیز توسط این صحبت ها راهنمایی بفرماید.

همسرم نماز صبح نمی خواند !

یکی از خواهران می گوید: وقتی می دیدم که مسلمانان در مساجد عبادت می کنند و اودر مقابل من به خواب عمیقی فرو رفته است گریه می کردم اما تسلیم نشدم و با خود پیمان بستم که این وضعیت آشفته را تغییر دهم و آنقدر بر آن ایستادگی کنم تا وضعیت را بهبود بخشم اگرچه زیاد هم طول بکشد. این را می دانستم که تا خود را اصلاح نکنم نمی توانم کسی دیگر را اصلاح کنم پس با خود عهد کردم که بر ادای نماز سر وقت صبح حریص باشم.

ابتدا با الله متعال شروع کردم و بسیار بر درگاهش تضرع و زاری نمودم و در بیشتر اوقات دعا می کردم اما هر بار که بر سر او می رفتم و دستم را بر پیشانی می گذاشتم که او را برای نماز صبح بیدار کنم و به او اسرار می کردم من را با الفاظی رکیک از خود می راند و گاهی نیز من را می زد و از خود دور می کرد و من را از اتاق بیرون می انداخت. بسیار از این رفتارش درد کشیدم و بسیار گریه کردم اما این باعث نشد که من نا امید شوم و به خاطر رفتار بدش در حقوق او کوتاهی کنم.

اما وقتی ساعت هفت صبح می شود و هنگام سرکار رفتن فرا می رسد با روی خندان از او استقبال می کنم و صبحانه و لباس هایش و هر آنچه که به آن احتیاج دارد را برایش آماده می کنم سپس او را بدرقه می کنم و با او خداحافظی می کنم به امید اینکه روزی پر از موفقیت داشته باشد و گویی که با هیچ مشکلی روبه رو نبودم و هیچ آزاری از او به من نرسیده است.

من خوب می دانم که جز با رفتار خوب و جواب بدی به خوبی و اهمیت دادن به آنچه از لباس ها و شکل ظاهری و خانه ام که جلوی چشم اوست، نمی توانم بر قلب او سلطه یابم. از آن به بعد تلاش کردم که بزرگی این فریضه ی الهی را به او گوش زد کنم اما هر بار که برای او صحبت می کردم و هنگام اذان که می رسید در انجام آن سستی و تنبلی می کرد. سعی نمودم هرگاه که سوار ماشین شدیم و به من اجازه داد نوارهایی بگذارم که در مورد نماز و اهمیت آن و مرگ و غیره باشد.

در نزد او بعضی از فتاوا و جزوات را می خواندم اما هیچگاه از او نخواستم که به نواری را گوش کند و کتابی را بخواند تا اینگونه احساس نکند که من او را به گناه و کوتاهی متهم می کنم و از او برترم چون مرد به راحتی از زن نصیحت نمی پذیرد و دوست ندارد با تاثیرگذاری او چیزی را دنبال کند و زن بایستی این را درک کند که نصیحت کردن مرد مانند نصیحت کردن بقیه مردم نیست! و مرد حق زیادی بر او دارد و زن نباید صدای خود را بر روی مرد بلند کند و در حق او کوتاهی نماید و در هنگام نصیحت

کردن بایستی با نهایت لطافت و مهربانی با او صحبت کند و طوری برخورد نکند که نشان دهد از او برتر است یا اینکه او گناهکار می باشد و به گونه ای غیر مستقیم در خلال داستانی پند آموز از گناه صحبت به میان بیاورد.

یک سال کامل داستان جهد و کوشش روزانه من با شوهرم ادامه داشت و با فشار و اصرار حتی یک روز هم از بیدار کردن او غفلت ننمودم و الآن بحمدالله تعالی قل از آن که من او را برای نماز صبح بیدار کنم خودش بیدار شده است!.

بله به نوسازی مودت و محبت

به سن و سال اهمیت نده چون عشق و محبت مختص به سن خاصی نیست. مشغله هایت تو را در مانده نکند چون همسرت یکی از مهمترین دغدغه هایت است. ضعف اقتصادی تو را ملول نسازد چون مودت و محبت به مال احتیاجی ندارد. هنگامی که از خانه خارج شدی با لبخند و دعای خیر از او خدا حافظی کن! و به یکباره وارد خانه نشو تا اینکه بتواند خود را برای دیدار تو آماده سازد و نکند که او را درحالتی ببینی که دوست نداشته باشد به خصوص اگر از سفر برگشتی.

او را با الفاظی پر از لطافت و محبت نوازش کن! حتی عمر این خطاب با آن همه قوت و شدت و خشکی دستوراتش می فرماید: مرد اگر هم در میان طایفه اش به مردانگی مشهور باشد بایستی در بین خانواده اش در انس گرفتن و آسان گیری مانند کودکی باشد.

یکی از خانم ها می گوید: بعد از ۱۸ سال از ازدواج و پختن غذا یکبار بدترین شام زندگیم را درست کردم که گوشت سوخته بود و سبزی ها ته گرفته بودند و برنج هم شور و پرنمک شده بود. در هنگام خوردن سکوتی بر شوهرم سایه افکنده بود. بعد از شام انتظار داشتم که آسمان به زمین بیاید و چهره شوهرم دگرگون شده و سخت عصبانی شود! این خانم می گوید: وقتی خواستم که ظرف ها را بشویم متوجه شدم که در مقابل من قرار گرفته و بر پیشانیم بوسه ای زد و من پرسیدم که این بوسه از بهر چه بود؟! گفت: شامی که امشب آماده کردی مانند شامی بود که نوعروسی می پزد به همین علت خواستم که مانند تازه عروسی با تو رفتار کنم.

این مرد عصبانی نشد بلکه به جای طرد کردن همسرش از فرصت استفاده نمود و خود را به او نزدیک کرد و مثبت اندیشانه به این موضوع نگریست و از جامی زهر آگین نوشیدنی گوارایی ساخت و این همان چیزی است که ما برای ادامه زندگی زناشویی به آن نیازمندیم. کجاست آن مردی که همسرش روزی به او گفت: شیشه ی پنجره را تعمیر کن چون می ترسم که همسایه ها من را ببینند. و او نیز جواب داد که: اگر همسایه ها تو را ببینند خودشان شیشه را تعمیر می کنند!.

برای همسرت همانگونه باش که دوست داری او برای تو چنان باشد چون آن چیزی که تو از او می پسندی همان چیزی است که او از تو می پسندد.

هرگاه احساس کردی که روابط شما خشک شده است شروع کن به از بین بردن تمامی آن مواردی که عشق و علاقه را از بین می برند و در پژمرده کردن این زندگی موثر بوده اند و جملات زیبا و احساسی

را آماده کن و هرکدام از آنها را بر روی برگه ای از کاغذ بنویس و آن را با شاخه گلی آراسته کن و در دسترس او قرار بده.

و این همسری است که با وجود سپری شدن سالهای متمادی با ادای حقوق شوهر و تربیت فرزندانش خود را به گونه ای به او نزدیک کرده که مرد آرزومند است برای یکبار هم که شده با همسرش به مسافرتی برود. و روزی از روزها غافلگیرانه به به او می گوید که فردا به مسافرت خواهیم رفت تا آب و هوایی عوض کنیم.

در هواپیما نزد شوهرش می نشیند و در حالی که نمی تواند جلوی خودش را بگیرد گریه می کند و می گوید: چه آب و هوا عوض کردن خوبی! و از آن بهتر این است که تو با من هستی!

چرا به خودش نمی رسد؟!

چرا بعضی از زنان به خودشان نمی رسند؟ لباسهای کهنه ای می پوشند و از هر چیزی که ظاهر و سیمای آنها را بیاراید دوری می گزینند؟! .

بیایید تا بازگردیم به زمان پیامبر در خانه سیده عایشه تا باهم آنچه را که می بایست ببینیم:

ابو موسی اشعری می فرماید: زن عثمان بن مظعون بر زنان پیامبر وارد گشت و ایشان او را بد سیما و شکل دیدند! و به او گفتند: تو را چه شده؟ در قریش مردی ثروتمند تر از شوهر تو پیدا نمی شود! او نیز گفت: ما چه کار به او داریم! روز را با روزه و شب را با قیام سپری می کند! پیامبر وارد شد و ماجرا را برای او تعریف نمودند و پیامبر هم به دیدار عثمان رفت و به او فرمود: ای عثمان! مگر من الگوی تو نیستم؟ عثمان گفت: پدر و مادرم به فدایت باد همینطور است یا رسول الله! پیامبر فرمود: تو شب را به نماز و روز را با روزه سپری می کنی در حالی که خانواده ات و همچنین بدن خودت بر تو حقی دارند؛ گاهی بخواب و گاهی نماز شب بگذار و گاهی روزه بگیر و گاهی نیز افطار کن. ابوموسی گفت: بعد از آن همسر عثمان مانند عروسی معطر به نزد زنان پیامبر آمد! و آنها نیز گفتند: به به ! و همسر عثمان گفت: بالاخره آنچه می خواستید که به مردم رسید نصیب ما نیز گشت.

کتاب سیره بیان می کنند که این زن جلیل القدر – خوله بنت حکیم السلمی _ زنی خوش اندام بود یعنی اینکه او اگر چنان که باید به خود می رسید سیمای خوبی داشت اما به سبب اینکه توجه و اهتمامی از شوهرش نمی دید که او را تشویق کند، به سر و سیمای خویش نمی رسید! و دیدیم که چگونه سیده عایشه اهمال این صحابی زن گرامی را نسبت به خودش شایسته ندانست و احساس کرد که خطری این خانواده را تهدید می کند سبب را یافت و به دنبال راه حل گشت و این موضوع را با پیامبر در میان گذاشت. و دیدیم که حضرت مصطفی این امر را عادی نیافت و به همین جهت به آن اهتمام داد و عثمان بن مظعون را به روش صحیح رهنمایی فرمود و حال او و همسرش را بهبود بخشید. پس سبب خود آرایی و به خود رسیدن زن اهتمام و توجه مرد می باشد و هرکس در این مورد کاستی به خرج دهد نتیجه آن به خودش باز می گردد!

هرگاه مرد در امر تربیت فرزندان به همسرش اهتمام دهد، زن بیش از قبل به تربیت فرزندان و انتخاب روش های مناسب و سودمند تشویق می شود. و همینطور هرگاه مرد جایگاه و غذاهای همسرش را مدح کند، عنایت و توجه و اهتمام او به این کار بیشتر می شود و هرگاه با توفیق الهی موفقیت بچه هایش را در

درسهایشان و ایجاد فضایی مناسب برای درس خواندن هموار سازد بدون شک در آینده شاهد تلاش بزرگی از آنها خواهد بود.

زن قدردانی و سپاس گذاری را دوست دارد به خصوص از طرف شوهرش باشد.

و بسیاری از زنان از این می پرسند که دلیل اهمال و کم کاریشان در خود و خانه و فرزندانشان چیست؟ به آنها جواب می دهم علت این است که از جانب شوهرانشان کمکی نمی یابند!

پس آیا مردان بر زانشان ثنا و ستایش خواهند کرد و آنها را در انجام این واجب یاری خواهند داد؟.

از سرزنش دست بردار

فراموش نکن که همسرت همیشه به تو خدمت می کند و نیازهای تو را برآورده کرده و فرزندانت را تربیت می کند و بلکه حتی به خانواده تو و پدر و مادر و خواهر و برادرانت اهتمام می دهد.

بدون حد و مرز خدمت می کند ولی در مقابل بسیاری از اوقات از او نارضایتی شده و سرزنش می شود! اگر روزی از روزها همسرت از یکی از حقوق تو کوتاهی نمود او را سرزنش نکن! و در سرزنش و کلمات رکیک را بر او باز نکن و به کمین او ننشین تا به دنبال خطاهایش بگردی.

تأن و لا تعجل بلومک صاحباً لعل له عذراً و انت تلوم

برای او عذری بیاور چون هورمون های زن تغییر می کنند یا ممکن است که تغییر رفتارش به علت برخورد او با دیگران بوده باشد. به همین علت پیامبر در خطبه حجة الوداع مردان را به دانستن و رعایت ضعف زنان توصیه فرمودند. زن هر چند فردی با قوت و اراده و موفق باشد و مدارک عالی تحصیلی به دست آورده باشد، همیشه به مردی با عاطفه و کلماتی عاشقانه و پر از مهر و عاطفه نیازمند است.

به زندگی پیامبر خدا با همسرانش نگاه کن که چگونه هر اتفاقی می افتاد برای ایشان بازگو می کردند و ایشان نیز در خدمت خانواده بودند و هرگز از هیچ غذایی ایراد نمی گرفت. بعضی از مردان خوشبختی را برای خودشان می خواهند بدون اینکه به ایجاد خوشبختی برای همسرشان توجهی کنند غافل از این که دادن خوشبختی به کسی دیگر کمتر از به دست آوردن آن نیست.

به خودت بنگر که تو همان کسی هستی که کوتاهی کردی چون چه بسا بارها بارها او برای اشتباهات تو عذرها تراشده و یکبار هم به روی تو نیاورده و تو را سرزنش نکرده است! مانند یکی از مردان با او رفتار نکن بلکه مانند یک زن با وی تعامل بنما چون پیامبر می فرماید: رویدک بالقواریر.

همش او را ملامت نکن اگر او در تربیت فرزندانت کوتاهی نموده بدان که بخش بیشتر تربیت آنها بر عهده ی توست! وقتی خطایی از او سر می زند با لطافت و مهربانی با وی برخورد کن و با آرامش بدون ایجاد تنش در مورد آن با او صحبت کن.

مورچه را نگاه کن! حشره ای کوچک است و توانایی و عقلی را که انسان صاحب آن است ندارد اما ادب و تربیت و عقلگرایی و حسن ظن او را ببین و دقت کن که چگونه می فرماید: (حتی اذا اتو علی واد النمل قالت نملة یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطنکم سلیمان و جنوده و هم لایشعرون) / تا رسیدند به دره ی

مورچگان، مورچه ای گفت: ای مورچگان به لانه های خود بروید، تا سلیمان و لشکریانش بدون اینکه متوجه باشند شما را پایمال نکنند / {نمل ۱۸}.

می فرماید: {و هم لا یشعرون} یعنی برای انسان عذری تراشید که زیر پا قرار گرفتنتان توسط انسان به خاطر جثه ی کوچک و غیر قابل رویت آنها و مشغولیت انسان ها به چیزهای بزرگتر می باشد. و بسیاری از انسان های امروزی برای یکی از برادران مسلمان خویش عذری قائل نمی شوند. پس آیا عذر آوردن برای رفیق راه و شریک زندگی شایسته تر نیست؟!.

پیرمردی که همسرش را دوست دارد

پیرزنی بود که همسرش خیلی او را دوست داشت به حدی که بیت شعرهایی از عشق و وفا برایش می سرود! از پیرزن پرسیدند که راز خوشبختی همیشگی شما در چه چیز بوده؟ آیا زیبایی؟ یا مهارت در پختن غذا؟ یا تربیت صحیح فرزندان یا چیز دیگری بوده است؟ او جواب داد: خوشبختی زندگی زناشویی بعد از توفیق الهی به دست زن است. چون زن می تواند خانه اش را بهشتی پر از سایه های آرامش یا جهنمی سوزان کند!

نگو که مال و دارایی است چون چه بسیار زنان ثروتمند که هنوز بی سروسامان اند؛ و نه فرزند چون بعضی از زنان ده فرزند پرورش داده اند اما شوهرش به او توهین می کند و بسیاری نیز دستپخت بی نظیری دارند اما با شکایت و بد رفتاری شوهر مواجه می شوند. پس راز آن در چیست؟!

وقتی شوهرم که خود عصبی بود و عصبانی می شد، به سکوتی همراه با احترام پناه می بردم نه سکوتی با دیدی سخره آمیز اگر چه با چشم باشد چون مرد باهوش است و زود متوجه می شود!

از او پرسیدند: پس چرا از اتاق بیرون نمی روی؟ گفت: آگاه باش! اینطوری فکر می کند که تو فرار می کنی و حاضر نیستی به او گوش دهی پس باید سکوت کنی و سخنانش را تایید کنی تا آرام شود و هنگامی که عصبانیتش تمام شد از اتاق خارج شو و بقیه کارهای خانه و فرزندانت را انجام بده. اینگونه تنها می ماند و دعوایی که بامن کرد او را در فکر فرو می برد و متنبه می سازد. از او پرسیدند: آیا از شگرد قطع رابطه استفاده می کنی که چند روز یا هفته ای با او صحبت نکنی؟ گفت: نه، آگاه باش که این عادت بد شمشیری دولبه است چون اگر چنانچه یک هفته با وی قطع رابطه کنی ممکن است در ابتدا برای او سخت باشد اما به جای آن او نیز دو هفته با تو قطع رابطه خواهد کرد! تو بایستی طوری خود را به او نشانی دهی که گویی هوایی هستی که او استنشاق می کند و آبی هستی که او می نوشد که هرگز از آن بی نیاز نیست پس مانند نسیم باش نه بادی تند و شدید. و بعد از آن چه می کنی؟

بعد از دو ساعت یا بیشتر یک لیوان جوشانده یا فنجان قهوه برای او درست می کنم و به او می گویم: بفرما بخور! چون او فعلا به این نیاز دارد و به صورت عادی با او صحبت می کنم و بسیار از من می پرسد که آیا من اکنون عصبانی هستم و من نیز می گویم: نه اصلا! و شروع می کند به معذرت خواهی از آن الفاظ رکیک و با من سخنان زیبایی می گوید. آیا معذرت خواهی و سخنان زیبایی را باور می کنی؟ بله

قطعا چون من به خودم ایمان دارم و احمق که نیستم. آیا از من می خواهی که در حالی که او عصبانی است حرفهایش را باور کنم و وقتی که آرام می شود سخنانش را تکذیب کنم؟!
فورا او را می بخشم چون من تمام آنها را از یاد می برم و اهمیت شنیدن صحبت های سودمند را خوب درک می کنم.
پس راز خوشبختی زندگی زناشویی عاقل بودن زن و تاثیرگذاری آن بر زبانش است.

کمی صبر

صبر بیاموزید چون روشنایی و نجات است. بر اختلاف سلیقه هایتان صبر کنید. بر تربیت فرزندانان در این دوره و زمانه صبر کنید. بر رفتار نزدیکانتان صبر کنید. بر مریضی و بلا و مصیبت صبر کنید. بر مشکلات یا درآمد کم صبر کنید.

سیدنا ابراهیم را به آتش انداختند و به او امر شد که جگر گوشه اش را ذبح کند. سیدنا یعقوب آنقدر گریه کرد که چشمانش از ناراحتی سفید شد. سیدنا موسی چه مصایبی که از فرعون و قومش کشید. و پیامبر ما سیدنا محمد بر مشکلات زیادی صبر نمود و از قوم خود چه آزارهایی دید و آیا مژده و بشارت جز برای صابران بود؟!

آیا خداوند متعال به صابرین وعده نداده و آنها را بشارت نفرموده: {وبشر الصابرين} (بقره ۱۵۵)؟! پس صبر کلید پیروزی است و پیروزی از آن صابران می باشد. پس ای زوج ها از شکایت کردن از حال و روزتان برحذر باشید! و مشکلاتتان را به پروردگار زمین و آسمان واگذار نمایید که تمام کلیدهای گشایشگر در دست اوست و ای زنان و مردان ای کسانی که دچار بلا و مصیبت شده اید: (اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون) / شکبایی ورزید و استقامت و پایداری کنید و مراقبت به عمل آورید و از خدا خشم خدا بپرهیزید تا رستگار شوید / {آل عمران ۲۰۰}.

فرموده پیامبر عزیزمان را به یاد بیاورید که می فرماید: گاهی اوقات خداوند متعال برای بنده خود منزلتی را در نظر گرفته که خود آن شخص هرگز با عمل خود به آن دست نمی یابد. خداوند متعال او را در جسم و اموال و دارایی و فرزندانش مورد ابتلا و آزمایش قرار می دهد سپس آن شخص بر تمامی این مصیبت ها صبر می کند تا اینکه او را به منزلتی می رساند که خداوند برای او تقدیر فرموده است.

پس خوشا به حال سعادت‌مندان و گوارای صابران باد!

یکی از آنان تعریف می کند که: همسرش به مدت پنج سال بر تخت افتاده بود و جز سر و چشمانش نمی توانست هیچ حرکتی انجام دهد. بدنی داشت که بیماری و دارو آن را از بین برده بود طوری که حتی نمی توانست قضای حاجتی کند و مریضی و مصیبت زبان او را لال کرده بود. شوهرش می گوید: من همیشه در خدمتش بودم و او را می شستم و نظافتش می کردم و به کسی اجازه ندادم که به جای من این کارها را انجام دهد چون او بیست و پنج سال همسر من بوده و ما فرزندی نداشتیم تا اینکه این پنج سال اخیر مریض شد؛ الحمدلله علی کل حال.

شما را به خدا چگونه این زن را تصور می کنید؟ چشم های بینایی دارد و عقلی از کار افتاده و بقیه زنان بلند می شوند و راه می روند اما او بستر نشین است و نمی تواند یک ذره بدنش را حرکت دهد. آیا شیطان او را به سوء ظن در مورد قدر خداوند متعال وسوسه نمی کند؟ به راستی آیا این زندگی تلخی نیست؟!

با این وجود ببین که چگونه رضایتمند است و در چشمانش علامت رضایت و قبول قضا و قدر الهی و صبر بر مصیبت دیده می شود سپس بیش از همه اینها احساس آرامش و تشکر از شوهرش را در او می یابی که چگونه با اخلاص کامل در خدمت او خود را فدا کرده است چون شوهرش هرگز رفتار خوب او را فراموش نمی کند و اینکه چگونه قبل از این بیماری به مدت بیست سال او را خوشبخت کرده است.

احساسات همسرت

همیشه در امور مختلف او را با خود مشارکت بده به خصوص جلوی چشم فرزندان و به احساسات او خصوصا در مقابل دیگران احترام بگذار.

وقتی دیر می کند به او زنگ بزن و اینگونه وانمود کن که اتفاق بزرگی افتاده است و اگر خواست از خانه بیرون برود از او بپرس که چیزی احتیاج داری برایت آماده کنم؟.

سعی کن اگر توانستی در محل کار خود با او تماسی تلفنی برقرار کن که از احوال او و بچه ها مطمئن شوی به خصوص اگر یکی از آنها مریض باشد چون این کار به او این اطمینان و اعتماد را می بخشد که نبودت در منزل به خاطر مشغله هایت است نه به علت کوتاهی کردن.

وقتی از احساساتش برای تو صحبت می کند صبور باش و به ساعت نگاه نکن و اگر احساساتش را جریحه دار کردی به او بگو: متاسفم.

به همسرت اعتماد به نفس بده و او را وابسته به راه و روش خودت نکن بلکه او را تشویق کن که وجود و اندیشه و تصمیماتی برای خودش داشته باشد.

در تمام کارها با او مشورت کن و به مباحثه پرداز اما با بهترین روش و هرگاه متوجه شده نظر او درست تر است آن را اجرا کن و او را از آن باخبر ساز و اگر نه سعی کن با نرمی و مهربانی نظر او را به خود نزدیک کنی.

اگر همسرت کاری انجام داد مستحق تشکر بود از او سپاسگذاری و تعریف کن چون پیامبر می فرماید: هرکس سپاسگذاری از مردم را به جای نیاورد خدا را نیز شکر نمی کند.

آگاه باش که انتظارات از همسرت تنها این نباشد که بتواند خدمتکار موفقی برای خانه باشد و فقط بشوید و غذا درست کند و نظافت کند. بدان که موفقیت زن در انجام نقش و وظایف اجتماعی در کنار وظایف خانوادگی اش باحمایت و تایید تو می باشد. همانگونه که می گویند: پشت هر مرد بزرگی زنی قرار دارد، من می گویم: پشت هر زن بزرگی مردی است که او را به سوی موفقیت ترغیب و یاری نموده است.

با همسرت کارهای مشترکی انجام بده چون بعدها برای شما خاطره های زیبایی می شود و باعث نزدیکتر شدن شما به همدیگر خواهد شد.

او را یاری بده تا در نزد بچه ها چهره ای مثبت و متمایز داشته باشد چون باعث می شود رابطه خوبی بین آنها برقرار شود و قدرتی به او می دهد که بسیار بزرگتر از نقش تربیتی اش برای آنهاست هنگامی که می بینند او همسری وفادار برای شوهرش است و در نظر او و بچه ها مادری بزرگ و گرانقدر می باشد.

صفات خوب همسرت را برای خودت به دست بیاور؛ چه مردهایی بوده اند که وقتی پایبندی همسرشان را در دین و اخلاق و رفتارهایی شایسته دیده اند، آنها نیز به دین پایبند گشته اند.

اخیرا به احساسات همسرت توجهی کن چون همسر عمر بن عبدالعزیز در حالی که دختر پادشاه بود حاضر شد که با او در فقر و تنگدستی زندگی کند و راضی نشد که یک لحظه بدون عشق او سپری کند.

و هنگامی که عمر بن عبدالعزیز از همسرش به قصد عبادت خداند روی گردان شد همسرش شعری را برای وی سرود که صخره ای عظیم را از آبی زلال تر کرد:

الا یا ایها الملک الذی قد سبی عقلی و هام به فوادی

اراک وسعت کل الناس عدلا و جرت علی من بین العباد

و اعطیت الرعیة کل فضل و ما اعطیتنی غیر السهاد

همسرت را همانگونه که است دوست بدار

همانگونه هست او را دوست بدار؛ دوست داشتنی که عیب و نقص و ضعف هایش را نادیده بگیرد؛ او را با تمام وجودش دوست بدار؛ با خوبی ها و نقص ها و با ضعف و قوتش او را دوست داشته باش. چون عشق بزرگترین نعمتی است که خداوند به زوج ها بخشیده است و تمام نهرهای خوشبختی و پیروزی از آن سرچشمه می گیرند.

از برخی از عیب های همسرت چشم پوشی کن و آن خوبی ها و بزرگواری هایی را به یاد بیاور که بتوان آن را جایگزین کرد. با وجود عیب هایی که دارد از او راضی باش چون هیچ زن یا مرد کاملی بر روی زمین وجود ندارد و با هر زنی که ازدواج کنی نقصی در او پیدا خواهی کرد حتی اگر تمامی زن های دنیا را به تو عرضه کنند! پس رضا همان کلید خوشبختی زندگی است و چه بسا چیزی را بد بدانید درحالی که خداوند متعال در آن خیر زیادی نهفته است.

هرگاه فرصتی برایت دست داد عشق خودت را نسبت به او ابراز کن. بگذار محبتت را حس کن و او را با حمایت خود احاطه کن. اگر مریض شد او را مورد رحم و شفقت و یاری خود قرار بده و اگر عصبانی شد و تو در حق او خطایی کردی دلش را به دست بیاور و مطمئن باش که این کار چیزی از بزرگی تو کم نخواهد کرد. و اگر از شریک زندگیت خطایی دیدی در تصحیح کردن آن عجله نکن چون عاداتی هستند که تنها بعد از گذشت زمان هایی طولانی تغییر خواهند کرد. و چیزهای کوچک را بزرگ نکن و به هر چیزی به اندازه ی واقعیت خودش اهمیت بده.

هرکس برای زندگیش شریکی انتخاب کرد، از کارهای بیهوده دوری می کند و از لغزش ها در امان می ماند و به راستی کار بزرگی انجام داده است.

در میان محبت همسر و محبت پدر و مادر و خانواده ات طوری تعادل ایجاد کن هیچ یک بر دیگری برتری نیابد.

امام شافعی می فرماید: *الکیس العاقل هو الفطن المتعافل*. و این شعار اگر برای زندگی عادی درست باشد، برای زندگی زناشویی بیشتر صدق می کند. اختلافات و اشتباهات در میان زن و شوهر خیلی عادی می باشند اما گاهی مرد طوری برخورد کرده که عرصه را بر همسرش تنگ می کند ولی بهتر آن است که زن و شوهر در خانه شان با گذشت و بدون سخت گیری با همدیگر رفتار کنند.

مشاجره بایستی در وقت مناسب خود و به گونه ای دور از عصبانیت و بر فروختگی باشد و بهتر آن است که یکی از آنها از برخی اشتباهات و رفتارهای شریک زندگیش چشم پوشی کند تا اینکه او احساس نکند که تحت فشار قرار داده شده است.

هیچ اشکالی ندارد که شوهر در خانه از بعضی چیزهای ساده چشم پوشی کند اما اگر این چشم پوشی کردن باعث شود که همسرش تقصیرات و کوتاهی های خود را نسبت به شوهرش فراموش کند، دیگر درست نیست و گرنه زندگی تبدیل به جهنمی غیر قابل تحمل می شود.

چشم‌ها را از عیب‌ها بیوشان

با همدیگر مانند کودکان رفتار کنید نه مانند مردها! چون اینگونه در اختلافات مرد از غرور و زن از دشمنی خود کوتاه می‌آیند و مانند بچه زود دعوا می‌کنند و هر چه زودتر به زیبایی با هم آشتی می‌کنند. با همدیگر در کشتن منیت زندگی در خوردنی و نوشیدنی و لباس پوشیدن و صحبت کردن همکاری کنید. عبارات خود را تغییر دهید مثلا به جای اینکه بگویید: یک لیوان آب برایم بیاور، بگو: اگر توانستی یا اگر ممکن است یک لیوان آب برایم بیاور. و به جای آنکه بگویی: به همه اینها احتیاج داریم، بگو: آیا ممکن است اینها را بخری؟.

شما هیچگاه نمی‌توانید طعم پیروزی را بچشید مگر اینکه نفس خود را زیر پا بگذارید و قدر همدیگر و عشق را نمی‌دانید مگر اینکه مشکلی در زندگیتان پیش بیاید.

غالباً زندگی زناشویی در ابتدا با چشم‌پوشی از هر عیبی آغاز می‌شود و سپس یکی از آنها اشتباه دیگری را به رخ او می‌کشد. بدان که هیچ انسانی از عیب و نقص بری نیست.

اتطلب زوجة تنقی من الخطاء لن تلقی

و ای الناس معصوم و للکمال من یرقی؟!!

زن و شوهر هرکدام سعی می‌کنند اشتباهات دیگری را اصلاح و جایگزین کنند و در این حال انسان بزرگوار خطاها را تصحیح کرده و پنهان می‌کند اما انسان دون مایه آنها را همانگونه می‌گذارد و آشکار می‌کند. پس خداوند رحم کند آن زن یا مردی را که وقتی اشتباهی از همسرش می‌بیند آن را اصلاح کرده و می‌پوشاند. پیامبر می‌فرماید: برای ننگ و عار بودن شخص همین را بس که سه خصلت در او باشد: چیزی را که در خودش از آن بی‌خبر است در دیگران کشف کند، چیزی که در خودش هم است از انجام آن توسط دیگران شرم کند و همنشین خود را بیازارد.

زندگی زناشویی گرفتن و پس دادن، سختی و آسانی، خوشبختی و بدبختی است. نه خوشبختی همیشگی است نه شقاوتی همیشگی بلکه بینا بین آنهاست. به همین خاطر است که پیامبر مردان را امر فرموده که به علت ضعیف بودن زنان از برخی خطاهای آنها صرف نظر کنند و می‌فرماید: هیچ مرد مومنی نباید بر زنی ایماندار عصبانی شود؛ بلکه اگر رفتاری از وی او را خشمگین ساخت از رفتارهای دیگرش راضی شود.

امام نووی در شرح این حدیث می فرماید: شایسته نیست که با او کینه و دشمنی کند زیرا اگر اخلاق و رفتاری در او یافت که آن را نپسندید، اخلاق های دیگری در او می یابد که او را راضی می کند مثلا اگر بد اخلاق باشد، اما در عوض دیندار، زیبا، عقیفه یا چیزهایی دیگر مانند این را داراست.

و همینطور هر چیزی که در مورد چشم پوشی از عیب های زن بیان شد را در مورد مرد نیز می گوید.

تا عشق نمیرد

بعضی ها می گویند: بعد گذشت یکی دو سال در میان زن و شوهر اثری از عشق نمی ماند! و بعد از چیزی که به آن می گویند ماه عسل عشق کم کم شروع به ذوب شدن می کند! پس چکار باید کرد تا این عشق نمیرد؟

این مهم نیست که تو شوهرت را بسیار دوست داشته باشی! بلکه مهمتر از آن این است که او تو را به همان اندازه یا بیشتر دوست داشته باشد. خودت را نزد شوهرت عزیزتر کن و پیمان عشق را در دل او ببند و آن را پرورش بده چون طبیعت مردان متغیر است و هرگاه کسی را بیابند که پایبند به این عشق نباشد محبت او از دلش بیرون می رود! آگاه باش که مانند آن دسته از زنان نباشی که بعد از ازدواج آنقدر نسبت به شوهرانشان بی توجه می شوند که عشق آنها در دل شوهر می میرد و بعد از آن تعجب می کنند که این عشق چگونه نابود شد؟!

در اولین روزهای زندگی مشترک زن بهترین لباس هایش را برای او می پوشد و به بهترین شکل خود را برای او می آراید و تمام خانه و لباس هایش را پاکیزه نگه می دارد و هرگز قبول نمی کند که شوهرش اتاق خود را کاملاً نظم و ترتیب نداده باشد. و هرگز در مورد شوهرش یا در مقابل او کلمه ای ناشایست بر زبان نمی آورد! و هنگامی که شوهرش او را می بوسد با صورتی شاداب و لبخندی زیبا مواجه می شود و به او می گوید که چطور دقیقه ها را شمرده است تا اینکه به سوی او باز گردد. چه روزهای زیبایی بود این دوران اگر ادامه داشت...

یکی از مردان می گوید: همه آن عشق به سرعت از بین رفت و همسر من از آن انسانی من را بسیار دوست داشت و خیلی به من اهمیت می داد به انسانی دیگر تبدیل شد که تنها می خواهد که من او را دوست داشته باشم اما حق من که چه شود نپرس! این در حالی است که وقتی شوهر سر موعد خود مانند همیشه به خانه باز می گردد، می بیند که همسرش خوابیده است و او نیز هنگامی که با دوستانش به تفریح می رود همسرش به تنهایی در خانه مریض است.

و اینگونه یکی از مردان نیز هنگامی که همسرش و بچه هایش بر سر سفره برای غذا منتظر او مانده اند آنها را تنها می گذارد و خود به مهمانی می رود که دعوتش کرده اند. یکی از زن ها می گوید: شوهرم اصلاً به من اهمیت نمی دهد؛ من هیچ از وظایف خود نسبت به او کوتاهی نکرده ام و آسایش و راحتی را برای او فراهم نموده ام اما او بد خلق و بد اخلاق است و زود عصبانی می شود. به خدا قسم بارها و بارها

او را با دوستانش دیده ام که چقدر سر حال است و با اقوام و نزدیکان خود چقدر با محبت است اما من جز توبیخ و سرکوفت و بد رفتاری چیزی از او ندیدم!

بدون شک از زن و شوهرها بسیار شنیدیم که محبوب دلش به او بی اهمیتی می کند و رفیق راهش او را از یاد برده است و آن دل مهربانش سنگ شده است. می دانید چرا بعد از گذشت یکی دو سال از ازدواج عشق در میان زن و شوهر می میرد؟

همان بی توجهی که نسبت به همدیگر می کنند و در مشکلات زندگی فرو می روند تا اینکه عشق نابود شده و از بین می رود!.

کی برای همسرت هدیه خریدی؟

تنها یک سوال از تو می پرسم و آن این است که: آخرین باری که برای همسرت هدیه ای تهیه کردی کی بود؟ و جواب را به خودت واگذار می کنم.

هدیه ها در میان زن و شوهر نشانگر محبت و وفاداری هستند؛ احساس مودت و پیام آور عشق؛ نمایانگر مهر و صفا و تقویت کننده عصمت و پاکی می باشند. شاید هدیه از آن چیزهایی است که بیشترین تاثیر را بر زن داشته دارد هرچند که چیز کوچکی هم باشند و این احساس را به او دست می دهد که تو همیشه به یاد او هستی و او همیشه دوست دارد شادی را به قلب خود وارد گرداند. پیامبر عزیزمان می فرماید: هدیه بدهید تا محبت در میانتان زیاد شود.

زندگی زناشویی هیچگاه از مناسبت های مشترک میان زن و شوهر خالی نمی شود مانند ارتقای سمت برای مرد و مناسبات پیروزمندانه دیگر برای هرکدام از آنها. از این مناسبت ها برای بازگرداندن نبض عشق و الفت بهره بجوید مناسبت هایی که در میان هم و غم بسیار و مشکلات فرزندان پنهان مانده اند. این مناسبت های مبارک را با هدیه ای ساده زنده کنید و در گران بودن آن خود را به سختی نیاندازید و آن را با عبارتی مناسب همراه کنید که تاثیری جادویی دارد!

اگر از سفر به خانه برگشتی حتما هدیه ای حتی یک عدد شوکولات در دستت باشد.

گاهی هدیه می تواند یک رمز باشد مانند یک دید و بازدید یا رفتن به جایی که آن را دوست دارد یا چیزهایی مانند آن. به عوان مثال یک شاخه گل به تنهایی برای رساندن پیام عشق و محبت کفایت هیچ مشقتی در آن نیست و تاثیر مستقیمی دارد پس چرا از این به بعد برای همسرت یک شاخه گل نمی گیری؟

هدیه صرف نظر از قیمت مادی آن احساساتی زیبا را بیان می کند و درمان شخص مورد نظر است و روح معنویت را ارتقاء می بخشد و غذای احساس و عاطفه می باشد. یکی از آنها می گوید: هرگاه به من هدیه ای می دهی هیچگونه نمی توانم آن را جبران کنم بدان که شادی تو و همان سپاسگذاریت بهترین پاسخ هدیه ی اوست.

هرگاه هدیه ای برای همسرت گرفتی بعضی چیزها را به یاد داشته باش! مثلا این که قیمت هدیه را از روی آن برداری! و هدیه را جلوی چشم هیچکس به او ندهی مگر این که هدفی دیگر پشت آن باشد و او را به هدیه هایت یادآور نشو یا اینکه جلوی دیگران آنها را بیان نکن.

و هشدارى ضرورى براى استمرار روابط زناشويى اين است كه هيچگاه به بهانه هاىي مانند: گذشت عمر، رفتن جوانى و عدم تناسب اين اعمال با سن و سال از اين مناسبت ها اهمال و كوتاهى نكنيد چون اين نوع افكار جهلى آشكار بوده و عواقب بزرگى به دنبال دارد و اين احساس كسى است كه فقط به خودش فكر مى كند و حق شريك زندگيش را نمى داند.

و خداوند متعال انسان را در اين كوتاهى كردن بازخواست مى كند حتى اگر اين اهمال و كوتاهى به علت عبادت بوده باشد.

مانند زنبور عسل باش

مانند زنبور عسل باش؛ هر روز که از خانه اش خارج می شود با وجود تمام تغییرات جوی هوا، همیشه به طرف بوی خوش گلها رهسپار است و چشمانش جز رایحه ای جذاب چیز دیگری نمی بیند و در هر شرایطی که باشد از عصاره ی خوشبوی این گلها عسلی طبیعی می سازد. مانند زنبور عسل باش و همیشه به دنبال موارد مثبت شوهرت بگرد چون هر انسانی چیزهایی مثبت و منفی دارد و گاهی درست عمل می کند و گاهی نیز به خطا می رود.

شوهرت را متوجه این کن او که برای تو خیلی مهم است و تو همیشه به او نیاز داری و جایگاه او در نزد تو مانند آب و غذا است. چون هرگاه مرد احساس کند که همسرش به او نیازمند است بیشتر خود را به او نزدیک می کند. به شوهرت نگو که به او احتیاجی نداری چون بخشش ها و حمایت های او را از دست خواهی داد. هرگاه احساس کند که تو او را نادیده می گیری و از او چه از لحاظ مادی یا فکری بی نیاز هستی، او نیز رفتارهای تو را بی ارزش جلوه می دهد و با تو مقابله خواهد کرد.

چیزی به او نگو که از آن ناخشنود شود چون این کار او را آزار می دهد و طبع او را به هم می ریزد. کارهایی را که به خاطر تو و فرزندانت انجام داده، کوچک نشمار. همیشه از او تعریف کن و مثلا بگو: با لطف و حمایت تو به اینجا رسیدیم یا هر نیازی را که در دلم خطور کرده برای من تهیه نموده ای. مادامی که شوهرت از تو راضی بوده و خواسته هایت معقول باشد، به هر آن چیز که خواهی می رسی!.

روزی مردی فقیر که شغل کم درآمدی داشت نزد پدر زنش رفت و او نیز به مرد گفت: تقوای خدا را پیشه کن ای مرد تا کی به همسرت گوشت و روغن و میوه می دهی کمی هم نان و پنیر و سبزی برای او بخر! آن مرد می گوید: دهانم باز ماند و ندانستم چه جوابی دهم. نفهمیدم منظورش چه بود تا اینکه نزد همسرم رفتم و او را بغل گرفتم و از او پرسیدم و او نیز جوابی به من داد که زمین زیر پاهایم به لرزه درآمد!.

همسرش هر بار که به خانه ی پدریش می رفت گوشت و میوه و خوراکی هایی تازه برای آنها می برد و می گفت: بخدا دیگر خسته شدم من اینها را نمی خواهم و دیگر از اینها نمی خورم و اینگونه نشان می داد که شوهرش بسیار از اینها می خرد و او نیز دلش نان و سبزی می خواهد ولی برایش تهیه نمی کند.

اما حقیقتا در خانه ی آنها جز ماهی یا دو ماه یکبار گوشت یافت می شد و اغلب نان و پنیر می خوردند. مرد نمی دانست چگونه جلوی گرسنگی خود و همسرش را بگیرد اما همسر خوبش می خواست قدر و احترام شوهر را در نزد خانواده اش بالا ببرد و او را در چشم آنها بزرگ کند.

محرومیت و گرسنگی را تحمل می کند اما اجازه نمی دهد کسی از فقر شوهرش با خبر شود و او را به صبر و تحمل تشویق می کند و به او یادآوری می کند که اگر صبر کند خداوند متعال وعده های خوبی به صابران داده است!

بنیان خانه ای خوشبخت سنگ و آهن نیست بلکه زنی صالح و صبور می باشد.

بخیل بودن در ابراز احساسات

هنگامی که صحبت از شوهر بخیل می شود ذهن ها به سوی کسی می روند که مال خود را از همسر و خانواده اش دریغ می کند. آیا بخل این است؟

بدون شک بخل در عواطف و احساسات برای زن از بخل در مال بدتر است هرچند که در هر دوی آنها برای همسر و فرزندان باعث اذیت و آزار است. زن می تواند بخل مادی شوهرش را تحمل کند اما هرگز توانایی تحمل بخل عاطفی و احساسی او را ندارد در حالی که با ساده ترین کلمات امکان پذیر است؛ چون زن می تواند خسیس بودن و شوهرش را با کار کردن یا کمک خانواده یا یکی از فرزندانش جایگزین کند اما خساست شوهر در عواطف و احساسات هیچ جایگزینی ندارد!

عجیب آن مردی است از دوستان و اطرافیان خود تعریف و تمجید کرده اما این را از همسر خویش دریغ می کند. وقتی به خانه می آید متوجه می شود که خانه تمیز و مرتب است و همسرش برای او خود را زینت داده و معطر کرده است و آن غذایی را که او دوست داشته آماده نموده و ساعت ها به انتظار وی نشسته است تا برگردد! اما دریغ از یک ذره قدردانی و دریغ از یک تشکر زیبا و یک لبخند محبت آمیز. نه برای غذا و نه برای استقبال خوب او از همسرش تشکر نمی کند چون این مردی است که احساساتش مرده و معیارهای شناخت نزد او به هم ریخته است و در این حال است که احساس بیهودگی به همسرش دست می دهد.

زن به یکباره از خواب بیدار می شود و می بیند که شوهرش کنار او نیست لباس هایش را فوراً می پوشد و گوشه به گوشه ی خانه دنبال او می گردد تا اینکه صدای گریه ای خفیف می شنود که به دنبال خطای خودش است و در این هنگام به سجده می رود و گریه می کند. زن به رخت خواب خود بازمی گردد و گریه می کند برای اینکه نتوانسته آرزوی او را تحقق بخشد و بچه دار شود! هنگامی که مرد وارد اتاق خواب می شود زن تظاهر به خواب می کند تا اینکه دل و احساسات شوهرش مخدوش نگردد! در این هنگام مرد او را بلند می کند و دستش را زیر چانه اش می گذارد و اشک هایش را پاک می کند و با صدایی آهسته می گوید: بوی عطر را پشت در استشمام نمودم و همسرش با مهربانی جواب می دهد: مناجات تو را با پروردگار شنیدم و متوجه ناتوانی خودم در تحقق رؤیای بچه دار شدن تو گشتم! مرد با نگاهی پر از عشق و مهربانی به همسرش نگریست و گفت: به خاطر نازایی تو گریه نکردم! بلکه به این علت بود که با کابوسی بیدار شدم که در آن دیدم تو من را ترک نمودی!

بدان که خانه مکانی برای ندای پروردگار است که آن را لبیک گویی و خداوند به درازای روزگار تو را حفظ فرماید.

این همان عشق حقیقی است. عشق الله و رسولش به دنبال عشق به خانواده پدید می آید.

با تمام وجودت با او رفتار کن

به یاد داشته باش که رابطه ی تو با همسرت رابطه ای به شدت نزدیک و به خصوص است چون ازدواج برای کسب منفعت یا تجارت نیست بلکه مشارکت و مسؤلیت می باشد.

به همسر و فرزندان خوبی کن چون اگر تو به آنان خوبی کنی آنها نیز با تو خوب خواهند بود و زندگی سخت تو به زندگی پر از خوشبختی و آرامش تبدیل خواهد شد.

نگذار چنان احساس کند که شخص دوم است و بچه ها مهم ترین افراد زندگی هستند و خواسته های آنها دستور است و نباید در انجام آن کوتاهی نمود چون این کار باعث می شود در مواقع ضروری از بچه ها به عنوان فرستاده و وسیله ای به سوی تو استفاده کند که این کار از بزرگی او می کاهد. بلکه بایستی او را متوجه ی قدر و منزلت و اهمیت والایش کنی چون او اولین و آخرین همسر تو و مادر فرزندان است و خوشبختی تو در گرو خوشبختی آنهاست.

با دقت سکوت کن و به او توجه کن چون این کار او را از هم و غمی که گرفتار آن شده رهایی می بخشد اما بعضی زنان هستند که سخنانشان را با بدگویی از خانواده و نزدیکان می آمیزند که بایستی با آنها به صورت حکیمانه و نصیحت گرایانه رفتار کنی.

بر گفت و گوی با همدیگر با هر روش زبانی لفظی و غیر لفظی مداومت کن و در به کار بردن عبارتی عاشقانه و نگاهی حیرت انگیز یا ملامسه ای محبت آمیز و آغوشی مهربانانه بخیل نباش.

با او راست و شفاف باش چون عهد و پیمانی که در میان شماست نباید با مکر و حيله و دور زدن همراه باشد. اینها دیوارهایی هستند که شما را از یکدیگر دور می کنند.

به هنگام غروب آفتاب یا تماشای دریا به زیبایی با احساسات او همراه شو.

از بخل در مال و احساسات برحذر باش و میان شوخ طبعی و جدی بودن، نرمش و سخت گیری توازنی برقرار کن. نه آنقدر نرم باش که طغیان کند و نه آنقدر سخت باش که متنفر گردد بلکه راه وسط را در پیش بگیر چون بهترین کارها میانه روانه ی آنهاست. پیامبر می فرماید: هرگاه خداوند متعال برای خانواده ای خیری اراده کند در میان آنها محبت و دوستی می گذارد.

از هر گونه بی توجهی جسمی، روحی یا عاطفی پرهیز کن چون اهمال و بی توجهی هر چیز زیبایی را در رابطه می کشد و چه بسا در راه به سوی چیزهای خطرناکی باز کند که فکرش را هم نمیشه کرد.

با بیش از حد مشغول شدن به کار غیرت او را برانگیخته نکن و نگذار که تمام وقت مشغول آن شوی به خصوص خودت را از تعطیلات آخر هفته چه در خانه یا بیرون از آن محروم نکن.

گاهی نیاز داری از بعضی چیزها که جزئی از شخصیت هستند کوتاه بیایی تا اینکه بتوانی از صفاتی که از شریک زندگی دوست داری بهره مند شوی.

هرآنقدر به خودت اهمیت می دهی به همسرت نیز اهمیت بده و هرآنچه برای خودت می پسندی برای او نیز دوست داشته باش. آنقدر مغرور نباش که بیش از آنچه که عطا می کنی انتظار داشته باشی که نصیبت گردد یا اینکه چیزی ندهی و همه چیز را برای خودت بخواهی.

خودت را الگوی همسرت قرار بده و بدان هر کاری که انجام می دهی شخصیت تو را بازگو می کند.

همسرت را از تمام غم هایت با خبر نکن و سعی کن به تنهایی از پس همه آنها برآیی اما او را در شادی هایت از یاد نبر.

او من و فرزندانمان را آزار می دهد

چند بار تو را نصیحت کرده ام که از این قاتل دست برداری؟! او هم من و هم بچه هایمان را آزار می دهد و تو را در چشم آنها بی ارزش و خوار می کند! تو از ضررهای آن آگاه نیستی ولی من خوب می دانم که او به ما آسیب می رساند. اصلاً خشمگین نشو و تعجب نکن اگر یکی از فرزندانمان از راه راست درست منحرف شد چون از پدرش تبعیت کرده است و هرکس از پدرش تبعیت کرده دیگر جای هیچ گله ای نیست.

آیا دخانیات نوعی اسراف نیست که مرد مرتکب آن می شود و درحالی که می تواند پول آن را برای زن و فرزندان خود خرج کند! آیا پیامبر عزیزمان نمی فرماید: مقدار از اموالت را در راه خدا خرج می کنی و مقداری را برای آزاد کردن برده و مقداری دیگر را به مسکینی صدقه می دهی و مقداری را نیز برای خانواده ات اما آن مقدار را که برای خانواده ات خرج می کنی پاداش آن از همه بیشتر است.

سپس این را بدان که دخانیات از محرّمات خداوند متعال می باشد و همانگونه که او تعالی می فرماید: (قل لا یستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثرة الخبیث فاتقوا الله یاولی الالباب لعلکم تفلحون) {مائده: ۱۰۰}. (بگو ناپاک و پاک - حلال و حرام - مساوی نیستند، هرچند که فراوانی ناپاک شما را به شگفت اندازد پس ای خردمندان خویشتن را از -خشم- خدا برحذر دارید تا رستگار شوید). دخانیات هدر دادن مال برای نابود کردن صحت و عافیت بدن در کوتاه مدت و بلند مدت است و بخدا قسم بسیار شبیه خودکشی می باشد.

یکی از همسران می گوید: چندین بار شوهرم را نصیحت نمودم که از دخانیات دست بکشد؛ یکبار با سخن گفتن و بار دیگر با خواندن کتاب و باری دیگر با تماشا دادن کلیپ و فیلم و دگر بار با ابراز ناخشنودی از بوی بد آن تا اینکه کاملاً ناامید گشتم. به خودم گفتم: شاید بایستی طوری دیگر عمل کنم. یکی از شبها خود را برای او آرایش کردم و قبل از این که به خانه برگردد پیازی پاک کردم و همه ی آن را خوردم. وقتی وارد خانه شد به استقبال او رفتم و او را بوسیدم و بوی بد من او را خیلی اذیت کرد. این کار را چند بار انجام دادم! بعد از اینکه دیگر صبرش لبریز شده بود با ناراحتی تمام گفتم: تا کی پیاز پیاز پیاز؟! من هم فوری گفتم: تو تا کی سیگار سیگار سیگار؟! و از همان شب توبه خود را از سیگار اعلام کرد.

در مورد شوهرت فقط به این روش ناراحت کننده نگاه نکن بلکه راه های زیبای دیگری را نیز امتحان کن بیان این روش تنها برای تفهیم این بود که روحیه خود را در این مورد از دست ندهی و در تلاش برای درمان آن ثابت قدم باشی.

به یاد داشته باش که نیکی کردن نتیجه ای جز دوری گزیدن را به همراه دارد و این نیکی کردن می تواند به صورت لبخند، جمله ای زیبا یا همگام بودن با شوهر در سختی ها و راحتی هایش باشد.

و حرف آخر اینکه: کمک گرفتن از خداوند متعال و دعا و زاری به درگاه او را فراموش نکن و فرموده خداوند متعال را در حدیث قدسی به یاد بیاور که می فرماید: من در نزد ظن و گمان بنده ام به من هستم، پس هرآنطور که می خواهد می تواند به من گمان ببرد.

بین مادر و همسرت

اختلاف میان عروس و مادرشوهر امری عادی است و کابوسی که بر سینه ی بسیاری از مردان نقش بسته است. حقیقتی تلخ که میان دو تن از عزیزانش در می گیرد و او از جهتی رضایت مادر و از جهتی دیگر خوشبختی همسرش را می خواهد. اما مرد می تواند با کمی حکمت و صبر بسیار از این معضل به سلامت بگذرد و یاد بگیرد که چگونه بایستی میان خواسته های همسرش و هم واجباتی که در مورد مادرش بر دوش اوست همزیستی برقرار کند.

موقعیت را دقیق بررسی کن و احساسات واقعی همسرت را نسبت به مادرت دریاب.

تمام آنچه را که در مورد مادرت می گوید رد نکن چون او در برخورد خود چیزهایی از او می بیند که تو از آن بی خبر هستی. هنگامی که از حضور مادرت ناراحت و نگران است باید بدانی علت چیست؟

از جهتی دیگر از احساسات مادرت غافل نشو چون دید منفی او نسبت به همسرت ممکن است از ترس این باشد که به شخصی بی اهمیت در زندگیت تبدیل شود! پس با آنها صحبت کن و به عواطف و احساساتشان خوب گوش کن.

دوره ی زمانی دیدار آنها را کم کن و وقت دید و بازدید را طولانی نکن تا حال و هوا برایشان خسته کننده نشود و فکر نکن هرچقدر دیدار آنها را طولانی تر کنی به بهبود روابطشان کمک نموده ای. چون هر قدر مدت آن را بیشتر کنی احتمال رخ دادن حادثه ای پیش بینی نشده را افزایش داده ای.

صحبت کردن با همسرت را با داستان هایی زیبا و کوتاه که نشان دهنده محبت مادر به او است قوت بخش. تصاویری ناپسند از نحوه تفکر مادر را برای همسرت بازگو نکن.

صحبت کردن تان بایستیم بی پرده و بر اساس تفاهم باشد.

اجازه نداده که یکی از آنها حرف بدی از طرف دیگری بشنود و به فحاشی کردن به یکدیگر بیانجامد! این وظیفه مهم و سنگینی بر عهده ی تو می باشد.

چندین بار به آرامی اما با اراده از شروع درگیری جلوگیری کن تا بقیه عمر راحت باشی.

اگر یکی از آنها زبان باز تر بودنتها در مورد همان حادثه به شکایتهايش گوش کن و به او اجازه نده که تاریخ روابطشان را طور کلی برای تو بازگو کند به طور شخصی با هر کدام از آنها گفتگو کن و اجازه

ندهد که در مقابل تو به درگیری لفظی بپردازند و مواظب باش که به طور غیر عمدی صحبت های شان را برای یکدیگر نقل و آتش آنها را شعله ور تر نکنی

بایستی به همسرت بفرمایید که نقش ضروری در هر دو خانواده ایفا می کند چون این باعث می شود که برای تو احترام قائل شود.

از مشکلی پیش آمده دوری کناما به آنچه که در اطراف تو می گذرد آگاه باشو سعی کن آتش درگیری یا جنگ را خاموش و سرد کنی.

آنها را مجبور نکنید که یکدیگر را دوست داشته باشندو برای اینکه از یکدیگر راضی باشند آنها را سرزنش نکنسرزنش.

و قوانین مشخصی وضع کن کلیپ پیگیر آن مادر در تربیت فرزندان دخالت نکند و همسرت مانع فرزندانان برای دیدار مادر بزرگشان نشود.

بیمار پیر و زمین گیری داشتتم زنی با او بود که او را یک لحظه تنها نمی گذاشت پسری این مریض که استاد دانشگاهی بزرگ بود به من گفتاین همسر م است چهل سال به مادرم خدمت می کنند یک شب هم نگذاشته است که خودش به تنهایی بخوابد!.

خانواده شوهرم من را دوست ندارند

یکی از خواهران از ستم خانواده شوهرش به او می نوشت:

همیشه به آنها خوبی می کنم اما آنها به من بدی روا می دارند

از اشتباهاتی که در حق انجام می دهند چشم پوشی می کن شکسته نفسی آنها را دائماً مورد سوال قرار م و صحبت های شان باعث دگرگونی من نمی شود.

با بدجنسی تمام در مقابل و حتی پشت سر شوهرم به من بدی می کنند.

با خیال پردازی های ساختگی شان و سوء ظن های شان به من شکایت من را نزده شوهرم می برند؛ به راستی و بدون دورویی در خوشی و سختی با همگی آنها همراه بوده ام اما احدی از آنها در هنگام سختی یا خوشحالم در نزد من نبوده اند.

من و همسرم همدیگر را دوست داریم اما دیگر نمی توانم آنها را تحمل کنم و همسرم سعی نمی کنند که بدی های شان را از من باز دارد.

همیشه با آنها در ارتباط است و با آنها محبت میکند گویی که چیزی اتفاق نیافتاده است!.

حسن تعاملت را با آنها از نو شروع کن و از این امر کوتاهی نکن چون به احتمال زیاد اینگونه تغییر خواهند کرد از بدی های شان بگذار و گذشته را ببخش و با آنها صفحه ای جدید پر از گذشت و احترام را باز کن.

به آنها اجازه ندهید که از حدودشان با تو تجاوز یا کرامت را خدشه دار کنند.

اگر اطمینان داری که تو انسان خوبی هستی پس دیگر نباید حرف های آنها در هر صورتی بر تو تاثیر بگذارد.

میتوانید ارتباط رسمیت را با آنها کمتر کنیم اگرچه بهتر آن است که قوی باشد با رفتار نیکو با آنها تامل کن و بدون هیچ گونه ضعف و شکسته نفسی آنها را دائماً مورد سوال قرار بده.

راه میان خود و قلب مادر شوهرت را همچنان باز بگذار چون خداوند متعال می فرماید: ادفع بالتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوة کانه ولی حمیم (فصلت ۳۴) احسان می توانند کلامی زیبا یا هدیه یا استقبالی گرم باشد.

هنگامی که چیز ناپسندی از او شنیدی اینگونه نشان بده گویی چیزی نشنیده ای مادامی که او در خانه تو هستند و تو در خانه او پس چرا این را مانعی بر سر راه خوشبختی قرار دهی!؟.

همانگونه که ضرب المثلی در این باره داریم (تو نیکی میکنی و در دجله انداز) چون کارنیک اگرچه نزد مردان از بین برود در نزد خداوند متعال پایمال نمی شود و خداوند شاعر را رحمت کند که می فرماید:

ومن يفعل الخير لا يعدم جوازيه لا يذهب العرف بين الله و الناس

قلب مادر شوهرت را صاحب شو ۱

سعی کن که او را درک کنی و شکل رابطه بین شوهرت و مادرش را حفظ کنی
با شماره در مورد خاطراتی از دوران بچه گی و زندگی در بین خانواده اش صحبت کن
سعی کن تجارت □ دیشه و روش های تربیتی و جو حاکم بر خانه ای که مادرش با آنها روبرو شده است
را بشناسی.

چون تمام این اطلاعات مفید تو را کمک خواهد کرد که شخصیت مادر شوهرت را بهتر بشناسی و تو را
یاری می دهد اشتباهات کوچکی را که رابطه تان را شکراب می کند انجام ندهی
تصویر ذهنی منفی از مادر شوهرهایی را که ذهن اکثر زوج های جوان را مشوش میکنند و سلطه جو
هستند و عروس شان را دوست ندارند از فکرت پاک کن و به حرفهای دوستان اهمیت نده
احترام مادر شوهر را بگیر و تنها به عنوان مادر شوهرت یا مادر بزرگ فرزندان با او رفتار نکن چون
او در کنار همه اینها کاملاً زنی مانند تو است
از زندگی سلامتی و احساسات او با اهمیت سوال کن.

در بعضی از کارها از او مشورت بگیر تا او را متوجه اهمیتش در زندگی کنی.

گاهی اوقات از اون درخواست و سختی کار چون برای برقراری رابطه با او راهی بهتر از این وجود
ندارد.

همیشه شوهرت را به نیکی کردن نسبت به مادرش گرفتن هدیه های ساده برای او یادآوری کن چون این
کار در او تاثیری عمیق و مدت دارمی گذارد.

اگر گاهی اوقات بچه هایت را به دستش سپردی به او اعتماد کن چون ممکن است روش های تربیتی با
آنچه که تو به آن معتقد هستیم فرق داشته باشد اما نباید فراموش کنیم که او در حیطه تربیت بچه ها از تو
پیشی گرفته است و وظیفه خودش را به بهترین شکل انجام داده است این به آن سبب است که تو پسرش را
دوست داری و با او ازدواج کرده ای!.

با نصیحت ها و توصیه های خود فضا را برای سنگین کند و نگذار احساس کند که در موفقیت در ادای
نقش مادر بزرگپیش به او اعتماد نداری چون پدر بزرگ و مادر بزرگ نقشی اساسی در زندگی بچه های

ایفا می کنند اما با این وجود برای هدیه کردن کتابهای در مورد اصول رعایت مادر بزرگ ها نسبت به نوه هایشان و مجله های تربیتی که خودت قبلاً آنها را خوانده ای به آنها مانعی وجود ندارد.

در مواقعی مشخص به دیدار او برو گویی به عنوان مثال روز های جمعه را بایستی حتماً با آنها میل کنید.

از زمانی که دیدار بازدید در این روز به صورت عادت معمول در آمد بایستی مواظب باشید که کوچکترین بهانه ای مانع رفتن به نزدش در موعد مشخص نشود چون مادر شوهرت در این حالت عصبانی خواهد شد و اینگونه به ما نمی کنند که تو مانعی فرزندش برای دیدار او می شوی

به بچه هایت یاد بده که به او اهمیت بدهند و از او سوال بپرسند.

هنگامی که دخالت هایی از او سر زد با زیرکی تمام از او درگذر.

و از خودت بپرس اگر مادرت به جای او بود چه؟ آن وقت چگونه با او رفتار می کردی؟

به یاد داشته باش که پسرم وقتی بزرگ شود و همسری اختیار کنند با تو چگونه رفتار خواهد کرد؟ آیا همان گونه که تو با مادر شوهرت رفتار کردی با تو تعامل می کند؟

وقتی که به سن پیری رسید در عوض کردن لباس ها یا حمام کردن به کمکش بشتاب چون او مانند مادرت است.

و از یاد نبرد که از او برای خودت و شوهر و فرزندانت طلب دعای خیر کنی چون دعای مادر ها مستجاب می گردد.

قلب مادر شوهرت را صاحب شو ۱

با او رقابت گونه رفتار نکن چون جایگاه تو در قلب شوهرت با جایگاه مادرش متفاوت است؛ پس سعی نکن با او مانند شریک رفتار کنی.

برای مثال سعی نکن در آماده کردن غذاهایی که او در پختن آنها ماهر است با او رقابت کنی چون اگر در این کار موفق شوی ممکن است خشم او را بر خود برانگیزی یا مهارت تو در آن از او کمتر باشد و در تنگنا و سختی قرار گیری و این رقابت ناسالم می تواند بر سر خیاطی و دوخت و دوز و چیزهای دیگری از این قبیل باشد.

با او در مورد تمامی امور خصوصیت سر سخن را باز نکن چون ممکن است در مشکلات زندگی زناشویبتان دخالت کند.

به طور کلی از ایراد گرفتن و شکایت کردن از پسرش نزد او پرهیز کن چون عکس العملی را از او خواهی دید که توقعش را نداری زیرا او در این حالت احساس می کند که به پاره ی تنش اهانت کرده ای و درجا جایگاهت را در قلبش از بین خواهی برد.

هیچگاه خودت را دست کم نگیر چون همسرت هنگامی که یک روز تمام را با تو نزد پدر و مادرش می گذراند، احساس خوشبختی بزرگی می کند اما تو نیز آنها را در خانه خودت مهمانی بده و با روی گشاده خوشحالی به آنها خوش آمد بگو.

از اینکه غیرت مادر شوهرت را برانگیزی بر حذر باش که نتنها پسرش را از او دزدیده باشی و اینک سعی کنی که همسرش را نیز در صف خودت مقابل او قرار دهی.

بایستی غیرت افراد مسن را درک کنی و نباید جلوی چشمان او با شوهرت به شوخی کردن بپرداز و سخنانی را که پیام عشق و احساسات دارد با او ردوبدل کنی.

بدان که او بر گردن شوهرت حقی دارد و این از نعمت های الهی است که توانایی به او عطا فرموده است که او را به عنوان مردی صالح تربیت نموده است. و تو باید به همین خاطر در طول زندگی از او تشکر کنی و او نیز بر تو حقی دارد چون با میوه ی زندگی اش از دواج نموده ای.

این تصاویر زشت را که در ذهن از مادر شوهر ساخته ای دور کن. مطمئن باش که مادر شوهرت مانند مادر خودت است و مواردی را که باعث کاشت تصاویر زشتی از مادر شوهر می شود فراموش نکن از

این جهت که عروس احساس می کند اولین چیزی که در ازدواج او را به خود مشغول می کند مادرشوهرش است و گویی که دشمنی سرسخت برای اوست.

برای شوهرت هرچیزی که میان تو و مادرش اتفاق می افتد بازگو نکن و اگرچه از او خلاقی رخ داد سعی نکن با اشک ریختن قلب شوهرت را به طرف خودت بکشی.

همسرت را بر خوش رفتاری با مادرش تشویق و به او اصرار کن که به دیدنش برود.

در آن چیزی که شوهرت برای مادرش تهیه نموده سرک نکش.

سعی کن فرزندان را بر احترام گذاشتن به مادر شوهرت و فرمانبرداری از او آموزش بدهی و آن ها را به دیدارش ببری.

از اینکه خودت را نزد شوهرت با تحت فشار گذاشتن او برای اتخاب تو یا مادرش بی اعتبار کنی برحذر باش چون این از مواردی است که کینه و دشمنی را در میان مادرشوهر و عروس شعله ور می کند.

با الفاظی صمیمانه مانند مادر، عمه یا خاله او را صدا بزن.

هرگاه در سفری بودی و هدیه ای برای مادرشوهرت گرفتی اینگونه احساس خواهد کرد که تمام دنیا را به او بخشیده ای.

از هر دست بدهی از همان دست پس می گیری !

مدت سی سال همسری مدرنیزه و مغرور بودم که شعارهای آزادی زن سر می داد خواست خدا بعد از اینکه شوهرم به علت خاصی ناچار شد بیشتر اثاث خانه را بفروشد با مادر شوهرم ساکن یک خانه شدم. چند سالی با مادر شوهرم زندگی کردم سال هایی که به جرات می توانم بگویم بدترین لحظاتی بوده است که این زن صبور زندگی کرده است و متأسفانه علت این لحظات سخت من بودم که گوش هایم را برای نصیحت های دوستانم باز کردم مبنی بر اینکه در مقابل مادر شوهرم چراغ قرمز نشان دهم تا در زندگی دخالت نکند و همیشه به من یادآوری می کردند که مادر شوهر یعنی درد! به همین دلیل تصمیم گرفتم که او را به داخل اتاقش محدود کنم و تنها خودم بانوی خانه باشم و با او مانند مهمانی پا قدم سنگین رفتار کنم نمی دانم چگونه شیطان این خطا را برایم زینت داد و به بهانه ی حفظ زندگی و اینکه هدف وسیله را توجیه می کند، من را راضی نمود.

لباس هایم را در پایان شستشو داخل لباسشویی می گذاشتم که کثیفتر شوند و اتاقش را ماهی یکبار تمیز می کردم و غذایی را که مناسب بیماریش باشد برای او آماده نمی کردم.

مانند کوهی استوار به آرامی به روی من لبخند می زد و تمام روز را درون اتاقش سپری می کرد، نماز می خواند و قرآن تلاوت می کرد و جز برای وضو یا گرفتن سینی غذایی که برایش جلوی در می گذاشتم از اتاقش بیرون نمی آمد. شوهرم سرش در کار و شغل خودش بود به همین دلیل متوجه چیزی نمی شد و مادرش نیز از او شکایتی نمی کرد و هنگامی که از حال و وضعیتش با من می پرسید خدارا شکر می گفت و دست هایم را رو به آسمان می گرفت و برای من دعای هدایت و خوشبختی می کرد هرگاه او با صبر خویش بر وجود من تأثیر می گذاشت دوستان نابابم من را اغفال می نمودند من نیز به او بدی می کردم و او نیز در مقابل جز بادعای خیر من را جواب نمی داد. زیاد به این فکر نمی کردم که چرا او نزد شوهرم از من شکایتی نمی کند. معنای صبرش چیست. طعم پیروزی من را از دیدن حقیقت کور کرده است تا اینکه او به سختی بیمار شد و احساس می کرد که مرگش نزدیک است من را صدا زد که من با دلهره در مقابلش ایستاده بودم به من گفت شاید متوجه شده باشی که من مانند تو بد رفتاری نکرده ام تا اینکه آرامش خانه ی پسرم حفظ شود و امیدوار بودم که اصلاح حال شوی و عمدا صدای دعاهای خیر و هدایم را به تو می شنوادم که شاید به خودت بیایی اما فایده ای نداشت. دخترم بدان که رفتارت به اندازه ای که از عواقب کارهایت بر خودت می ترسیدم من را تحت فشار قرار نمی داد به همین دلیل اکنون تو را نصیحت می کنم در حالی که خودت مادر شدی به اینکه در این روز های آخرای زندگی سنگدلی را کنار

بگذاری تا شاید بتوانم ببخشم این جملات را گفت و دار فانی را دواع کرد و ندید که چگونه صورتم غرق اشک شده بود و بوسه هایم را بر صورت پاکش حس نکرد قبل از اینکه از اشتباهاتم درگذرد درگذشت و همسرم فکر می کرد که بهترین خدمت را به او کرده ام پسر بزرگ شد و ازدواج کرد و نمی توانست مسکن برای خویش تهیه کند به همین دلیل از او خواستم که با من در خانه ای زندگی کند که بعد از وفات پدرش و ازدواج خواهرهایش در آن به تنهایی به سر می بردم. او نیز قبول کرد دست بر قضا همسرش همانگونه که من با مادرشوهرم رفتار می کردم با من است بلکه صبر پیشه کردم تا در دعاهایم یاریگرم باشد و باشد که خداوند از من درگذرد.

تمام آن چیزی را که درک نمودم این بود که خداوند فرصت می دهد اما کوتاهی و بی توجهی نمی کند و روزگار باز تکرار می شود. ای همسر پسر سرانجام راه تو نیز این است که خودت روزی مادرشوهر شوی!

چگونه با خانواده همسرت رفتار می کنی؟

یکی از شاهزاده ها دختر مرد فقیری را به خاطر دین و زیباییش به عقد خود درآورد. شاهزاده وقتی که سواره از میان مردم گذشت و پدر زنش را دید فوراً پیاده شد و به سوی او شتافت و او را بغل کرد و سرش را بوسید. به او گفت چگونه اینچنین می کنی در حالی که شاهزاده ای هستی؟! شاهزاده با لبخند جواب داد این کار را انجام دادم تا جلوی چشم فرزندانم به پدرخانم قدر و منزلت دهم که بزرگواری مادرشان در دل آن ها قرار گیرد!

برای به جای آوردن صله ی ارحام و دیدار پدر و مادرش او را باز ندارد. خودت را در نیکی کردن به پدر و مادرش و سر زدن به آن ها جای همسرت بگذار که همانند خواهر و برادرانش آن را به جای آورد. در مقابل والدینش به خاطر اینکه خوب تربیت شده فرزندانش را خوب تربیت می کند از او تعریف کن. با برادرانش رابطه ی خوبی بنا بگذار و با آن ها تماسی بگیر یا از این به بعد پیامکی برای آن ها بفرست. طوری رفتار کن که گویی فردی از خانواده آن ها هستی. بر روی برج آسمان خراش به نزدیکان همسرت نگاه نکن بلکه سعی کن که از آن ها باشی و به خانه شان بروی و وقت خود را با آن ها بگذرانی. از این به بعد هدیه ای برای آن ها تهیه کن و از غذایشان بچش. خودت را از آن ها دور نکن و نگذار احساس کنند که در میانشان غریبی می کنی. فراموش نکن که از این به بعد خدمتگزاری خودت را به آن ها به نمایش بگذاری.

هیچگاه زیاد از پول صحبت نکن چون صحبت مال و دارایی موضوعی حساس است که خستگی بسیاری به دنبال دارد پس از صحبت کردن در مورد مال و ثروت و برنامه های اقتصادی آینده پرهیز کن. به توضیحات آن ها خوب دقت کن و اسامی شان را به خاطر بسیار تا بهتر با تو رابطه برقرار کنند. نظر مادر زن و پدر زنت را در نامگذاری فرزندان از یاد نبر و اگر چنانچه اسم خاصی را مدنظر داشتند یا اسمی دیگر را دوست نداشتند احساساتشان را پایمال نکن. نزد خانواده همسرت از خانواده خودت به نیکی سخن به میان بیاور و از شان و منزلت آن ها چیزی نگاه و به آن ها بفهمان که چقدر نسبت به ایشان احترام قائل هستی تا بر این مبنا آن ها نیز به پدر و مادرت احترام بگذارند.

به یاد داشته باش که هدف هر مادری از ازدواج دخترش خوشبختی و راحتی اوست و اگر می خواهی با همسرت در خوشبختی زندگی کنی رضایت مادر زنت را به دست بیاور و انسان عاقل کسی است که می داند چگونه فکر و قلب مادر زنتش را به دست بیاورد.

مادر زنت را از ته قلبت دوست داشته باش و با احترام و محبت با او رفتار کن همانگونه که دوست داری همسرت با خانواده تو به نیکی رفتار کند و به آن ها احترام بگذارد او نیز همین انتظار را از تو دارد.

یکی از زنان می گوید: احترام به پدر و مادرم احترام به من است و توهین به آن ها توهین به من.

همیشه از من می خواهی هر وقت به دیدن خانواده ات می رویم سر حال و شاداب باشم آیا این حق من نیست که همین درخواست را از تو داشته باشم. عزیزم هر طور با من رفتار کنی با تو همانگونه خواهم بود.

پیامی برای مادرشوهر

یکی از دلایل به هم خوردن رابطه عروس و مادرشوهر موضوع بچه دار شدن است هنگامی که دختر در بچه آوردن تاخیر می کند نگرانی مادر برای پسرش زیاد می شود و رابطه ی مادرشوهر با عروسش نابود می شود و سعی می کند که پسرش را راضی کند از این همسر نازا دست بکشد و با دختر دیگری ازدواج کند هنگامی که احساسات دختر جریحه دار شد شروع به دشمنی با مادرشوهر می کند چرا که نه؟ و مادر شوهر که می خواهد زندگی او را به جهنم تبدیل کند صبح و شام از سوال نمودن در مورد حاملگی دست بر نمی دارد و مرد دائما حرف مادر در ذهنش تکرار می شود و گویی که مسئول حامله نشدن همسرش خود اوست در حالی که مادرشوهر بایستی در سختی ها کمک حال همسرپسرش باشد چه زوج هایی بوده اند که پس از سال ها و بعد از قطع امید همه کس دارای فرزند شدند و زنی دیگر وجود دارد که چند دختر به دنیا آورده اما مادرشوهر هرگز برای این امر خوشحالی نکرد و هر روز از پسرش می خواهد که صاحب فرزند پسری شوند که اسم او را زنده گرداند و همسر بیچاره اش نمی داند چکار کند چون اصلا چیزی دست او نیست. تا اینکه که کار به جایی می کشد که مرد به گفته ی مادرش راضی می شود به اینکه راهی جز این وجود ندارد که با زن دیگری ازدواج کند و از او دارای فرزند پسر شود.

مشکلات میان عروس و مادرشوهر به دلیل کوتاهی کردن همسر در خانه است یا مراعات حال فرزندانش یا بخاطر کوتاهی خود او در تاثیر گذاری بر شخصیت شوهرش می باشد.

بدون تردید مادر با شادی فرزندش شاد و با ناراحتی او ناراحت می شود چگونه ممکن است مادر شوهر همسر پسرش را دوست داشته باشد در حالی که پسر در خانه ی خودش احساس راحتی نمی کند.

گاهی مشکلات بر سر اختلاف در انجام کار های خانگی است خداوند از علی ابن ابی طالب راضی باشد هنگامی که با هوش و ذکاوت خود کار های خانه را در میان مادر و همسرش فاطمه ی زهرا تقسیم نمود و برای هر یک کار مناسب را انتخاب می کرد.

ممکن است زن از مقدار کمی زیبایی برخوردار باشد به همین دلیل مادرشوهر فکر می کند که او لیاقت ازدواج با پسرش را ندارد و پسرش شایسته ی زنی زیباتر از اوست! شکی نیست که زیبایی صورت همه چیز نیست بلکه زیبایی اخلاق و شیرین سخنی و سبک بودن روح است که زیبایی را افزایش می دهد و چیزی که مادرشوهر در مورد صورت عروس در نظر نداشته این است که پسرش او را انتخاب نموده و پسندیده است.

هنگامی که عاشقی را سرزنش می کردند که چرا با اینکه معشوقه ات زیبایی چندانی ندارد آن قدر در توصیف او زیاده روی می کنی؟ او در جواب گفت من او را با چشمان خودم می بینم نه با چشمان شما. چه زیبا رویانی که باعث ناراحتی های بسیاری برای شوهرانشان شده اند و چه انسان های معمولی که خوشبختی را برای شوهر و خانه شان به ارمغان آورده اند.

اگر چنانچه مادر شوهر ملاحظه کند که ازدواج پسرش باعث سروسامان گرفتن و خوشبختی وی نشده است با هرگونه ناراحتی اندوهگین می شود و سبب آن را در همسرش می بیند.

چگونه قلب همسر پسر را به دست آوری؟

او را مانند دختر خودت بدان و با مهربانی خود او را دربرگیر. به دنبال اشتباهاتش نگرد با دلسوزی او را نصیحت کن و بدان که او از نسلی غیر از نسل توست برای او مادری مهربان خواهر و یا دوست باش تا او نیز همانگونه با تو رفتار کند خانه ی پسر را از دعاهای خیر و محبت زیباییت محروم نساز.

خواهرت عشقت باشد

بسیاری از برادران بعد از گذشت روز عروسی خواهرشان دیگر از او خبر ندارند گویی که وارد عالم فراموشی می شوند! او را به شوهرش تسلیم نموده و از او دست کشیده است و اینگونه می پندارد که او اکنون در ذمه ی شوهرش می باشد و دیگر در زندگی وی نقشی ندارد عقد از دواج صورت گرفته و کار تمام شده است.

خواهرت حتی اگر از دواج هم بکند باز هم به تو نیاز دارد بیشتر به احساسات تو نیازمند است و از تو برای از بین بردن نگرانی هایش و استفاده از نصیحت هایت مشورت می گیرد و هنگامی که تو از حال و احوالش می پرسی او را از خوشحالی می میرانی و زنده می کنی.

یکی از آن ها حال خودش را هنگام دیدار با برادرانش اینگونه بیان می کند: وقتی به دیدنم آمد و حالم را پرسید داشتم از خوشحالی بال در می آوردم و همه ی شب با شوهرم داشتم از مهربانی ها و خوبی های برادرم صحبت می کردم. او به برادرانش افتخار می کند و گویی که شوهرش را برحذر می دارد از اینکه بدی در حق او انجام دهد چون برادرانش هنوز وجود دارند!

و دیگری می گوید: گاهی به دروغ به شوهرم می گویم که برادرم به او رسانده است.

پس با احوالپرسی خواهرت و شوهرش و احترام به شخصیت و حقوق وی، احساس می کند که حقش ادا شده و خیر بسیاری به او رسیده است. سلام و احوالپرسی و دعای خیری از جانب تو خواهرت را در آن روز ملکه ی زمانه می گرداند! و اگر چنانچه زنگ گوشی خواهرت با شماره ی تو زنگ بخورد با صدای بلند با تو مشغول صحبت کردن می شود تا شوهرش بشنود که برادری دوست داشتنی و قوی دارد که احوالش را می پرسد، در کنارش ایستاده و هر جا می رود حواسش به اوست در این صورت جایگاه او نزد شوهرش بالا می رود و شوهرش از تو حساب می برد و بیشتر به تو احترام می گذارد و زبان حال خواهرت این است که: ای برادر تو بعد از خدای متعال پناهگاه من هستی در هر حال بدی که باشم.

همسر و فرزندان و سرشلوغی های دنیا تو را از خواهرت غافل نکند او بیشتر به تو گرم است و به تو افتخار می کند و با تو احساس می کند که در دنیا سلامت می باشد.

آیا کافی نیست که او دختر مادرت می باشد؟ و عزیزی است که بوی مادرت را می دهد؟ یکی از زیباترین چیزهایی که انسان ها می توانند داشته باشند خواهر و برادر است که با هیچ چیزی عوض نمی شود!

دروازه های محبت را بر روی خواهران و برادران خویش باز کن که اگر بسته شوند دروازه ای بزرگ از خیر و برکت بر رویت بسته خواهد شد.

به شخصی اعرابی گفتند فرزندت درگذشت گفت: خداوند جزای خیرم دهد بار دیگر به وی گفتند: برادرت درگذشت گفت: پشتم شکست، چون برادر جایگزینی ندارد مگر چه کسی توانسته پدر و مادری بیاورد تا بتواند برادری بیاورد؟ مراقب برادران و خواهرانت باش و نگذار که شیطان با هرگونه مشکل و بهانه ای در میانتان جدایی بیاندازد.

شوهرت را به سوی موفقیت سوق بده ۱

می گویند پشت هر مرد بزرگی زنی بزرگ قرار داشته است آیا هیچ با خودت فکر کرده ای که روزی آن زن بزرگ باشی که از شوهرش مردی بزرگ می سازد. خیلی از خانم ها این را آرزو می کنند اما کمتر زنی وجود دارد که برای تحقق بخشیدن به این رویا تلاش کند. زن صالح و نیکوکار این را می داند که شوهرش با تلاش و ریختن عرق پیشانی پول در می آورد که برای او و فرزندانش زندگی شرافتمندانه ای بسازد. در نتیجه به او سخت نمی گیرد و همیشه متوجه نیاز های شوهرش است تا کارهای خانه و فرزندانش را به خوبی پیش ببرد.

شوهرت را به سوی موفقیت بیشتر سوق بده و سپاسگزار تلاش های او باش و او را برای ادامه دادن به این بخشش تشویق کن چون شوهرت از تو توقع دارد که سختی های کارش را درک کنی و با او کلامی زیبا داشته باشی تا به محض دیدن تو تمام این دشواری ها را فراموش کند! برای موفقیت شوهرت زندگی کن اما بایستی اهدافتان والا و ارزشمند باشد تا احساس کنید که همیشه و تا ابد با هم هستید.

جوانی مکانیک کار در اواخر قرن ۱۹ میلادی در یک شرکت برق دیترویت کار می کرد روزانه در قبال ۱۱ ساعت کار روزانه در هفته ۱۱ دلار دریافت می کرد این جوان بعد از ظهر ها به خانه اش باز می گشت و تا نصف شب در کارگاه کوچک پشت خانه اش مشغول ساخت نوعی جدید از وسایل حرکتی می بود. اما پدر و مادرش این کارهای پسرشان را بیهوده و آب در هاون می دانستند. جوانان اطرافش او را مسخره می کردند و به او می خندیدند و تنها همسرش بود که به توانایی های او اعتماد داشت و در طول شب با او در کارگاه وقت را سپری می کرد. با سختی هایش به زحمت می افتاد و از حماسه آفرینی شوهرش به وجد می آمد مطمئن بود که این کاری که شوهرش انجام می دهد حتما به چیز خوبی اتمام می پذیرد و این وسیله اش بدون شک کار خواهد کرد که به همین دلیل به همسرش لقب « بانوی اطمینان بخش» اهدا نمودند و بعد از ۳ سال پیروزی های پی در پی نهایتا این وسیله عجیب و غریب کار کرد.

او در سال ۱۸۹۳ میلادی و قبل از اینکه به سن سی سالگی برسد در کلبه اش را باز کرد و ناگهان عرابه ای بدون اسب و دارای چهار چرخ به حرکت در آمد. هنری فورد و همسرش با این اختراع دوران جدیدی را برای بشریت به ارمغان آوردند. هنری فورد با نهایت افتخار و قدر دانی از همسرش سخن می گفت و اگر چنانچه هنری فورد پدر این اختراع بوده باشد، بی گمان همسرش نیز شایستگی این را دارد که مادر این اختراع بزرگ لقب گیرد.

بعد از ۴۰ سال از گذشت این اختراع از هنری پرسیدند اگر یک بار دیگر فرصت زندگی به تو داده شود دوست داری چه کاره شوی؟ که اینگونه جواب داد: مهم نیست چکاره شوم تنها چیزی که برایم اهمیت دارد این است که همسرم در کنارم باشد!

شوهرت را به سوی موفقیت سوق بده ۲

به شوهرت یادآوری کن که همیشه در هرکاری نیت خیری داشته باشد و کاری را که بیش از حد توان اوست به او واگذار مکن چون در این صورت برای برآورده کردن خواسته های تو به ناچار به راه های حرام یا شبه انگیز پناه می آورد.

آگاه باش که بعضی از صحبت ها اثری جادویی دارند پس هرچقدر که از عبارات زیبا و دلربا استفاده کنی تاثیر بسیار خوبی بر زندگی خودت و شوهرت خواهد داشت مثلا به او بگو: خداوند در مسئولیت خانه تو را یاری دهد یا خداوند برای انجام آن تو را نیرو و قوت بخشد و جزای خیرت دهد و در این لحظه می توانی لبخند رضایت بخش او را ببینی!

به خاطر کار شوهرت و اینکه گاهی به علت مشغولیت کاری از تو غافل شود، ناراحت نشو! به او اهتمام بده و در حال سختی ها حامی او باش و تا می توانی از الفاظی که باعث نابودی اراده و همت و الا می شود پرهیز کن. سعی کن که هیچگاه عیب و نقص های شوهرت را به وی گوشزد نکنی. هرگز از روش های نابود کننده استفاده نکن چون این امر سبب شکاف عمیقی میان تو و شوهرت می شود!

از شوهرت برای انجام کاری که در آن موفق بوده تعریف و تمجید به عمل آور چون باعث می شود که او احساس افتخار و سربلندی کند.

جو فضای آرامی را برای کمک به تفکر و برنامه ریزی در کارهایش برای او فراهم کن تا با خیال راحت آرامش دورنی مشغول شود.

بر حذر باش از اینکه شوهرت در مورد کارش با تو صحبت کند و تو هم به او گوش فرا ندهی چون کار در زندگی او بسیار مهم است و تنها وسیله ای است که باعث رشد شخصیتی او شده و اینگونه احساس کند که در جامعه و خانواده مفید است.

اول صبح با او وارد درگیری های خانوادگی نشو اگرچه در نظر تو بسیار مهم و ضروری باشد چون اول روز زمانی آرام و دست نخورده است پس به هیچ وجه هیچ گونه مسئله ای را قبل از سرکار رفتنش با او مطرح نکن.

این احساس را به او ببخش که با وجود اینکه سرکار می رود و از خانه دور می شود، تو مراقب بچه ها هستی و در کارهای مربوط به تربیت شان به او مشورت می دهی.

به وسایل مخصوص کارش اهمیت بده و مراقب آن ها باش و کتاب ها و نوشته هایش را با دقت مرتب کن بدون اینکه به دنبال چیزهایی بگردی که شخصی باشند و به خود اجازه سرک کشیدن به آن ها را نداده باش

در هدف گذاری واقع اندیش باش و هرگاه دیدی که شوهرت اهداف خیالی و فانتزی در سر دارد او را با آرامش و مهربانی به واقعیت نزدیک کن.

از توانایی های اولیه این است که توانایی یادگیری از اشتباهات را داشته باشد چون هیچکس وجود ندارد که اشتباه نکند اما تکرار این خطاها همان چیزی است که باعث شکست های پیاپی می شود.

به شوهرت اعتماد بنفس را بیاموز و از ویژگی های خوب او تعریف و تمجید کن و موفقیت های اخیرش را که در طول زندگی مشترک یا قبل از آن با او به آن ها رسیدی به وی یادآور شو!

استعداد های او را کشف کن چون بسیاری از مردم استعداد های واقعی خود را نمی شناسند و دیگران آن ها را به وی معرفی می کنند، او را یاری بده که در مقابل نقاط ضعف خویش بایستد و برای حل آن ها راه حل بیاندیشد چون تو از هرکسی به او نزدیکتر هستی و فراموش نکن که او را در لباسی نرم و زیبا نصیحت کنی.

نقاط قوت در زندگی ام حکیم مخزومی

بانو ام حکیم دختر حارث پسر هاشم قریشی مخزومی از زنان مسلمانی است که شایسته ی این است که به وی اقتدا شود. معروف بودن ایشان بخاطر حکمت و نقاط قوتی بوده که هر شخصی برای پیشی گرفتن به آن نیازمند می باشد همانگونه که این بانو با شوهرش عکرمة پسر ابوجهل رفتار می کرد.

ام حکیم مثال بارز همسری مسلمان است که شانه به شانه ی شوهرش از وی حمایت و او را به آن چه که برایش سودمند بود رهنمود می کرد و دین و دنیایش را برای او حفظ می نمود!

با سه تن از صحابه ی بزرگوار که به شرف شهادت نایل آمدند، ازدواج کرد.

ابتدا با عکرمة پسر ابوجهل ازدواج نمود و در غزوه ی احد در میان جنگجویان مشرکین حضور داشت.

در سال هشتم هجری هنگام فتح مکه با دیگران وارد اسلام گردید اما عکرمة به سوی یمن پا به فرار گذاشت. ام حکیم این همسر وفادار شوهر خویش را رها ننمود به دنبال او رفت تا او را از تاریکی به سوی نور نجات دهد (بعد از آن که شیرینی ایمان را چشید)

و قبل از اینکه سفر کند نزد رسول خدا رفت تا از او اجازه بگیرد. برای عکرمة درخواست امان نموده که اگر مسلمان برگشت در امنیت باشد.

رسول الله به او اجازه فرمود و خوشبختی اش دو چندان گشت و از رسول الله شنید که عکرمة را بخشیده و او را امان داده است.

ام حکیم به سرعت به سوی شوهرش شتافت تا قبل از اینکه سوار کشتی شود او را دریابد. در یکی از سواحل تعمامه او را پیدا کرد و مژده ی بخشش رسول الله را به او داد به او گفت ای پسر عمو از جانب نیکوکارترین و نزدیک ترین و بهترین مردم می آیم خودت را نابود نکن برایت امان گرفتم و ایشان به تو امان دادند. عکرمة به او گفت: جدا این کار را انجام دادی؟ گفت بله.

عکرمة باخوشحالی تهلیل گفت و فوراً با همسرش نزد رسول الله بازگشت تا اسلام آوردنش را نزد ایشان علنی کند عکرمة در جنگ یرموک به شهادت رسید تا ام حکیم را تنها بگذارد.

دیری نپایید که صحابی گرانقدر خالد بن سعید بن العاصی به خواستگاری ایشان رفت.

هنگامی که مسلمانان به سوی معرکه ی مرج الصفر حرکت کردند خالد خواست که با ام حکیم عروسی گیرد و همبستر شوند. ام حکیم گفت: کاش کمی دیرتر وارد جنگ شوی تا اینکه خداوند به این افراد برکت دهد. خالد گفت: چیزی درونم به من می گوید که در میان این جمع کشته می شوم. ام حکیم گفت: این حرف را نزن. در کنار پلی در منطقه ی صفر همبستر شدند و اول شب ازدواجشان را گذراندند به همین خاطر این پل به او شناخته شد و به آن (پل ام حکیم) می گفتند.

سپس دوستانش را برای غذا دعوت نمود و هنوز از غذا دست نکشیده بودند که سربازان روم در مقابل آن ها صف کشیدند و مردی از آن ها مبارزی طلبید که خالد بن سعید بپا خواست و با او جنگید و به شهادت رسید. ام حکیم لباسش را بر روی او کشید و در آن روز با نیزه ای که چادر عروسی آن ها را نگه داشته بود هفت نفر از رومی ها را به هلاکت رساند و اینجا بود که شجاعت بی نظیر ام حکیم در سخت ترین شرایط ممکن برای زنی که شوهرش را از دست داده باشد نمایان گشت.

و بعد از شهادت شوهرش خالد بن سعید بن عاص او با خلیفه دوم عمر بن خطاب ازدواج نمود که ایشان نیز به دست خدمتکار مجوسی به نام فیروز به شهادت رسیدند.

شوهرت مسافر است

شوهرش شش ماه از او دور بود بعد از اینکه بازگشت به او گفت: خیلی سعی کردم در این مدت یکی از بدی هایت را به یاد بیاورم تا به وسیله ی آن درد دوری را کم کنم اما چیزی نیافتم.

هنگامی که شوهرت به مسافرت می رود نزدیکی خودت را به او بفهمان مثلا یادداشت های کوچکی را میان لباس هایش پنهان کن و جملات یا اشعاری را برایش بنویس که نشان دهنده ی عشقت به او باشد.

و هنگامی که بعد از مدت زیادی از سفر باز می گردد با شکایت و ناله و درد با او روبرو نشو هرچقدر که اوضاع سخت بوده باشد این را برای وقت مناسبی بگذار تا احساسات و مهربانی که به آن نیاز داری از او ببینی.

مردی آخر شب از سفر به سوی خانه اش باز می گردد و همسرش را در لباسی نامرتب و ژولیده می بیند و جام خشم خود را بر او فرو می ریزد و به کم کاری و بی توجهی نسبت به حقوقش او را متهم می کند و اینکه چرا باید آخر نفری باشد که به او فکر می کند!

مرد به زنش فرصت و حتی خبر هم نداده بود و اینگونه با توپ پر به خانه باز می گردد و برخورد می کند شاید این حدیث پیامبر را نخوانده است که می فرماید: مهلت بدهید و شبانه وارد نشوید تا اینکه موهای ژولیده اش را شانه بزند و زنی که از شوهرش دور بوده اصلاحی و نظافتی انجام دهد. اکنون که دوره ی موبایل می باشد آیا بهتر نیست که مرد با همسرش تماسی بگیرد. تا اینکه حتی در مسافرت هم نباشد به او خبر دهد که ان شاء الله نیم ساعت یا چند دقیقه ی دیگر می رسم؟

تو و همسرت در مرخصی:

در تعطیلات آخر هفته چه در خانه یا بیرون از خانه بودید او را از خودت محروم نکن که احساس خستگی و بی رمقی نکند. یک روز از هفته را برای بیرون رفتن و رهایی از قید و بند های نفسانی و کارهای روزمره برای خانواده بگذار. سعی کن با او برای دو سه روز هم که شده به مسافرت بروی البته با داشتن توجه و در نظر گرفتن بچه ها.

بعضی ها به مرخصی از زاویه ی پرکردن وقت با برنامه های مفید و کتابخوانی و حضور در دورهمی ها و مهمانی رفتن و کارهای مفید اینچنین نگاه می کنند اما از صحبت کردن با همسر در حال مرخصی غافل اند. بایستی در این مرخصی و گذراندن اوقات فراغت زمانی را به اختلاط نمودن با همسرت اختصاص

دهی تا معنای عشق را تازه کنی و آن را رشد دهی. هیچ چیز زیباتر از آن نیست که با او شب را بگذرانی یا به مسافرت بروی چون این کار تاثیر عمیقی در قلب همسرت می گذارد به گونه ای که کسی قدر آن را نمی داند مگر اینکه اینگونه زندگی کند.

گذراندن وقت با همسر به قصد بارور کردن عشق هدر دادن وقت نیست بلکه از جسن معاشرت و خوش اخلاقی می باشد همانگونه که پروردگاران ما را تربیت نموده که می فرماید: «و عاشروهن بالمعروف» نساء ۱۹ و همانگونه که پیامبرمان به صراحت اعلان نموده اند که: بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهترین باشد.

از همسرت سپاسگزاری کن

بدون تردید تشویق و پاداش بازده را بیشتر می کند و روابط زناشویی نیز با سپاسگزاری هرکدام از آن ها به یکدیگر عطا و بخشش آن ها بیشتر می شود و هرچقدر این پاداش ها بیشتر شود عشق و وابستگی بیشتر می شود پس برای همدیگر پاداش در نظر بگیرید.

ضربه های آرامی به پشت همسرت بزن چون همسرت تکرار این پاداش زناشویی را دوست دارد و او را خوشحال می کند اگر چنین باشد پس همین کار از جانب زن بر پشت شوهرش چگونه می تواند باشد؟

لبخند زدن بر روی همدیگر بهترین قدر دانی است که میان زن و شوهر در موقعیت های مختلف صورت می گیرد و به معنای رضایت و دلگرمی از عمل کردن یکی از آن دو می باشد.

بایستی به راستی و گرمی از همدیگر تشکر کنند چون هر سخن زیبایی صدقه است.

از همسرت جلوی فرزندان تعریف کن و تو نیز از شوهرت در مقابل خانواده اش تعریف کن چون کسی که از او تعریف می شود اگر مستقیم آن را بشنود از این قدر دانی خوشحال می شود و اگر خبر آن به وی برسد عشق و بخشش او افزایش می باید.

این را بدان که هیچ زنی پیدا نمی کنی که تعریف و تمجید شدن را دوست نداشته باشد یا با سینه ای فراخ نصیحت های همیشگی ات را پذیرا باشد و یا اینکه با توجهات بررسی های دائمی تو در مورد هر چیزی مشکلی نداشته باشد. و زنی را نمی یابی که از جملات زیبا و جذاب، تعریف کردن از دستپختش و مدیریت خانه و دین و اخلاقش خسته شود.

زنی را پیدا نمی کنی که از گل یا هدیه یا وسایل زینتی بدش بیاید.

چه قدر این کلمه « متشکرم » زیباست! یکی از زنان می گوید: خواب را از چشمانم گرفتم و بدنم را به زحمت انداختم بخاطر مهمان های تو، هرچه دلت اشتهای آن را داشت پختم و هرآن چه خواستی برایت فراهم نمودم ظرف ها را شستم و خانه را تمیز کردم این ها همه وظایف من است و هیچ منتهی بر تو ندارم اما کلمه ای زیبا در قلب و خوش آهنگ در گوش هایم وجود دارد و آن این است: متشکرم همسرم.

اگر این عبارت به نسبت مردم صدقه باشد پس ببین که برای من چگونه است؟

بدان که انگیزه‌ی شخصی یکی از دو طرف باعث می‌شود که طرف مقابل آنگونه که باید تمام خواسته‌های طرف اول را برآورده کند.

بعد از ظهر بخصوص هنگامی که از سرکار خسته برمی‌گردی تلاش کن که همسرت را خوشحال کنی. چیزی از این زیباتر نیست که زن از شوهر خودش پی در پی جذاب‌ترین عبارات را بشنود بخصوص اینکه زیبایی و شگفت‌انگیزی و خوش طبعی او را تمجید کنی.

رفتارت را با همسرت بهبود بخش تا او نیز در مقابل همان کار را انجام دهد و به او بفهمان که او را بر خودت مقدم می‌داری و اینکه بر خوشحال کردنش حریص هستی و مراقب سلامتی اش می‌باشی و در حد توان خودت را فدای او می‌کنی.

همسر م یا در بازار است یا در مهمانی

خرید کردن برای مردان فشاری روانی محسوب می گردد اما برای زنان تفریحی دوست داشتنی است که آن ها را از فشار در می آورد. تفکری غیر معقول نزد بسیاری از مردان وجود دارد و آن این است که ۲۴ ساعت شبانه روز هم کافی نیست که زنان از خرید کردن اشباع شوند.

بعضی از مردان از اینکه با همسرشان به خرید کردن بروند سر باز می دهند و می گذارند که خودشان به تنهایی به بازار بروند. آیا همراهی تو با او پوشش و حمایتی برایش نیست؟ آیا باعث خوشحالی او نمی گردد؟ آن هم چه خوشحالی! یا این کار باعث نمی گردد که احساس کند که شوهرش برای او احترام قائل است؟! اما به شرطی که عرصه را بر همسرت تنگ نکنی و او را به عجله نیاندازی یا بخاطر کوچکترین چیزی بر او خشمگین نشوی این حس را به او بده که هرجایی با او بروی باعث خوشحالی تو می شود لیکن زن بایستی در این موقع باید زمان حضور در بازار را کمتر کند اما مرد متنفر است از اینکه تا بسته شدن در های بازار باهمسر مشغول خرید کردن باشد.

همانگونه که باید وضعیت مادی شوهرت را در نظر داشته باشی پس بدان که نباید بیش از حد توانش او را به سختی اندازی.

همسر م در مهمانی:

مردی با همسرش به دیدن یکی از نزدیکان رفت در پایان مهمانی به گوشی همسرش زنگ زد و گفت که من بیرون خانه داخل ماشین منتظرت هستم و اگر چنانچه همسرش کمی دیر کند ماشین را به حرکت در نمی آورد مگر اینکه او را با جملات سنگین مورد عتاب قرار دهد مانند: (هر بار دیر می کنی، خیلی وقت است منتظر هستم، ای کاش هرگز به این مهمانی نمی آمدم.) و دیگر این را در نظر نمی گیرد که او بچه هایی دارد که مجبور است در آخر لحظه آن ها را نیز به حمام ببرد و برای بیرون رفتن آماده کند ای کاش مرد قبل از سرزنش کردن این ها را در نظر بگیرد و صبر داشته باشد تا ناراحت و بی قرار نگردد.

و قطعاً شایسته نیست که زن جلوی در با دوستش به حرف زدن مشغول باشد درحالی که شوهرش در اتوموبیل منتظر اوست! و همین خانم هنگامی که با شوهرش به دیدن خانواده اش می رود به محض اینکه به خانه برمی گردند شوهرش شروع می کند به انتقاد کردن از خانواده ی همسرش و اظهار نظر کردن در مورد تمامی رفتار هایشان.

همه ی این ها نشانه هایی است از خستگی و بی رمقی به علت طولانی بودن مدت زمان مهمانی هرگز از خانواده ی همسرت انتقاد و ایراد نگیر چون این کار قلب او را آتش زده و به هرگونه ای که باشد او را ناراحت می کند و اگر خواستی از همسرت قدر دانی کنی بایستی به خانواده اش احترام بگذاری و طبعاً زن نیز نباید از خانواده شوهرش بدگویی کرده جز به نیکی از آن ها یاد کند.

دعوا کنید ، آشتی کنید

وقتی دیده شد که یکی از زوجین از طرف مقابلش بدش می آید و او را دوست ندارد پس حتما به صورت آشکار دعوا کرده اند و چیزی برای پنهان کردن ندارند چون سبب اصلی جوش آوردن پنهانکاری است جر و بحث هایتان را با ادب و مهربانی پوشش دهید تا شدت نفرتتان از طرف مقابل کم شود.

شیرازی می گوید: مانند درخت صندل باش که هر شاخه ای از آن را بشکنی بوی خوش از مشام می رسد اما مواظب باشید که به هنگام خشمگینی جر و بحث نکنید چون در این حالت زن می گوید: تو اصلا فلان و فلان هستی و هرکدام از آن ها شروع به عیب های دیگری می کند چه حقیقت داشته باشد چه نه! و چنان صدایشان را بلند می کنند که گویی ناشنوایند. چه بسا بسیاری از همسایه ها این عیب و عار ها را بشنوند! وقتی یکی از زوجین عملی را نپسندید، دنبال وقت مناسبی بگردد سپس بسیار دقیق کلمات مناسبی را انتخاب کند.

جر و بحث دارای خجالت و حیا یا ضعف و سرافکندگی می باشد و چه بسا نوشتن بیشتر از صحبت کردن بر روی بعضی از زن و شوهر ها تاثیر داشته باشد.

حدود جر و بحث کردن:

بعضی از زن و شوهر های جدید می پرسند: آیا از عشق و وفاداری من به شوهرم است که او را از تمام چیزهای زندگی ما باخبر کنم؟ آیا تمام راز هایم را به او بگویم؟ حقیقتا خیر. هر چیزی را به او نگو هر چند که او را دوست داشته و با وی صادق هستی. مرد حق ندارد بعد از ازدواج راز های نهان زندگی همسرش را درخواست کند و سوالاتی از او بپرسد که تنها باعث اختلاف می شود مانند: چه کسی را دوست داشته ای؟ قبل از من با کی بوده ای؟ و با چه کسی بیرون رفته ای؟ و سوالاتی از این قبیل که شروع کننده ی پایان این رابطه ی می باشد.

برای هر زن و شوهری حدودی در جر و بحث هایشان وجود دارد که نه آسیبی به آن ها برسد و نه احساسات هیچ یک جریحه دار شود.

ایراداتی را که مادرت یا خانواده ات از شوهرت می گیرند را هرگز برایش بازگو نکن. نظرات منفی خود را نسبت به خانواده اش به او نگو و از لباس خواهر و برادرش یا آشپزی مادرش ایراد نگیر. اثاث خانه یا نوع رفتارشان را به سخره نگیر.

احساسات واقعی خودت را نزد خانواده اش به وی ابراز نکن. اگر خواهرش را دوست نداری یا از خاله اش بدت می آید در موردشان با احترام صحبت کن و به یاد داشته باش که چگونه دوست داری او از خانواده ات صحبت کند تو نیز همانگونه رفتار کن.

نظر واقعی خودت را در مورد قیافه اش به او نگو حتی اگر موی سرش یا بینی بزرگش برایت جالب نباشد چون از آداب معاشرت نیست که با صراحت تمام نظر خودت را به او ابراز کنی. او را از هدیه ای که برایت آماده کرده با بی اهمیتی کردنت به آن نا امید نکن! خواه هدیه هرچه که باشد. اگر گاهی اوقات او را خسته یافتی با او جر و بحث نکن یا اگر چنانچه آن لحظه از ازدواج با وی احساس پشیمانی کردی به او اعلام نکن.

خود را به بی خبری زدن همواره کار بزرگان بوده است

صحنه ی اول: یکی از مردان وارد خانه شد و به محض اینکه در را باز نمود و کمی به پیش رفت و متوجه شد که بچه اش با اسباب بازی درگیر است و چیزی نمانده بود که روی او بیافتد و به او آسیب رساند، اسباب بازی را بلند کرد و سپس به سوی آشپزخانه راهی گشت در حالی که از آن چه پیش آمده بود بسیار ناراحت بود چون اگر لطف خداوند نبود بر روی صورتش می افتاد و با خودش می گفت: چند بار بگم که به نظم خانه کمی اهمیت بده! به او رسید و همسرش او را با لبخند می بوسید و برایش شیرین زبانی نمود و متوجه شد که همسرش سفره ی لذیذی را از غذایی که دوست دارد برایش آماده کرده است. همه ی این ها باعث شد که آتش خشم وی خاموش شود و کمی بیاندیشد که آیا این کار ارزش آن را دارد که بر او خشمگین شود در حالی که او مشغول آماده کردن غذا بوده است؟ ارزش این را دارد که اکنون هر دوی ما باناراحتی و دل نگرانی بر سر سفره بنشینیم!؟

صحنه ی دوم: یکی از زنان بعد از جشن عروسی که دعوت شده بود منتظر شوهرش ماند که به دنبالش بیاید اما او دیر کرد یک ساعت تمام از زمانی که قرار گذاشته بودند گذشت و مهمانان همگی رفتند و کسی نمانده بود جز او و صاحبان مراسم عروسی که با تکلف و مجبوری با او خوش رفتاری می کردند! شوهرم تو کجایی؟ همیشه با دیر کردنت من را به سختی می اندازی! و به وعده هایت عمل نمی کنی.

بلاخره شوهرش آمد و به سرعت وارد ماشین شد و از شدت عصبانیت بی قرار و نا آرام بود و قبل از اینکه دهانش را باز کند شوهرش به او گفت: چندین پاساژ را گشتم تا موبایلی را که خواسته بودی برایت بخرم! پشت سرت است وقتی داخل ماشین شدی آن را دیدی؟

پشت سرش را نگاه کرد و کاملاً همان گوشی را که می خواست آنجا دید. ای شوهر بیچاره ی من چه دل پاکی داری! اما او نزد قوم و خویشم من را به سختی انداخت اکنون او را سرزنش کنم و بر او خشمگین شوم در حالی که برای آن چه که دوست داشتم وقت گذاشته است؟ یا اینکه خشم خود را فرو برم و سکوت کنم تا کشتی مان بسلامتی به مقصد برسد بعضی از مرد ها در هر چیزی دقت می کنند و هر ریز و درشتی را زیر نظر دارند روزانه در یخچال را باز می کند و فریاد می زند که چرا سبزی ها را پاک نکرده ای یا میوه ها را اینجا گذاشته ای؟! چرا میز غذاخوری پر از گرد و غبار است؟! چند بار به تو گفتم که غذا آن قدر داغ نباشد و اینگونه زندگی را به کام او و خودش تلخ کند.

و برخی از زنان نیز در امور شخصی شوهرشان ریز می شوند که چرا مثلا این کار را انجام داد؟ و چرا بخاطر فلان مناسبت برای من هدیه نگرفت؟ و چرا پدرم برایش اهمیتی ندارد و احوالش را نمی پرسد و این ها را مصیبت سخت و بزرگی قلمداد می کند.

عاقلانه نیست هر روز بخاطر چیز بی ارزشی درگیری لفظی به راه انداخته شود مانند نمک غذا پل فراموش کردن لیست خرید. چون زندگی جهنمی غیر قابل تحمل می گردد!

همانگونه که گفته شد: ۹۰ درصد خوش اخلاقی خود را به بی خبری زدن است و این قضیه به معنای آن نیست که زن و شوهر خل و چل باشند بلکه بالعکس:

لیس الغبی بسید فی قومه لکن سید قومه المتغابی

انسان نادان بزرگ طایفه نیست بلکه بزرگ طایفه کسی است که خود را به نادانی زند و خداوند متعال حسن بصری را بیامرزد که می فرماید خود را به بی خبری زدن همیشه کار بزرگان بوده است.

پیام های فوری

با ذهنی خالی وارد خانه شو و هرچه ناراحتی داری پشت در جا بگذار و با ایجاد لبخند و شادی در چهره ی خود در روحیه ی اطرافیانت تاثیر گذار باش و نگذار دشواری های کارت بر روحیه ی تو در خانه تاثیر بگذارد بلکه سعی کن که بر آن ها چیره شوی.

فرمایش رسول الله را در نظرت بیاور که می فرماید: همه ی شما مانند چوپان مسئول زیر دستانتان هستید و رهبر جامعه مسئول مردش و مرد مسئول خانواده اش می باشد و زن نیز در خانه ی شوهرش مسئول فرزندانست. به خانواده ات توجه کن و قسمتی از وقت خود را با عشق و عاطفه در نزدیک شدن با آن ها اختصاص بده و به وقت خود آن ها را راهنمایی و با ایشان همکاری کن.

خیال نکن مردانگی و قوام بودن یعنی بدون اینکه به شریک زندگی خبر بدهی کجا می روی و کی بر می گردی، خانه را ترک کنی مردانگی شرایط خاص خود را دارد و قوامیت چیزی از مفاهیم دین مبین است که خداوند متعال آن را به تو اختصاص داده و به معنای ستم ورزی و خود بزرگ بینی نیست.

خانواده ات بر تو حقی دارد و همچنین همسرت بر تو حقی دارد حقوق خانواده ات را بر حقوق همسرت برتری نده بلکه در حد توانت سعی کن که میان آن ها عدالت برقرار کنی.

به همسرت به عنوان شخصی ناقص العقل و دین ننگر بلکه به عنوان شریک زندگی و آینه ای که همیشه در مقابل آن قرار می گیری به او نگاه کن و در را بر روی خودت و مشکلاتت نبند بلکه با او به صحبت بنشین تا آن چه سینه ات را مکدر ساخته از بین برود. چون همسر خوب می تواند یاریگرت باشد و راخ او به راه تو بستگی دارد و خوشبختی وی خوشبختی توست پس بایستی به او اطمینان داشته باشی و از هر آن چه درونت قرار دارد با او به گفتگو بنشین چه بسا بهترین راه حل را نزد او بیابی.

قضیه ی همسر دوم را اسلحه ای بر گردن همسرت قرار نده و هرگاه که بخواهی تهدیدش کنی آن را بر صورتش بگیری فرموده ی باری تعالی را به یاد بیاور: «و لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک ولا تبسطها کل البسط» دست خود را بر گردن خویش بسته مدار و ان را فوق العاده گشاده مساز - اسراء ۲۹

این آیه را بر خانواده ات اطلاق کن، نسبت به آن ها خسیس نباش و خواسته های ضروری شان را از لباس و خوراک و وسایل سرگرمی مباح و غیره را برای آن ها تامین گردان و هرگز اسراف و تبذیر نکن.

از این به بعد هدیه هایی ساده برایش تهیه کن که او را تشویق کند و دلگیری هایش را از بین ببرد و چون زن در این صورت احساس می کند که از زحماتش قدر دانی می شود و همین باعث می شود که بیشتر خدمت کند.

همسرت را در دینداریش کمک کن، همانگونه که غذا و نوشیدنی از او می خواهی، انجام طاعات و عبادات و دوری از ارتکاب به معصیت را نیز از او درخواست کن، او را به اوقات نمازش یادآوری کن و خدای متعال را در اعمالش به یاد بیاور چون اگر زن در تمام کارهایش خدا را در نظر داشته باشد در فرمانبرداری از شوهرش نیز از خداوند پروا دارد.

شش نوع از زنان

اعراب می گویند: هرکس قصد دارد ازدواج کند باید از گروه از زنان دوری کند.

خود رای: کسی که با هر دلیل یا بدون هیچ بهانه ای زبان به شکایت یا نارضایتی می گشاید.

ناز پرورده: کسی که به وضعیت خود با شوهرش راضی نیست و میان او و مردان دیگر قیاس می کند.

منت گذار: کسی که بر شوهرش منت می نهد.

چشم قره زن: کسی که با چشمانش همه چیز را متهم می کند و هر آن چه می خواهد می خرد.

خود آرا: کسی که در تمام طول روز صورتش را آرایش کرده و زینت می دهد.

پرحرف: کسی که به صورت مفید یا غیر مفید بسیار صحبت می کند.

وقتی باهم به صحبت می نشینید از سخن گفتن در مورد نکات ضعف خانواده و دوستان پرهیز کن چون

این نشست مهمی برای او محسوب می گردد.

از این به بعد برای او هدیه ای کوچک بگیر و اصلاً مهم نیست که گران قیمت هم نباشد و تنها این برایش

مهم است که تو در فکرش باشی.

سعی کن یک روز در ماه هم که شده برای صرف شام با او بیرون بروی. اگرچه ساندویچ یا فنجانی قهوه

میل کنی و یا تنها باهم قدم بزنید.

هنگامی که از سر کار برمی گردد به خاطر او خوشحال باش و با لبخند به استقبالش برو و به یاد داشته

باش که لباس های آشپزی را قبل از آمدنش از تن بیرون بیاوری و خودت را خوشبو کنی چون او شوهرت

است و با رگباری از سوالات به استقبال او نرو چون از این کار متنفر است.

نگذار احساس کند که رفتارت با او متفاوت است. آگاه باش که گمان نکند مرد بدی است به عنوان مثال

اگر نماز نمی خواند، از آرزوهایت بگو که چقدر دوست داری او برای تو و فرزندان امامت کند و به بچه

ها نماز خواندن آموزش دهد و آن ها را تشویق به نماز خواندن کند اما هرگز این سخنان را به دازا نکشان.

عملکرد ها و سخنانش را مسخره نکن.

وقتی برایت هدیه ای گرفت از او تشکر کن و از آن چه که خریدهایراد نگیر و به هدیه اش اهمیت بده چون این کار به مثابه ی اهمیت قائل شدن برای اوست.

در مورد موضوعی که خوب آن را نفهمیده ای صحبت نکن جز با لفظی که گویی می خواهی در این مورد چیزی یاد بگیری.

به عادت های او احترام بگذار و ظرفیتش را بسنج و سعی کن در میان عادات خودت و او تناسبی ایجاد کنی. اگر عادت بد در موارد دینی نه اخلاقی داشت به خاطر آن مشکلی درست نکن.

مادامی که حق تو و فرزندان را رعایت می کند و با تو بیرون می آید و قدم می زند، او را از کار و ادای تکالیفش نا امید و دلخور نکن.

هنگامی که با او یکی به دو می کنی او حس می کند که تو هم مردی مثل او هستی پس بگذار با تو الفت بگیرد و بدان که با نرمش و آرامش می توانی به چندین برابر چیزهایی که باجنگ و درگیری به دست می آوری برسی و او نیز در این حالت راضی است چون مردانگیش خسته دار نشده است.

با همسری که دوستش نداری چگونه رفتار می کنی؟

عشق برای هر زن و شوهری امنیت است اما اگر عشق به وجود نیامد چه؟ اگر همسرت را دوست نداشتی از وی متنفر مشو و خوبی های دیگرش را به یاد بیاور چون پیامبر می فرماید هیچ مرد مومنی نباید از همسر مومنش بیزاری جوید اگر یک رفتار او را ناپسند شمرد به اخلاق دیگرش راضی شود لفظ لا یفرک به ای معنی است که مرد نباید به خاطر یک خلق ناپسند همسرش از او متنفر گردد بلکه باید به نکات مثبت او بنگرد و پیامبر در این حدیث به این موضوع اشاره می کند که همه ی زن و شوهر ها تا جایی که ممکن است در زندگی آسان گیری کنند و هرکدام از آن ها صفتی را از دیگری ناشایست یافت ویژگی یا خصوصیت دیگری برای آن جایگزین کند.

و ممکن است صفتی از طرف مقابل یافت شود که در هیچ انسان دیگری وجود نداشته باشد!

بعضی از مرد ها خوشبختی کامل را از همسرشان خواستارند خوشبختی را تنها برای خودش می خواهد بدون اینکه در فکر تقدیم آن به همسرش باشد و با خودخواهی تمام خیر و نیکی را جز برای خودش نمی خواهد.

مردی که همسرش را دوست نداشته باشد نمی داند خیر و خوبی کجاست! چه بسا از این زن دارای فرزندان صالحی شود که باعث ورودش به بهشت می شود بلکه ممکن است فرزندی باشد که سبب ورودش به بهشت شود بلکه ممکن است فرزندی باشد که در جامعه و در تاریخ بشریت تاثیر گذار شود!

اینک اگر بتوانی بر همسرت صبر و تحمل داشته باشی چه خوشبخت خواهی شد! در زندگی زناشویی بسیاری از اوقات سرایشی هایی به زن و شوهر رو می آورند که صبر باعث کوچک شدن این گرفتاری ها می شود.

خدای متعال در صحبت کردن مرد با همسرش دروغ را حلال گردانیده است. در حدیثی از امام بخاری از ام کلثوم روایت است که می فرماید: از رسول خدا در آنچه مردم به زبان می آورند رخصتی نشنیدم جز در سه مورد: یعنی زن و برقراری صلح میان مردم و در سخن گفتن مرد با همسر و زن با شوهرش.

به ابن عثمان نیشابوری گفتند: بهترین عملکردی از خودت که به آن امید داری کدام است؟ گفت: در دوران جوانی خانواده ام تلاش می کردند که من ازدواج کنم و من از آن سر باز می زدم زنی نزد من آمد

و گفت: ای ابا عثمان من عاشق تو شده ام و به خداوند تو را سوگند می دهم من را به همسری خود برگزین.

پدرش که مرد فقیری بود راضی شد و او را به عقد من درآورد و به این امر شادمان گشت هنگامی که او نزد آمد آن گاه متوجه شدم که نابینا و لنگ و ناقص العضو است و عشقی که به من داشت مانع آن شد که او را ترک کنم و به خاطر اینکه قلبش آزرده نشود نزد او ماندم و از نفرتی که از او داشتم هرگز چیزی ابراز نکردم گویی که روی آتش چوب درخت گز قرار داشتم.

۵ سال به همین منوال گذشت تا اینکه فوت کرد هیچ عملی نزد من امیدوارکننده تر از نگهداری قلب او نیست و ابن جوزی صبر ابن عثمان نیشابوری را بر همسرش با عنوان «از کار های بزرگ مردان» توصیف می کند.

از وفاداری های کمیاب

یکی از آن ها می گوید: به مدت سه سال با روش شرعی دختری بی نقص و محترم را به عقد خود در آوردم اما احساس می کردم که از او بدم می آید و دلیل آن قیافه اش بود که برای من خوشایند نبود روزی نزد او رفتم و متوجه شدم که به بیماری کزاز دچار شده است و مشکل هنگامی سخت تر شد که بعد از زایمان شکمش ورم کرد و وزنش زیاد شد. چکار باید می کردم؟

این همسر خوبت را که دارای دین و اخلاق است حفظ کن چون خوشبختی تنها در زیبایی نیست آیا تمام زنان جهان زیبارویند؟

مطمئن باش خداوند متعال بخاطر این کار به تو جزای خیر می دهد و به سبب او تو را رزق می بخشد و بلا و مصیبت هایی را کخ نمی دانی از تو دور می گرداند.

نیت خودت را برای خدا خالص کن تا خیر بیشتری نصیب گردد و آیا مطمئن هستی که اگر او را طلاق دهی خداوند تو را به همسر دیگری مبتلا نمی سازد که خدایی ناکرده سرطان داشته باشد؟! به صورت غیر مستقیم او را به استفاده از کرم های کاهش حجم تشویق کن و همینطور به انجام حرکات ورزشی برای عضلات شکم. چون ورم کردن شکم بعد از زایمان چیز عادی است اما او بایستی بسیار تمرین های شکم را انجام دهد.

او را از خطرات چاقی آگاه ساز به اینکه سرانجام دچار آسیب دیدگی زانو و فشار و مرض قند و غیره خواهد گشت و زمانی پشیمان خواهد شد که دیگر زمان پشیمانی نیست او را به التزام به پرهیز و رژیم و تمرینات ورزشی مانند پیاده روی تشویق کن.

تعریف می کنند که مردی با زنی زیبا ازدواج نمود و او را بسیار دوست می داشت بعد از چند سال به بیماری دچار شد که به سبب آن زخم هایی در صورت ایجاد شد و جای این زخم ها چهره را زشت کرد هنگامی که به این بیماری دچار گردید همسرش به مسافرت رفته بود و از این بیماری بی خبر بود در راه بازگشت دچار حادثه ای شد و بینایی اش را از دست داد! این زن و شوهر روز های زندگی شان را سپری کردند و چهره ی زن بیشتر و بیشتر زشت و مرد هم نابینا بود و از زشت شدن چهره ی همسرش خبر نداشت و نمی دانست که زیباییش را از دست داده است این زن و شوهر سال ها با کمال عشق و سازش با همدیگر زندگی کردند. مرد همسرش را مانند گذشته دوست داشت و با احترام با او رفتار می کرد زن نیز همینطور! تا روزی که زن فوت کرد و مرد از دوری همسرش بسیار اندوهگین شد و بعد از کفن و دفن او

وقت آن فرا رسید که مردم به خانه هایشان باز گردند. مرد بلند شد و به تنهایی به راه افتاد در این هنگام شخصی او را صدا زد و گفت فلانی کجا می روی؟ جواب داد به سوی خانه ام. آن شخص گفت چگونه به خانه می روی در حالی که نابینا هستی؟ مرد در حالی که به سوی آن شخص می نگریست به او گفت: من نابینا نیستم! وقتی متوجه بیماری همسرم شدم اینگونه وانمود کردم که نابینایم تا احساسات او جریحه دار نگردد چون همسر خوبی بود و ترسیدم که از بیماریش به سختی و مشقت بیافتد این بود که در طول این سال ها تظاهر کردم نابینا هستم.

اینگونه بایستی از شوهر استقبال شود

ابن طلحه صاحب فرزندی بود و خیلی او را دوست می داشت. فرزندش به شدت مریض شد و ابوطلحه از بیماری وی پریشان و آشفته گشت. پسر بچه اش از دنیا رفت و همسرش ام سلیم گفت: هیچکس نمی توانست خبر مرگ فرزندش را به او بدهد تا اینکه من این کار را انجام دادم. او جنازه فرزندش را در کنار خانه گذاشت. ابوطلحه از نزد پیامبر برگشت و همراه با وی افراد صحابه اهل مسجد بودند و او گفت: پسرم چطور است؟ همسرش گفت: ای اباطلحه ساعتی است که از دستش آرامش دارم بگذار استراحت کند بعد از آن شام را برایشان آورد و آن ها نیز خوردند و اصحاب به خانه هایشان بازگشتند.

همسرش گفت: ابوطلحه به بستر خود رفت و سر بر بالین نهاد سپس بلند شدم و خود را خوشبو و آراسته کردم تا اینکه با او همخواب شوم. همسرش نیمه ی شب به او گفت: ای ابوطلحه اگر کسی چیزی را به شخص دیگری قرض دهد و بعد از آن را از وی مطالبه نماید هیچ اشکالی در این کار وجود دارد؟ گفت: خیر همسرش گفت: خداوند متعال فرزندت را به تو امانت داده بود سپس او را گرفت پس صبر کن و اجر آن را دریافت کن! ابوطلحه خشمگین شد و گفت: همینگونه من را گذاشتی و اکنون خبر مرگ فرزندم را به من می دهی؟! انا لله گفت و سپاس خداوند را به جای آورد. فردای آن روز غسل نمود و نزد رسول خدا رفت و با او نماز صبح را به جای آورد و ماجرا را برایش تعریف کرد. رسول خدا فرمودند: احسنت و بارک الله به شما برای شب گذشته تان.

پس هنگامی که به استقبال شوهرت می روی زیباترین لباسهایت را بپوش و روش های جدیدی مانند شعر آواز بوسه کردن را برای خوشامدگویی پدرشان به فرزندانت نشان بده.

سعی کن همیشه بوی خوبی را از تو استشمام کند و هنگامی که استراحت نمود احوالش را بپرس. این مرد کسی است که هرگاه وارد خانه اش می شود از بوی پیاز شکایت می کند! و آرزوی یک لیوان آب خنک را دارد اما جز چهره ی در هم گرفته و موهای پریشان چیزی نصیبت نمی گردد! در روز های مناسبی و دید و بازدید خوشحال می شود چون زیبایی را می بیند که جز در این روز ها و شب ها یافت نمی شود و بوی عطر را استشمام می کند و رایحه ی آن جز در این مناسبت ها و جشن ها به مشامش نمی خورد!

آیا این زن با آدم آهنی زندگی می کند که هیچ احساساتی ندارد؟! آیا اینها باعث بی توجهی و نفرت شوهرش او می نمی گردد؟! آیا مهربانی زن مسلمان به همسرش راهی به سوی رسیدن به رضایت الهی نیست؟ آیا خوش رفتاری با شوهر و اطاعت از او در کارهای خیر و اهمیت دادن به کار و امورات شوهر

و خانه و فرزندان و گوش فرا دادن برای دردل های او و مشارکت در خوشی ها و ناخوشی هایش از
وظایف همسر به شمار نمی رود؟!!

چه کسی رئیس است؟

زندگی زناشویی میدان جنگی و مسابقه ای برای به دست آوردن ریاست و سیطره بر خانه نیست بلکه مشارکتی دوفره برای برپاکردن کیان خانواده ای منسجم می باشد ایفا نمودن نقش های هریک به صورت کامل در زندگی زناشویی می باشد البته با رعایت احترام به فرد متقابل! و تصمیمی که در زندگی زناشویی گرفته می شود نباید تنها شرایط تصمیم گیرنده در آن رعایت گردد بلکه چیزی که مهم است تاثیر آن تصمیم بر مصلحت خانوادگی می باشد.

بدون شک مرد کاپیتان کشتی است چون او اولین مسئول نفقه خانواده می باشد همانگونه در شریعت حنیف آمده است که: « الرجال قوامون علی النساء» نساء ۳۴ و شوهر هرچند که کارگر هم باشد بایستی حقوق ثابتی برای همسرش در نظر گیرد و یا نفقه ی خانواده اش را که در انجام آن ماجور است، تهیه نماید بعضی از زنان هستند که نقش های متعددی را بازی می کنند، تربیت فرزندان و درسهایشان را در خانه یا مدرسه پیگیری می کنند. هنگامی که یکی از آنان بیمار شود او را به نزد پزشک می برد و اگر شوهرش بخاطر شرایط کاریش وقت نداشته باشد او وسایل ضروری خانه را خریداری می کند و همه ی اینها در کنار انجام وظایف مخصوص خویش در خانه می باشد. این مسئولیت بزرگ زندگی زناشویی است که از زن شریکی برای شوهرش می سازد، شریک همکار و تکیه گاه نه شریکی که حق مدیریت و راست داشته باشد.

زیباترین چیزی که زن دارد زنانگی و آرامش اوست و این چیزی است که عموم مردان آن را می خواهند و مرد به دنبال همسری می گردد به شخصیت و عزت و وقار او احترام بگذارد و آن را حفظ کند نه زنی که مانند چوپانی بر گله اش او را زیر نظر بگیرد. اما متأسفانه بعضی از زنان نظر خود را بر شوهرشان تحمیل می کنند و حرکات و تصمیمات او را کنترل می کند و حق مدیریت را از او سلب می گرداند تا به برده ای ضعیف و ناتوان برای خودش تبدیل گردد. و لا حول و لا قوه الا بالله! آیا این زن سالار و ظالم در وجود خودش احساس راحتی می کند؟ آیا شوهرش با همسر خود احساس خوشبختی می کند؟ این زوج در نگاه فرزندان و نزدیکان چگونه به نظر می رسند؟ سرانجام این راهی که باشوهرش در پیش گرفته چیست؟ از توانایی شخصیتی خود که از خانواده و جامعه آن را به دست آورده ای در مقابل شوهرت کم کن، تا جایی که می توانی در شخصیت و اعتماد بنفس او بکوش و امور دیگری را که مرد های دیگر به صورت عادی آن را انجام می دهند به او بسپار و نگذار که به تو وابسته باشد و اشکالی ندارد اگر برای کمک کردن به او نزد مشاور خانوادگی بروید و در زمان مناسب برای یاری رساندن به شوهرت نه برای

ابراز سلطه ات بر او وارد کار شوی. ناپلئون می گوید: کسی که بگذارد همسرش بر او حکمرانی کند نه مرد است نه زن او اصلا چیزی نیست! و برناردشو می گوید: زن سایه ی مرد است بایستی به دنبال او حرکت کند نه او را مدیریت و کنترل! و یک ضرب المثل چینی نیز می گوید: خانه ای که در آن مرغ کار خروس را انجام دهد رو به نابودی می رود!

همسرانی که احساس خستگی می کنند

همسری جوان از زندگی و بخت و اقبال ملال آور خویش شکایت می کند چون هر روز او مانند دیروزش است. مشکلات تکراری روزانه و دستورات تکراری روزمره، شوهری ساکت که حرفی نمی زند و بچه های بهانه گیری که یک دم او را راحت نمی گذارند. بارها و بارها زیر این آسمان آبی می گوید دارم خفه می شوم و برای فرار از این شرایط تکراری جز خوابیدن راه دیگری ندارم!

آیا روزی در ذهن این زن حال مادری می گنجد که هر روز خداوند را سپاس می کند با اینکه همه چیز را از دست داده باشد؟! شوهری را که از او خسته شده ای و فرزندی را که داد و بیدادشان تو را کلافه می کنند و تمام آن چیزی را که آرزوی آن را داری دیواری است که به آن تکیه بزنی یا بالشتی که سر پر از ناراحتی و نگرانی ها را روی آن بگذاری یا تکه نانی و چیز از غذای بچه ها که نصف آن را خورده باشند!

چرا بخاطر نعمت هایی که در آن غوطه ور هستی زبانت به حمد و ثنای الهی مشغول نمی باشد؟! مگر نه اینکه رسول خدا می فرماید: هرکدام از شما در محل زندگی در امنیت قرار داشت، جسم او سالم بود و رزق روزانه اش را در اختیار گذاشت گویی که تمام دنیا از آن اوست. تو در نعمت بزرگی هستی که در بعضی از سرزمین های اسلامی زنان آن را برای فرزندانشان نمی یابند زنان در آنجا اصلا وقت نمی کنند که ببینند روزهایشان تکراری است یا نه؟! از ستم دیدگان و بیچارگان، فقرا و نیازمندان و کسانی که سقف خانه هایشان آسمان آبی است این موضوع را بپرس. از بیمارانی که در بیمارستان و اسیران بی گناهی که در زندان ها هستند بپرس و خودت را جای آن ها بگذار! در این هنگام است خواهی فهمید که در چه نعمت الهی بسیاری به سر میبری! پس چگونه بخاطر آن ها هر روز خداوند را سپاس نمی گویی؟!

چگونه خدا را شکر نمی کنی که خانه و همسری به تو داده و فرزندی که زندگی را شیرین تر ساخته اند؟ پس انسان مسلمان هرگز احساس بی رمقی نمی کند چون هر روز به طاعت و ذکر الهی و خواندن نماز های سنت و کمک به نیازمندان و صله ی ارحام و حفظ نمودن قرآن هرآن قدر که برایش میسر باشد، مشغول است. کجاست نمازت که تو را به خود مشغول کند؟ کجاست اذکار روزانه؟ کجاست آن بخشش و لطفت به کسانی که در خانه و پیرامون تو زندگی می کنند. به دنبال کمپین هایی بگرد که به نیازمندان و بیوه زنان کمک و یاری می رساند و آنان را در سختی و مشکلاتشان همکاری کن و به سهم خود کار خیری را در این باره انجام بده بجای این فراغت و بی کاری که بسیاری از زنان غبطه ی آن را می خورند

خدا را بخاطر این شوهر آرام و کم حرف شکر کن و به شوهرانی بیاندیش که جملات اهانت آمیز و زننده ای نسبت به همسرانشان به کار می برند و زندگیشان را به جهنمی تبدیل می کنند خدا را بخاطر نعمت فرزندان سپاس گزار باش چون کسانی هستند که در بهره مندی از نعمت سر و صدای بچه ها محروم اند. در حمد و سپاس خداوند کوشا باش قبل از اینکه نعمت ها از بین بروند زندگیتان را تازه کنید و خستگی را از خودتان دور کنید چون بسیاری از اوقات خستگی و بی رمقی دورن انسان از غلبه ی شرایط بد و نابسامان بر شمع روشن امیدواری در دل ایجاد می گردد.

به همدیگر بی توجهی نکنید!

ای زن و شوهرها اگر دوام خوشبختی تان را می خواهید پس نباید هیچ یک از شما به دیگری بی توجهی کند! به یاد داشته باشید که هیچ چیزی با بی توجهی باقی نمی ماند. درختان سرسبز خشک و بی برگ می شوند، شکوفه های نرگس پژمرده شده و می میرند، بدن ها از بی توجهی دچار بیماری شده و نابود می گردند! بلکه حتی اجسام بی جان نیز با بی توجهی نمودن خراب می شوند و ماشین آلات و اتومبیل ها از کار می افتند. در کل این را به یاد داشته باش که هیچ چیزی با بی توجهی و کوتاهی نمودن در حقش پایدار نمی ماند! پس با این وجود چگونه زندگی شما پایدار می ماند درحالی که به همدیگر بی توجهی می کنید؟!!

اگر مرد به همسرش بی توجهی کند احساساتش جریحه دار می شود و به جسمی بی جان در خانه اش تبدیل می گردد که نه شیرین سخنی نه لبخندی دارد! و اگر چنانچه زن به شوهرش بی توجهی کند با دست خود قبر او را کنده است و شوهرش دیگر زیبایی و اندام او را نمی بیند و به افکارش احترام نمی گذارد و سعی در تحقیر کردنش خواهد داشت و در این صورت در جای دیگری به دنبال خوشبختی اش می گردد! چه زندگی تنگ و غم انگیزی! پس امان امان از بی توجهی در غذا و نوشیدنی و پوشیدنی و در نظافت و در هر چیزی. بر حذر باش!

با گوشی و کنترل تلویزیون از من غافل نشو!

چه حسی دارد آن همسری که با نهایت صبر منتظر برگشتن شوهرش است! چه قدر احساس خوشبختی می کند هنگامی که شوهرش چند ساعتی با او در خانه به صحبت می نشیند! از بعضی از مردها این ها را نمی فهمند و هرگاه وارد خانه می شود تلویزیون را روشن می کند و در اقیانوس خبرگذاری ها یا فیلم ها و سریال ها غرق می شود بلکه چه بسا گوشی اش را در دست بگیرد و به چپ و راست غلت بخورد و تمام کانال های تلگرامی را بررسی کند! و شاید بعضی ها ندانند که این اعمال روزانه و همیشگی به کرامت و عزت به نفس همسرش آسیب می زند و احساس می کند که او را تحقیر کرده اند و اهانت نموده اند! و نمی داند که هر روز برای نهار همسری منتظر اوست و انتظار لبخند یا سخنی زیبا و نگاهی محبت آمیز را از او دارد روزی نیامد و با او شوخی و مزاحی کند بلکه خوش رفتاری از او به دور است! سرانجام محبت نشستن با او در دلش می میرد چرا که نه در حالی که مرد خود باعث این نفرت و ستم شده است! پس ای برادران سخنی را که نخستین شوهر و معلم نمونه علیه الصلاه و السلام فرمود به یاد آورید: (ای انجشه

وای بر تو با زنان نرم خو باش) آیا این مرد فرموده ی پیامبر را نشنیده که می فرماید: کامل ترین مومنان از نظر ایمان کسی است که خوش اخلاق ترین مردم و نرم خوترین آن ها با خانواده اش باشد.

بازگشت به صمیمیت

زندگی زن و شهر های جدید نسبت به گذشته عاشقانه تر شده است. بعضی از روش هایی را که می تواند این جو را در خانه زن و شوهری بازگرداند، بیان نموده ایم

ده خصلت از همسرت که آن ها را دوست داری بنویس و به او تقدیم کن چون این کار باعث می شود که او زن بودنش را احساس کند یا آن را در جایی که بتواند پیدا کند مخفی کن مانند گردونه ی شیشه ای. مدت زمانی به او استراحت بده در وقت آزاد خود بعضی از کارهای روزانه ی او را انجام بده مانند آماده کردن شام.

جمله ای زیبا در تلگرام یا واتس آپ برای او بفرست

با روشی متفاوت برای او تدارک شامی ببین و با دست خودت برای او لقمه ای بگیر. به خصوص اگر شاغل باشد.

هدیه ای هرچند ساده برای او تهیه کن و آن را دست کم نگیر چون مهم غافلگیر کردن است نه قیمت آن. تمام وقتت را به فرزندانت مشغول نکن و قسمتی از آن را در روز برای برآورده کردن نیاز های شوهرت قرار بده.

سعی کن همیشه چهره ی خودت را تغییر دهی چون مرد ها همیشه به چیزهای جدید تمایل دارند و از چیز تکراری بدشان می آید و از آشپزی و کارهای خانه در زمان هایی که شوهرت سرحال است، دست بکش. اتاق خواب خودت و شوهرت را از هرگونه اختلافات یا جر و بحث شدیدی حفظ کن تا این اتاق مانند لانه ای گرم و صمیمی برای محبت و مهربانی باشد و پناهگاهی در مقابل هر چیزی که صفای زندگیتان را چرکین کند.

روزی را تعیین کن که تو و شوهرت در آن به دور از مشکلات خانه و بچه ها باهم بگذرانید و در آن به روزهای اوایل عقد و ازدواجتان برگردید. برای او شام خوبی بپز و با او از ارزش و احساسات در زندگی بگو.

همسری فرمانبردار برای او باش با جملات زیبا به او نزدیک شو چون مرد ها هم انسان اند و خیال نکن اگر مردی سر صبح بدترین کلمات را از همسرش بشنود. دم غروب با جملاتی زیبا همسرش را مورد خطاب قرار می دهد.

اگر شوهرت به غیر از وقت کاری نیز زمان زیادی را در بیرون از خانه سپری می کند، با روش هایی که به نظرت مناسب می آیند تدبیری بیاندیش که او را به سوی خود بازگردانی طوری که شوهرت در اثنای آن غافلگیرانه احساس خوشحالی کند و تشویق شود که در آینده ای نزدیک بعد از اتمام کار فوراً به خانه باز گردد.

بعضی از مرد های بالای چهل سال نگرشی متفاوت با زنان در مورد عشق پیدا می کنند هنگامی که تو را خسته می بیند برای تو آبمیوه یا جوشانده ای آماده می کند که با این کار می خواهر بگوید: دوستت دارم و به هنگام اوقات فراغت خویش در روز جمعه اگر به جای تو ظرف ها را شست قصد دارد بگوید که: دوستت دارد پس همیشه در متهم کردن او به عدم عشق ورزیدن و کوتاهی نمودن در ابراز علاقه، عجله نکن.

با زنان نرم خو باشید

همسر تو پدر و مادر و خانه و دنیایش را ترک نموده و جابجا گشته تا اینکه عمرش را با تو به سر دهد. عادات جدید، اولویت های جدید، زندگی که تمام آن برای او جدید است. پس ای شوهر ها بر همسرانتان سخت نگیرید چون او وسیله ی سرگرمی که نیست و هر روز چیزهای جدیدی در زندگی تازه ی خود پیدا می کند. پس برای او پدر و برادر باش و همینطور شوهر و محبوب و یار و یاور و دوست صمیمی باش.

ضرب المثل هست که می گوید روزانه خوردن یک عدد سیب تو را از بردن نزد دکتر باز می دارد. همینطور می توان گفت روزانه گفتن سخنی زیبا تو را از کسلی زندگی زناشویی دور می کند!

اگر راه ساده ای برای به دست آوردن رضایت طرف مقابل می خواهی پس به جای زبان دستور زبان خواهش را به کار ببر!

بعد از خیانت چیزی که امکان ندارد همسر آن را ببخشد این است که در شرایط سخت زندگی یا در مراسمات شادی که ارزش زیادی برای او دارد، با بودنش احساس شادی نداشته باشد حتی اگر هر روز برای شریک زندگی هدیه ای بگیری باز هم شاد بودن با او در این لحظات بزرگترین هدیه است.

برای خودتان عبادات مشترکی قرار بدهید که باعث باهم بودنتان گردد مانند نماز شب، روزه یا کارهای خیر داوطلبانه. این کارها را جهت کاهش اختلافات و افزایش آرامش در میانتان انجام دهید.

بسیاری از شوهر های شوخ باز بارها و بارها حرف هایی به زبان می آورند که از آن ها قصد شوخی و مزاح دارند و جدی نیستند. چرا با این صحبت هایی که می دانی زنان آن را دوست ندارند دل همسرت را می سوزانی؟ به خصوص خودت را هنگام گفتن این سخن کوچک می کنی و چه بسا در برابر عده ای او را به سختی بیاندازی. بگذار همسرت بدون هیچ خطری احساس امنیت کند و این که هرگز در شوخی هایت زیاده روی نکن و نگذار که شکل روابطتان تغییر کند در حالی که در طول زندگی مهمترین نیاز های او را در امنیت کامل برآورده نموده ای.

بعضی از شوهران هنگامی که از کسی دیگر می شنوند که او از همسرش تعریف می کند یا بالعکس، آن چه را که می شنوند با کسی که در خانه شان است مقایسه می کنند اما از این افرادی که چیزهای غیرواقعی را تعریف و تمجید نموده و در توصیف کردن اغراق می کنند به شدت برحذر باشید.

از مادر مومنان حضرت عایشه روایت است که: زنی گفت: یا رسول الله!

به دنبال نقاط قوت همسرت بگرد و بخاطر آن ها از او تعریف و وی را تشویق کن، آیا نمی دانی که پیامبر انسانیت به ام عبدالقیس می فرماید: دو ویژگی در تو وجود دارد که خداوند آن ها را دوست دارد: بردباری و خویشتن داری. به این شکل صفات خوب و بارز او را بازگو نمودند که همه ی زن و شوهر ها بایستی اینگونه رفتار کنند.

برحذر باشید از اینکه یکی از شماها بوی نامطبوع بدهد یا اینکه لباس های کثیفی بپوشد. نظافت را به خوبی رعایت کنید بوی خوش و ظاهری آراسته.

زندگیتان را باکسی مقایسه نکنید

زندگی خود را با زندگی هیچکس دیگر مقایسه نکنید چون سبب بسیاری از مشکلات زناشویی مقایسه کردن است.

مرد به خوشبختی فلان شخص با همسرش می نگرد سپس به همسر خودش نگاه می کند و بخاطر چیزی که از دست داده حسرت می خورد و دلش می خواهد که همسرش مثل خواهرش یا آن زانی باشد که او آن ها را خوشبخت می داند! و همسرش نیز این توهین و تحقیر را از او نمی پذیرد. در نتیجه مرد انتظارش زیاد می شود و احساس خوشبختی ندارد و زن نیز با این مقایسه ها دیگر خوشبخت نیست.

زن نیز حرف هایی را که فلانی در مورد شوهرش گفته بود به یاد می آورد که همسر من را در خانه کمک می کند ، وضعیتم را درک می کند یا تا الان حرف بدی را از او نشنیده ام! پس شوهر بیچاره اش را یاد می کند که نه در خانه یاریش می دهد نه با او حرف قشنگی می زند و نه برایش هدیه ای می گیرد و در نتیجه آه و حسرت هایش بیشتر می شوند! و هنگامی که شوهرش می آید با صورتی در هم کشیده و حمله ور به استقبال وی می رود!

به یاد داشته باشید که ممکن است زندگی دیگران از یک لحاظ سعادت مند و زندگی شما از لحاظ دیگر خسته کننده باشد این جمله جلوی چشمانت باشد که هیچ کس با صفات کامل پیدا نمی شود و تو با فردی سوار بر اسب سفید آرزو هایت ازدواج نمی کنی و هیچ زنی هم اینگونه نیست و این تو هستی که با نگرش مثبت خود سوار آرزو هایت را می سازی با چشم پوشی خود از ته قلبت و هر آن چه از اخلاق و دینداری که برای شوهر لازم است تا از تو نگه داری کند و در رفتارش با تو خدا را در نظر داشته باشد.

به شوهرت نگو که فلانی به همسرش فلان چیز را هدیه داد و او را به فلان جا برد و فلان کار و فلان کار را برای او انجام داد. روزی از روز ها نیایی و به همسرت بگویی: همسر دوستم غذایی را پخت که در طول عمرم آن را نچشیده بودم.

از مقایسه کردن حال خود قبل و بعد ازدواج نزد شوهرت پرهیز کن. مگر اینکه در این مقایسه بعد ازدواج بهتر بوده باشی چون زیاد مقایسه کردن نتایج وخیمی را به بار می آورد.

حق شما بر یکدیگر این است که احساسات همدیگر را در نظر داشته باشید و از هر گفتار و کردار و اخلاقی که باعث آزار هم می شود دوری کنید و همدیگر را با خانواده ی طرف مقابل یا هیچکس دیگری مقایسه نکنید.

چه بد هستند آن گونه سریال های تلویزیونی که در آن بازیگر زن و مرد گویی در زندگی افسانه ای که نمونه ای از عشق و عاشقی است زندگی می کنند و زن و شوهر آن چه را که می بینند با واقعیت زندگی خویش مقایسه می کنند و انتظاراتشان از یکدیگر بالا می رود و بدی های طرف مقابل را مرور می کنند در حالی که حقیقتا این صحنه ها تنها فیلم و خیالاتی محض هستند بلکه اگر در زندگی این بازیگران تحقیق کنی آن ها را پر از شکست و نافرجامی در زندگی زناشویی خود می بایی.

تو ملکه ی خانه ات هستی

در خانه ات منظم باش، خانه ات را مرتب کن و هر چیزی را در جای خود قرار بده.

نظم و ترتیب را به فرزندانت یاد بده و اوقاتی را برای وعده ی غذایی مشخص کن. وسایلی را که ممکن است به بچه هایت آسیب برساند کنار بگذار و به پاکیزگی فرزندانت و همچنین لباسهایشان اهمیت بده و درسهایشان را پیگیری کن و با مطالعه ی کتاب های تربیتی خودت را مجهز کن.

آن قدر رابطه ات را با آن ها تقویت کن که برای حل مشکلاتشان همیشه به سراغ پدرشان نروند.

دل هایشان را با محبت و احترام به پدرشان پر کن.

به هنگام نزدیک شدن امتحانات نگذار شوهرت اینگونه احساس کند که شما به سوی میدان پیش می روید چون در این صورت هرکس که در آن خانه باشد بیزار می گردد.

از هر فرصتی برای خوشحال کردن افراد خانواده ات استفاده کن اگرچه با گرفتن جشنی ساده باشد.

ساعت خواب بچه هایت را طوری تنظیم کن که قبل از خواب پدرشان را ببینند سپس بعد از خوابیدن بچه ها وقت برای خودتان خواهید داشت.

در تنبیه کردن بچه ها توسط شوهرت دخالتی نداشته باش چون باعث می شود که شوهرت موضعی شدید بگیرد و در این لحظات به واقع عصبی شود زیرا این کار فرزندانش را دچار نقص دوگانگی تربیتی می کند آن چه بخاطرش پدر بچه ها را تنبیه می کند مادر آن را مورد پذیرش قرار می دهد و این بدترین شیوه ی تربیتی می باشد. و به بدترین شکل بچه ها را تحت فشار قرار می دهد از این جهت که مرتکب اشتباهی می شوند و از باز خورد آن فرار می کنند.

و به شوهران می گوئیم که: فرزندانت را به احترام به مادرشان و حرف شنوی از وی پرورش بده و به آن ها بیاموز که پیشانی مادرشان را ببوسند.

هنگامی که فرزندت از تو چیزی خواست به او بگو: مادرت به تو چه گفته است؟ تا اینکه تعارضی صورت نگیرد.

گاهی اوقات برای استراحت نمودن مادر از اذیت هایشان بچه ها را با خودت به بیرون از خانه ببر.

هرکدام از شما باید به حریم خصوصی شریک زندگی اش احترام بگذارد و گوشی یا نوشته های او را بررسی نکند چون این کار دلیلی بر بی اعتمادی است و خود باعث بروز مشکلات دیگری می گردد. در هر چیزی میان خود بنا را بر اعتماد بگذارید تا یکی از شما مجبور نشود چیزی را از دیگری مخفی کند.

هرکدام از شما باید به علایق طرف مقابل در چیزهایی مانند: مشاهده برنامه ی تلویزیونی پوشیدن لباس یا انتخاب نوعی خوراکی و غیره احترام بگذارد و در این علایق با او همکاری کند. هیچ مشکلی نیست اگر زنی در تماشا کردن برنامه تلویزیونی مورد علاقه ی شوهرش با او همراهی کند تا او نیز با همسرش در دیدن برنامه ی مورد علاقه ی او همراه شود.

چه کسی در را باز خواهد کرد؟

زن و شوهری صبح روز بعد از ازدواجشان با همدیگر توافق کردند که در خانه را به روی هیچکسی باز نکنند از قضا خانواده ی شوهر در خانه را زدند. هرکدام از آن ها با در نظر داشتن اجرای تصمیمی که گرفته بودند به یکدیگر نگاهی انداختند و در را باز نکردند. دیری نپایید که خانواده ی همسر نیز در زدند. مرد به همسر نگاه کرد و در این هنگام اشک های زن شروع به ریختن کرد! و گفت: به خدا قسم برای من آسان نیست که پدر و مادرم پشت در باشند و من در را برای آن ها باز نکنم. مرد سکوت کرد و این موضوع را در خودش نگه داشت و در را برای پدر و مادر همسرش باز نمود.

سال ها گذشت و آن ها صاحب چهار فرزند شدند که پنجمین آن ها دختر بود. پدر بسیار خوشحال شد و ذبیحه هایی برایش قربانی کرد مردم با تعجب از او پرسیدند: چرا برای پسرانت به اندازه ی دخترت خوشحال نشدی؟ او براحتی جواب داد: چون او کسی خواهد بود که در را باز می کند!

متأسفانه هنوز در میان مردم صاحب فرزند پسر شدن محبوبیت خاصی دارد محبوبیتی که از طرف مقابل وحشتی می باشد بر خانمی که جز دختر فرزندی به دنیا نمی آورد. بسیاری از مردم فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دهند و کسی که صاحب پسری نمی شود بایستی همیشه در جهنمی زندگی سپری کند. در آموزه های دینی ما هرگز به فرق گذاشتن میان دختر و پسر اجازه داده نشده است و انسان ایماندار می داند که خداوند متعال می فرماید «یهب لمن یشاء» شوری ۴۹ پس نفرت از جنس دختر از اخلاق جاهلیت است و برای زشتی این اخلاق همین بس است که بنده چیزی را که خداوند به وی عطا نموده و برای او راضی شده، ناپسند می داند و از کسی که او را به دختری مژده می دهند در حیرتم که چگونه ناراحت و خشمگین می گردد؟ و چطور چهره اش در هم کشیده و سیاه می گردد؟ آیا این بخشش و نعمت و منتی از جانب خداوند نیست؟

حکایت شده که بهلول دیوانه بر یکی از خلیفه ها وارد شد و او را به دختری مژده داد. خلیفه نیز خشمگین و اندوهگین گشت و ترک خوراک و آشامیدن نمود و بهلول به او گفت نگرانیت از بهر چیست؟ به خاطر آفریده ای سالم دلگیر هستی که پروردگار عالم به تو عطا فرموده است؟ خوشحال می شدی اگر بجای آن پسری مانند من می بود؟! خلیفه از این حرف او خوشحال شد.

رسول خدا از تبعیض میان دختر و پسر نهی فرموده چون هر دوی آن ها از نعمت های الهی بر انسان می باشند. حضرت رسول می فرماید: در میان فرزندانان مساوات در بخشش را رعایت کنید اگر یکی از آنها

را انتخاب می کردم بدون شک دختران بودند و در برتری دختران می فرماید: هیچ مسلمانی نیست که دو دختر داشته باشد و با آن ها به نیکی سخن گوید مگر اینکه باعث می شوند که آن شخص وارد بهشت شود. و همچنین می فرماید: هرکس دو دختر را پرورش داده و بزرگ کند من و او مانند این دو وارد بهشت می شویم، ایشان به دو انگشت خویش اشاره نمودند. ای صاحب دو یا سه دختر دیگر چه می خواهی بیشتر از همنشینی با پیامبر در بهشت؟!

سرش را به سوی من بلند نکرده است

بعد از چهارسال از ازدواج مردم درباره ی زن و شوهری صحبت می کنند که هنوز بچه دار نشده اند. چه عیبی دارد؟

هیچکس نمی داند. او و همسرش به پزشک مراجعه کردند و نتیجه ی آزمایش ها این بود که زن نازاست و مرد سالم می باشد! مرد قبل از همسرش نزدیکتر رفت و دکتر به او گفت: همسرت نازاست مرد خدا را شکر گفت و به دکتر گفت: من می روم و به همسرم خبر می دهم اما از شما می خواهم که به او بگویید که ایراد از من است نه از او. آنقدر به پزشک اصرار نمود که موافقت کرد. با همسرش وارد مطب شدند و پزشک به مرد گفت: تو عقیم هستی و هیچ راهی برای درمان سراغ ندارم مگر رب العالمین خود شفایت دهد.

در مقابل چشمان همسرش ابراز ناراحتی و راضی بودن به قدر الهی نمود. به خانه برگشتند و چند روزی نگذشته بود که نزد خانواده و نزدیکان این خبر پخش شد سالها گذشت و این زن و شوهر صبر کردند تا اینکه لحظه ای فرارسید که در آن زن به شوهر خود گفت: نه سال تو را تحمل کردم و دیگر می خواهم طلاق بگیرم تا ازدواج کنم و فرزندانم را ببینم. شوهر گفت: ای همسرم این آزمایش الهی است. همسرش گفت: تنها امسال هم نزد تو می مانم و شوهرش قبول کرد و امیدش به پروردگارش بود.

همسر او در چشم مردم زنی شایسته بود که بر عقیم بودن شوهرش در تمام این سال ها صبر کرده است و شوهرش مردی است که نسبت به سلامتی خویش بی توجه می باشد. چند روزی از این بحث و گفتگو نگذشته بود که زن به بیماری کلیوی دچار شد. بیماریش تا جایی پیش رفت که نزدیک بود کلیه هایش بخوابند و پزشکان به او توصیه نمودند که کلیه ی شخص سالمی را به او پیوند بزنند. زن در بیمارستان بستری شد و شوهرش به او خبر داد که به خارج از کشور سفری نموده تا به دنبال کلیه ای برای او بگردد. با همسرش تماس گرفت و به او مژده داد که مورد مناسبی را پیدا کرده است.

روز قبل عمل شخص اهدا کننده آمد و به مرد و پدر همسرش سلام کرد و در حق او دعاهای خیر بسیاری صورت گرفت. مرد از همسرش اجازه گرفت که به سفری به خارج از کشور برود تا بعضی از کارهای ناتمام را انجام دهد. همسرش گفت: تو چگونه شوهری هستی؟! چگونه در آستانه ی عمل جراحی من را تنها می گذاری؟ عمل جراحی با موفقیت انجام شد و بعد از چند روز مرد از سفر بازگشت و آثار سختی

عمل بر چهره اش نمایان بود بله او همان شخص بود که کلیه اش را به همسرش اهدا نمود! بعد از چند ماه همسرش حامله شد و پس از مدتی فرزند سالمی بدنیا آورد.

یک روز دفتر خاطرات روزانه زندگیش را در کتابخانه گذاشت و همسرش آن را خواند و دانست او کسی بوده است که بچه دار نمی شد و شوهرش کلیه اش را به او اهدا نمود. با او تماس گرفت و در حالی که گریه می کرد شوهرش نیز بخاطر گریه های او گریست و گفت: از آن هنگام تا به حال سه ماه گذشته است که هنوز سرش را به سوی من بلند نکرده است.

گلت را با ایمان آبیاری کن

چه قدر گل زیباست و در بوی خود چه جادویی دارد و با سکوتش تو را به سوی خود جذب می کند تا تو از عطر خوش آن بهره مند شوی اما این گل جذاب با تمام این ویژگی ها اگر آبیاری نشود بدون شک پژمرده و نابود می گردد. اما گلی وجود دارد که هر چقدر به تو ببخشد بیشتر باقی می ماند و تازه تر خواهد شد! این گل مانند زندگی زناشویی موفق است و پر از صفا و صمیمیت و عشق و وفاداری می باشد. آیا هر زن و شوهری نمی خواهند که اینگونه باشند؟ پس گل زناشویی خود را با ایمان آبیاری و با خشیت الهی مرقبت کن.

با قرآن انس بگیرد و باهم عهد کنید که کفران و معصیت را دور بیاورید بر نیکی و تقوی و نماز شب و روزه گرفتن یکدیگر را یاری دهید. و به سوی کارهای خیر بشتابید به رزقی که خداوند نصیبتان گردانیده قناعت کنید و تمام سعی و تلاشتان بر این باشد که نسلی راستگو با خداوند را تربیت کنید.

به این نمونه ی یک زن و شوهر مهربان که پیامبر خدا وصف می کند بنگرید: « خداوند به آن مرد رحم کند که نیمه شب بلند می شود و نماز می خواند و سپس همسرش را بیدار نموده و او نیز نماز می خواند و اگر امتناع ورزید کمی آب به سر و صورتش می پاشد و خداوند به آن زن رحم کند که نیمه شب بلند می شود و نماز می گذارد و سپس شوهرش را بیدار می کند و او نیز نماز می گذارد و اگر امتناع ورزید به صورتش کمی آب می پاشد». چه چیزی از لحظات ایمانی بهتر است آیا شایسته نیست زندگی این زن و شوهر پایدار بماند و از هم پاشیده نشود؟! و چرا پایدار نباشد در حالی که خداوند متعال می فرماید: {جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم و الملائكة یدخلون علیهم من کل باب} (رعد- ۲۳-۲۴) و همچنین می فرماید: {ان اصحاب الجنة الیوم فی شغل فاکهون / هم و ازواجهم فی ظلال علی الارائك متکئون} (یس/ ۵۵-۵۶). چقدر زندگی این دنیایمان بی ارزش خواهد شد هنگامی که وسیله ای برای نگون بختی آخرت شود و چقدر ارزشمند است هنگامی که وسیله ای برای خوشبختی قیامتمان باشد.

مردی همسر خود را سرزنش می کند بر سر اینکه چرا با گذشت سالیان سال از ازدواجشان برای یک بار هم او را برای نماز بیدار نکرده است؟ همسرانی با این فرموده ی خداوند چکار می کند که فرماید: « و تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده/ ۲) کجاست آن زنی که برای بلند کردن شوهرش جهت طاعت و عبادت به صورت او آب بزند؟ کجاست آن زنی که شوهرش را به سوی مسیر هدایت یاری دهد و او را برای علم آموزی و دعوت به سوی خدا تشویق کند. آیا این تو نیستی که موفق شده مادر خوبی باشد و فرزندانش را

به خوبی تربیت کند و نسل سودمندی را به جامعه تحویل دهد؟! چه بسیار مردانی که آرزوی این را دارند که همسرانشان هم و غم دعوت به سوی خدا را داشته و نگران احوال امت اسلامی باشند نه اینکه هم و غمشان لباس و کفش باشد.

پناهگاه‌هایی شرعی

بر تحصیلات شرعی پایبند باشید تا همیشه خوشبخت زندگی کنید چه زوج‌هایی که در خواندن انکار کوتاهی نمودند و به همین علت غمناک و گرفته‌اند و چه زوج‌هایی که از طاعت و عبادت روی‌گردان شوند و به درد و بلا گرفتار گشته‌اند چه زن‌ها و مرد‌هایی که با دیگران در مورد خوشبخت بودنشان با همسرانشان صحبت کرده‌اند و چشم حسودان را متوجه خود گردانیدند.

در هر صبح و شام خانه‌تان را با ذکر و قرآن آراسته کنید. پیامبر می‌فرماید: «هرگاه کسی وارد خانه‌اش شد بگوید: اللهم انی اسئلك خیر المولج و خیر المخرج، باسم الله ولجنا و باسم الله خرجنا، و علی ربنا توکلنا سپس بر خانواده‌اش سلام کند.» (تخریج مشکاة المصابیح: ۱۳/۳، وقال حدیث حسن) و باز هم می‌فرماید: «هرگاه کسی داخل خانه‌اش شد خداوند را هنگام وارد شدن و غذا خوردنش یاد کند. چون شیطان می‌گوید: نه محل سکونتی برای تو خواهد بود و نه شامی.» (رواه مسلم) و می‌فرماید: «هرکس هنگام خارج شدن از خانه‌اش بگوید: باسم الله، توکلت علی الله، لاحول و لا قوة الا بالله، به او گفته می‌شود: تو را بس است و تحت مراقبت هستی و شیطان از او گریزان می‌شود.» (و باز هم می‌فرماید: «اگر یکی از شما وارد خانه‌ای شود و بگوید: اعوذ بکلمات الله التامة من شر ما خلق، هیچ چیزی در این خانه به او آسیبی نمی‌رساند تا اینکه از آن خارج شود.» (صحیح الجامع/۵۲۴۲)

و خواندن سوره‌ی اخلاص و معوذتین را بعد از هر نماز فراموش نکن و از خواندن آیه‌ی الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب غافل مشو. و پیامبر خدا به خواند سوره بقره هرچقدر که میسر گشت جهت امن نمودن خانه توصیه فرموده‌اند و در صحیح مسلم آمده که رسول الله می‌فرماید: «خانه‌هایتان را مانند قبور نکنید؛ شیطان از خانه‌ای که در آن سوره‌ی بقره خوانده شود فرار می‌کند.» و پیامبر همیشه می‌فرمود: «اللهم انی اعوذ بک من یوم السوء، و من لیلۃ السوء، و من ساعة السوء، و من صاحب السوء، و من جار السوء فی دار المقامة.» (صحیح الجامع/۱۲۹۹) هر دوی شما بایستی خدا را بسیار یاد کنید تا شما را از خواب آلودگی برهاند.

صدقه بدهید و برای حفظ و اصلاح حالتان دعا‌های ماثور را بسیار بخوانید. نه اعمال حرامی انجام دهید و نه تصاویر مستهجنی ببینید؛ اینها همه عادت‌های هستند که با نیتی صادقانه با عبادت تبدیل می‌شوند. یاد خدا و انجام دستورات او تعالی را به یاد داشته باشید.

و در پنهان کردن رازهای زندگیتان حرص باشید چون رسول الله می فرماید: «بدترین مردم از نظر جایگاهشان نزد خداوند در روز قیامت مردی است که با زنش همبستر شود و سپس اسرار او را فاش نماید.» (رواه مسلم)

زندگیم همه برای خداست

گاهی اوقات ایمان قلب ها را لمس می کند و خوشبختی در تمام اعضای بدن پخش می شود و ذکر و مناجات سجده کنندگان در جای جای خانه شنیده می شود. هنگامی که خانواده ات با این معنویات زندگی کنند خداوند متعال نعمت های آشکار و نهان خود را بر آن ها سرازیر می کند. خوشبختی میان زن و شوهر، صالح بودن فرزندان، توفیق در کار و مورد قبول بودن در زمین و آسمان، برکت در رزق و روزی و تسلیم شدن در مقابل قضا و قدر الهی و چه بسا شکایت کردن فردی نیکوکار از اخلاق بد همسرش بخاطر زیاد شدن گناه و معصیت او باشد!

و هنگامی که هر زن و شوهری سوی خداوند متعال باز می گردند زندگی به روال طبیعی خود بر می گردد چون محبت حقیقی از قلبی می جوشد که با ایمان پر شده باشد و طاعت و عبادت خداوند در آن خانه ها با سرور و شادی بی نظیری مهمان می شود. هنگامی که چیزی را که دوست داری از آن تو شود بخاطر خداوند ترک می کنی بدون شک خداوند چیز های دیگری را بجای آن و یا بهتر از آن به تو ارزانی می دارد فقط بیباستی نیتت را خالص گردانی و تنها بخاطر او از آن چیز دست بکشی. چه بسیار مسائل اخروی وجود دارند که آن ها را در امواج ویرانگر زندگی فراموش می کنیم اما هرگز خریدن لباس های جدید را هر عید از یاد نمی بریم و فرصت ها را برای گرفتن جشن های سالیانه از دست نمی دهیم. و بخاطر اینکه خانه هایمان در بهترین شکل باشند با همدیگر مسابقه می دهیم. این ها چیز های خوب و پسندیده هستند اما با اعتدال و میانه روی!

اما آیا در کار های اخروی برای ترفیع درجه ی خود با همدیگر رقابت می کنیم؟ یکی از عرفا می فرماید: در دنیا بهشتی وجود دارد که هرکس وارد آن نشود نمی داند طعم آن چگونه است بهشتی که در آن با خداوند متعال به خوشبختی پایان ناپذیر و لذتی بی انتها دست می یابی.

هرگاه زن و شوهر بر تربیت فرزندان شان تمرکز کنند و یکدیگر را در این امر یاری کرده و هرکدام از آن ها وظایف خود را انجام دهد نتیجه و ثمره ی دلچسپ آن به اذن خداوند حاصل می گردد. همسری که برای شوهرش دعا می کند:

__ خداوندا روز هایش را همیشه مانند قلب و روح پاکش نیکو و مانند صدایش آرام و نرم گردان.

خداوندا او روزی خوشبختی را به من هدیه داد پس تو نیز تمام عمر او را خوشبخت گردان.

خداوندا او دروازه ی عشق را به سوی من بازگردانید اینک تو نیز در های رحمتت را به روی او بگشای.
خداوندا او به من آموخت که خیر و نیکی هیچگاه ضایع نمی گردد. بار الهی به فضل و رحمت خودت هر
قدم خیری که برای مردم برداشته او را پاداش عطا فرما.

خداوندا او اشتباهات و عیب های من را پوشاند پس او را در دنیا و آخرت ستر بفرما.

خداوندا او قرآن خواندن با من را دوست دارد پس در روز قیامت او را با خواندن نامه ی اعمالش
خوشحال بگردان.

آیا کفایت که همسرت فردی ملتزم باشد؟

بعضی از دخترها معتقدند که یک شریک زندگی ویژه و خوب کسی است که ریش داشته باشد و بر خواندن نمازهای پنجگانه در مسجد مداومت داشته باشد! اما آیا همین برای ساختن یک زندگی پایدار و خوشبخت کفایت؟ شکی در این نیست که پایبند بودن به این دین حقگرا موضوعی اساسی در انتخاب همسر می باشد و برای بنا نهادن ستون های یک خانه ی خوشبخت دارای فوایدی است که عدد و حساب ندارد چون شوهر پایبند حق همسرش را پایمال نمی کند و با او به نیکویی رفتار می کند و به وصیت پیامبر عزیزش عمل می کند که می فرماید: {شما را نسبت به زنان به خیر و نیکی سفارش می کنم} (رواه مسلم).

شوهری که به نمازهای پنجگانه ملتزم باشد واقعا انسانی خاص است و آنچه که از طاعت و عبادت انجام می دهد او را به خدا نزدیک می گرداند. و شایسته است که این نزدیکی در اخلاق و رفتار و روش برخورد با خانواده و اطرافیانش نمود پیدا کند مگر اینکه این حالت واقعی و همیشگی نباشد. چه انسان های ملتزمی که قرآن از بر می کنند و در مساجد نماز می خوانند اما متأسفانه در معامله های خویش می لنگند و اخلاق بدی دارند و خانواده شان را آزار می دهند!

پیامبر می فرماید: {هرگاه کسی به خواستگاری دخترتان آمد که از دین و اخلاق او راضی شدید او را به ازدواجش در بیاورید و اگر چنین نکنید در زمین فتنه و فساد برپا نموده اید. عرض کردند: یا رسول الله اگر در او وجود داشت چه؟ ایشان سه بار فرمودند: اگر از دین و اخلاق او راضی شدید او را به ازدواجش در بیاورید}.

ستون هایی که بایستی یک بنای محکم بر روی آن بنا شود همان دین و اخلاق باهمدیگر می باشد. سوال پیش می آید که چرا پیامبر اخلاق را نیز به دنبال آن آورده اند با این وجود که دین اخلاق را نیز شامل می شود بعضی از علما می گویند دین همان کل است و اخلاق جزء پس پیامبر به صورت کلی به داشتن دین امر فرموده و اخلاق را به شکل خاصی برای تاکید نمودن بر اهمیت به سزای آن بیان فرموده اند. متأسفانه چه شوهر هایی را دیده ایم که به عبادات پایبند بوده اند اما دین را در معاملات و روابط خود بکار نبرده اند بلکه پایه های اخلاق فاضله اسلامی را از دست داده اند پس اکنون دانستیم که تنها کافی نیست که شوهر فردی ملتزم باشد بلکه بایستی با اخلاق نیز باشد چون با این وصف اگر همسرش را دوست داشته باشد او را گرمی می دارد و اگر از او بدش بیاید به او ستم روا نمی دارد! به کسی اطمینان نکن که...:

به مردی اطمینان نکن که از طاعت خداوند سر باز می زند و به دنیایش مشغول شده است چون کسی که به فضل و منت خداوند بر او اعتراف نمی کند به زیبایی تو نیز معترف نمی باشد!

به کسی که از این شرم ندارد که با بار گناه خداوند را ملاقات کند چون بدون اینکه احساس گناه کند در حق تو بدی روا می دارد! کسی که نماز و روزه اش را به بهانه های واهی ترک می کند و اینگونه بزرگ شده است چون این شخص برای فریب دادن تو از بهانه تراشی های مختلف استفاده می کند.

کسی که برای آخرتش حسابی باز نمی کند نمی توان در تعهدش با تو به او اعتماد کرد. کسی که فراموش کرده است که خداوند او را می بیند چون ممکن است هنگامی که از ظلم کردنش گریه می کنی اشک هایت را فراموش کند.

کسی که با تضرع و زاری از خداوند طلب مغفرت نمی کند التماس های تو نیز در او اثر نخواهد داشت.

هشدار به کاهش محبت در میان زن و شوهر

اگر از اکثر زن و شوهرهایی که به عنوان مثال ده سال از ازدواجشان گذشته باشد، از حسی که به یکدیگر دارد بپرسید و اینکه آیا این حس همان احساساتی است که در دوران نامزدی و اوایل ازدواج داشتند؛ بدون شک جواب خیر است! و دلیل آن کاهش محبت می باشد. اما چرا میزان محبت در میان زن و شوهر کاسته می شود؟

بدون شک همیشه به کار مشغول بودن، نگهداری از بچه ها، کوتاهی نمودن در آرایش کردن و وضعیت ظاهری و عدم جشن گرفتن مناسبت های مبارکی که در میانشان صورت گرفته است، تمام این موارد نقش مهمی در کاهش روابط زناشویی ایفا می کنند.

به جای حس عاشقی، مودت و رحمت را میابیم که رفتار زن و شوهر را در پوشش خود قرار می دهند. اما به عقیده ی عده ای، در مقابل فتنه های جذاب دنیا و در هم آمیختن زن و مرد که شعله های آن مانند آتش در کاهدان انشار می یابد، چیزی از مودت و رحمت باقی نمی ماند.

زن و شوهر بایستی برای یکدیگر خود را زینت داده و زیبا کنند چقدر دل شوهر شاد می شود وقتی که به خانه اش برگرد و ببیند که همسرش در زیباترین شکل و خوشبوترین بو به او خوش آمد می گوید و با جملات زیبا امید بخش او تمام مشکلات و اندوه هایش را فراموش می کند. زن نیز همینگونه با تمیز و خوشبو بودن همسرش برای او خوشحال می شود. بسیاری از مشکلات از کوتاهی زن و شوهر در زندگی زناشویی ناشی می شود و به این بهانه که دیگر زمان جوانی گذشته است! شوهر به خانه اش باز می گردد و جز بی توجهی از همسرش چیزی نمی یابد او را با لباسهای کهنه مشغول به امور آشپزی و شستشو و حل و فصل دعوی بچه ها می بینید! مرد در فضای مجازی زینت های زنان را می بیند و به مقایسه ی میان آن ها و همسرش می پردازد! و اگر از و فعل حرام ابایی نداشته باشد آن چه که نباید می شود. اما آن چه که در قلبش پنهان می کند و در همسر خویش نمی بیند باعث می شود که سکوتش را بشکند تا ردی باشد به قصورات همسرش و با کوچکترین دلایل خشمگین شود و همسر نیز در امورات او شک کرده و شیطان بازی خود را آغاز می کند! آیا کمی به خود رسیدن باعث نمی شود که این قضایا پیش نیاید؟
امام سیوطی می فرماید:

علما در مورد آرایش و زینت کامل زنان در داخل خانه هایشان بسیار آن ها را نصیحت کرده اند مثلاً پاکیزگی موها و تزئین آن، عطر زدن برای همسر تا اینکه قلب او خوشبو شود و اینکه شوهرش به

پاکیزگی و ظاهر خوب او و خوش صحبتی و نرم خویی او هرگز خسته نمی شود و او را مورد عشق و عطف خود قرار می دهد.

و مرد نیز به نوبه ی خود نباید در این مسئله کوتاهی کند چون زن هنگامی خوشحال می شود که شوهرش را خوشبو و در ظاهری مرتب و آراسته ببیند.

تا به حال حرف زیبایی با من نکرده است

در این سالها تا کنون با من صحبتی زیبا و مهربانانه نکرده است!

روزی از روزها حتی با ساده ترین کلمات نیز از من تعریف ننموده است. در حالی که به خدا قسم تمام وظایف خود را اعم از پاکیزگی بدن و خانه و فرزندان انجام داده ام اما چه فایده ...

چه قدر آرزو داشتم که به من می گفت: چقدر این غذا خوشمزه است! یا چه لباس قشنگی پوشیده ای! بلکه حتی شبهایی را نیز که مریض بودم یک بار هم به ذهنش نیامد که به بالین من بیاید و دستش را بر روی پیشانیم بگذارد و برایم دعای شفا کند یا چیزی از کتاب خدا و مائورات نبوی برایم بخواند. بله چه قدر آرزو داشتم آنگونه که من با روی خوش به او می نگرم او نیز چنین بود. چقدر خودم را به خاطر او به زحمت انداختم پس کی متوجه ی حقوقم می شود.

چقدر سردی احساسات زشت است و چقدر سخت است یکی از این دو چنان حس کند که تنها با خودش صحبت می کند! چه بسا زنی که گرفتار مردی بی احساس شده چنان خیال کند که مجسمه ای کر و لال در مقابل اوست!.

نزار قبانی می گوید:

قل لی و لو کذبا کلاما ناعما قد کان یقتلنی بک التمثال

با من حرف نرم و زیبایی بزن اگرچه دروغ هم باشد که این تندیس بی جان تو من را می کشد

و چه مجسمه هایی که با سکوت و سردی خود دیگران را می کشند!

می گویند یک گاوداری در نیوزلند وجود دارد که دو شعبه در شمال و جنوب این سرزمین دارد. با اینکه تمام شرایط و امکانات و نوع گاوها در هر دو گاوداری مانند هم است اما میزان شیردهی گاوهای این دو مرکز بسیار با همدیگر متفاوت می باشد. این باعث شد که صاحب آنها به دنبال سبب این تفاوت بگردد. بعد از تحقیقات و بررسی های بسیار به نتیجه ی شگفت انگیزی رسیدند و آن این بود که رفتار گاوچران اول در وزن کشتی و دوشیدن هر صبح با گاوها متفاوت بود! قبل از شروع به دوشیدن هر حیوان به روی او لبخند می زند و به هر کدام از آنها شخصی و جداگانه می گوید: صبح بخیر ای شیرین من! و این چیزی بود که باعث شیردهی بیشتر گاوها می شد!.

اگر نرم گویی با این حیواناتی که صاحب عقل نیستند اینگونه نتیجه ای به بار می آورد پس آیا نسبت به انسان چگونه باشد؟! آیا نشنیده ای که خدای متعال می فرماید: {و قل لعبادی یقولوا التی هی احسن ان الشیطان ینزع بینهم} (اسراء/۵۳) به بندگانم بگو سخنی بگویند که زیباترین باشد چرا که اهریمن در میان ایشان فساد و تباهی به راه می اندازد.

در این کلام خوب بیاندهش { التی هی احسن }؛ کلام زیبا وجود دارد اما تو بایستی زیباترین آن را برگزینی!. پس چه کسی شایسته است که ما با او به بهترین شکل سخن بگوییم؟ آیا نزدیکانمان نیستند؟.

همسری با هوش و دیگری نادان

با اینکه موضوعی پیش پا افتاده است اما بیابید تا باهم ببینیم مسائل مختلف در خانواده ای که زنی باهوش در آن وجود دارد با خانواده ای که زنی نادان در آن زندگی می کنند با همدیگر چه تفاوتی دارد...

خانواده ی اول: تشکیل شده از مرد و زن و سه فرزند که در مراحل مختلف تربیتی قرار دارند. یک روز مادر با بچه هایش در خانه نشسته و شوهرش نیز در اتاق خود خواب است. بعد از نماز مغرب از خواب بیدار میشود و می خواهد از خانه بیرون برود. لباسهایش را می پوشد و متوجه می شود که کفش هایش سر جای خودشان نیستند. خشمگینانه و با صدای بلند فریاد می زند: بچه ها کفش هایم را کجا گذاشته اید؟ چرا سر جای خودشان نیستند؟ به محض اینکه صدا را می شنوند همه به سوی پدر می شتابند. دختر بزرگتر می گوید: بله بابا الان آنها را پیدا می کنم و دختر کوچکتر این طرف و آن طرف را می گردد. در این هنگام مادر با کفش هایی در دست وارد می شود و می گوید: بگیر عزیزم وقتی خواب بودی آنها را برایت تمیز کردم و روی طناب آویختم تا خشک شوند نگران نباش عزیزم چیز دیگه ای نیاز نداری؟.

از همگی تشکر کرده و احساس می کند که نبایستی با بلند کردن صدای خود آنها را اذیت می نمود و هنگامی که می خواهد خارج شود می پرسد: کسی از شما چیزی نیاز دارد؟ که دختر بزرگتر جواب می دهد: بابا مادرم چیز خیلی مهمی را می خواهد. پدر می گوید: به روی چشمانم چه چیزی می خواهی؟ همسرش پاسخ می دهد: سلامتی تو را می خواهم عزیزم. در این هنگام دختر می خندد و می گوید: مگر به ما نگفتم که مامان چیز مهمی می خواهد؟ آیا از سلامتی شما چیز با ارزش تری نیز وجود دارد؟ پدر لبخندی می زند و از آنها سپاس گذاری می کند و بیرون می رود و همسرش به او توصیه می کند که: دیر نکنی چون ما مشتاق برگشتن تو هستیم.

اما خانواده ی دوم: تمام شرایط و اتفاقات نیز مانند خانواده ی اول است یعنی مرد از خواب بیدار می شود و فریاد می کشد که: کفش های من را کجا گذاشته اید بچه ها؟ چرا سر جای خود نیستند؟ در اینجا مادر به بچه هایش می گوید: تا وقتی پدرتان خواب بود راحت بودیم، الان سریال هم و غم شروع می شود! سپس به دخترش می گوید: دخترم بلند شو دنبال کفش های پدرت بگرد. او نیز جواب می دهد که: این وظیفه ی من نیست از خواهر کوچکترم بخواه که به دنبال آن بگردد! در این هنگام پدر در حالی که پاره ای از آتش خشم است بر آنها وارد می شود و می گوید: کسی از شما نمی خواهد به خودش تکانی بدهد و کفش های من را پیدا کند؟ اگر مادرتان شما را خوب تربیت کرده بود اینگونه نمی شد و در اینجا همسرش جواب می

دهد که: من بهتر از تو آنها را تربیت کرده ام و این تو هستی که نمی دانی فرزندان را چگونه تربیت کنی؛ چون تو در خانه خانواده ی خودتان منظم نبوده ای! مرد هم می گوید: خفه شو ای نادان... زن نیز می گوید: برو گم شو ای مرد... ای کاش پیش دوستانت بخوابی و دیگر برنگردی... مرد می گوید: تو من را از خانه ام بیرون می کنی؟! من می خواهم از همین امشب به تنهایی بخوابم؛ تو و بچه هایت بروید که دیگر نمی خواهم هیچکدامتان را ببینم.

و اینگونه خانواده ای کاملاً از هم می پاشد به سبب حماقت همسری که حاضر نیست یک ذره با شوهرش خوب رفتار کند و از خانه و خانواده اش محافظت به عمل آورد و محبت پدر را در قلب فرزندانش نکاشته است.

خوش رفتاری

پیامبر خدا بر حامی بودن زن و خوش رفتاریش در خانه‌ی شوهر بسیار تاکید نموده اند و همسر صالح را سبب خوشبختی در زندگی دنیا دانسته اند. به همین دلیل فرموده اند: {سه چیز از خوشبختی و سه چیز دیگر از بدبختی‌ها هستند؛ از خوشبختی‌ها: همسری نیکوکار است که دیدنش تو را به وجد آورد و هنگامی که در کنارش نیستی امین خود و اموال توست؛ و حیوانی فرمانبردار که تو را به دوستانت برساند؛ و خانه‌ای بزرگ و دل‌باز. و از بدبختی‌ها: همسری که با دیدنش ناراحت شوی و با تو زبان درازی کند و اگر در کنارش نباشی بر خود و اموال تو امین نباشد؛ حیوانی سرکش که باعث شود از دوستانت جا بمانی؛ و خانه‌ای کوچک و تنگ} صحیح الجامع/۳۰۵۶.

از بزرگترین حقوقی که مرد بر گردن همسرش دارد خوش رفتاری و خوش اخلاقی با اوست که خداوند متعال می‌فرماید: {ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف} بقره/۲۲۸؛ که در تفسیر طبری آمده که: {به این معنی است همانگونه که زن بر شوهرش حقوق زناشویی خاصی دارد مرد نیز بر همسرش حقوقی دارد؛ به همین دلیل است که ابن عباس می‌فرماید: چنانچه همسرم خودش را برایم زینت می‌دهد من نیز خود را برای او می‌آرایم و با نظافت شخصی خویش دوست دارم حقی را که از او بر من است ادا کرده باشم چون خداوند متعال می‌فرماید: ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف. یعنی زینت و آرایشی که در آن هیچ معصیتی نباشد}. و باز هم امام طبری می‌فرماید: {همانطور که در فرمانبرداری در آنچه که بر آنها واجب است وظایفی در مقابل شوهرانشان دارند، مردان نیز در خوش رفتاری و روابط حسنه با همسرانشان موظف می‌باشند}.

از انس بن مالک روایت است که فرمودند: پیامبر نه همسر داشتند و به گونه‌ای نوبت آنها را تقسیم می‌کردند که همواره بعد از نهمین نفر نوبت اولین همسر می‌افتاد و هرشب در خانه‌ی کسی که نوبتش بود همه‌ی همسران جمع می‌شدند. یکبار در خانه‌ی عایشه بودند که زینب آمد و ایشان دست خود را به سوی زینب دراز نمودند و در این هنگام عایشه فرمود: این زینب است و پیامبر نیز دستشان را کشیدند و آن دو تا دیری با یکدیگر جر و بحث نمودند تا آنکه هنگام نماز فرا رسید و ابوبکر از آنجا عبور می‌کرد که صدایشان را شنید و گفت: یا رسول الله شما برای نماز تشریف ببرید تا من بر دهانهایشان خاک بمالم. پیامبر بیرون رفتند و عایشه گفت: الآن است که پیامبر نماز را تمام کند و ابوبکر چنین و چنان به سرم آورد. وقتی که پیامبر نماز را ادا فرمود ابوبکر آمد و با لحنی شدید با او سخن گفت و می‌فرمود: آیا تو بودی که چنین کاری کردی؟!!

این همان خوش اخلاقی است که زندگی مشترک بر آن پایدار می گردد و همان رفتاری است که قرآن به آن دستور داده و سیره ی خوشبوی پیامبر بر آن گواه می باشد.

پس شایسته است که ایمان داران از روش پیامبرشان نورهدایتی دریافت کنند که جای خانه هایشان را با آن روشن گردانند.

آیا ازدواج، قبرستان عشق است؟

بسیاری از مردان گمان می کنند که ازدواج یعنی مرگ عشق! و خوش رفتاری با همسر و ابراز احساسات و عواطف تنها مربوط به روزهای اول عقد است و با اتمام این دوران دیگر جایی نخواهند داشت! در حقیقت این گمان اشتباه و همی بزرگ است. چرا که نه هنگامی که آرامش و مودت و رحمت میان زن و شوهر تنها در زیر سایه ی برافراشته درخت ازدواج رشد و نمو می یابد.

ممکن است زن روزی از روزها با احساسات شکننده خود در حالی با شوهر خود روبه رو شود که به یکباره از عواطف جلوگیری به عمل آورد و احساساتش را تحقیر کند! چرا این همه سنگ دلی با رفیق راه و اسیر قلبت؟! آیا می دانی این دردهای روحی که جلوگیری های تو مسبب آنهاست چقدر عمیق اند؟! آیا می دانی تاثیرات آن تا کی بر روح و زنانگی او باقی می ماند؟ پس چرا انقدر غرور و دشمنی؟!.

نگو که سنی از من گذشته و دیگر نیازی به عواطف و احساسات ندارم و من مشغله ها و گرفتاری هایی دارم که این احساسات را از خاطر پاک نموده است. اگر تو نیازی به این عواطف و احساسات نداری گناه همسرت چیست که نزد تو آمده تا احساسات خود را برایت ابراز کند؟! چه گناهی مرتکب گشته که این گونه خشک و سخت با او روبه رو می شوی؟! درست است که تو از فشار کار یا برخی از مشکلات روحی و اجتماعی خسته می شوی اما چرا بار آن را بر شانه ی کس دیگری می گذاری؟! چرا بی دلیل و بدون اینکه دستانت به خطایی آلوده باشد او را مجازات می کنی؟! مگر نه اینکه در آغاز عمر زندگی مشترک به دنبال این عشق می گشتی و آرزوی چنین احساسات زیبایی داشتی؟! کم کم به سوی در سنگدلی و عصبانیت قدم بر می داری پس بدان انسانی که نیازی به عواطف صادقانه و محبتی خالص در خود نیابد، فردی بی ارزش است.

طبیعت زن اینگونه است که با کلامی زیبا و جمله ای عاشقانه تحت تاثیر قرار می گیرد و احساسات صادقانه ی او را به وجد می آورد و رفتار نیکو قلب او را تسخیر می کند. پس هر زنی بر روی زمین دوست دارد که از جانب شوهرش مدح و ستایش شود.

هر زنی در این دنیا دوست دارد که شوهرش شخصیتی قوی داشته باشد چه در برخورد با او یا با دیگران و از شوهر ناتوان، ذلیل و با تردید بدش می آید. و تنها زمانی زن بودن خود را حس می کند که شوهرش وجود پر قدرت و دارای تفکراتی مستقل داشته باشد. اما این شخصیت قوی به هیچ وجه به معنای این

نیست که در رفتار با همسرش ستمگر و خود رای باشد و جز اجرای دستورات خود هم و غمی نداشته باشد. بله قوی بودن شخصیت به این معنا نیست که با همسرت سنگدل و بد اخلاق و بد زبان باشی.

چگونه عشق از بین می رود؟

اولین نشانه از نشانه های از میان رفتن عشق همان کم صحبتی است. چون قبل از ازدواج و دوران نامزدی هرکدامشان برای دیگری بسیار سخن می گوید و در ماه عسل چه بیشتر با یکدیگر حرف می زنند! و بعد از آن به حدی سخن گفتن کم می شود که ممکن است مرد به مدت ۱۲ ساعت یا بیشتر سکوت کند بدون اینکه حتی به دلیل فراموشی هم که شده حرفی با همسرش بزند!

و بعد از آن حتی به مرحله ای می رسد که به دنبال سببی برای بیرون رفتن از خانه می گردند و به راه حل های مختلفی برای این کار می اندیشند!

سپس هرکدام از آنها بر نکات منفی طرف مقابل تمرکز می کنند به گونه ای که جز بدی های او را نمی بیند؛ در حالی که پیامبر گرامی فرموده اند: {هیچ ایمانداري نباید از همسر خود متنفر باشد؛ اگر رفتاری از او را ناپسند دانست از رفتار دیگر او راضی گردد} رواج مسلم. مرد می گوید که امکان ندارد همسرش بیش از این باشد؛ و او را متهم به این می کند که بیش از حد به مادرش می رسد در حالی که نسبت به من بی توجه است. زن هم می گوید که شوهرم عصبی و غیر قابل تحمل شده است یا می گوید: مادرش هنوز مهمترین چیز اوست. در ابتدای ازدواج هر دوی آنها اشتباهاتی می کردند اما در این مرحله هر کدام از آنها جز بدی های طرف مقابل را نمی بیند.

در مرحله ی بعدی رابطه ی زناشویی میان آنها برای هفته ها یا ماه هامتوقف می شود اما هنوز زن و شوهر از ارتکاب گناهان کبیره اجتناب می ورزند.

اگر این مرحله ادامه پیدا کند نوبت به مرحله ی خطرناکی می رسد که جستجوی به دنبال عشق بیرون از خانه است. انحراف از راه راست و فاجعه اینجاست و وارد چیزی می شویم که خداوند بر آن خشمگین می باشد. و گشتن به دنبال عشق بیرون از خانه شکل های مختلفی دارد که ممکن است به خیانت بیانجامد و وارد گناه دیگری شود و شیطان هر زن زیباتر از همسرش را به او نمایان می کند تا اینکه از آنچه نزد خود دارد راضی نگردد.

ابن قیم می گوید: {شیطان تو را و او می دارد که زیباتر و بهتر از آنچه که در دست داری و چیزی که نمی توانی آن را به دست آوری، چشم طمع داشته باشی}. بنا بر این می بینی که مردی متاهل سخت می تواند زنی بزرگوار همانند همسر خویش بیابد و مردم می پرسند که چگونه همسرش را رها نمود و به خاطر

زیبایی به سوی زنی دیگر متمایل گشت! در حالی که همسرش نیز در این قضیه به مانند او دچار شده است.

پیامبر می فرماید: {در روز قیامت هنگامی که خداوند اولین و آخرین مردم را جمع می کند، به هر خیانت پیشه ای پرچمی می دهند و گفته می شود: این خیانت فلانی پسر فلانی است} (رواه مسلم). نهایتاً در مقابل پیامبر و دیدگان بشریت آبرویش می رود.

دوری از خشک شدن رابطه زناشویی

چقدر این رابطه ی میان زن و شوهر کمیاب و پاکیزه است. آیا این همان رابطه ی الهی نیست که خداوند آن را در قرآنی که تا روز قیامت خوانده می شود، در مورد آن می فرماید: {و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة} روم / ۲۱. (و یکی از نشانه های خدا این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان بیارامید و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت).

و از بسیاری از زنان می شنویم که از خشکی و سرد شدن زندگی زناشویی خود شکایت می کنند و اینکه بسیاری از جملات زیبا در میانشان از بین رفته است. اولاً بایستی ابتدا این را بدانید که راز خوشبختی زناشویی همان برپا داشتن خانه یتان بر اساس محبت و پیروی از خدا و پیامبر اوست چون گناه تاثیر عجیبی در زیاد شدن مشکلات و اختلافات زناشویی دارد.

توصیه هایی برای رفع سردی روابط:

با دستورات و خواسته هایت مانند رئیس و زیردست با او رفتار نکن.

نقص هایش را در غذا خوردن، لباس پوشیدن یا سخن گفتن، مستقیماً به او نگو.

او را با اسم خاصی که خودش دوست دارد صدا بزن همانگونه که پیامبر عایشه را عایش صدا می زدند. برای غذا و نوشیدنی که برایت آماده نموده از او تعریف کن و سعی کن خوردن را شروع نکنی تا اینکه او نیز سر سفره آماده شده و باهمدیگر غذا بخورید!.

لباس هایت را برای او آراسته گردان چون بسیار این کار را دوست دارد.

اگر خودش را برای تو آرایش نموده از آرایش او تعریف کن اما در این امر زیاده روی نکن.

روش او را در چیدن دکوراسیون اتاق و خوشبو نمودن لباس ها و هرچیزی را که به آن دست می زند تحسین کن!.

اگر روزی خواست مهمانی دهد او را در آمده نمودن خانه کمک کن.

وقتی وارد خانه شدی و دیدی که او مشغول کار کردن است بعضی از کارهای او را انجام بده تا سرش خلوت شود.

در امر نظافت فرزندان او را یاری بده؛ مثلاً آنها را تو به حمام ببر و لباس تنشان کن و از همکاری در رشد فرزندان لذت ببر.

در حد توان خود در خواسته های شبانه ی بچه ها او را کمک کرده و کمی از مشغله هایش را کاهش بده. از این به بعد هدیه ای اگرچه ساده برای او تهیه کن و در دادن هدیه به او خلاقیت به خرج بده؛ مثلاً آن را در جایی پنهان کن و همسرت را به پیدا کردن آن وادار کن.

اگر چنانچه همسرت برای خودش اهدافی دارد او را برای دست یافتن به آنها تشویق کن.

او را برای حضور در برخی از دروس دینی و برنامه های اسلامی و فرهنگی تشویق کن.

چه کسی بیشتر سکوت می کند: مرد یا زن؟!

چیزی نمی گوید.. در مورد چیزی نظر نمی دهد.. بلکه تنها به سکوت اکتفا می کند. هنگامی که در مورد موضوعی در زندگیمان با او صحبت می کنم سرش را تکان می دهد و گاهی اوقات من را سرزنش نموده و سپس سکوتی طولانی اختیار می کند. سکوت بیماری است که مردان بیشتر از زنان به آن دچار هستند. و هنگامی که مرد سکوت می کند زن نگران می شود به خصوص وقتی که حرف زدن در نگاه زن به معنای اهمیت دادن و رغبت باشد. و اینجاست که زن مجبور می شود فرزندان و نزدیکان را به عنوان سفیران همیشگی و پیام رسان میان او و شوهرش به کار گیرد!.

دلیل این سکوت از نظر شوهران چیست؟:

بعد از گذشت سالیانی دراز از ازدواج، زن و شوهر به مرحله ای از تفاهم می رسند که بدون به کار بردن کلمات می توانند احساسات یکدیگر را درک کنند در این صورت هرگونه توضیحی اضافه و کلامی بیهوده می باشد. پس نیازی به صحبت های نرم، درگوشی های عاشقانه یا بازگویی خاطرات زیبا نیست چون اینها احساساتی بچگانه اند! درحالی که این دو از این مرحله عبور کرده اند!.

مرد در ساعاتی که مشغول کار است توان صحبت کردنش به پایان می رسد و هنگامی که به خانه باز می گردد سکوت برای او نوعی آسایش و راحتی می باشد.

مرد در خلال جر و بحث های عادی سعی می کند برای مشکلات شخصی خود حدودی تعیین کند در نتیجه همسرش را با کلماتی سنگدلانه و شدید خطاب قرار می دهد و زن هم به جای جواب دادن او تنها سکوت می کند.

آیا گاهی سکوت ضروری است؟:

روان شناسان معتقدند که حالت سکته ی موقت کلامی که برخی از زوجین به آن دچار می باشند، حالت بیماری نیست بلکه چاره ای است برای فرار از مشاجرات زناشویی. و هنگامی که زن با صدای بلند فریاد می زند که شوهرم ساکت و بدون حرف است، در حقیقت خواستار زیاد شدن مشکلاتی نیست که بیشتر دعوای خانوادگی به آن ختم می شود. سکوت میان زن و شوهر در پاره ای از امور به دلایل زیر می باشد:

فشار وضعیت اقتصادی

اختلاف نظر میان زوجین که باعث می شود هرکدام از آنها سکوت کنند که با مقابله طرف دیگر مواجه نشوند.

پنهان نمودن حقیقتی مشخص که در این حالت واژه ی سکوت کاربردی است نه احساسی؛ و یکی از آنها خودش را در پشت آن مخفی می کند.

بی توجهی یکی از آن دو به دیگری چون صحبت کردن وسیله ای ارتباطی میان زن و شوهر است که بایستی در میان آنها برقرار باشد و هنگامی که از بین برود بی توجهی نسبت به شخص مقابل معنا می شود.

چگونه با شوهری که دوستت ندارد برخورد می کنی؟

وقتی که مردی همسرش را دوست ندارد این نهایت راه نیست و متولد شدن عشقی جدید نیز غیر ممکن نیست! چون زنی باهوش خوب می داند که چگونه توان خود را به کار گیرد تا درخت زیبای عشق را بکارد.

چگونه قلب همسرم را به دست گیرم؟:

ابتدا بایستی به حق خود قانع باشی و خداوند را به خاطرش سپاس گویی چون رضایت و قناعت کلیدهای خوشبختی در دنیا و آخرت می باشد.

بدان که خداوند او را برگزیده که تو را بیازماید که آیا بر این قضا و قدر الهی صبر پیشه کرده و او را شکر می کنی یا نه؟.

به یاد داشته باش که تو به خاطر شکیبایی خود ماجور هستی و در این آزمایش الهی توسط شوهری که به تو مایل نیست خیر بسیاری نهفته است که تو از آن بی خبر می باشی. {و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم} {و چه بسا چیزی را ناپسند بدانید در حالی که در آن برای شما خیر و نیکی باشد} بقره/۲۱۶.

با احساسات شوهرت همراهی کن و کاری کن که متوجه عشقت نسبت به او به عوان یک مرد بشود.

شوهرت را از دست و دلبازی خود مطلع ساز و تلاش و وقت و مال خودت را از او دریغ نکن تا بفهمد که تو به خاطر او خودت را قربانی می کنی و اینگونه اعتمادش به تو بیشتر می شود و هرچه دوست داشته باشی برایت فراهم می کند.

برای او مانند یک دوست باش و در مورد کار و علایقش با او صحبت کن.

بیشتر مطالعه کن و در مسیر همزیستی در زندگی زناشویی به خودت اطمینان داشته باش.

فراموش نکن که سر و سیما و لباسهای خود را برای او زینت بخشی.

همیشه مسوولیت پذیر باش اگرچه اتفاقی رخ دهد یا خیر. و هنگامی که مشکلی پیش آمد به دنبال راه حلی برای آن بگرد تا بداند که تو فردی با تدبیر هستی و همین باعث می شود که نتواند از تو بی نیازی جوید.

بر مال و دارایی او امانت دار باش و اسراف و ریخ و پاش نکن.

برای او مایه ی آرامش باش و با مهربانی خود او را در بر گیر همانگونه که مادر بچه هایش را دوست دارد تو نیز به صادقانه به او عشق بورز چون در این حالت چیزی از تو کم نمی شود و آسیبی به تو وارد نمی گردد.

در تمام مشکلات مادی و روحی در کنار او بایست تا همیشه به تو پناه بیاورد.

به او بفهمان که مهمترین شخص در زندگیست و نگذار احساس کند که کسی مهمتر از او برای تو وجود دارد حتی اگر فرزند یا پدرباشد و این با نیکی کردن به والدین تضادی ایجاد نمی کند.

همیشه برای چیزهایی که برایت فراهم آورده از او تشکر کن تا بداند هر چیزی که برای تو انجام می دهد اگرچه نیز ساده باشد از دیدگاه تو دارای اهمیت است.

برای خودت اهداف و علایق و برنامه ریزی های خاصی داشته باش چون این کار باعث می شود که از جانب او بیشتر مورد احترام باشی.

چگونه قلب شوهرت را از دست می دهی !

این توصیه ها برای کسی است که تلاش دارد شوهرش را از خود متنفر کند:

احترام شوهرت را نگیر و به او توهین روا دار به خصوص جلوی خانواده و فرزندان.

هرگز در خانه به ظاهر خودت نرس چون او با تو ازدواج نموده و همه چیز تمام شده است. پس چه نیازی به این کار است؟

با او در نهایت دشمنی باش و از او فرمانبرداری نکن و همیشه با او جر و بحث کن و هیچ یک از خواسته هایش را برآورده نکن.

انقدر غذا بخور که چاق شوی!

در ابراز احساسات، اموال و در هر چیز دیگر خود بخیل باش.

هرگاه دیدی که شوهرت دچار مشکلی شده و به کمک مادی یا معنوی تو نیاز دارد اصلا به او اهمیت نده!

نسبت به شوهرت بی توجه باش و سعی کن مادر و فرزندان مهمترین افراد زندگیت باشند.

هیچگاه خودت را سرزنش نکن و به عقلت اجازه ی همیشگی بده.

به او دروغ بگو و هر چیزی را از او مخفی کن و نگذار به تو اعتماد کند.

هرگز خودت را تغییر نده و همانگونه باش که او از آن به تنگ می آید.

همیشه سرد باش طوری که خیال کند تکه چوبی هستی.

نادان و فراموش کار باش و هر آنچه را که به آن دست یافتی از یاد ببر.

هرگز مطالعه نکن و سریال ها و برنامه های آشپزی را زیاد نگاه کن.

به نعمت هایی که در اختیار داری نگاه نکن بلکه چشمت به آنچه باشد که در دست مردم است.

زنی خودخواه باش که بسیار از واژه ی من استفاده می کند.

بایستی تمام درآمد شوهرت را خرج کنی.

همیشه شوهرت را تحقیر کن و زندگی را به کام او تلخ گردان.

به تو تبریک می گویم! حتی اجرای یکی از توصیه های گذشته کفایت تا زندگی زناشویییت را به پایان برساند.

سرکار خانم اینها را دست کم نگیر.

بسیاری از زنان مثل این موارد را انجام داده اند سپس یکی از آنها تعجب می کند و می پرسد که چرا شوهرش عصبی است و دوستش ندارد و طاقت ماندن در خانه را نمی آورد؟!.

بلکه این صفات ناپسند در زن مهمترین اسباب جدایی می باشد و دلیلی برای صحبت از همسر دوم و اگر به این دو مورد نینجامد حتما باعث سکوت در زندگی زناشویی می گردد.

مرد از چه صفتی در زن بدش می آید؟

زنی که به مشکلات و اختلافات دامن می زند؛ هنگامی که از خانه خارج یا به آن وارد می شود عصبانی است و یک روز نیست که میان خود و شوهرش درگیری ایجاد نکند.

زنی که همیشه این سوالات را از شوهرش می پرسد که: به چه چیز فکر می کنی؟ مشغول چه هستی؟ چرا قیافه ات عوض شده؟ کی به تفریح می رویم؟ اینها روی اعصاب مرد راه می روند و باعث می شود که مرد از ارتباط کلامی با زن احساس خشم و ناراحتی کند چون اینگونه زنها حتی به هنگام خستگی یا مشغول کار بودن شوهرشان نیز دست از حرف زدن نمی کشند.

زنی که بسیاری از اوقات با شوهرش دعوا می کند و هرگز از او فرمانبرداری ندارد. هرچه او می گوید عکسش را انجام می دهد. همیشه نظر خودش را قبول دارد و فکر می کند که درست است و کمتر به نظر شوهرش اهمیت می دهد.

زنی که به خود، لباس ها، خانه، یا نظافت فرزندانش بی توجه است و به آنها نمی رسد.

زنی که اعتماد به نفس ندارد و همیشه احساس می کند که شوهرش زنی دیگر را می شناسد یا به زن دیگری می اندیشد. و به دنبال شک و گمان های خود می رود تا دریابد که حقیقت اند یا نه؟ پس شروع می کند به گشتن در جیب و وسایل شخصی او تا مدرکی علیه او را در آنها بیابد.

زنی که به آداب اسلامی و قانون التزامی ندارد و هرچه دلش می خواهد می پوشد و رفتارهایی را بدون رعایت حیا انجام می دهد.

زنی که بر اطرافیانش تکبر می ورزد و معتقد است که هنوز کسی زاده نشده که لیاقت ازدواج با او را داشته باشد.

زن دروغگو از خطرناک ترین انواع زنان می باشد.

زنی که دوست دارد هر چیزی تنها از آن او باشد و هرگاه اوقات فراغتی بیابد دوست دارد آن را به تنهایی با خودش سپری کند.

زن پر حرف؛ که به همین علت مرد از او خسته می شود.

زنی که برای هرچیز کوچک و بزرگی واکنش نشان می دهد از این جهت که به یکباره گریه می کند یا به خاطر هرچیز خرد و کلانی خشمگین می گردد.

زنی که بسیار شکایت می کند و با این حالت نزد شوهرش می آید و درخواست کمک عاطفی دارد.

زنی که زخم زبان می زند؛ بسیار ساده است هتک حرمت یک مرد اما درمان این زخم خیلی سخت!

زنی که هنگامی که شوهرش صحبت می کند با تمسخر به او می نگرد یا وقتی که با او حرف می زند قیافه اش را به روی او ترش می کند.

زنی که احوال و احساسات شوهرش را در نظر نمی گیرد و هنگامی که او به خانه بازمی گردد یا به هنگام خواب خبرهای ناگوار یا مشکلات خانوادگی را برایش بازگو می نماید. یا هرگاه شوهرش را ناراحت ببیند به او می خندد یا او را سرزنش و توبیخ می کند.

زنی که هر روز برای خرید به بازار می رود.

زنی که بیشتر وقتش را در قیل و قال و سخن چینی می گذراند.

زنی که خود داری مرد را از ناتوانی او می بیند؛ و هنگامی که زن صدایش را بر شوهرش بالا می برد و مرد صبر می کند، زن این رفتار را از ضعف مرد می بیند.

زن از چه صفتی در مرد بدش می آید؟

مردی که مانند عوض کردن لباس و خوراک خویش زنان را با یکدیگر جایگزین کند و بدون در نظر گرفتن انسانیت و احساسات همسرش، ستون خانواده ی خود را ویران می سازد.

مردی که هر ردپایی را دنبال می کند تا اینکه گمان ها و آنچه را که در سرش می گذرد، تصدیق کند. تا جایی که گمان می کند کسانی به همسرش چشم دارند و با این شک و تردید خانه و خانواده را از هم می پاشد.

مردی که غیرتی آتشین و ناپسندیده ای دارد که با آن خود و همسرش را به آتش می کشد و خانه را ویران کرده و بچه ها را بی خانمان می گرداند بدون اینکه اتفاق خاصی افتاده باشد.

مردی که همیشه در حال جمع کردن مال و شمردن آن می باشد در حالی که خود و فرزندانش از لذت های دنیوی و بهره مندی های حلال آن محروم اند از ترس آینده ای که در آن زندگی نخواهد کرد. روزگار هیچگاه از فردی بخیل نام نبرده است که توانسته باشد از اموالش بهره ای بگیرد.

مردی که می بخشد اما به خاطر آنچه که می بخشد بر دیگران منت می گذارد.

مردی ضعیف النفس که مدیریت زندگی خود را به هر زنی اعم از مادر و همسر خویش واگذار می کند.

مردی که نتوان به او اعتماد کرد و هرگاه کاری به او سپرده شود، نتواند مسوولیت آن را بپذیرد و از زیر بار آن فرار کند.

مردی که قولی بدهد اما سر قول خودش نماند.

مردی دورو که آنچه در دل دارد آشکار نمی کند و تصویر زیبایی از خودش نشان می دهد؛ در حالی که از بدترین اشخاص می باشد.

مردی که به میان مردم می رود در بین آنها سخن چینی می کند و بلکه حتی با زنان می نشیند تا به سخن چینی های آنها گوش دهد و در پخش نمودنشان با آنها همکاری کند.

مردی که در ادا و اطوارش خود را به برخی از زنان مانند می کند به گونه ای که موجودی مسخ شده و غیر قابل احترام می گردد.

مردی که به سر و قیافه ی خودش نمی رسد و به این بهانه که این کار مخصوص زنان است، همیشه نامرتب می باشد. در حالی که پیامبران می فرمایند: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

مردی که بدون احترام قائل شدن برای همسر خویش به سوی ناموس دیگران نظر می افکند. چشمانش این طرف و آن طرف به دنبال زنان می گردد و با آنها نشست و برخاست دارد و با آنها در بازار خوش و بش می کند.

کسی که ناپاکی را در خانه اش و از همسر خویش تحت عنوان هر نام و هر موقعیتی می پذیرد.

هنگامی که مرد ناسازگاری می کند

برخی از زنان از رفتار بد شوهرشان گلایه می کنند؛ مردی با کمترین دلیل فریاد می زند و دیگری به همسرش بی توجهی می کند بلکه حتی ممکن است کار به ضرب و شتم هم بکشد! و هنگامی که به مرحله جدایی می رسند هر موضوعی مطرح می شود.

ابتدا رفتار خودت را با او بازبینی کن و به دنبال بدی هایی بگرد که احیانا بدون قصد خاصی نسبت به وی روا داشته ای و هیچ اشکالی ندارد اگر از شوهرت بپرسی که کدام رفتار او را ناراحت می کند. خودت را برای او آرایش کن و صدایت را که ممکن است بر اثر صحبت نکردن کلفت شده باشد، برای او نازک کن!.

زام مذاکرات را به دست بگیر چون این بهترین برای حل اختلافات زناشویی می باشد.

با او مهربان باش و سعی کن خودت را به وی نزدیک کنی و برحذر باش از اینکه لجبازی او را با لجبازی جواب بدهی!.

بارها با شوهرت به گفتگو بنشین حتی اگر او مانع شود یا از او سستی و بی اهمیتی مشاهده نمودی و این فرموده ی پیامبر را به یاد بیاور که: {بهترین شما کسی است که سلام کردن را زودتر آغاز کند}.

حال و روز آن زنانی را بنگر که به بهانه هایی واهی مانند: بارها تلاش کردم یا چرا او شروع نمی کند؟!، از گفتگو کردن شانه خالی می کنند؛ که چگونه رابطه ی میانشان مرده است یا از یکدیگر طلاق عاطفی گرفته اند.

مشکلت را تا این حد به نابودی نکشان!

سعی کن مشکلاتت را با شوهرت ابتدا با گفتگویی صمیمانه به آرامی حل کنی و همیشه به یاد داشته باش که تو توانایی به دست گرفتن زمام اصلاح امور را داری.

اگر مشکلات و سختی ها نبودند زندگی خسته کننده می شد چون در یک زندگی سرد و بی روح لحظه ی فرح بخشی برای ما وجود ندارد. این خواست و قدر الهی است که در زندگی به صورت یکنواخت صفا و صمیمیت و خوشبختی وجود نخواهد داشت.

خداوند متعال لحظات زندگی مان را با نشاد و شادی و همچنین غم و اندوه رنگ آمیزی می کند تا اینکه ما قدر نعمت هایی را که در آن غرق شده ایم بدانیم.

خدا را شاکر باش که شوهری نصیبت گردانیده که پناهگاه توست و در کنار او آرامش می یابی؛ نعمتی که بسیاری از دختران همسال تو از آن محروم اند.

از خداوند بخواه که تو را خوشبخت کند و شوهرت را به سوی تو مایل گرداند و محبت همدیگر را در دلهایتان جاری سازد چون اگر خداوند شما را عاشق همدیگر قرار ندهد خوشبخت نخواهید شد.

غالباً عشق و خوشبختی در همان ابتدای زندگی وجود ندارد بلکه در اوایل زندگی به حوادث ناراحت کننده ای برخورد می کنید که در آینده وقتی به آنها فکر می کنید خاطرات زیبایی بر جای می ماند.

و بی گمان چیزهایی پیش می آیند که صفای خاطر شما را مکرر می کنند اما طبیعت انسان به گونه ای است که هیچگاه احساس آرامش و اطمینان نمی کند مگر بعد از گذشت مدت زمانی معین.

اینگونه اشتباهات فراموش می شوند

هر انسانی عیوب و خطاهایی دارد و در مقابل نیز هر انسانی صفات پسندیده و خوبی های زیادی دارد
شما ای زن و شوهر:

بارها همدیگر را نگاه کرده اید و خداوند را برای رابطه خوبتان شکر نموده اید پس هنگامی که مشکلات
کوچکی برایتان پیش می آید چه می شود که تمام خوبیها و فضایل فراموش می شود؟! و از احسان و
نیکوکاری کوتاهی می شود و چشمه ی بخشش خشک می گردد؟!.

فراموش نکنید که هر خسارت مالی قابل جبران است و هر اشتباهی قابل چشم پوشی می باشد و هیچ
درمانی بهتر از آن نیست که از خوبی های همدیگر سخن بگوییم.

ای مرد با خودت بنشین و به این بیاندیش که چقدر همسرت خوشبختی را در قلب تو وارد نموده است! تا
چه حد توانسته است که آرامش را در خانه ات برقرار کند! و چقدر با خوشحالی کار های خانه و تربیت
فرزندان را انجام داده است! چند بار در شدت و سختی در کنار تو ایستاده است

و تو ای خانم:

بنشین و به این بیاندیش که شوهرت چه قلب مهربانی دارد. چقدر خانه ات را با آمدنش نورانی کرده است
و چقدر در پناه او با امنیت زندگی کرده ای! او پاره ی تن و پدر فرزندان است. چند بار خودش را فدای
خوشبختی تو و خانه ات کرده است!.

ای زن و شوهر اجازه ندهید که شیطان در میان دل هایتان جدایی بیاندازد. چون خداوند متعال می فرماید:

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا

(ای پیغمبر !) به بندگانم بگو : سخنی (در گفتار و نوشتار خود) بگویند که زیباترین (و نیکوترین

سخنها) باشد . چرا که اهریمن (به وسیله سخنهای زشت و ناشیرین) در میان ایشان فساد و تباهی به راه

می اندازد ، و بی گمان اهریمن (از دیر باز) دشمن آشکار انسان بوده است (و پیوسته در صدد برآمده تا

آتش جنگ را با افروزینه و سوسه شعله ور سازد) .

همواره نکات مثبت همدیگر را به یاد داشته باشید: وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و اگر زنان را پیش از آن که با آنان تماس بگیرید (و آمیزش جنسی بنمائید) طلاق دادید ، در حالی که مهریه‌ای برای آنان تعیین نموده‌اید ، (لازم است) نصف آنچه را که تعیین کرده‌اید (به آنان بدهید) مگر این که آنان (حق خود را) ببخشند و یا (اگر صغیر و یا سفیه هستند ، ولی آنان ، یعنی) آن کس که عقد ازدواج در دست او است ، آن را ببخشند ، و اگر شما (مردان) گذشت کنید (و تمام مهریه را به زنان بپردازید) به پرهیزگاری نزدیکتر است ، و گذشت و نیکوکاری را در میان خود فراموش نکنید . بیگمان خداوند به آنچه انجام می‌دهید بینا است .

هر کدام از شما بایستی جایگاه دیگری را در نظر داشته باشد. بایستی از اشتباهات همدیگر بگذرید و یکدیگر را ببخشید چون خداوند متعال از شما در می‌گذرد: وَلَا يَأْتِلْ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَى وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

کسانی که از شما اهل فضیلت و فراخی نعمتند ، نباید سوگند بخورند این که بذل و بخشش خود را از نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا باز می‌گیرند (به علت این که در ماجرای افک دست داشته و بدان دامن زده‌اند) . باید عفو کنند و گذشت نمایند . مگر دوست نمی‌دارید که خداوند شما را بیمارزاد ؟ (همان گونه که دوست دارید خدا از لغزشهایتان چشم‌پوشی فرماید ، شما نیز اشتباهات دیگران را نادیده بگیرید و به این گونه کارهای خیر ادامه دهید) ، و خدا آمرزگار و مهربان است (پس خویشان را متأدب و متّصف به آداب و اوصاف آفریدگارتان سازید) .

شایسته نیست که عذرخواهی همدیگر را قبول نکنید چون پیامبر می‌فرماید: کسی که برادرش از او عذرخواهی کند ولی او نپذیرد، گناهی بزرگ بر دوش اوست. (جامع الصغیر/۸۴۷۵)

هنگامی که شخص توبه کننده گناهانش پاک می‌شود پس آیا شایسته نیست اگر یکی از زوجین از دیگری عذرخواهی کرد عذرش پذیرفته و لغزش هایش بخشیده شود؟!!

در حالی که پیامبر اسلام می‌فرماید: انسان با گذشت و بخشش چیزی جز عزت و سربلندی نصیبش نمی‌گردد و هرآنکس برای خداوند فروتنی نماید، خداوند متعال او را بلند می‌کند (صحیح الجامع/۵۸۰۹) .

در عذر خواهی کردن تردید نکنید

زن بر اساس احساساتش با یک حرف ساده و زیبا دلخوش می شود پس از همسرت عذرخواهی کن همانطور که حضرت با ام المومنین عایشه به نرمی و لطافت رفتار می نمود.

از نعمان بن بشیر روایت است که می فرماید: حضرت ابوبکر از پیامبر اجازه ورود خواست که ناگهان صدای بلندی از ام المومنین عایشه شنید و به قصد زدن ایشان وارد خانه شد و فرمود: این تو بودی که صدایت را بالا بردی؟! پیامبر اکرم مانع حضرت ابوبکر شد که به دخترش آسیبی برساند و حضرت ابوبکر با عصبانیت خارج شد و در این هنگام پیامبر فرمودند: دیدی چگونه تو را از دست آن مرد نجات دادم؟!.

گویی می خواهد به ایشان بفرماید: آیا این کافی نیست تا دلیلی آشکار برای محبت من به تو باشد؟!.

در ادامه می فرماید: حضرت ابوبکر چند روزی صبر کرد و سپس از پیامبر اجازه ورود خواست که آنها را در صلح و صفا یافت و فرمود: همانگونه که من را به درگیری خودتان وارد نمودید الان نیز در جمع خودتان پذیرا باشید. پیامبر اکرم فرمودند: همین کار را انجام می دهیم.

کجاست آن کسی که عذر آوردن برای همسرش را اگر چه خودش هم خطاکار باشد، لطمه و ایرادی بر مردانگی خود می بیند؟!.

نصیحت هایی برای زوجین:

با همدیگر دشمنی و بر نظر خود پافشاری نکنید چون بعضی از پا پس کشیدن ها کار ها را درست می کند.

احساس نکنید که عذرخواهی کردن باعث کثر شأن و اهانت به آن شخص می شود!.

خاطرات زیبای خودتان را بازنگری کنید و هر کدام از شما بایستی خوبی های دیگری را برای خود یادآوری کند تا نکات منفی او را از یاد ببرد.

به یاد داشته باشید که گفت و گوی آرام و سازنده باعث شکل گیری تفاهم میان زن و شوهر می شود.

بایستی هر کدام از آنها ناراحتی طرف مقابل را درک کند تا اینکه سوء تفاهمی در میان آنها پیش نیاید.

باید فوراً عذرخواهی را پذیرفت و احساس نکنیم که قبول عذرخواهی عقب نشینی و ضعف به شمار می رود. چون اگر این کار ضعف نشان دادن باشد چگونه خداوند متعال درگاه توبه را همواره باز نگه داشته است درحالیکه او قدرتمند و شکست ناپذیر می باشد؟! و چگونه پیامبر اکرم بسیاری از ستمگران را بخشید؟!.

بهتر است هر چه زودتر دست از سرزنش کردن یکدیگر بردارید و در مورد چیزهایی که بر آنها اتفاق نظر پیدا کرده اید، بحث و جدل نکنید تا اینکه ثبات این امور به هم نریزد.

آگاه باشید و اجازه ندهید که موارد درگیری هایتان بدون حل نمودن آنها زیاد شوند چون ای امر موجب می گردد که با ساده ترین اسباب تحت تأثیر قرار گرفته و به یکباره منفجر شوند. گاهی اوقات اختلافات نمک زندگی هستند اما مصالحه نمودن بر رابطه زناشویی تأثیر قویتری دارد.

سعی کنید بنای زندگی تان را بر تفاهم و گفت و گو بسازید و زمین آن را با عذرخواهی کردن از همدیگر بگسترانید و پاداش صبر و بردباری خویش را از خداوند منان خواستار باشید.

فن عذرخواهی در میان زن و شوهر

اختلافات بین دو طرف رابطه زناشویی به علت اصطکاک های روزانه نتایج ناشی از اشتباهات پدیده ای طبیعی می باشد. به همین علت زن و شوهر بایستی مهارت های برخورد با مشکلات زناشویی و روش های حل اختلاف را به صورت دقیق بیاموزند.

دکتر آرون لازار در کتاب خود تحت عنوان عذرخواهی می گوید: وقتی شخصی به دیگری می گوید متاسفم منظورش اعتراف به اشتباهش یا کوتاه آمدن از آن موضوع نیست. بلکه واکنشی است از طرف شخصیت بزرگوار و با اعتماد به نفس اما با این وجود به زبان آوردن این کلمه برای زن و مرد بسیار سنگین مردا. زن از ترس اینکه نزد شوهرش کسر شأن یابد و اطمینان خود را نزد او از دست بدهد، از عذرخواهی کردن هراس دارد.

با این وجود او خوب می داند که معمولاً یک مرد اسباب قطع رابطه زناشویی را فراهم نمی آورد اما بسیاری از اوقات اعتراف به خطا کار بودن برای مرد بسیار مشکل است. چون او همیشه این گونه فکر می کند که دانا تر و با هوش تر است و احساس می کند هنگامی که بگوید متاسفم چهره اش خیلی خنده دار می شود. چون به معنای این است که آنچنان که از وی انتظار می رود نمی تواند رفتار کند.

در حقیقت، عبارت متاسفم، زیباترین جمله ی عاشقانه ای است که امکان دارد سخت ترین گره های مشکلات را حل کند. این کلمه کوه های یخ را ذوب کرده و گرمی محبت بین زن و شوهر را باز می گرداند.

بدون شک اگر یکی از شما به دیگری بگوید: متاسفم، شما چیزهای زیادی به دست خواهید آورد و در آرامش روحی و روانی و در خوشبختی زندگی خواهید کرد که با هیچ قیمتی سنجیده نمی شود.

عذرخواهی را به تاخیر نینداز:

بی گمان ایجاد عشق عمیق در میان دلها مهمترین هدفی است که زن و شوهر برای آن تلاش می کنند اما بدترین اتفاق میان زن و شوهر همان شکستن دل ها بدون عذر خواهی کردن می باشد.

هر کدام از شما بایستی سعی کند زودتر عذرخواهی کند و با وجود هرگونه اتفاق ناگواری خاطر دیگری را مکدر نسازد. پس عذرخواهی سهم به سزایی در نزدیک کردن شما به یکدیگر و پر کردن فاصله های ناشی از برخورد های روزانه دارد.

هر به تعویق انداختن عذرخواهی اثری منفی در زندگی پیش رویتان خواهد گذاشت و سبب زخم عمیقی می گردد که هر لحظه ممکن است منفجر شود و خدایی نکرده باعث نابودی روابط زناشویی می شود!

پس یک عذرخواهی ساده ممکن است راه دلها را باز نموده و یک رابطه زناشویی را نجات بدهد. عذرخواهی شجاعت و دلاوری بوده و دلیلی است بر پاکی دل و صفای روح و همان شفای زخم ها و قلب های شکسته می باشد. و همینطور گذرنامه سفر به احساسات میان قلب های عاشق است.

عبارت من متاسفم معمولاً فضا را بی غل و غش کرده و اطمینان و آرامش را به ارمغان می آورد و فرصتی برای شروعی دوباره می بخشد.

عذرخواهی کردن هم روش‌هایی دارد

(من متاسفم) دو کلمه ای هستند که اگر به راستی آنها را به زبان بیاوریم، خشم و عصبانیت فروکش می‌کند این دو کلمه درمان قلب شکسته و کرامت پایمال شده اند و باعث بازگشت آب به جویبار رابطه‌های خشک شده می باشد. اگر کسی پیدا شود که عذرخواهی لفظی برایش دشوار باشد، هزار راه دیگر مانند نوشتاری یا رفتاری نیز برای این کار وجود دارد.

بدون شک عذرخواهی مستقیم بهترین و کوتاه ترین روش است و هیچ عیبی در آن نیست. پس هرگاه یکی از زوجین احساس کرد که در حق دیگری دچار خطایی شده، از آنچه که انجام داده بایستی اعلان تأسف کند به خصوص اگر در رفتار خود شأن طرف مقابل را پایین آورده باشد.

پس کلمه ببخشید یا متاسفم سخت و غیر ممکن نیست و به معنای این نیست که گوینده آن خودش را حقیر ساخته و عقب نشینی بزرگی کرده است. و همینطوری که بعضی ها فکر می کنند به معنای پیروزی طرف مقابل نیست.

اگر چنانچه عبارت عذرخواهی برای یکی از دو طرف به ویژه مرد مشکل باشد، شکل های مختلف دیگری هم به صورت غیر مستقیم برای عذرخواهی هستند که هر کدام از آنها آن را اجرا کنند، طرف مقابل می‌فهمد و مشکل حل شده و کاروان به سلامت به مقصد می رسد.

به خانم ها می‌گوییم:

بسیاری از مردان ترجیح می دهند که موقعیت درگیری را با یک شوخی به اتمام برسانند تا اینکه همسرشان بخندد و کار چنان تمام شود که گویی اتفاقی نیفتاده است. پس مغرور نباش!

هنگامی که شوهرت به صورت غیر عادی از تو خواست تا در کارهای منزل کمکت کند به این معنا است که می‌خواهد از تو و زحماتت تشکر کند و اعلام کند که در کنار تو ایستاده است.

هرگاه دیدی که شوهرت در مورد برنامه ای معین با تو صحبت می کند یا به امور کاری خود و یا مشکلات خانگی می پردازد، این شروعی دوباره پس از معرکه است. پس به او جواب بده طوری که گویی اتفاقی نیفتاده است.

هرگاه شوهرت به صورت غیر معمول با تو تماس گرفت و از تو چیزی پرسید پس بدان برای تو این پیام را دارد که همه چیز میان شما طبیعی است و این تماس شروعی از جانب او برای پاکسازی وضعیت فعلی می باشد پس در پاسخ گویی به آن تردیدی به خود راه نده و بگذار تا کارها به روال عادی خود درآیند.

بعضی از مردان احساس می کنند که دادن یک هدیه از روش کلامی تاثیر بیشتری دارد و همسرش را با یک هدیه یا یک شاخه گل غافلگیر می کند. او با این کار به اشتباه خود اعتراف می کند.

گاهی مرد یکی از فرزندان خود را واسطه می کند تا اینگونه کارها را ترتیب دهند.

برخی از مردان گاهی به روش های تعریف و تمجید کردن روی می آورند تا با این کار عشق خود را به همسرشان بیان نموده و به او بگویند که در حقش دچار خطایی گشته است تا او را ببخشد و همه چیز را فراموش کند.

چرا مرد عذرخواهی نمی‌کند؟! ۱

بر اساس اخباری موثق میان زن و شوهری مشاجره ای کلامی پیش آمد و در نهایت آن، زن درخواست جدایی نمود! و دلایلش برای این کار آن بود که شوهرش در مقابل بچه ها و خانواده اش احساساتش را جریحه‌دار کرده است!

مرد نیز پارچه نوشته ای جهت عذرخواهی که طول آن ۱۲ و عرضش ۷ متر بود را در محل زندگی خود به کمک چند کارگر نصب کرد

و دلایلش را اینگونه برشمرد : همانطور که در مقابل خانواده اش احساسات او را جریحه‌دار کردم، بایستی در برابر همه مردم نیز از وی عذرخواهی کنم.

بعد از جشن عذرخواهی علنی زن با یک جمله از شوهرش استقبال نمود: نیازی به این همه نبود اما باید به من قول بدهی که باری دیگر این کار را انجام نخواهی داد.

حقیقتا این شجاعتی که پشت آن اهمیت به رابطه زناشویی بود، من را به تفکر وا داشت! او کاری انجام داد که مردم توقع آن را نداشتند فقط بخاطر حفظ خانواده اش!

اما چرا مرد هنگامی که مرتکب اشتباهی می‌شود از همسرش عذرخواهی نمی‌کند؟! و آیا برای این کار علتی دارد؟!.

و آیا در زندگی پیامبر اکرم موقعیتی پیش آمده است که در آن ایشان از همسران خود عذرخواهی کرده باشد؟.

از صفیه بنت حیی روایت است که می‌فرماید: هیچ‌کسی را خوش اخلاق تر از رسول الله ندیدم. ایشان در خیبر من را شب هنگام بر شتر خویش با وجود خسته بودنش نشاندهند. به حدی خواب آلود بودم که سرم به انتهای زین شتر برخورد می‌کرد که ایشان با دستان خود من را نوازش می‌کردند و می‌فرمود: آهسته! دختر حیی آهسته! تا اینکه صهباء آمد و ایشان فرمودند: ای صفیه بدان من از تو عذرخواهی میکنم که این کار را با قومت انجام دادم؛ آنها به من چنین و چنان می‌گفتند. رواه الطبرانی المعجم الاوسط ۳۴۴/۶.

درو و سلام خداوند بر تو باد ای بهترین کسی که بر زمین پا نهاده است.

ایشان بخاطر انجام اشتباهی در حق صفیه از او عذرخواهی نکرد بلکه برای دلداری دادن و آسودگی خاطرش در مورد غزوه پیامبر علیه طایفه اش در خیبر، اینگونه فرمودند.

این موضع گیری و رفتار کسی بود که نمونه ی هیبت و بزرگی بوده‌اند پس اکنون چگونه کسی می تواند گمان کند که عذرخواهی کردن از همسر موجب نقص هیبت مردانگی می گردد؟! آیا کسی بزرگ تر و باهیبت تر از رسول خدا وجود دارد؟!.

با این وجود همسرش را با مهربانی و لطف و محبت خطاب می کند که: ای صفیه من از تو عذر می خواهم.

او را با اسم خودش صدا زده و با روشی پر از صمیمیت و مهربانی از او دلجویی می کند.

پروردگارا مگر حتی رسول الله چه چیزی انجام داده که اینگونه از همسرش عذرخواهی می کند؟! براستی که این قلب شوهری مهربان است.

چرا مرد عذرخواهی نمی‌کند؟! ۲

متأسفانه برخی از ما عذرخواهی کردن را یک ضعف می‌پنداریم! وقتی مرتکب اشتباهی می‌شود نه تنها عذرخواهی نمی‌کند، بلکه با غرور و تکبر به بحث و جدل می‌پردازد و چه بسا اشتباه خود را کاری درست بیندارد.

مشکل بعضی از ما این است در خانه ای بزرگ شده ایم که هیچگاه ندیدیم که پدر از همسرش عذرخواهی کند!

درحالی‌که کودک بعضی اوقات می‌تواند تشخیص دهد که به هنگام درگیری پدر و مادر چه کسی مقصر و چه کسی ستم‌دیده می‌باشد.

با این وجود فرهنگ عذرخواهی را در پدر خود نمی‌بیند بلکه چه بسا همیشه مادرش با این که خطاکار هم نیست عذرخواهی را شروع می‌کند!

بچه از خودش می‌پرسد که چرا پدرم وقتی کار اشتباهی انجام می‌دهد عذرخواهی نمی‌کند؟!.

اینگونه این ذهنیت در مردم ایجاد شده که عذرخواهی روش کار زنان است.

بدون تردید ما نیاز داریم که فرهنگ عذرخواهی را بیاموزیم تا اینکه نسلی فهیم و با ثبات را تربیت کنیم.

پس هنگامی که اشتباهی می‌کنی و با خودت درگیری که از همسرت عذرخواهی کنی یا نه، به یاد داشته باش که لازم نیست حتماً مقابل او با سر افکندگی بگویی که معذرت می‌خواهم!

ابتدا می‌توانی هر آنچه که مانع عذرخواهی کردن تو می‌شود از آن دوری کنی.

عصبانی نشو و اگر چنانچه عصبانی شدی نگذار که خشم رفتار تو را تحت تاثیر خود قرار دهد.

دوم اینکه عذرخواهی می‌تواند با لمسی مهربانانه یا دادن خبر خوشی انجام گیرد.

هنگامی که آیه برائت مادرمان عایشه در مورد حادثه ی افک نازل شد پیامبر اکرم لبخندی زدند و ابتدا به ایشان فرمودند: «مژدگانی بده» تا اینکه خیالش آسوده گردد و سپس به منظور بزرگداشت و احترام ایشان فرمود: خداوند کهم گناهی تو را اعلام فرمود.

چقدر بزرگوار هستی رسول خدا.

هنگامی که اشتباهی مرتکب شدی فرصتی را برای آرامش فراهم کن و با مهربانی دست همسرت را بگیر و ...

او را به کاری بشارت بده که مشتاق آن است. به او بگو که مقداری از پول های خودت را نگه داشته ای تا با آن اثاث خانه یا چیزهایی مانند آن را نو کنی.

با او به آرامش گفتگو کن و در نهایت صحبت خود به او بگو که: حق با توست.

برای او پیامکی بفرست و در آن زیباترین جملات عذرخواهی را برایش بنویس.

و تو نیز ای خانم بایستی فوراً عذرخواهی شوهرت را بپذیری و به او توجه کنی.

برخی از شوهران سنگدلی می کنند

بعضی از شوهران نسبت به همسر خود بی رحم اند و آن ها را در خانه حبس می کنند طوری که حتی به او اجازه نمی دهند که به خانه ی پدرش برود.

آیا فرمایش پروردگار خود را نشنیده ای که می فرماید: و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و يجعل الله فیه خیرا کثیرا / و با زنان خود به طور شایسته در رفتار و گفتار معاشرت کنید زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار دهد. نساء / ۱۹.

آیا هیچ در فرموده ی پیامبرت اندیشیده ای که می فرماید: بهترین شما کسی است که برای خانواده اش بهترین باشد و من بهترین شما به نسبت خانواده ام می باشم. (صحیح الجامع/۹۶۰)

و یا می فرماید: همانا کاملترین ایمان دار از لحاظ ایمانی کسی است که خوش اخلاق ترین و مهربانترین فرد با خانواده اش باشد. (الترغیب و الترہیب/۹۵/۳).

آیا توصیه رسول الله در مورد زنان که در حجه الوداع فرمودند به گوش تو خورده است که فرمودند: در مورد زنان از خداوند پروا کنید چون شما آن ها را به امانت الهی گرفته اید و عورت هایشان را با نام خدا برای خود حلال ساخته اید. (۱۹۰۵) ابی داوود.

ابن کثیر در مورد آیه ی ۱۹ نساء می فرماید: یعنی به زیبایی با آن ها سخن بگویند و سعی کنید در حد توانایی خویش همانگونه که آن ها از شما می خواهند رفتار و شمایل خود را برایشان زینت اده و نیکو کنید. یک مرد واقعی باش: در رضایت خود بخشنده باش و در دشمنی کردنت عادل، چون این ها نشانه های مردانگی حقیقت است. اگر او را دوست داری گرامیش بدار و اگر دوستش نداری به او قسم و مدار چون این ها ویژگی های شوهر نمونه است.

از همین الان به بعد رفتار خودت را عادلانه کن و بدان که تنها این کافی نیست که سعی در تصحیح رفتار همسرت داشته و اما همچنان بر رفتار خودت پافشاری کنی.

از هر آن چه که همسرت را ناراحت می کند پرهیز کن حتی با شوخی کردن.

از صفات پسندیده همسرت یاد بگیر چه مردانی بوده اند که به هنگام مشاهده ی التزام عملی همسرانشان به دین و اخلاق، آن ها نیز متأثر گشته اند.

برای خوشبختی در زندگی مشترک تنها کافی نیست که فردی مناسب از دواج کنی بلکه لازم است که تو نیز فرد مناسبی باشی.

نزد او از خانواده اش تعریف کن چون با این کار از وی تعریف و تمجید نموده ای و موجب می شود که رضایت و محبت تو را نسبت به خود حس کند و همچنین شایسته است که زن نیز این کار را برای شوهرش انجام دهد.

هرگز به همسرت توهین نکن چون اثر مخرب آن در قلب و عقل او رسوخ می کند و خطرناک ترین اهانت ها آن هایی هستند که همسرت در دل خود نمی تواند آن ها را ببخشد حتی اگر با زبان بگوید که تو را بخشیده است از جمله ضرب و شتم، توهین نمودن، لعن کردن پدر و مادر و اتهام زدن به آبروی او می باشد.

شوهرم به من تکیه می کند

برخی از مردان برای رهایی از مسئولیت های مهم زندگی به بهانه ی زیادی کار یا سفر های کاری مدیریت خانه را به همسرشان می سپارند و راننده و خدمتکار به آن ها کمک می کنند.

از نظر مرد همسرش بایستی بخاطر بچه ها و تربیت نمودنشان این امور را بر عهده گیرد: ۱- برآورده نمودن نیاز های خانه از جمله خوراک و نوشیدنی ۲- بچه ها را به هنگام بیمار شدن به پزشک ببرد. ۳- درس های بچه ها را پیگیری کند ۴- آخر هفته ها آن ها را به مکان های تفریحی ببرد. همه ی این ها را بایستی انجام دهد در حالی که شوهرش به مشغولیت ها و گرفتاری هایش می پردازد.

ای برادر اگر بهانه ات مشغولیت و سفر باشد پس بدان که پیامبر اکرم با اینکه مشغولیت دعوت و ارشاد تمامی امت را بر عهده داشتند اما از هیچ یک از جوانب دیگر زندگیش کوتاهی نمی نمود.

از ام المومنین عایشه پرسیدند که پیامبر در میان خانواده ی خود چه کاری انجام می دادند؟ ایشان فرمود: به کلی در حال خدمتگذاری به اهل و عیال خود بودند. برخی دیگر بهانه شان این است که به هیچ یک از کار های خانه عادت ندارند و قبلا مادرش تمام کارها را انجام می داد و حتی لیوان آب را برایش می برد. و این بدون تردید از نتایج تربیت نادرست به شمار می رود لازم است که مادر به فرزندش اعتماد به نفس را آموزش دهد و او را برای سختی های زندگی آماده کند به جای اینکه تنبلی و سستی و وابستگی به دیگران را در هر کاری به وی عادت دهد!

چگونه وابستگی را درمان کنیم؟

بایستی به صبر نمودن و دعاکردن مشغول شوی و این را بدان که اینها نیروهای کمی نیستند بلکه همان راستی ایمان است که باعث می شود ذات پناه دهنده الله متعال هر چیزی را به کن فیکونی تغییر دهد.

پیامبر خدا می فرماید: هرکس صبر پیشه کند خداوند به وی صبر عطا می کند و هیچ عطا و بخششی بهتر و گسترده تر از صبر نیست (رواه بخاری).

پس صبر را در این مرحله رفیق راه خود قرار بده و از خداوند واحد و احد یاری بجوید که بهترین یار و یاور است.

سعی کن در برخی از کارهای آسان خانه از شوهرت درخواست همکاری کنی سعی کنی برای اموری که زحمت زیادی نمی خواهد به گونه ای او را صدا بزنی که گویی بار سنگینی بر دوش خود داری. با ابراز خوشحالی و شگفت زدگی او را پشتیبانی کن و به وی بگو نمی دانم اگر تو اکنون نزد من نبودی چکار بایستی می کردم؟!

موقعیت های اینچنین را بارها تکرار کن تا در وجودش توانایی کمک کردن رسوخ کند و باور کند که باز هم میتواند به یاری دیگران بشتابد تشویق و پاداش از بزرگترین روش ها برای افزایش توانایی و اثبات وجود خود می باشد.

یک مرد می خواهم

کسانی از شوهران هستند که دوست ندارند که مسئولیت های مربوط به خانه را به آن ها ربط دهد چون می خواهند در کمال فراغت به کارهایی که دوست دارند مشغول شوند و کسی از ایشان نپرسد که داری چکار می کنی و زبان حالشان به همسر خود اینگونه است که: ریش و قیچی را به دست خودت داده ام و دیگر من را با مسائل مختلف نگران نکن و از من نپرس که کجا بودی، کجا میروی و چرا دیر نمودی؟

همسرش را رها نموده که به رغبت خود برای نیازهای خاص یا بدون هیچ کاری بیرون برود و در محله و بازار و مدرسه و بیمارستان با مردهای دیگر روبرو شود. بسیاری از اوقات خود را در ماشین یا نزد راننده شخصی یا راننده ی آژانس می گذراند و زنان دیگر نیز در حسرت این مردی هستند که همسرش را آزاد نموده و به او هیچ اجباری نمی کند اما نمی دانند که این زن بیچاره با شبی به نام شوهر زندگی خود را سپری می کند.

یکی از زنان به شوهرش می گوید تربیت و مدیریت و امور فرزندان و همینطور خرید مایحتاج زندگی را به من واگذار نموده ای در حالی که تمام این ها به این خاطر می باشد که تو با خیال راحت شب و روزت را با دوستان خود سپری کنی. برای امور خانواده و وضعیت روحی خود و بچه هایمان فرد با تدبیری می خواهم، مردی که اداره ی خانواده را به دست گیرد. عزیزم مانند برخی از مردان نباش که در هر چیزی فرماندهی را به دست همسرانشان داده اند.

مگر نمی دانی که خداوند متعال فرموده است: الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض / مردان بر زنان سرپرستند بدان خاطر که خداوند بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده است (نساء ۳۴). شما همان مردانی هستید که خداوند این مدیریت و فرماندهی را به شما سپرده است اما با عدالت و حکمت. مردی می خواهم که این قوامیت را داشته باشد و چه بسا که این مرد تو باشی.

مردانی نیز هستند که در زندگی تصمیم گیرنده خود قرار می دهند. صندوق اسرار خانه اش را در اختیار دوستانش قرار می دهد و هر ریز و درشتی را نیز به ایشان می گوید تا شاید راه حلی برای آن ها نزد ایشان پیدا کند تا جایی که فرزندان اگر نیازی داشته باشند دوستانش را واسطه آن قرار می دهند و اینگونه دوستان خود را بر زن و بچه اش برتری می دهد و گویی که آن ها کالایی بی ارزش می باشند. به این عده از مردان می گوئیم:

شخصیت و کرامت و جایگاه خود و خانواده ات را نگه دار.

از راه حل ها و نظرات آن ها استفاده کن و قلب خود را برایشان بگشا و در هر حال یک مرد واقعی باش.

احساس مسولیت و توجه خودت را نسبت به همسرت ابراز کن چون موجب می شود که در چشم او مردی واقعی باشی یک زن به این نیاز دارد که توجه و مسولیت پذیری شخصی را نسبت به خود حس کند.

با مردانگی خود مرد رویاهای همسرت باش که او با دل و جانش تو را می خواهد و دوست دارد نزد خود و دیگران به تو افتخار کند پس او را از آن محروم نکن.

به همسرت بفهمان که در هر حال از لحاظ اقتصادی او را تامین می کنی و به ارثی که از پدرش به وی رسیده هیچگونه طمعی نداری و شریعت به تو اجازه نخواهد داد که بر اموالش تسلط بگیری به بهانه ی اینکه او ثروتمند است.

هرچقدر هم که ثروتمند باشد باز هم به این حس روحی نیازمند است که تو جایگزین واقعی به جای پدرش باشی.

یک زن از شوهرش این را می خواهد که چنان شخصیتی قوی داشته باشد که بتوان به او اعتماد نمود و توانایی این را داشته باشد که نیازهایش را برآورده سازد.

اول شوهر دوم شوهر

بعضی از زنان وقتی بچه ی اولی را به دنیا می آورند رفتارشان عوض می شود دیگر به خودش نمی رسد و شوهرش را فراموش می کند و به حال او توجه نمی کند و خودش را برایش آراسته نمی کند در این هنگام شوهر او از کوتاهی همسرش نسبت به ظاهر و صورت خود و نماندن نرمی و خوش رفتاری و لبخند و شیرین سخنی که قبلا داشت، شکایت و گلایه می کند.

زن در این مورد هنگامی که با شوهرش مواجه می شود مشغولیت به بچه داری را بهانه قرار می دهد و سپس از شوهرش می خواهد که بیش از توانش از او انتظار نداشته باشد!

مرد با کمال آرامش سعی می کند به همسرش بفهماند که بر او حقی دارد هنگامی که زن گمان کند که وظیفه مادریش موجب کوتاهی نمودن در حق خود و شوهرش شده اینجاست که دچار اشتباه بزرگی می شود و رفتار شوهرش را بازخورد می دهد.

مرد نیز به دنبال همسری دوم می گردد که مشغولیت به فرزندان و خانه داری او را از شوهر خود غافل نسازد مگر همسر اولت چه گناهی مرتکب شده که پشتش برای بزرگ کردن جگرگوشه های تو خم گشته است؟! آیا پاداش تو برای او سنگدلی و ناسپاسی می باشد؟! هل جزاء الاحسان الا الاحسان / آیا پاداش نیکی کردن جز نیکی دیدن خواهد بود؟ (الرحمن/۶۰)

مرد جواب می دهد: آخر او بچه هایم را بر من ترجیح می دهد و به من توجه نمی کند هرگاه که با او معاشرت می کنم ذهنش مشغول است ظاهرا نزد من اما دلش نزد آن هاست.

آیا با فردی ازدواج می کنی که عقیم باشد و بچه دار نشود یا اینکه همسر دومت حتی روزی در زندگی خود به فکر بچه دار شدن نمی افتد؟

بدون شک مشغول شدن زن به بچه ها و کارهای خانه اش و همچنین بی توجهی به شوهر خود دو دلیل دارد:

یکی از آن ها مرد و دیگری زن می باشد چون اگر چنانچه مرد از مسئولیت خود در قبال تربیت فرزندان و مدیریت خانه اش شانه خالی کند و زن نیز به خوبی خانواده ی خود را اداره نکند. راه حل این مشکل ازدواج دوم نیست.

به یاد داشته باش که شوهرت از توجه و اهتمام دادن بر تو حقی دارد پس نباید وظیفه ی مادریت تو را از پرداختن به حقوق وی مشغول سازد.

یک زن موفق کسی است که بدون کوتاهی نمودن از همسر و فرزندش وظایف خود را نیز به خوبی ادا می کند.

در کارهای درون خانگی با همدیگر همکاری کنید چون پیامبر اکرم نیز با خانواده ی خویش مشارکت فرموده اند اما مرد در تربیت فرزندان خود نقش اساسی بر عهده دارد.

زن بایستی تلاش کند که طبق ساعات شبانه روز وظایف خود را منظم و به ترتیب انجام دهد تا برای امور و احتیاجات شوهرش به هنگام آمدن او فراغت یابد.

بایستی تولید نسل را طوری تنظیم نمود که پشت سر هم نباشند تا اینکه زن دچار محنت و سختی زیاد نگردد.

از جابر بن عبدالله روایت است که می فرماید: ما در زمان رسول الله از بچه دار شدن جلوگیری می کردیم در حالی که قرآن نازل می شد (بخاری).

مادر بایستی برخی امور فرزندان را به دختران بزرگترش بسپارد.

زن بایستی همواره شعارش این باشد که: اول شوهر، دوم شوهر و در مقابل مرد نیز بایستی شعارش این باشد که: اول مادر، دوم همسر و دهم دوستان!

همسر خود را به مریضی می زند و بسیار گلایه می کند

برخی از زنان از خستگی و بیماری می نالند در حالی که هیچ جای بدنشان بیمار نیست اما احوال روحی و مناسبی ندارند.

بسیاری از مشکلات روحی روانی در انسان به صورت شکایت از درد های نامعلوم سینه و شکم یا سردرد شدید و یا احساس خفگی در قلب بروز می دهند.

بدون شک بیماری های بسیاری هستند که در زنان شیوع پیدا می کنند مانند پوکی استخوان و درد هایی در نواحی مختلف استخوان های بدن.

سرشت زن به گونه ای است که در دوره های مختلف زندگی خود ممکن است دچار نا امیدی و خستگی شدید گردد. از درد دوران قاعدگی گرفته تا درد زایمان و سختی های دوران حاملگی و سپس دوران شیردهی تا بزرگ کردن و تربیت فرزندان توانایی زن ها در تحمل این دردها متفاوت می باشد.

مرد باهوش کسی است که این سختی ها را برای همسر خود کاهش دهد و از سخنان و گلایه های او دلگیر نشود و سعی کند که او را به هر روشی که شده از این دردها رهایی بخشد.

بیا بید وارد خانه ی رسول الله شویم در حالی که ایشان با ام المومنین عایشه در حال گفتگو هستند و حضرت عایشه نزد پیامبر از سردرد شکوه می نمود و می نالیدند.

ام المومنین می فرماید: روزی پیامبر خدا بعد از خواندن نماز میت در بقیع به سوی من بازگشتند در حالی که من سرم درد می کرد و می گفتم: وای سرم! ایشان فرمودند: ای عایشه بلکه من نیز سرم درد می کند پیامبر نه تنها از شکایت حضرت عایشه ناراحت نمی شد بلکه با ایشان ابراز همدردی می نمودند.

حضرت عایشه می فرماید: هنگامی که یکی از اعضای خانواده پیامبر بیمار می شد ایشان بر او معوذتین را می خواندند و می دمیدند.

مرد بایستی هنگامی که می بیند همسرش احساس خستگی و بی رمقی می کند در کارهای خانه به او کمک کند و پاداش خود را از خداوند بخواهد.

زن بایستی بسیار گلایه و شکایت نکند تا اینکه شوهر خود را ملول و خسته نکند و خودش را عادت دهد که برای هر چیز کوچکی شکوه نکند.

او بایستی سریعاً به پزشک مراجعه کند چون ممکن است دچار مرضی باشد که هرچه زوتر بایستی آن را درمان نمود تا تاخیر در مراجعه سببی برای تاخیر در شفا نشود.

اگر همسرت بیمار است بسیار به او برس چنانچه کسی نیست که کارهای او را انجام دهد لوازم راحتی اش را فراهم کن و کارهایی را که وی انجام می داد برعهده بگیر برای او غذا آماده کن و به کارکردن مجبورش نساز.

برای سلامتی او دعا کن چون از تمام مردم بیشتر شایسته است که برایش دعا کنی.

شوهرم عوض نمی شود

آیا هر بار که می خواهی شوهرت را از خواب بیدار کنی بسیار خسته می شوی نظرت چیست که روش های دقیق و کارآمدی را امتحان نمایی؟

هنگامی که خواستی او را از خواب بیدار کنی به آرامی در گوشش زمزمه کن وقتی چشمانش را باز کرد به روی او لبخندی زیبا بزن تا تغییراتی قابل ملاحظه را ببینی.

گاهی اوقات مرد دوست با خودش خلوت کند پس او را آزاد بگذار و به او فشار نیاور و رفتار و حرکاتش را زیر نظر نگیر چون با این کار راه را بر روی او می بندی.

هرگز سعی نکن که با زور شوهرت تغییر دهی چون این کار به صورت مستقیم باعث عکس العمل شدیدی از طرف او می گردد مثلا به جای اینکه به شوهرت بگویی : تو خیلی پای تلویزیون می نشینی و این کار اشتباهی است، بگو: من این کتاب را خواندم خیلی جالب است پیشنهاد میدهم تو هم به جای تماشای فلان برنامه این کتاب را بخوانی.

به او آزادی بده تا به تمایلات خود رسیدگی کند و مادامی که گناهی در آن نباشد با دوستان خود به بیرون برود چون برای یک مرد شرقی دست کشیدن از دوستانش به یک باره حکم به خطر انداختن زندگیش را دارد.

اشتباه رایج میان بسیاری از مردان این است که آن ها معتقد هستند که زن مادامی که می خورد و می پوشد پس خوشبخت است . تنها شوهرت تو اینگونه نیست و اینجاست که هوش و ذکاوت زن بکار می آید. تنبلی شوهر :

بسیاری از زنان از تنبلی شوهر خود و از دست دادن فرصت های مهم زندگیش عصبانی می شوند و بشدت او را سرزنش می کنند و همین انر باعث می شود که برخلاف محبت شدیدش به او از حقوق شوهرش کوتاهی کند و به او اهمیتی ندهد.

مانند گذشته به شوهرت رسیدگی کن و به ظاهر خودت برس و از او به گرمی استقبال کن تا تو را همان همسر نیکوکاری بداند که خداوند به او بخشیده است.

با کمال آرامش و بدون هیچگونه شدتی می توانی در مواردی که خواستی او را سرزنش کنی.

برای کارهایی که می خواهی او آن ها را انجام دهد تشویقش کن و راهنمای او باش.
به او بگو که مهم تلاش نمودن تو در کار می باشد چون نتیجه را تنها باید به خداوند واگذار نمود. با این کار به وی می فهمانی که تو با تلاش او خوشحال می شوی هر چند که نتیجه ی مطلوبی حاصل نگردد.
از خداوند متعال درخواست کن که تلاش های شما را با موفقیت و سرانجامی نیکو برساند.
فراموش نکن که زیباترین چیز در وجود انسان این است که به آن چه خداوند نصیبش گردانیده راضی باشد.

شوهرم در خانه نمی نشیند

بسیاری از زنان می گویند شوهرم در خانه نمی نشیند یا سرکار است یا با دوستان است.

چرا مرد از خانه بیرون می رود؟

طبیعت شغل مردان: برخی از مردان موقعیت شغلی آن ها اینگونه ایجاب می کند که بسیار از خانه خارج شوند بعضی دیگر برای ادا نمودن قرض های خود یا خرج و مخارج خانه مجبور می شوند دو نوبته کار کنند و یا دو شغل را برگزینند.

روابط اجتماعی مرد: بعضی از مردها دوستان بسیاری دارند و به حدی با دوستانش گرم و صمیمی هست که به درجه ای از وابستگی رسیده است که وجودش متعلق به آن ها گشته و لحظات عمر خود را با ایشان می گذراند و هرگز تغییر نمی کند.

عدم احساس راحتی و استراحت در خانه: هنگامی که خانه محلی برای ناراحتی شد و او نتواند این وضع را تغییر کند پس از او فرار می کند یکی از زنان در مورد شوهرش می گوید هنگامی که از سرکار برمی گردد می خوابد و با اذان مغرب از خواب بیدار گشته و بعد از اینکه غذایش را خورد با دوستانش خارج شده و تا اذان صبح بر نمی گردد.

مشکلات بسیاری میان زن و شوهر:

از فرط این مشکلات از خانه بیرون رفته و به جایی پناه می برد که در آن راحتی و آرامش وجود داشته باشد در حالی که این مشکلات تنها با گذشت و بخشش بسیاری از اشتباهات و خطاها حل می شوند.

راه حل چیست؟

کاری کن که در خانه اش احساس خوشبختی کند و تنها راهش این است که اسباب خوشحالی او در خانه بیشتر از بیرون آن باشد.

هیچگاه سعی نکن به زور او را خانه نشین کنی چون این کار باعث فرار نمودن بیشتر او می گردد.

با سکوت آرامش خانه را مکانی مناسب برای نشستن قرار بده و در بهداشت و مرتب نمودن آن کوشا باش و سعی کن خانه را عطر آگین کنی.

با صحبت نمودن از مشکلات و حوادث به استقبال شوهرت نرو.

عشق و احترام خود را در میان صحبت هایت به او ابراز کن تا احساس خوشبختی و بهرمندی کند.
شوهرت مهمان توست پس با تمام وجود و امکانات خود او را گرمی بدار تا بیشتر نزد او بنشیند.
سعی کن نخوابی تا او برگردد و از آن جهت که همیشه با او باشی حتی اگر خوابت می آید سعی کن خود را بیدار نگه داری.
شوهرت را تشویق کن که دوستانش را صرف غذایی که برای آن ها آماده نموده ای به خانه دعوت کند تا به او بفهمانی که آن چه را دوست داشته باشی دوست دارم و هرآن چه را که ناپسند دانی از آن بیزارم.
در طول زندگی هم یار و همراه او باش و همیشه در کنارش باش تا سختی های روزگار بر دوش او سبک شود و به مهربانی تو تکیه کند.
هرکاری را برای دریافت پاداش الهی انجام بده و بسیار دعا کن.

وصلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم

و آخر دعونا ان الحمد لله رب العالمین

کتاب های بیشتر

@miladlohonifard

مراجع

- محمود خليفه: الخطوط الحمراء بين الزوجين، مؤسسة اقرأ للنشر والتوزيع، القاهرة، ٢٠١٠م.
- د. مأمون مبيض: التفاهم في الحياة الزوجية، المكتبة الاسلامي، دمشق، ٢٠١٠م.
- د. عادل هندي: مهارات التواصل بين الزوجين، مؤسسة اقرأ للنشر والتوزيع، القاهرة ٢٠١٠م.
- د. شحاته محروس: الحب و الزواج: أشواك و أشواق، شركة أمان للنشر، القاهرة ٢٠٠٨م.
- د. اسامه ابو سلامه: شريك حياتي.. من فضلك افهمني، دار الاندلس الجديد للنشر، شبرا_مصر، ٢٠٠٨م.
- د. جاسم المطوع: المشاكل الزوجية فوائدها و فن احتوائها، إقرأ للنشر والتوزيع، القاهرة، ٢٠٠٣م.
- فتحي محمد الطاهر: هكذا يبلغ الحب بينهما_ دليلك إلى السعادة الزوجية، دار التوزيع و النشر الاسلامية، القاهرة، ٢٠٠٥م.
- محمد الرشيد العويد: حوار مع صديقي الزوج، دار المحمدي للنشر، جدة، ١٩٩٩م.
- محمد محمد فريد، و د. عبدالله السبيعي: هموم الزوجات، استشارات في الحياة الزوجية، ٢٠٠٦م.
- محمد عبد الحلیم حامد: كيف تسعدين زوجك، دار المنار الحديثة، شبرا_مصر، ١٩٩٤م.
- د. غازي الشمري: قصة نجاح: أبجديات الحياة الزوجية، دار الحضاره للنشر، الرياض، ٢٠١٤م.
- د. عادل العبد الجبار: سري لها، دار الحضاره للنشر، الرياض، ٢٠١٢م.
- جون غراي: الرجال من المريخ والنساء من الزهره، مكتبة جرير، ٢٠١١م.
- د صلاح الراشد: الفرق بين الجنسين، مركز الراشد، ٢٠١٠م.
- د. محمد المهدي: فن السعادة الزوجية، دار اليقين للنشر، المنصورة، ٢٠٠٨م.
- نبيل محمد محمود: المفاتيح الذهبية في احتواء المشكلات الزوجية، الدار العالمية للنشر والتوزيع، الاسكندرية، ٢٠٠٩م.
- جاري سمولي: كيف تستعيد زوجتك قبل فوات الاوان؟، مكتبة جرير، ٢٠١٠م.

- خالد السيد عبد العال: فن صناعة الحب و معاملة الرجال، دار الاندلس الجديدة، شبرا_ مصر، ٢٠٠٩م.
- عكاشة عباد: كيف تصنع بيتا سعيدا؟، مؤسسة بداية للنشر، القاهرة، ٢٠١١م.
- د. حاتم آدم: العلاقات الزوجية، فنون و اسرار، مؤسسة اقرأ للنشر، القاهرة، ٢٠٠٧م.
- د. نجلاء السيد نايل: كوني زوجة ناجحة، براعم للتجارة و التسويق، القاهرة، ٢٠٠٩م.
- د. غازي الشمري: كواليس زوجية، دار طويق للنشر، الرياض، ٢٠١١م.
- عبدالرحمن المحمدي: أسعد الزوجين في العالم، دار المحمدي، جدة ٢٠٠٨م.
- كريم الشاذلي: إلي حبيبين، أجيال، القاهرة، ٢٠٠٦م.
- مار جري روزين: الأسرار للزوج السعيد، مكتبة جرير، ٢٠٠٨م.
- عبدالرحمن القرعاوي: الزوجان في خيمة السعادة، الرياض، ٢٠٠٨م.
- عبدالمنعم قنديل: مدخل الى قلب حواء، مكتبة التراث الإسلامي.
- يوسف ميخائيل أسعد: كيف تعامل زوجتك؟، دار غريب، القاهرة، ١٩٩٩م.
- د. نجاح الزهار: يا معشر الرجال رفقا بالنساء، دار المحمدي، جدة، ٢٠٠٠م.
- اسامه علي متولي: الحياة الزوجية مشكلات و حلول، براعم للتجارة، القاهرة، ٢٠٠٧م.
- نبيل محمد محمود: للبيوت أسرار، دار الصميدعي للنشر، الاسكندرية، ٢٠٠٦م.
- نصر التهامي: النصائح الذهبية للسعادة الزوجية، دار الفنار، الإسكندرية، ٢٠٠٧م.
- عماد الحكيم: كيف تصلين إلي قلب زوجك؟، دار الغد الجديد، القاهرة، ٢٠٠٨م.
- د. جون جاكوبس: كيف تنقذ حياتك الزوجية قبل فوات الاوان؟، مكتبة جرير، ٢٠١٠م.
- عماد الحكيم: كيف تصل إلي قلب زوجتك؟، دار الغد الجديد، القاهرة، ٢٠٠٨م.
- د. ياسر نصر: فن التعامل مع الزوج العنيد و الزوجة العنيدة، مؤسسة بداية، القاهرة، ٢٠١١م.

- محمد الرشيد العويد: حتى لا يقع الطلاق، مكتبة المنار الاسلامية، الكويت، ٢٠٠٢م.
- أشرف شاهين: ١٠١ فكرة عملية لتكويّن زوجة مثالية، مؤسسة اقرأ للنشر والتوزيع، القاهرة، ٢٠٠٧م.
- بثينة السيد العراقي: أسرار الزواج السعيد، دار طويق للنشر، الرياض، ٢٠٠٠م.
- د. دون جو أمان: المبادئ الأساسية السبعة لإنجاح الزواج، مكتبة جرير، ٢٠١٠م.
- د. نجلاء الظهار: نادي السعادة الزوجية، دار الاندلس الخضراء، جدة، ٢٠٠٠م.
- أشرف شاهين: حتى تراك زوجتك أفضل زوج، مؤسسة اقرأ للنشر، القاهرة، ٢٠٠٩م.
- عكاشة عباد: كيف تصنعين بيتا سعيدا؟، مؤسسة بداية للنشر، القاهرة، ٢٠١١م.
- د. محمد أبو فرحة: أنا و أسرتي و الحياة، مؤسسة بداية للنشر، ٢٠١٠م.
- عامر شماخ، أسماء خليل: فيروسات السعادة الزوجية، مؤسسة اقرأ للنشر، القاهرة، ٢٠٠٨م.
- د. فيليب ماكجرو: كيف تنقذ علاقتك الزوجية من الانهيار، مكتبة جرير، ٢٠١١م.
- محمد رشيد العويد: قالت لي جدتي، دار ابن حزم، بيروت، ١٩٩٩م.
- نهاد سيد أويس على: الخلافات شبح يهدد الحياة الزوجية، دار الحضارة للنشر، الرياض، ٢٠٠٨م.
- د. نجاح أحمد الظهار: يا معشر النساء رفقا بالرجال، دار المحمدي، جدة، ١٩٩٩م.
- محمود طعمة حلبي: تحفة العروسين: الزواج الاسلامي السعيد، دار المعرفة، بيروت، ٢٠١٠م.
- د. على بن فارس العمري: بدون عنوان، الزوجات: أفكار.. أسرار.. حوار.. الرياض، ٢٠١١م.
- خولة عبد القادر درويش: السعادة الزوجية، دار المحمدي، جدة، ٢٠٠٨م.
- عادل فتحي عبدالله: كيف تجعل زوجتك تحبك؟، دار الايمان، الإسكندرية، ٢٠٠٣م.
- حسان شمسي باشا: أسعد نفسك و أسعد الآخرين، دار القلم، دمشق، ٢٠١٣م.